

روان شناسی و دین

سال پانزدهم، شماره اول، پیاپی ۵۷، بهار ۱۴۰۱



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

فصل نامه «روان شناسی و دین» به استناد ماده واحده مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی و بر اساس نامه شماره ۱۰۴/الف مورخ ۱۳۹۰/۳/۲۱ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی وابسته به شورای عالی حوزه‌های علمیه، از شماره ۹ حائز رتبه «علمی - پژوهشی» گردید.

مدیر مسئول

محمدناصر سقایی بی‌ریا

سر دبیر

محمد رضا احمدی

مدیر اجرایی

امیرحسین نیک‌پور

صفحه‌آرا

مهدی دهقان

ناظر چاپ

حمید خانی

چاپ

زرم

سامانه ارسال و پیگیری مقالات
Nashriyat.ir/SendArticle

اعضای هیئت تحریریه

محمد رضا احمدی

استادیار روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علیرضا اعرافی

دانشیار علوم تربیتی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

غلامعلی افروز

استاد روان‌شناسی دانشگاه تهران

محمد کریم خداپناهی

استاد روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شهید بهشتی

محمد جواد زارعان

دانشیار علوم تربیتی جامعه‌المصطفی العالمیه

محمد ناصر سقایی بی‌ریا

استادیار علوم تربیتی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

عباسعلی شاملی

دانشیار علوم تربیتی جامعه‌المصطفی العالمیه

سید محمد غروی

دانشیار روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

علی فتحی آنتیانی

استاد روان‌شناسی بالینی دانشگاه علوم پزشکی بقیة الله

نشانی: قم، بلوار امین، بلوار جمهوری اسلامی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی

امام خمینی، طبقه چهارم، اداره کل نشریات تخصصی

تحریریه ۳۲۱۱۳۴۷۹ - مشترکان ۳۲۱۱۳۴۷۴ - دورنگار ۳۲۹۳۴۴۸۳ (۰۲۵)

صندوق پستی ۳۷۱۶۵-۱۸۶

بیامک: ۱۰۰۰۲۵۳۲۱۱۳۴۷۳

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir

فروشگاه اینترنتی: http://eshop.iki.ac.ir

نمایه در:

sid.ir & isc.gov.ir & magiran.com & noormags.ir

اهداف و رویکرد نشریه روان‌شناسی و دین

روان‌شناسی و دین فصل‌نامه‌ای علمی - پژوهشی در زمینه روان‌شناسی است که با هدف انتشار مطالعات مرتبط با مناسبات بین روان‌شناسی و دین اسلام در موارد زیر منتشر می‌شود:

۱. نظریه‌پردازی به منظور پایه‌ریزی مکتب روان‌شناسی اسلامی؛
۲. تبیین فلسفه روان‌شناسی اسلامی (مبانی، اصول، ماهیت، روش)؛
۳. نقد فلسفه روان‌شناسی معاصر (مبانی، اصول، ماهیت، روش)، بر اساس مبانی اسلامی؛
۴. نقد رویکردها و دیدگاه‌های موجود در روان‌شناسی معاصر، بر اساس مبانی و منابع اسلامی؛
۵. روش‌شناسی استنباط موضوعات و مسائل روان‌شناختی از منابع اسلامی؛
۶. بومی‌سازی دانش روان‌شناسی با توجه به فرهنگ اسلامی ایرانی.

ضمن استقبال از دستاوردهای تفکرات و تأملات روان‌شناختی، پیشنهادها و انتقادهای شما را در مسیر کمال و بالندگی نشریه پذیراییم. خواهشمندیم مقالات خود را از طریق تارنمای نشریه ارسال فرمایید.

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

اشتراک: قیمت هر شماره مجله، ۳۰۰۰۰۰ ریال، و اشتراک چهار شماره آن در یک سال، ۱۲۰۰۰۰۰ ریال است. در صورت تمایل، وجه اشتراک را به حساب سیبا ۰۱۰۵۹۷۳۰۰۱۰۰۰ بانک ملی، واریز، اصل فیش بانکی یا تصویر آن را همراه با برگ اشتراک به دفتر مجله ارسال نمایید.

راهنمای تهیه و تنظیم مقالات

الف) شرایط عمومی

۱. مقالات ارسالی باید برخوردار از صبغه تحقیقی-تحلیلی، ساختار منطقی، انسجام محتوایی، و مستند و مستدل بوده و با قلمی روان و رسا به زبان فارسی نگارش یافته باشند.
۲. مقالات خود را در محیط WORD با پسوند Doc از طریق تارنمای نشریه به <http://nashriyat.ir/SendArticle> ارسال نمایید.
۳. حجم مقالات حداکثر در ۲۵ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) تنظیم شود. از ارسال مقالات دنباله‌دار جدا خودداری شود.
۴. مشخصات کامل نویسنده شامل: نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی / تحصیلات، نشانی کامل پستی، نشانی صندوق الکترونیکی، شماره تلفن تماس، شماره دورنگار، مؤسسه علمی وابسته، همراه مقاله ارسال شود.
۵. مقالات ارسالی نباید قبلاً در نشریات داخلی و یا خارجی و یا به‌عنوان بخشی از یک کتاب چاپ شده باشند. و نیز همزمان برای چاپ به سایر مجلات علمی ارسال نشده باشند.
۶. از ارسال مقالات ترجمه شده خوداری شود. نقد مقالات علمی و یا آثار و کتاب‌های منتشر شده، که حاوی موضوعات بدیع یا نکات علمی ویژه، که با مقتضیات و نیاز جامعه علمی تناسب داشته باشد، امکان چاپ دارند. البته، چاپ مقالات پژوهشی و تألیفی بر این‌گونه مقالات اولویت خواهد داشت.

ب) نحوه تنظیم مقالات

- مقالات ارسالی باید از ساختار علمی برخوردار باشند؛ یعنی دارای عنوان مشخصات نویسنده، چکیده، کلیدواژه‌ها، مقدمه، بدنه اصلی، نتیجه و فهرست منابع باشند.
۱. چکیده: چکیده فارسی مقاله (در صورت امکان به همراه چکیده انگلیسی) حداکثر ۱۵۰ کلمه تنظیم گردد و به اختصار شامل: بیان مسئله، هدف پژوهش، روش و چگونگی پژوهش و اجمالی از یافته‌های مهم پژوهش باشد. در چکیده از طرح فهرست مباحث یا مرور بر آنها، ذکر ادله، ارجاع به مأخذ و بیان شعاری خودداری گردد.
 ۲. کلیدواژه‌ها: شامل حداکثر ۷ واژه کلیدی مرتبط با محتوا که ایفاکننده نقش نمایه موضوعی مقاله باشد.
 ۳. مقدمه: در مقدمه مقاله، مسئله تعریف، به پیشینه پژوهش اشاره، ضرورت و اهمیت پژوهش طرح، جنبه نوآوری بحث، سؤالات اصلی و فرعی، تصویر اجمالی ساختار کلی مقاله بر اساس سؤالات اصلی و فرعی مطرح و مفاهیم و اصطلاحات اساسی مقاله تعریف گردد.
 ۴. بدنه اصلی: در سامان‌دهی بدنه اصلی مقاله، یکی از شرایط زیر لازم است:
 - الف - ارائه کننده نظریه و یافته جدید علمی؛
 - ب - ارائه کننده تقریر و تبیین جدید از یک نظریه؛
 - ج - ارائه کننده استدلال جدید برای یک نظریه؛
 - د - ارائه نقد جامع علمی یک نظریه.
 ۵. نتیجه گیری: نتیجه بیانگر یافته‌های تفصیلی تحقیق است که به‌صورت گزاره‌های خبری موجز بیان می‌گردد. از ذکر بیان مسئله، جمع‌بندی، مباحث مقدماتی، بیان ساختار مباحث، ادله، مستندات، ذکر مثال یا مطالب استطرادی در این قسمت خودداری شود.
 ۶. فهرست منابع: اطلاعات کتاب‌شناختی کامل منابع و مأخذ تحقیق (عم از فارسی، عربی، و لاتین) در انتهای مقاله بر اساس شیوه زیر آورده می‌شود:
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال نشر) نام کتاب، (ترجمه یا تحقیق)، نوبت چاپ، محل نشر، ناشر.
 - نام خانوادگی و نام نویسنده، (سال و ماه یا فصل نشر) «عنوان مقاله»، نام نشریه، شماره نشریه، صفحات ابتدا و انتهای مقاله.
 - آدرس‌دهی باید بین متنی باشد: (نام نویسنده، سال نشر، صفحه)

ج) یادآوری

۱. حق رد یا قبول و نیز ویرایش مقالات برای مجله محفوظ است.
۲. مجله حداکثر پس از شش ماه از دریافت مقاله، نتیجه پذیرش یا عدم پذیرش را به نویسنده اطلاع خواهد داد.
۳. حق چاپ مقاله پس از پذیرش برای مجله محفوظ و امکان نقل مطالب در جای دیگر با ذکر نشانی نشریه بلامانع است.
۴. مطالب مقالات مبین آراء نویسندگان آنهاست و مسئولیت آن نیز بر عهده آنهاست.
۵. مقالات دریافتی، نرم‌افزارها، و... در صورت تأیید یا عدم تأیید بازگردانده نمی‌شود.

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی / ۷

سیداسماعیل علوی / کله علی ابوترابی

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات / ۲۱

کله احد امیدی / حمید رفیعی‌هنر / محمدناصر سقایی‌ریا

تدوین پروتکل درمانی با طراحی «معنوی - مذهبی» برای زوجین متقاضی طلاق و ... / ۴۱

کله فاطمه بیان‌فر / علی پرمی

پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی بر پایه تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه تاریک شخصیت / ۶۳

مینو یکی‌تا / کله ناصر آقابابائی / مریم بهنام مرادی

نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی / ۷۹

کله ملیحه رحیمی / علی زاده‌محمدی / باقر غباری بناب

نقش خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی در پیش‌بینی شادکامی / ۹۷

کله حسین رضائیان بیلندی / معصومه اسماعیلی مؤخر / علی بیات

نقد روان‌شناسانه شخصیت شهید در قصیده «شهداؤنا» سروده فاروق جویده براساس نظریه مزلو / ۱۱۳

سکینه محب‌خواه / کله محسن سیفی / مصطفی جوانرودی

دینداری و تاب‌آوری؛ نقش واسطه‌ای امیدواری / ۱۳۱

رقیه زینبی / کله مبین صالحی

رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده؛ نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی / ۱۴۹

کله جعفر هوشیاری / حسن تقییان / مهناز محسنی / معصومه حلیمی

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی

alavi@iki.ac.ir

aliabootorabi@yahoo.com

سیداسماعیل علوی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

علی ابوترابی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۳ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۲۵

چکیده

هدف این پژوهش تدوین پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی و شناسایی ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار و روایی) آن است. برای استخراج مؤلفه‌های ارزش فرزندان، از روش تحلیل محتوا و برای بررسی ویژگی‌های پرسش‌نامه از روش پیمایشی استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، آموزه‌های دین جمع‌آوری، طبقه‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفت و چهار مؤلفه از منابع اسلامی استخراج گردید. در روش پیمایشی، ارزیابی روایی و اعتبار پرسش‌نامه، در نمونه ۱۱۲ نفری از جامعه آماری زنان و مردان متأهل مراجعه‌کننده به غرفه‌های مشاوره خانواده، در شهر تهران انتخاب شده بودند. یافته‌ها نشان داد که پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان از نظر روایی‌سنجی محتوایی، ملاکی و سازه‌ای از روایی لازم و بالایی برخوردار است. در بررسی روایی محتوا، مؤلفه‌های دارای شاخص CVI، ۰/۸۶ به بالا مورد تأیید قرار گرفت که شامل چهار مؤلفه، ارزش ذاتی، امنیت‌بخشی، رشد و تعالی، لذت‌بخشی می‌باشد. همچنین گویه‌های دارای شاخص CVI، ۰/۸۶ به بالا مورد تأیید قرار گرفت. اعتبار این پرسش‌نامه، با محاسبه آلفای کرونباخ، برابر ۰/۹۶۴ می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: ارزش فرزندان، پرسش‌نامه، منابع اسلامی، اعتبار، روایی.

یکی از ارزش‌های جدایی‌ناپذیر خانواده در ایران، «فرزند» است. بسیاری از روابط خانوادگی، از جمله ازدواج، براساس داشتن فرزندان شکل گرفته، و معنا پیدا می‌کند (اوجاقلو و همکاران، ۱۳۹۳). مطالعات جمعیتی ایران، در سه دهه اخیر نشان می‌دهد که نرخ باروری کل (TFR)، از ۷ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۵۸، به ۱/۶۵ فرزند به ازای هر زن در سال ۱۳۹۹ رسیده است (فتحی، ۱۴۰۰، ص ۱۴). در حال حاضر، هرم سنی جمعیت ایران در حال انتقال از جوانی به سالم‌خوردگی است. بدین ترتیب، اگر نقطه شروع کاهش اساسی و مستمر فرزندآوری در ایران را سال ۱۳۶۵ در نظر بگیریم، تا سال ۱۴۲۵ ساختار جمعیت ایران، کاملاً سالم‌خورده خواهد بود (کلانتری و همکاران، ۱۳۸۹).

اندیشمندان اجتماعی، تبیین‌های متفاوتی از تحولات فرزندآوری دارند که می‌توان آنها را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی کرد: دسته نخست، تبیین‌هایی که بر تغییرات ساختاری جامعه در تغییرات خانواده تأکید دارند و از آنها به‌عنوان تبیین‌های ساختاری یاد می‌شود؛ دسته دوم، بیشتر بر نقش تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها، در تحلیل تغییرات خانواده تأکید کرده‌اند و به نام تبیین‌های «ایده‌ای» شناخته می‌شوند. به‌عبارت‌دیگر، عوامل اثرگذار در رفتارهای فرزندآوری را می‌توان در دو سطح کلان و خرد بررسی کرد. در سطح کلان (عوامل زمینه‌ای)، تأثیر عوامل اجتماعی، محیطی، سیاسی و فرهنگی در رفتار فرزندآوری شناسایی می‌شود. درحالی‌که در سطح خرد، تأثیر عواملی نظیر ارزش‌ها، انگیزه‌ها، آرزوها و گرایش‌های فردی در رفتار فرزندآوری بررسی می‌گردد (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۹۹). نتایج مطالعات مختلف نشان داده که ارزش فرزندان، عامل مؤثری در فرایند تصمیم‌گیری و رفتار باروری است. کاهش ارزش فرزند، افزایش هزینه و کاهش منافع ناشی از داشتن فرزند زیاد، به‌منزله برخی از دلایل کاهش باروری مطرح است (رازقی و سربای، ۱۳۹۳). تغییر در نحوه ارزش‌گذاری والدین بر فرزندان، یکی از علل تغییر باروری در سطح خرد است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

ارزش فرزندان، به کارکردهایی اشاره می‌کند که فرزندان ارائه می‌دهند؛ نیازهایی که فرزندان برای والدین‌شان برآورده می‌کنند و یا منفعی که برای آنها دارند. به‌طورکلی، مجموعه چیزهای مثبت و منفی هستند که والدین با داشتن فرزند، دریافت می‌کنند. ارزش‌های مثبت، منافع داشتن فرزند و ارزش‌های منفی، هزینه‌های فرزند را شامل می‌شوند. ارزش فرزندان، مفهومی است که مطابق تحولات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تغییر می‌یابد. این مفهوم، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روان‌شناختی بررسی می‌شود (هافمن و هافمن، ۱۹۷۳، ص ۲۰-۳۰).

پژوهشگران بیش از سه دهه است که ارزش فرزندان را از منظر والدین مطالعه می‌کنند. ارزشی که والدین از فرزندان درک می‌کنند، زمینه‌ساز انگیزه‌های فرزندآوری و باروری است. ارزش فرزندان، برای شفاف کردن اهداف و انتظارات والدین درباره فرزندان، روابط و تفاوت‌های بین‌نسلی و مجموعه‌ای از عوامل آشکارکننده و جایگاه فرزند در خانواده و جامعه اهمیت دارد (دین و کاجیتسیاسی، ۲۰۱۰). براساس ملاحظات پژوهشی، ارزش فرزندان به روشنی تفاوت‌های بین فرهنگی را در تصمیم‌های فردی رفتار باروری نشان می‌دهد. این مفهوم، به دلیل متأثر شدن از

تغییرات جامعه و زمینه‌های اجتماعی - فرهنگی، موضوعی است که براساس نوع جامعه، در حال تغییر است و پیامدهای متنوع و گسترده‌ای را به همراه دارد که تعیین‌کننده مستقیم انگیزه والدین برای داشتن تعداد خاص فرزند و تعیین و تنظیم زمان بچه‌دار شدن در نظر گرفته می‌شود (کاجیتسیاسی، ۱۹۸۲).

نظریه ارزش فرزندان، به منظور ایجاد یک ابزار برای مقایسه بین فرهنگی تصمیمات فرزندآوری والدین مفهوم‌پردازی شد. هافمن و هافمن (۱۹۷۳)، اولین رویکرد را برای مقایسه بین فرهنگی ارزش فرزند ارائه دادند که علاوه بر عوامل اقتصادی، به صراحت عوامل روان‌شناختی - فرهنگی را نیز در نظر گرفتند. آنها یک سیستم ارزشی متشکل از نه مقوله را به وجود آوردند: ۱. هویت اجتماعی؛ ۲. کمال فردی و توسعه خود؛ ۳. اخلاق، مذهب، نوع دوستی؛ ۴. پیوندهای گروه نخستین، عاطفه و مهربانی؛ ۵. انگیزش، تازگی، سرگرمی و شادی؛ ۶. موفقیت و دستیابی شایستگی، آفرینندگی؛ ۷. قدرت اعمال نفوذ؛ ۸. مقایسه اجتماعی و رقابت؛ ۹. سودمندی اقتصادی کودکان (هافمن و هافمن، ۱۹۷۳، ص ۴۶).

فاوست، با توجه به مطالعات مقایسه‌ای، دسته‌بندی دیگری از ارزش مثبت و منفی فرزندان را با عنوان پنج مقوله منافع احساسی (خوشی و سرور در زندگی والدین، و موضوع عشق و محبت، همدمی برای والدین)، منافع و امنیت اقتصادی (کمک در کارهای خانه، سهم داشتن در درآمد خانه، امنیت دوران پیری و...)، تقویت و توسعه خود (تجربه بزرگ و تربیت فرزندان، افزایش مسئولیت‌پذیری والدین، عضو کامل اجتماع پذیرفته شدن زوجین با داشتن فرزند)، کسب هویت با فرزندان (لذت بردن از تماشای رشد فرزندان، افتخار کردن به فضیلت و کمال فرزندان) و پیوستگی و تداوم خانواده (فرزندان فرجام طبیعی ازدواج، کمک به تقویت پیوند ازدواج زن و شوهر، ادامه‌دهنده نام خانوادگی) بیان کرده است. ارزش‌های منفی، یا همان هزینه‌ها را نیز با پنج مقوله هزینه احساسی (نگرانی درباره سلامت فرزندان، رفتار فرزندان)، هزینه اقتصادی (هزینه‌های پوشاک، تحصیل و سایر مخارج فرزندان)، محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت از دست‌رفته (آزادی کمتر در زندگی اجتماعی، زندگی حرفه‌ای و علایق شخصی)، مسائل خانوادگی (مشاجره زن و شوهر بر سر تربیت فرزندان، کم‌رنگ شدن رابطه زن و شوهر) و زحمات جسمی (اضافه شدن کارهای خانگی، کم‌خوابی، خستگی و...) ستجیده است (فاوست، ۱۹۷۴).

اسلام نیز ارزش فراوانی برای فرزندان قائل است. همان‌گونه که پیامبر اکرم ﷺ به/اسلمه فرمودند:

زن باردار مانند روزه‌دار شب‌بیدار و سربازی است که جان و مال را در راه پیشرفت اسلام نثار کند. چون کودک متولد شود، چندان اجر به مادر دهند که جز خدا کسی نداند و چون به او شیر دهد، برای هر مکیدن، ثواب آزاد کردن بنده‌ای از نسل اسماعیل دارد و چون دوران شیرخوارگی کودک پایان یابد، فرشته‌ای بزرگوار دست به پهلوی مادر زند و گوید: عملت را از سر بگیر که تمام گناهان تو آمرزیده شد (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۵۱).

قرآن کریم از فرزندان، به‌عنوان موهبتی الهی (آل عمران: ۳۸؛ ابراهیم: ۳۹)، نور چشم والدین (فرقان: ۷۴؛ قصص: ۹)، زینت‌بخش زندگی (کهف: ۴۶؛ آل عمران: ۱۴) و وسیله آزمایش (انفال: ۲۸) انسان یاد کرده است. فرزند از

دیدگاه معصومان علیهم‌السلام نیز با تعابیری همچون نعمت و برکت (متقی هندی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۶، ح ۴۴۴۲۵)، جگرگوشه (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲)، میوه دل (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۳۳) و نور دیده (طبرسی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۴) یاد شده که مایه خوشبختی (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۳؛ ج ۱، ص ۳۰۶) و یاری کننده (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۶۱) و استغفارکننده والدین می‌باشد. از این رو، فرزند از منظر معصومان علیهم‌السلام بوی بهشتی (ابن فهد حلّی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۶) و گلی از گل‌های بهشت (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۳) قلمداد شده است. ارزش فرزند، به گونه‌ای است که روایات به نگاه کردن (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۱۶۹)، بوسیدن و مهر ورزیدن به فرزندان (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۴۹)، تأکید فراوانی داشته‌اند (علوی، ۱۴۰۰، ص ۱۲۸۲).

برخلاف پرسش‌نامه‌های غربی ارزش فرزندان، برگرفته از نظریات هافمن و فاوست، تاکنون پرسش‌نامه اسلامی ارزش فرزندان وجود ندارد. بنابراین، با عنایت به فرهنگ اسلامی ایران، هرگونه پژوهش علمی در زمینه افزایش جمعیت و فرزندآوری، نیازمند سنجه‌ای مناسب، با رعایت اصول علمی و استانداردهای آزمون‌ی‌شد. برگرفته از منابع اسلامی است تا بتواند میزان ارزش‌های مثبت یا منفی فرزندان، در نظر والدین را تعیین کند.

با توجه به اهمیت ارزش فرزند، در تصمیمات فرزندآوری زوجین، ساخت ابزار معتبری که بتواند این سازه را براساس آموزه‌های دینی اندازه‌گیری کند، ضروری است و می‌تواند مسیر را برای سایر پژوهش‌گران در زمینه‌های مختلف پژوهشی فرزندآوری هموار کند. بنابراین، مسئله اصلی این پژوهش، بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی و تهیه پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی است.

روش پژوهش

این پژوهش، به‌طور کلی از نوع تحقیقات بنیادی (در مقابل تحقیقات کاربردی) است که در پی افزایش قلمرو دانش و آگاهی است (دلاور، ۱۳۸۰، ص ۴۸). از سوی دیگر، می‌توان روش تحقیق در این پژوهش را از نوع «توصیفی» (در مقابل روش تحقیق تاریخی، تجربی، علی) دانست که هدف محقق، توصیف عینی، واقعی و منظم خصوصیات یک موقعیت یا موضوع است (نادری و سیف نراقی، ۱۳۸۷، ص ۳۹). برای تحلیل مؤلفه‌های مفهومی ارزش فرزندان، از جملات موجود در کتب لغت، اصطلاح و متون اسلامی (قرآن و حدیث)، از روش «تحلیل محتوا» برای بررسی محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی، مرتبط با موضوع استفاده شده است. از سوی دیگر، از آنجاکه هدف نهایی این پژوهش، ساخت پرسش‌نامه در زمینه ارزش فرزندان است، این مستلزم ارزیابی روایی و اعتبار آن به‌صورت میدانی است. به‌همین دلیل، می‌توانیم روش تحقیق در این قسمت را «زمینه‌یابی» (پیمایشی) از نوع پرسش‌نامه‌ای دانست.

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مردان و زنان متأهل مراجعه‌کننده به غرفه‌های مشاوره خانواده، شهرداری تهران در دهه اول محرم سال ۱۳۸۹ بودند. حجم جامعه، به‌طور تقریبی برابر با ۱۵۰۰ نفر می‌باشد. پس از آن، تعداد ۱۱۲ نفر (۴۲ مرد و ۷۰ زن)، نفر به‌عنوان نمونه برای پیمایش به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند.

ابزار پژوهش در این تحقیق، مقیاس ارزش فرزندان *فاوست* (۱۹۷۷) هنجارشده توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۶) می‌باشد. مقیاس، دارای ۸ مؤلفه منافع احساسی، هزینه‌های احساسی، تداوم خانواده، کسب هویت با فرزندان، تقویت و توسعه خود، منافع اقتصادی، هزینه‌های اقتصادی و محدودیت‌ها و هزینه‌های فرصت ازدست‌رفته می‌باشد. این مقیاس، در ۴۱ گویه تنظیم شده است. برخی از گویه‌ها، به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. میانگین نمره کل ارزش‌های فرزندان در مقیاس صفر تا صد، برابر $۷۳ \pm ۹/۸$ می‌باشد. در این مقیاس، مقدار ارزش ویژه، درصد واریانس تبیین‌شده با هر مؤلفه نشان داده شده است. همچنین، مقدار بار عاملی هر ۴۱ گویه مشخص شده است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

شیوه اجرا و فرایند ساخت پرسش‌نامه

مراحل ساخت پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی و روش انجام کار به شرح ذیل، پیگیری شده است:

مرحله اول: استخراج مؤلفه‌های ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی بوده که با استفاده از منابع اسلامی شامل آیات قرآن و روایات موجود در منابع اسلامی انجام شد. این مرحله، طی چند گام انجام می‌شود: در گام اول، آیات قرآن و گزاره‌های روایی در موضوع پژوهش جمع‌آوری شد. در گام دوم، گزاره‌های قرآنی و حدیثی، برای دستیابی به مضمون‌های هسته‌ای گزاره‌های تلخیص و مرکزی‌سازی شد؛ در گام سوم، گروه‌بندی گزاره‌های قرآنی و حدیثی، براساس اشتراک موضوعی و ویژگی‌های مفهومی مشترک انجام شد. در گام چهارم، مشخص کردن مؤلفه‌ها به واسطه نام‌گذاری آنها.

مرحله دوم: گویه‌های پرسش‌نامه براساس گزاره‌های دینی تدوین شدند. این کار، با توجه به مؤلفه‌های مفهومی استخراج‌شده و اصول روان‌سنجی انجام شد. برای طراحی گویه‌ها، نکاتی مورد توجه قرار گرفت: محدود کردن هر گزاره به یک مفهوم، به کار بردن ساده‌ترین عبارات و پرهیز از کار بردن گزاره‌های منفی مضاعف، معرف بودن هر گزاره برای یک احساس، طرز فکر یا عقیده (ثرندایک، ۱۳۷۵، ص ۴۹). تعداد گویه‌ها، بیش از گویه‌های نهایی پرسش‌نامه طراحی شد؛ چراکه در مراحل تجدیدنظر و تجزیه و تحلیل، احتمالاً تعدادی از آنها حذف می‌شوند. از این رو، خزانه‌ای متشکل از ۵۷ گویه که گمان می‌رفت با گزاره‌های دینی همگرا هستند، تهیه شد.

مرحله سوم: بررسی روایی‌سنجی محتوایی بود که فرم اولیه پرسش‌نامه، به ۱۴ نفر از کارشناسان متخصص در علوم اسلامی و دارای تحصیلات عالی روان‌شناختی ارائه گردید و از آنها خواسته شد تا میزان مطابقت گویه‌های ساخته‌شده، با مستندات اسلامی را در فرم لیکرتی چهار درجه‌ای (از کاملاً مرتبط تا کاملاً نامرتب) اعلام کنند. همچنین، از آنان خواسته شد تا میزان ضرورت این گویه‌ها را برای آن مؤلفه، در قالب سه عنوان «ضرورت دارد»، «ضرورت ندارد ولی مفید است» و «ضرورت ندارد»، مورد سنجش قرار دهند. طبق قانون محاسبه CVR و

CVI، در صورتی که تعداد ارزیابان ۱۴ نفر باشند، حداقل مقدار CVR (سنجش میزان ضرورت) قابل قبول، بایستی ۰/۵۱ به بالا باشد و در صورتی که نمرات محاسبه شده برای آنها، کمتر از میزان مورد نظر با توجه به تعداد متخصصان ارزیابی کننده سؤال باشد، باید از آزمون کنار گذاشته شوند و حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI (سنجش میزان مطابقت)، برابر با ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI گویه‌ای کمتر از ۰/۷۹ باشد، آن گویه باید حذف شود (فتحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۲۷-۳۰).

مرحله چهارم: اجرای پرسش‌نامه.

مرحله پنجم: بررسی روایی ملاکی و سازه‌ای و اعتبار پرسش‌نامه. پرسش‌نامه ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی (۵۲ سؤال) بر روی ۱۱۲ نفر، از افراد جامعه هدف اجرا گردید. برای سنجش روایی، ملاک از مقیاس ارزش فرزندان (۱۹۷۴)، هنجار شده توسط /حمیدی و همکاران (۱۳۹۶) استفاده شد. سنجش روایی سازه، با استفاده از همبستگی بین آزمون و خرده‌آزمون‌ها به دست آمد. برای به دست آوردن اعتبار آزمون، آلفای کرونباخ دونیمه پرسش‌نامه سنجیده شد و همبستگی بین آنها، به دست آمد. همچنین، از ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن استفاده گردید.

یافته‌های پژوهش

بخش اول: این بخش از یافته‌های پژوهش، شامل استخراج مؤلفه‌های ارزش فرزندان از منابع اسلامی (قرآن کریم و روایات معتبر) است. نتیجه بررسی‌های پژوهش، طبقه‌بندی گزاره‌های دینی در چهار گروه است که هریک، از چهار مفهوم متمایز حکایت می‌کنند. هریک از این مفاهیم، نشانگر معیارهای لازم برای ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی است. این مفاهیم عبارتند از:

۱. ارزش ذاتی فرزندان: برخلاف نظر مادی‌گرایانه دانشمندان غربی، فرزندان علی‌رغم منافع مادی، که برای والدین دارند، از نظر اسلام مطلوب بالاصاله نیز می‌باشند.

۲. امنیت بخشی: این مؤلفه، «نیازهای امنیتی است که به واسطه فرزندان برای والدین و جامعه تأمین می‌شود». این مؤلفه دارای چهار زیرمؤلفه «امنیت نسلی (بقای نسلی)»، «امنیت دوران سالخوردگی»، «امنیت اقتصادی»، «امنیت ملی» است.

۳. رشد و تعالی: این مؤلفه، به معنای این است که «فرزندان ظرفیت‌های بالقوه والدین را در جهت کمال ایشان به شکوفایی و فعلیت می‌رساند». به عبارت دیگر، اینکه فرزندان در حوزه‌های مختلف «فردی، خانوادگی و اجتماعی»، «مادی و معنوی»، «دنیوی و اخروی»، زمینه‌ساز تکامل و پیشرفت به سمت تقرب الهی هستند. این مؤلفه، دارای پنج زیرمؤلفه «کسب مقام مادری»، «کسب پاداش معنوی»، «استجاب دعا»، «تحول اخروی»، «تکامل و فعلیت» است.

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی ♦ ۱۳

۴. لذت‌بخشی: این مؤلفه شامل «منافع احساسی و عاطفی مثبتی است که از طریق فرزندان حاصل می‌گردد. این مؤلفه، دارای دو زیرمؤلفه «احساس نشاط و شادکامی»، «محبت و عشق‌ورزی» می‌باشد.

بخش دوم: براساس هریک از مؤلفه‌های چهارگانه، تعدادی سؤال طراحی شد که مجموع آن به ۵۷ گویه رسید. همان‌طور که گذشت، برای سنجش روایی محتوایی پرسش‌نامه، این سؤالات در قالب جدولی آماده و به ۱۴ نفر از کارشناسان ارائه گردید تا میزان ضرورت و مطابقت گویه‌ها، با مستندات را مورد ارزیابی قرار دهند. نمره لازم برای مطابقت، ۰/۷۹ و برای ضرورت ۰/۵۱ بود که ۵۲ سؤال به تأیید کارشناسان رسید و ۵ سؤال نیز حذف گردید. جدول ۱، سؤالات حذف‌شده و چرایی آن را بیان می‌کند:

جدول ۱: جدول گویه‌های حذف‌شده در روایی محتوایی

مؤلفه‌ها	ارزش کلی	اعتباری	رشد و تعالی	تأییدی
گویه‌های حذف شده	---	---	---	---
پایین بودن CVR و CVI	---	---	---	۲۶
پایین بودن CVR	۱	---	۲۰ و ۱۹ و ۹	---

بخش سوم: پس از اجرای پرسش‌نامه، نتایج مربوط به روایی و اعتبار پرسش‌نامه در این بخش بیان می‌گردد. روایی ملاک این پرسش‌نامه، با مقیاس ارزش فرزندان فاوست (۱۹۷۴)، هنجار شده توسط احمدی و همکاران (۱۳۹۶)، نشان از میزان توافق بالای آنها دارد. ضریب همبستگی، ۰/۶۳۵ در سطح معناداری ۰.۰۱ روایی ملاکی پرسش‌نامه، ارزش فرزند براساس منابع اسلامی را تأیید می‌کند.

برای تعیین روایی سازه، از روش اندازه‌گیری همبستگی هر گویه با نمره کل پرسش‌نامه و همبستگی میان مؤلفه‌ها با هم و همبستگی هریک از مؤلفه‌ها، با نمره کل پرسش‌نامه استفاده شد.

جدول ۲: نمرات همبستگی گویه‌ها با نمره کل پرسش‌نامه

گویه	همبستگی با نمره کل آزمون	گویه	همبستگی با نمره کل آزمون	گویه	همبستگی با نمره کل آزمون	گویه	همبستگی با نمره کل آزمون
۱	۰/۵۴۵**	۱۴	۰/۵۲۵**	۲۷	۰/۶۹۶**	۴۰	۰/۵۷۷**
۲	۰/۶۷۷**	۱۵	۰/۵۳۰**	۲۸	۰/۸۲۶**	۴۱	۰/۶۵۲**
۳	۰/۴۵۲**	۱۶	۰/۳۴۲**	۲۹	۰/۵۵۵**	۴۲	۰/۶۳۶**
۴	۰/۵۵۲**	۱۷	۰/۵۳۴**	۳۰	۰/۵۷۵**	۴۳	۰/۶۶۷**
۵	۰/۵۲۶**	۱۸	۰/۵۶۰**	۳۱	۰/۵۹۴**	۴۴	۰/۷۱۱**
۶	۰/۴۹۸**	۱۹	۰/۷۰۰**	۳۲	۰/۷۶۳**	۴۵	۰/۶۶۴**
۷	۰/۷۳۴**	۲۰	۰/۴۵۹**	۳۳	۰/۵۴۹**	۴۶	۰/۵۵۳**
۸	۰/۸۰۴**	۲۱	۰/۷۳۴**	۳۴	۰/۸۰۴**	۴۷	۰/۷۶۶**
۹	۰/۵۴۷**	۲۲	۰/۶۵۴**	۳۵	۰/۵۸۹**	۴۸	۰/۶۱۹**
۱۰	۰/۷۳۵**	۲۳	۰/۷۳۷**	۳۶	۰/۷۲۱**	۴۹	۰/۷۸۰**
۱۱	۰/۵۵۵**	۲۴	۰/۶۰۵**	۳۷	۰/۵۰۶**	۵۰	۰/۸۰۹**
۱۲	۰/۵۳۱**	۲۵	۰/۷۷۸**	۳۸	۰/۵۷۶**	۵۱	۰/۶۹۹**
۱۳	۰/۵۸۵**	۲۶	۰/۶۸۰**	۳۹	۰/۶۳۳**	۵۲	۰/۶۳۷**

براساس آماره‌های موجود در جدول، همهٔ سؤالات دارای همبستگی مثبت معنادار، با نمره کل آزمون در سطح ۰/۰۱ بودند. این امر نشان از اعتبار بالای آزمون می‌باشد. بنابراین، تعداد گویه‌های پرسش‌نامه ارزش فرزندان اسلامی در نهایت، برابر با ۵۲ گویه شد.

برای بررسی روایی سازه، همبستگی میان مؤلفه‌ها با هم و با نمرهٔ کل پرسش‌نامه مورد سنجش قرار گرفت که نتایج مربوط به آن، در جدول (۶) آمده است:

جدول ۳: ماتریس همبستگی مؤلفه‌ها با هم و با نمره کل

نمره کل	مؤلفه ۱	مؤلفه ۲	مؤلفه ۳	مؤلفه ۴
مؤلفه ۱ (ارزش ذاتی)	۱			
مؤلفه ۲ (امنیت‌بخشی)	۰/۸۲۲**	۱		
مؤلفه ۳ (رشد و تعالی)	۰/۷۹۴**	۰/۸۶۹**	۱	
مؤلفه ۴ (لذت‌بخشی)	۰/۵۱۳**	۰/۶۴۲**	۰/۷۲۹**	۱
نمره کل پرسش‌نامه	۰/۸۵۸**	۰/۹۵۷**	۰/۹۵۹**	۰/۷۸۰**

همان‌گونه که در جدول (۶) ملاحظه می‌شود، بین تمام مؤلفه‌ها با هم و با نمره کل پرسش‌نامه، همبستگی مثبت معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. علاوه بر این، همبستگی میان مؤلفه‌های پنج‌گانه، کمتر از همبستگی بین هریک از عوامل با کل پرسش‌نامه است که مجموع این نتایج، روایی سازه پرسش‌نامه را تأیید می‌کند.

برای سنجش قابلیت اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی استفاده شد و برای برآورد همسانی درونی آزمون در این پژوهش، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. نتیجه آن، چنین شد که آلفای این پرسش‌نامه ۰/۹۶۴ بود که این امر، نشانگر اعتبار بالای آزمون است. همچنین، برای سنجش اعتبار و پایایی آزمون، آلفای کرونباخ دونیمه پرسش‌نامه نیز سنجیده شد و همبستگی بین آنها به دست آمد. همچنین، از ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن استفاده گردید که نتایج آن در جدول (۷) قابل مشاهده است.

جدول ۴: آماره‌های اعتبار پرسش‌نامه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	مقدار	۰/۹۳۳
		تعداد گویه‌ها	۲۶
	نیمه دوم	مقدار	۰/۹۴۱
		تعداد گویه‌ها	۲۶
	مجموع گویه‌ها		۵۲
همبستگی بین دو فرم			۰/۹۰۵
ضریب اسپیرمن-براون		تساوی تعداد گویه‌ها	۰/۹۵۰
		عدم‌تساوی تعداد گویه‌ها	۰/۹۵۰
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن			۰/۹۴۸
نیمه اول: گویه‌های ۱ تا ۲۶ - نیمه دوم: گویه‌های ۲۷ تا ۵۲			

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی ♦ ۱۵

همان‌گونه که در جدول (۷) آشکار است، ضریب اسپیرمن - براون برابر با ۰/۹۵۰ است. میزان همسانی درونی، براساس ضریب دونیمه‌سازی گاتمن در این مرحله، ۰/۹۴۸ است. همچنین، همبستگی بین دو فرم در اجرای نهایی برابر با ۰/۹۰۵ است. ضریب آلفای نیمه اول، (۰/۹۲۳) و ضریب آلفای نیمه دوم، (۰/۹۴۱) است. بنابراین، همسانی درونی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان، براساس منابع اسلامی از سطح بالایی برخوردار است.

بخش پنجم: شیوه نمره‌گذاری و آماده‌های توصیفی: پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی، به‌صورت لیکرت پنج درجه‌ای طراحی شده است. در این پرسش‌نامه، به ۶ سؤال (۳۱، ۲۰، ۱۲، ۱۱، ۱۰، ۳)، نمره معکوس تعلق می‌گیرد. در اجرای پرسش‌نامه اولیه در نمونه ۱۱۲ نفری، مشخص شد که حداقل نمره (۵۵) نشانگر ارزش پایین برای فرزندان و حداکثر نمره (۱۸۵) بیانگر ارزش بالا برای فرزندان، که در جدول (۸) مشاهده می‌شود.

جدول ۵: آماده‌های توصیفی پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی

تعداد نمونه	پایین‌ترین نمره	بالترین نمره	میانگین	انحراف استاندارد
۱۱۲	۵۵	۱۸۵	۹۶/۵۲	۳۹/۹۵

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، ساخت پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان براساس منابع معتبر اسلامی (قرآن و احادیث) و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی (رواسازی و اعتباریابی) آن بوده است. این مهم، در دو بخش استخراج مؤلفه‌ها و بخش دوم ویژگی‌های روان‌سنجی است.

مؤلفه‌های استخراج‌شده از منابع اسلامی، درباره ارزش فرزندان نشان می‌دهد که این مفهوم از چهار مؤلفه اصلی تشکیل شده که عبارتند از: ارزش ذاتی، رشد و تعالی، لذت‌بخشی، امنیت‌بخشی.

مؤلفه اول، «ارزش ذاتی» فرزندان است. فرزندان، دارای ارزش ذاتی بوده و مطلوب بالاصاله می‌باشند. در مقابل نگرش غربی، که نگاه ابزاری و وسیله‌ای به فرزندان دارند، اسلام فرزندان را مطلوب بالاصاله می‌داند.

براساس منابع اسلامی، یک میل اصیل و مستقل فطری به فرزندان، در نهاد انسان وجود دارد. همین، علت را متفکران اسلامی، تفاوت روشنی میان دو انگیزه مال دوستی و فرزنددوستی دانسته‌اند.

علاقه به مال، اصیل نیست، بلکه به‌عنوان وسیله‌ای برای تأمین سایر نیازمندی‌ها، مطلوب است. اما فرزند را می‌توان گفت: اصالتاً، مطلوب است و خواست مستقل فطری به آن تعلق می‌گیرد. از اینجاست که می‌بینیم کسانی که از داشتن فرزند، محرومند، آرام و قرار ندارند و به شدت احساس این کمبود، آنان را رنج می‌دهد و از روی ناچاری حاضر می‌شوند که فرزندخوانده برای خود برگزینند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۲۷۳).

همچنین، در روایتی از رسول خدا ﷺ چنین آمده است: «همه نوزادان با فطرت اسلام به دنیا می‌آیند و این پدران آنها هستند که ایشان را یهودی و نصرانی و مجوسی می‌کنند» (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۳۲). زمانی که

حضرت موسی علیه السلام از خداوند سؤال می‌کند: «کدام اعمال فضیلتش در نزد تو بیشتر است، پاسخ آمد: محبت و دوستی با کودکان؛ زیرا که فطرت ایشان بر توحید من بنا شده است» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۶۱۵).

منابع اسلامی، علل اصلی برخی از احکام را ابقای نسل و افزایش فرزندان می‌دانند. همان‌گونه که یکی از اهداف اصلی ازدواج، کثرت فرزندان است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۷۴). برخلاف جوامع مدرن، که ازدواج را صرفاً وسیله‌ای برای لذت‌بری جنسی می‌دانند، آموزه‌های اسلامی، هدف از خلقت زیبایی زنان را نیز تولید نسل دانسته است (مفضل بن عمر، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۸). امام صادق علیه السلام، در *توحید مفضل*، علت شهوت جنسی را دوام نسل می‌داند و به *مفضل* می‌فرماید:

شهوت (لذت جنسی)، محرک بر جماع است که دوام نسل و بقای نوع انسانی به آن است... و اگر حرکت جماع فقط برای فرزندآوری بود، بعید نبود که فرد سستی ورزد و اقدام به فرزندآوری نکند تا نسل کم شود یا منقطع گردد؛ زیرا که هستند بعضی مردم که رغبت به فرزند و اعتنائی به شأن آن ندارند (همان).

محمدمدین *سنان* می‌گوید:

حضرت ابی‌الحسن الرضا علیه السلام در جواب مسائل من، مکتوبی ارسال داشته و در آن مرقوم فرمودند: «علت حرام بودن جنس ذکور برای ذکور و اناث برای اناث، آن است که نسل قطع شده و چاره‌جویی باطل و دنیا خراب می‌گردد (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۹۲).

این مستندات خود گویای این مطلب هستند که فرزندان دارای ارزش ذاتی بوده و مطلوب بالاصاله می‌باشند. همه امیال نفسانی، که به‌صورت فطری در وجود انسان نهاده شده، در میل اصلی «حب ذات» ریشه دارند و همه آنها، از فروع و شاخه‌های این میل اصلی هستند» (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۲). چند گرایش در نفس ایجاد می‌شوند که در واقع، شاخه‌ها و کانال‌های اصلی ظهور فعالیت‌های انسان هستند و می‌توان آنها را غرایز اصلی تلقی کرد. منظور از غرایز اصلی، سه نوع گرایش، حب بقاء، حب کمال و لذت است که از نفس سرچشمه می‌گیرند و همه تلاش‌های انسان، توسط این سه گرایش انجام می‌گیرند؛ به نوبه خود، این سه کانال اصلی نیز مظاهر گوناگون خوددوستی و حب نفس خواهند بود (همان، ص ۴۱).

بقا و جاودانگی، والاترین آرزوی بشر است، آدمی برای اینکه این نیاز خود را ارضا کند، علاقه به بقای نام و داشتن فرزند پیدا می‌کند. بنابراین، میل به داشتن فرزند و اینکه انسان دوست دارد آثار و بقایایی از خود به جای بگذارد و دیگران پس از مرگ وی از او به نیکی یاد کنند، همه نمودهایی از انگیزه بقا و کمال خواهی انسان دارد (شجاعی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).

مؤلفه دوم ارزش فرزندان، «امنیت‌بخشی» است. ناظر به همین نیاز به بقا و جاودانگی است. فرزندان امنیت بقای نسلی را برای والدین فراهم می‌آورد و امنیت دوران سالخوردگی (انبیاء: ۸۹؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶ ص ۷) و امنیت اقتصادی (نوح: ۱۰-۱۲) و امنیت ملی (اعراف: ۸۶؛ اسراء: ۶) را نیز فراهم آورده که بقای فرد و جامعه را به‌دنبال خواهد داشت.

مؤلفه سوم ارزش فرزندان، «رشد و تعالی» است که پس از بقا و جاودانگی مطرح می‌شود؛ چراکه هیچ تکاملی بدون بقا امکان‌پذیر نیست و اصولاً فرض کمال، در جایی است که انسان باقی بماند. در کمال‌خواهی، انسان به دنبال نوعی افزایش کمی یا کیفی یا شکوفایی است و می‌خواهد چیزهایی را به‌دست آورد تا بهره‌ء وجودی‌اش بیشتر شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۵). فرزندان در حوزه‌های مختلف «فردی، خانوادگی و اجتماعی»، «مادی و معنوی»، «دنیوی و اخروی»، زمینه‌ساز تکامل و پیشرفت والدین و جامعه هستند و زمینه‌ء رشد و تعالی، و فعلیت‌بخشی ظرفیت‌های بالقوه والدین را فراهم می‌آورند (علوی، ۱۳۹۸، ص ۱۷۴-۱۷۷).

فرزندان، علاوه بر کمال‌بخشی دنیوی برای والدین خود، زمینه‌ء تکامل و تعالی اخروی را نیز فراهم می‌آورند. سختی‌ها و مشکلات بارداری و تربیت فرزندان، در آموزه‌های اسلامی ارزشمند بوده و اسباب بخشش همه گناهان والدین و زمینه‌ساز تقرب و کسب مقامات ملکوتی می‌باشند. روزی / *اسلمه* نزد پیامبر ﷺ رسید و عرض کرد: «همه افتخارات، نصیب مردان شده است؛ زنان چه سهمی از این افتخارات را دارند؟ پیامبر ﷺ فرمود: آری (زنان هم افتخارات فراوانی دارند)! هنگامی که زن، باردار می‌شود، در مدت حمل به‌منزله روزهدار و شب‌زنده‌دار و مانند کسی است که با جان و مال در راه خدا جهاد می‌کند. چون وضع حمل می‌کند، خدا آن قدر به او پاداش می‌دهد که هیچ‌کس اندازه‌اش را نمی‌داند. هنگامی که فرزندش را شیر می‌دهد، در برابر هر مکیدن کودک، خداوند پاداش آزاد کردن برده‌ای از فرزندان اسماعیل را به او می‌دهد و هنگامی که دوران شیرخوارگی کودک تمام شود، یکی از فرشتگان بزرگوار خداوند بر پهلوی او می‌زند و می‌گوید: اعمال خود را از نو آغاز کن؛ چراکه خداوند همه گناهان تو را بخشیده است» (جرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۵۱).

«کسب مقام مادری»، در مقابل اندیشه‌های فمینیستی است که به تخریب جایگاه و منزلت مادری می‌پردازد. آموزه‌های اسلامی، جایگاه ویژه و ملکوتی برای مادر قائل هستند. امام سجاده علیه السلام در رساله حقوق می‌فرماید: «و حقوق خویشانت بسیار است که بستگی به دور و نزدیک بودن نسبت خانوادگی با ایشان دارد، واجب‌ترین آنها بر تو حق مادر است. بعد حق پدرت، بعد حق فرزندت و پس از آن برادرت. سپس به همین ترتیب» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۷، ص ۱۲).

چهارمین مؤلفه ارزش فرزندان، «لذت‌بخشی» است. هرکس با اندکی تأمل در وجود خویش، به‌روشنی درک می‌کند که بالفطره طالب لذت، خوشی و راحتی و گریزان از درد و رنج و ناراحتی است و تلاش و کوشش‌های خستگی‌ناپذیر زندگی، برای دست یافتن به لذایذ بیشتر، قوی‌تر و پایدارتر و فرار از آلام، رنج‌ها و ناخوشی‌ها و دست‌کم کاستن آنها انجام می‌گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۱). در سعادت، لذت پایدار نهفته است و اگر ممکن بود کسی در زندگی همیشه لذت ببرد، او کاملاً سعادتمند بود، ولی از آنجاکه زندگی خالی از درد و رنج وجود ندارد، می‌توان گفت: سعادتمند در این جهان کسی است که لذت‌های وی از نظر کیفیت یا کمیت نسبت به درد و

رنج‌هایش برتری و فزونی دارد و در آن، دو ویژگی لحاظ می‌شود: ۱. از جهت کیفی، برتری؛ ۲. از جهت کمی دوام (همان، ص ۳۲). بنابراین، منظور از مؤلفه «لذت‌بخشی» در ارزش فرزندان، لذت‌بخشی صرفاً مادی و جسمانی نیست، بلکه لذت‌بخشی سعادت‌نگر مدنظر می‌باشد؛ یعنی لذتی که در آن دو ویژگی برتری و دوام نهفته است.

فرزندان مایه «نشاط و شادکامی» والدین خود هستند. نگاه به چهرهٔ فرزند، می‌تواند نشاطی وصف‌ناشدنی برای والدین به ارمان آورد و موجب سلامت روانی‌شان شود. از این‌رو، وقتی که از امام صادق ع سؤال می‌کنند که از بهترین چیزها برای آدمی چیست؟ می‌فرماید: نگاه کردن به فرزند جوانی که در حضور والدین است» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۷۲). برخی آیات و روایات، فرزندان را مایه چشم‌روشنی و خشنودی والدین در دنیا و آخرت دانسته‌اند. هنگامی که اولیای الهی می‌گویند: «پروردگارا! ما را از سوی همسران و فرزندانمان (چشم‌روشنی) خوشدلی و خوشحالی بخش و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده» (فرقان: ۷۴). رسول خدا ص می‌فرماید: طلب فرزند کنید، و پافشاری نمایید، به‌رستی که فرزند روشنایی چشم است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۲۴). همچنین این لذت مختص دنیا نبوده، بلکه در آخرت نیز پایدار و باقی است، امام صادق ع دربارهٔ کلام خداوند متعال که می‌فرماید: «و کسانی که ایمان آورده‌اند و فرزندان‌شان در اعتقاد از آنان پیروی نموده‌اند، آن فرزندان را به آنها ملحق خواهیم کرد... رفتار فرزندان از اعمال پدران کمتر خواهد شد، پس عمل فرزندان را به اعمال پدران ملحق خواهند ساخت، تا دیدهٔ پدران روشن گردد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۴۹).

همچنین، فرزندان مایهٔ «محبت و عشق‌ورزی» اعضای خانواده می‌باشند. در روایات، فرزندان را مونس و همدم والدین دانسته‌اند. همان‌گونه که رسول خدا ص، دختران را مهربان، مونس و همدم والدین خود می‌داند (همان، ج ۶ ص ۵). امام صادق ع در دعای طلب فرزند می‌فرماید: «خداوند! محل انس و جانشینی صالح از پسران و دختران را به من ببخش که از وحشت به اینان انس گیرم و از وحدت با آنان آرامش یابم» (همان، ج ۱۱، ص ۳۴۶).

طی کردن گام‌های روشمند و نظام‌یافته در فرایند ساخت پرسش‌نامه، روایی و اعتبار آن را به‌عنوان ابزار دقیق سنجش علمی رقم می‌زند. با رعایت استانداردهای علمی مقیاس‌سازی، می‌توان به نتیجه سنجش اعتماد کرد. بنابراین، با توجه به اینکه همهٔ شرایط علمی در ساخت پرسش‌نامه، اولیه ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی، رعایت گردید، اعتبار آن نیز مورد تأیید قرار گرفت. این پرسش‌نامه براساس پشتوانه تحلیل نظری و دین‌شناختی جامع‌نگر، تهیه و در فرایند روایی‌سنجی و اعتباریابی قرار گرفت. گزاره‌های این پرسش‌نامه به‌گونه‌ای طراحی گردید که بتواند نشانگرهای مناسبی برای اندازه‌گیری ارزش فرزندان باشد و ۵۲ گویه آن به تأیید ۱۴ نفر از کارشناسان متخصص رسید و روایی محتوایی آن تأیید شد.

نتایج پژوهش در روایی‌سنجی پرسش‌نامه، با بهره‌گیری از همهٔ شاخص‌های روایی (محتوایی، ملاکی و سازه‌ای)، نشان داد که پرسش‌نامه اولیه ارزش فرزندان، از روایی لازم و البته در سطح بالایی برخوردار است. همچنین، آلفای کرونباخ ۰/۹۶۴ نشانگر اعتبار بالای این پرسش‌نامه است که نتایج مربوط به آن در بحث یافته‌ها گذشت.

منابع

- ابن‌فهد حلی، احمدبن محمد، ۱۴۰۷ق، *عدة الداعی و نجاح الساعی*، قم، دار الکتب الاسلامی.
- احمدی، علی‌یار و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی نگرش زنان به ارزش فرزندان (مورد مطالعه: زنان ۴۹-۱۵ ساله شهر شیراز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و هشتم، ش ۶۷ ص ۷۸۶۱.
- اوجاقلو، سجاد و همکاران، ۱۳۹۳، «تغییرات نسلی ارزش فرزند و رفتار فرزندآوری زنان پیش و پس از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی: شهر زنجان)»، *زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۶ ش ۳، ص ۴۰۹-۴۲۵.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه*، تهران، دنیای دانش.
- ژندایک، رابرت ال، ۱۳۷۵، *روان‌سنجی کاربردی*، ترجمه حیدرعلی هومن، چ سوم، تهران، دانشگاه تهران.
- حراملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی، حاتم، ۱۳۸۱، *درآمدی بر جمعیت‌شناسی اقتصادی - اجتماعی و تنظیم خانواده*، چ دوم، همدان، دانشگاه بوعلی سینا.
- دلاور، علی، ۱۳۸۰، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.
- رازقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی و حسین سرایی، ۱۳۹۳، «تحلیل کوهورتی (نسلی) نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازدهم، ش ۲، ص ۲۲۵-۲۲۹.
- شجاعی، محمدصادق، ۱۳۹۲، *دیدگاه‌های روان‌شناختی حضرت آیت‌الله مصباح یزدی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داوری.
- طبرسی، حسن‌بن فضل، ۱۳۷۷، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف الرضی.
- _____، ۱۴۱۲ق، *مکارم الاخلاق*، قم، شریف الرضی.
- علوی، سیداسماعیل، ۱۳۹۸، *نگرش به فرزندآوری براساس منابع اسلامی و ساخت پرسشنامه اولیه آن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۴۰۰، «مفهوم‌پردازی روان‌شناختی ارزش فرزندان براساس منابع اسلامی» در: *مجموعه مقالات همایش ملی چالش‌ها و راهکارهای تعالی نهاد خانواده در مذاهب اسلامی با محوریت آسیب‌های اجتماعی*، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- فتحی، الهام، ۱۴۰۰، «روند باروری ایران، از سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۹»، *درگاه ملی آمار*، بخش گزارش‌های تحلیلی
- www.amar.org.ir.
- فتحی آشتیانی، علی، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- کلانتری، صمد و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه: جوانان متأهل شهر تبریز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، ش ۳۷، ص ۸۳-۱۰۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۱۳ق، *کنز العمال*، بیروت، مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- محدث نوری، حسین، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت، مؤسسه آل‌البیت.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مفضل بن عمر، ۱۳۷۹، *توحید مفضل*، ترجمه محمدباقر مجلسی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نادری، عزت‌الله، مریم سیف نراقی، ۱۳۸۷، *روش‌های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در علوم انسانی*، تهران، ارسباران.

- Dinn, A. A. & Kagtcibasi, C, 2010, "The Value of Children for Parents idn the Minds of Emerging Adults", *Cross-Cultral Research*, N. 44(2), p. 174-205.
- Fawcett, J. T, F. et al, 1974, *The Value Of Children In Asia And The United States*, East-West population Institute, N. 32, vii, 69 p.
- Hoffman, L. W., & Hoffman, M. L., 1973, "The value of children to parents", in J. T. Fawcett (ed.), *Psychological perspectives on population*, (19-76), New York, Basic Books.
- Kagiticbasi, C., & Esmer, Y., 1980, *Development, value of children, and fertility: A multiple indicator approach*, Istanbul, Turkey, Bogazici University.

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در روایات

omidi.ahad@gmail.com

hamidrafi2@gmail.com

biria1390@gmail.com

احمد امیدی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

حمید رفیعی هنر / استادیار گروه اخلاق و معنویت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمدناصر سقایی بی‌ریا / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۰۱

چکیده

این پژوهش، با هدف تهیه و ساخت پرسش‌نامه تصور از خدا، براساس اسماء الهی در آیات و روایات و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی (اعتبار و روایی) آن سامان یافته است. روش تحقیق، روش تحلیل محتوا و روش پیمایشی بود. جامعه آماری، شامل طلاب حوزه علمیه، دانشجویان دانشگاه علمی کاربردی، فرهنگیان آموزش و پرورش (معلمان) و اعضای پایگاه مقاومت بسیج شهر شیراز - کوار در سال ۱۳۹۹ بود که تعداد ۳۶۷ نفر، به شیوه نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب گردید. برای ارزیابی روایی محتوای یافته‌ها، هر آیتی که حداقل CVR آن ۰/۶۲ به بالا و شاخص CVI آن ۰/۷۹ و بالاتر بود، تأیید شد. نتایج روایی ملاک به شیوه همگرا، بین پرسش‌نامه این پژوهش و مقیاس هم ارز (۰/۸۲۰) به دست آمد که در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. روایی سازه به شیوه تحلیل عاملی، پنج عامل به ترتیب، «ناصریت»، «رحمانیت-غافریت»، «منعمیت-رازقیت»، «خالقیت - قادریت» و «عالمیت» به دست آمد. اعتبار پرسش‌نامه در آزمون بازآزمون (۰/۹۵)، در روش دونیمه‌سازی (۰/۸۵)، مقدار ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه (۰/۹۴) و ضریب آلفای عامل ناصریت (۰/۸۱)، رحمانیت-غافریت (۰/۸۰)، منعمیت - رازقیت (۰/۷۷)، خالقیت - قادریت (۰/۷۵) و عالمیت (۰/۸۰)، به دست آمد. بنابراین، نتایج به‌دست‌آمده حاکی از قابلیت پرسش‌نامه تصور از خدا برای استفاده در تحقیقات پژوهشی است.

کلیدواژه‌ها: تصور از خدا، اسماء الهی، آیات و روایات، پرسش‌نامه، روان‌شناسی اسلامی.

فطرت آدمی، با معرفت خدا عجین شده است (رک: روم: ۳۰). به همین دلیل، انسان از ابتدای خلقت تاکنون نسبت به مسئله خدا آرام ننشسته و در طول تاریخ، پیوسته به کنجکاوی و جست‌وجوی این موضوع پرداخته است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص ۲۶۶). موضوع خداوند، به دلیل گستردگی آن و به دلیل اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناختی دارد، توجه نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی، به‌ویژه روان‌شناسی دین را به خود جلب کرد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۹۹). برخی روان‌شناسان برجسته همچون جیمز (۱۹۰۲)، یونگ (۱۹۳۳)، آلپورت (۱۹۶۳)، و فرانکل (۱۹۶۳)، دین، خدا و معنویت را جزء نیازهای اساسی بشر می‌دانستند و بر نقش آنها در سلامت روان تأکید می‌کردند (شریفی‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۲۰۶). با تأکید روان‌شناسان بزرگ، موضوع خداوند در روان‌شناسی، رهیافت مناسبی پیدا کرد و پژوهش‌های بسیاری به موضوع خداوند پرداخت. یکی از آن موضوعاتی که در روان‌شناسی دین به آن پرداخته شد، موضوع تصور از خدا (image of God) بود که پایه‌های نظری آن از پژوهش‌های فروید شروع شده و با تحقیقات سایر روان‌شناسان، از قبیل ریزاتو، گرساچ و دیگران ادامه پیدا کرد.

تصور از خدا، یک الگوی درونی روان‌شناختی از تصورات افراد در مورد خداست (لارنس، ۱۹۹۷). حالتی روان‌شناختی است که به چگونگی احساس فرد نسبت به خداوند و برداشت و درک فرد مبنی بر چگونگی احساس خداوند، نسبت به وی مربوط می‌شود (گریمز، ۲۰۰۸). لارنس (۱۹۹۷) و ریزاتو (۱۹۷۰)، تأکید می‌کنند که تصور از خدا؛ یعنی خدایی که فرد احساس می‌کند، اگر صحبت از شناخت افراد و شخصیت ایشان باشد و بخواهیم سازه‌ای روانی انتخاب کنیم، تا با بررسی آن به بسیاری از خصایص روانی افراد پی ببریم، تصور فرد از خدا بسیار مهم است (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۴). از دیدگاه برخی روان‌شناسان، تصور از خدا از طریق نخستین ارتباطات کودک با افراد مهم زندگی و مراقبتش شکل گرفته و در سراسر زندگی، همراه با رشد و بلوغ فرد، بارها و بارها تجدید می‌گردد و جهت‌گیری‌ها، احساس‌ها و رفتارهای فرد را در ارتباط با خدا هدایت. این ارتباط، یکی از مهم‌ترین ارتباطات فرد بوده، می‌تواند احساس اطمینان بنیادی به فرد داده، یا به‌عنوان منبع برانگیزنده وحشت، اضطراب، ناخرسندی و عصبانیت تبدیل گردد (دکا و همکاران، ۱۹۹۷).

نظریه‌های مهمی در روان‌شناسی به بحث از تصور از خدا پرداخته است. از جمله آنها، می‌توان به نظریه روان‌تحلیل‌گری، نظریه روابط موضوعی و نظریه دلبستگی، اشاره کرد. پژوهش‌های مختلفی از قبیل تحقیقات اسپیلکا و همکاران (۱۹۶۴)، شافر و گرساچ (۱۹۹۱)، لارنس (۱۹۹۷)، ابعاد گوناگونی برای تصور از خدا ترسیم کرده‌اند. تحقیقات زیادی، به بررسی رابطه تصور از خدا با سایر متغیرهای روان‌شناختی پرداخته‌اند که همگی نشان از اهمیت این مفهوم دارد. از جمله تصور از خدا، با شکایت جسمانی، وسواس - بی‌اختیاری، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی، همستگی منفی و معناداری دارد (برادشاو و همکاران، ۲۰۰۸). پژوهش‌های شرایبر و کنتاکی (۲۰۰۹)؛ اوکوزی (۲۰۱۰)؛ برام و همکاران (۲۰۰۸)؛ کرکپاتریک (۲۰۰۵) تأیید می‌کنند که بیماران مختلف تصور منفی، مخدوش، تحریف‌شده و نادرستی از خدا دارند.

در مقابل، تصور مثبت از خدا به سلامت روان منجر می‌شود (خاکساری و خسروی، ۱۳۹۱). هافمن معتقد است: تعداد مقالات تصور از خدا در کنفرانس‌های حرفه‌ای، بیانگر اهمیت این موضوع است (هافمن و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین، تصور از خدا در ادیان توحیدی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. تعالیم اسلام و آموزه‌های دینی، براساس سه اصل اعتقادات، اخلاق و احکام شکل گرفته است. عقاید، در رأس دین‌شناسی و اصل و اساس آن است. در رأس اصول اعتقادی، اعتقاد به خداوند و توحید است. بنابراین، اعتقاد به خداوند و تصویری که افراد از خداوند دارند یک بحث محوری در مباحث هستی‌شناسی اسلامی است. تصور از خدا در هستی‌شناسی اسلامی، محور دینداری افراد است و عامل مهمی در تحول و شکل‌گیری باورهای مذهبی افراد تلقی می‌شود و از اساسی‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد مؤمن می‌باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۹۹). زندگی انسان خداشناس، با حیات ملحدانه فردی که به وجود خدا باور ندارد، تفاوتی بنیادین دارد. همچنین، مقایسه حیات دو انسان خداباور، که هریک تصور خاصی از خدای خویش دارند، تفاوت‌های اساسی دارد؛ تصویری که افراد از خدا دارند، در شئون مختلف زندگی، در انگیزه‌ها، نیت‌ها، داورهای او تأثیر بسزایی دارد و شخصیت و هویت ویژه و معنای خاصی به زندگی فرد می‌بخشد (سعیدی‌مهر، ۱۳۹۴، ص ۲۵).

منظور از «تصور از خدا» در آموزه‌های اسلامی، تصور جسمانی نیست؛ چراکه «هیچ چیزی شبیه و مثل او نیست» (شوری: ۱۱)، بلکه تصور از خدا، در آموزه‌های اسلام در اسماء الهی نمایان است. خداوند متعال در قرآن کریم، اسم‌هایی برای خودش معرفی کرده و انتظار دارد که مردم خدا را با آن اسم‌ها بشناسند و براساس آن اسم‌ها با او ارتباط بگیرند و تصورشان از خدا، براساس آن اسم‌های الهی باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۹۷). اسماء الهی، نام‌هایی هستند که در اسلام برای «الله» به کار رفته که می‌توان از طریق آن، با خداوند ارتباط گرفت. مثلاً، کسی که تصورش از خدا این است که او مجیب و فریادرس است، در مشکلات به خدا پناه برده و او را تکیه‌گاه خود می‌داند. در مقابل، کسی که خدا را مجیب نمی‌داند، دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و تاب‌آوری‌اش کاهش پیدا خواهد کرد. تعداد اسماء الهی در قرآن و روایات، متفاوت بیان شده، در دائرةالمعارف قرآن کریم، ۱۴۳ اسم برای خداوند آورده شده که دارای معنای وصفی بوده و هریک به نوعی، از کمال خداوند حکایت می‌کند. علامه طباطبائی، تعداد اسمائی را که در خود قرآن کریم آمده است، ۱۲۷ نام می‌داند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۶۶). در روایات مختلف هم اعداد متفاوتی به اسماء الله نسبت داده شده که حدیث معروف پیامبر ﷺ آن را ۹۹ اسم دانسته، در جایی دیگر چهار هزار اسم از قول پیامبر ﷺ نقل شده و در دعای جوشن کبیر هزار و یک اسم ذکر شده است، ولی غالباً تعداد این نام‌ها، را ۹۹ نام دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

با توجه به اینکه تصور از خدا امری همگانی است ممکن است، هوشیار یا ناهوشیار، رشدیافته یا رشدنا یافته، سالم یا بیمارگونه، ساده یا پیچیده و مفید یا خطرناک باشد (واگان، ۲۰۰۲) و اکثر مراجعان مراکز مشاوره، درعین حال که خدا باورند، ولی پژوهش‌های مختلف، غباری بناب و حلائی کوهسار (۱۳۹۲)، برادشا و همکاران (۲۰۰۸)، حاکی از این است که این افراد تصورات منفی، تحریف‌شده یا نادرستی از خدا دارند که با تصویری که خدا

از خودش با اسماء حسنايش ارائه می‌کند، تضاد دارند (برآبادی و همکاران، ۱۳۹۴). لازم است تصور از خدای افراد مسلمان و خدا باور در جامعه اسلامی، براساس اسماء الهی باشد و بر آن اساس سنجیده شود. ولی در بررسی ادبیات پژوهش در مورد تصور از خدا، بسیاری از پژوهش‌ها در خارج و داخل کشور، مبتنی بر مبانی نظری روان‌تحلیل‌گری، روابط موضوعی و نظریهٔ دلبستگی شکل گرفته که برخی متأثر از نگاه جسمانی به خدا، در مکتب مسیحیت و فرهنگ غیراسلامی است. فرهنگ غربی و دین مسیحیت، تصویری غیرمنطقی از خداوند ارائه می‌کنند؛ خدایی که مذهب‌های غربی به مردم معرفی می‌کنند، خدایی است که نه دانشمندان علوم طبیعی، بلکه هر عاقلی ممکن است از او روی‌گردان شود. این خدا، می‌خورد، می‌نوشد، می‌خوابد، کشتی می‌گیرد و همه ویژگی‌ها و آثار نیازهای جسم در اوست. گاه نیز صفات زشت، مانند حسد، جهل را نشان می‌دهد، و با معرفی این ویژگی‌ها از خدا، تصویری ناقص و معیوب از خداوند در روان افراد شکل می‌گیرد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲). در ایران هم پژوهشگرانی مثل غباری بناب و حلائی کوهسار (۱۳۹۲)، صادقی و همکاران (۱۳۸۷)، خاکساری و خسروی (۱۳۹۱)، قنبری هاشم‌آبادی (۱۳۹۱) و دیگران، مطالعاتی در حوزه تصور از خدا انجام داده‌اند که مهم‌ترین نقطه ضعف این مطالعات، مقیاس‌های اندازه‌گیری و ابزارهای سنجش آنهاست که عمدتاً محدود به دین مسیحیت است. برای مثال، پرسش‌نامه تصور از خدای لارنس، در بسیاری از پژوهش‌های مربوط به تصور از خدا در جامعه اسلامی مورد استفاده قرار گرفته که اصل آن، بر مبنای فرهنگ مسیحیت است. پژوهشی که در جامعه و فرهنگ غربی با دین مسیحیت و یهودیت دربارهٔ اساسی‌ترین جنبه اعتقادی انجام گرفته است، نمی‌تواند شاخصی مناسب برای جامعه و فرهنگ اسلامی باشد (علیانسب، ۱۳۹۱، ص ۱۲۱).

عامل دیگری که اهمیت ساخت پرسش‌نامهٔ تصور از خدا را آشکار می‌سازد، ضرورت وجود معیاری صحیح برای تشخیص تصور درست از نادرست، دربارهٔ خداوند است. روان‌درمانگران و مشاوران، محتاج به این هستند که تصور از خدای مراجعان خود را کشف کنند و به تغییر و اصلاح آن بپردازند (دراپر، ۲۰۱۷). امروزه روان‌درمانگران، ارزیابی موضوع تصور از خدا، در جلسات درمانی را بخش مهمی از درمان موفق می‌دانند (گریدی، ریچارد، ۲۰۰۷). در جلسات درمانی، با هدف ترمیم و تغییر تصور از خدای افراد از تصور منفی به مثبت، مداخلات روان‌شناختی انجام می‌دهند و با تغییر دادن تصور از خدای مراجع، به‌طور مستقیم بر بسیاری از جنبه‌های زندگی او تأثیر می‌گذارند (هال و فوجیکاو، ۲۰۱۳، ص ۲۸۸). تغییرات ایجادشده در تصورات افراد از خداوند، با رشد عاطفی و معنوی مرتبط است و مراجعان خداوند را مهربان‌تر و دلسوزانه تصور می‌کنند. درمانگران مراجعان خود را تشویق به شرکت در فعالیت‌های معنوی مانند دعا، مراقبه و مطالعه کتاب مقدس می‌کنند. بازتاب این فعالیت‌ها، می‌تواند به آنان کمک کند تا رابطهٔ واقعی‌تری با خدا برقرار کنند و یک تصور الهی سالم‌تر و بالغ‌تر را شکل دهند (چیستون و همکاران، ۲۰۰۳). روان‌شناسان و مشاورانی که با مراجعان خدا‌باور مسلمان کار می‌کنند، نیازمند معیاری برای تشخیص و ارزیابی صحیح تصور از خدای مراجعان خویش هستند. ولی در جامعه ایرانی - اسلامی، پرسش‌نامه تصور از خدا، مطابق با مبانی دینی وجود ندارد. از این‌رو، تلاش برای ساخت پرسش‌نامه مناسب برای سنجش تصور از خدا،

براساس اسماء الهی، که مطابق با دین اسلام و فرهنگ ایرانی باشد، ضروری است. از چشم‌انداز روان‌شناسی اسلامی، اسماء الهی، که در قرآن و روایات بیان شده، معنای عمیق روان‌شناختی دارد که تا به حال روان‌شناسان اسلامی به آن حساسیت چندانی نشان نداده‌اند (غباری بناب و حدادی کوهسار، ۱۳۹۲). در روایت مشهوری، پیامبر اکرم ﷺ نود و نه اسم برای خداوند برمی‌شمارد و این روایت، در منابع شیعه از قبیل *توحید شیخ صدوق*، *بحارالانوار*، *المیزان*، *مجمع البیان*، *نورالتقلین* و در منابع اهل سنت در کتاب *صحیح بخاری*، *صحیح مسلم* و *ترمذی* نقل شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۲۶). به نظر می‌رسد، از میان اسماء الهی، که در قرآن کریم و روایت مشهور نبوی به کار رفته، می‌توان پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی را ساخت. این پژوهش، به درک صحیح و عمیق تصور از خدا کمک می‌کند و خلأ موجود را در روان‌شناسی اسلامی پر کرده و مسیر را برای سایر پژوهشگران در این زمینه، هموار می‌کند و اطلاعات سودمندی به روان‌شناسان و مشاوران می‌دهد تا تصور درونی شده خدا را در مراجع خود شناسایی کنند و خدمات ارزنده‌ای برای تشخیص، اصلاح تصورات ناکارآمد و بهبود و ارتقاء تصورات فرد از خدا، ارائه دهند.

بنا بر آنچه گذشت، این پژوهش با هدف پاسخ‌گویی به این سؤالات، انجام می‌گیرد:

۱. آیا می‌توان پرسش‌نامه تصور از خدا، براساس اسماء الهی در آیات و روایات را ساخت که از روایی و اعتبار

لازم برخوردار باشد؟

۲. پرسش‌نامه تصور از خدا، براساس اسماء الهی در آیات و روایات، از چه عواملی تشکیل شده است؟

روش پژوهش

این پژوهش، از دو روش تحلیل محتوا و پیمایشی تشکیل شده است. در روش تحلیل محتوا، با رجوع به آموزه‌های دینی، قرآن کریم و روایت مشهور نبوی، اسماء الهی استخراج شد. سپس از لحاظ اشتراک معنایی، دسته‌بندی و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. از روش پیمایشی، با زمینه‌یابی، برای ارزیابی روایی‌سنجی و اعتباریابی استفاده شد.

الف. جامعه و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش، شامل طلاب حوزه علمیه شیراز، دانشجویان دانشگاه علمی - کاربردی، فرهنگیان آموزش و پرورش (معلمان) و اعضای پایگاه بسیج شهرستان شیراز - کوار، در سال ۱۳۹۸-۱۳۹۹ با حجم تقریبی ۵۵۰۰ نفر می‌باشد. با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای، حجم نمونه انتخاب گردید. یکی از مراحل ساخت پرسش‌نامه، بررسی روایی سازه، به شیوه تحلیل عاملی است. بنابراین، تعداد نمونه برای تحلیل عاملی، باید متناسب با اصول باشد. در روش تحلیل عاملی، برای هر متغیر، ۵ تا ۱۰ نمونه و به طور کلی، در مجموع تا حداکثر ۳۰۰ نمونه توصیه شده است. اگر منظور پژوهشگر، تحلیل عاملی برای ۱۰ متغیر باشد، حداقل یک نمونه ۵۰ تایی کفایت می‌کند. برخی پژوهشگران، حداقل حجم نمونه لازم برای تحلیل عاملی را ۲۰۰ نفر می‌دانند (سرمد و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۷۰). در این پژوهش، محقق هر گویه در پرسش‌نامه را به‌مثابه یک متغیر قلمداد نموده،

نسبت ۵ به ۱ را در نظر گرفته است. بنابراین، برای ۵۷ گویه نهایی پرسش‌نامه تصور از خدا، ۳۰۰ نمونه کفایت خواهد کرد. اما حجم نمونه در این پژوهش، ۳۶۷ نفر می‌باشد که براساس آزمون کفایت نمونه‌برداری، این تعداد برای انجام تحلیل عاملی معنادار می‌باشد. در این پژوهش، طلاب ۱۸/۵ درصد، دانشجویان ۲۲/۶، فرهنگیان ۳۹/۲ و اعضای پایگاه مقاومت بسیج ۳۹/۲ درصد از جامعه آماری را تشکیل می‌دهند. ۳۷/۱ درصد از شرکت‌کنندگان مرد و ۶۲/۹ درصد از آنان زن بودند. ۷۵/۷ درصد از آزمودنی‌ها، متأهل و ۲۴/۳ درصد از آنها مجرد بودند.

ب. ابزار پژوهش

۱. پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی: پرسش‌نامه ۵۷ گویه‌ای تصور از خدا، براساس اسماء الهی (امیدی و همکاران، بی‌تا)، براساس اسم‌های الهی در قرآن کریم و روایت مشهور پیامبر ﷺ، با استناد به منابع اسلامی و فرهنگ جامعه اسلامی، در پنج عامل «ناصریت»، «رحمانیت - غافریت»، «منعمیت - رازقیت»، «خالقیت - قدرتیت» و «عالمیت»، ساخته شده است. هریک از این گویه‌ها، توصیف کوتاهی از چگونگی تصورات افراد از خداوند است که آزمودنی‌ها، پس از مطالعه هر گویه، میزان تطابق آن گویه را با تصورات، برداشت‌ها، حالات و تجربه‌های خود، نسبت به خداوند بر روی یک مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای با گزینه‌های تعیین می‌کنند.

۲. پرسش‌نامه ارتباط انسان با خدا: پرسش‌نامه ۶۷ ماده‌ای ارتباط انسان با خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰)، براساس الگوی سه‌بعدی رابطه انسان با خدا (بیم، امید و محبت) و با استناد به منابع اسلامی (احادیث و روایات) و فرهنگ جامعه اسلامی ایران، ساخته شده است. نتایج بررسی روایی سازه در این مطالعه، نشان داد که ابعاد ارتباط با خدا در گروه‌های مختلف (مسلمان کامل معتقد و پایبند، مسلمان اغلب معتقد و پایبند، مسلمان نه چندان پایبند، بدون تصمیم در مورد دین)، تفاوت معناداری دارد. اعتبار آزمون، براساس اجرای نهایی بر روی ۸۰۰ دانشجو، به وسیله آلفای کرونباخ در خرده‌مقیاس‌ها از ۰/۶۴ تا ۰/۸۰ به دست آمد (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

برای ارزیابی فرایند «روایی‌سنجی»، به سه شیوه روایی محتوایی، روایی ملاکی یا وابسته به ملاک به شیوه همگرا، و روایی سازه انجام گرفت و اعتبار پرسش‌نامه، از روش آزمون بازآزمون و برای برآورد همسانی درونی، از روش دو نیمه کردن آزمون و تعیین ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای اجرای این فرایند در ساخت و تهیه پرسش‌نامه تصور از خدا، با رعایت اصول و استانداردهای علمی، گام‌های نظام‌یافته‌ای برداشته شد. خلاصه مراحل طراحی و آماده‌سازی این پرسش‌نامه عبارتند از:

۱. شناسایی و مطالعه منابع مربوط به سازه تصور از خدا، دسته‌بندی و مفهوم‌شناسی آنها

در این مرحله، محقق به بررسی منابع اسلامی و روان‌شناسی مربوط به موضوع پژوهش پرداخت. تعداد زیادی از کتب و مقالات، از جمله قرآن کریم، کتب لغوی و تفسیری، شرح و تفسیر اسماء الهی، مقالات اسلامی و روان‌شناسی، مربوط به موضوع، جمع‌آوری و به‌عنوان منابع تحلیل مشخص گردید. پس از مشخص شدن منابع

تحلیل محقق، ابتدا با رجوع به نرم‌افزار *جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث*، کتب و مقالات مربوطه، اسم‌های خداوند متعال را که در قرآن مجید و روایت مشهور نبوی به کار رفته بود، جمع‌آوری کرد. در گردآوری اولیه، ۲۶۶ اسم از اسماء الهی یافت شد. از این مجموع، تعداد ۹۸ اسم از اسماء مفرد الهی و تعداد ۶۹ اسم از اسماء ترکیبی خداوند در قرآن کریم بیان شده بود و تعداد ۹۹ اسم در حدیث نبوی به کار رفته بود. اسم‌هایی که در حدیث مشهور نبوی به کار رفته است، به قرآن عرضه شد و از ۹۹ اسم، تعداد ۷۵ اسم در قرآن تکرار شده و تعداد ۲۴ اسم مستقیماً در قرآن بیان نشده است. در جمع‌بندی نهایی، با حذف اسم‌های تکراری، تعداد اسم‌های خداوند در قرآن مجید و حدیث نبوی به ۱۹۱ اسم رسید. پس از جمع‌آوری اسم‌های الهی، به شیوه تحلیل محتوا، معنا و مفهوم هر یک از اسماء الهی، از لغت‌نامه‌های معتبر از قبیل *لسان‌العرب ابن‌منظور (۱۴۱۴ق)*، *العین‌فراهیدی (۱۴۰۹ق)*، *النهایه ابن‌ثیر جزری (۱۳۶۷ق)*، *مفردات الفاظ القرآن راغب اصفهانی (۱۴۱۲ق)*، *معجم مقاییس اللغة احمدین فارس (۱۴۰۴ق)*، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم حسن مصطفوی (۱۳۶۸)*، *المصباح المنیر فیومی (۱۴۱۴ق)*، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. با توجه به اشتراک معنایی که بین اسماء الهی وجود داشت، دسته‌بندی شدند و به ابعاد محور و مقوله‌هایی، برای سازه تصور از خدا دسترسی پیدا شد. یافته‌ها همراه با مستندات آنها، در اختیار کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی قرار گرفت و از آنان درخواست شد که روایی محتوایی آن را ارزیابی کنند.

۲. بررسی تطابق مستندات با مفاهیم

در این مرحله، میزان تطابق ابعاد، محور و مقوله‌های به‌دست‌آمده سازه تصور از خدا، براساس اسماء الهی به معرض رأی ۱۰ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی قرار گرفت، تا نظر خود را در زمینه مطابقت ابعاد، محورها و مقوله‌های سازه تصور از خدا، با مستندات دینی (CVI)، در یک مقیاس چهار درجه‌ای (کاملاً مرتبط ۷۶ تا ۱۰۰ درصد، نسبتاً مرتبط ۵۱ تا ۷۵ درصد، کم مرتبط ۲۶ تا ۵۰ درصد، و غیرمرتبط از ۱ تا ۲۵ درصد) اعلام کنند. همچنین، میزان ضروت ابعاد، محور و مقوله‌ها (CVR) نیز با سه طیف (ضروری نمره ۳، مفید، ولی غیرضروری نمره ۲، غیرضروری نمره ۱) توسط کارشناسان مورد سنجش قرار گرفت.

۳. طراحی گویه‌ها براساس مستندات اسلامی

برای طراحی سؤالات پرسش‌نامه، رعایت نکاتی مورد توجه است: محدود کردن هر گزاره به یک مفهوم، قابل فهم و روشن بودن گویه‌ها برای آزمودنی، پرهیز از به کار بردن گزاره‌های منفی مضاعف، پرهیز از توصیف‌کننده‌هایی که درجه یا مقدار را مبهم نشان می‌دهد، سؤال‌ها طوری طراحی شود که تنها یک پاسخ درست داشته باشد و یا قطعاً دارای درست‌ترین پاسخ باشد. در مرحله اولیه، تعداد سؤالات باید بیش از سؤالات نهایی باشد؛ چراکه در مراحل تجدیدنظر در پرسش‌ها و یا تجزیه و تحلیل آنها، احتمالاً برخی از آنها حذف خواهند شد (کریمی، ۱۳۹۰، ص ۹۴-۹۰). با توجه به رعایت اصول مذکور، پرسش‌نامه تصور از خدا، با مجموعه‌ای به تعداد ۱۱۴ گویه، همراه با

مستندات آنها، در قالب فرمی طراحی گردید و به ۱۰ نفر از کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی برای بررسی و ارزیابی نمرات CVR (میزان ضرورت گویه‌ها) و CVI (میزان مطابقت گویه‌ها) ارائه شد.

۴. اجرای آزمایشی برای بررسی مقدماتی

پیش از اینکه پرسش‌نامه به صورت نهایی تهیه و تنظیم شود، لازم است پیش‌نویس اولیه آن، به صورت آزمایشی بر روی گروهی از افراد جامع، که قصد داریم که یافته‌های پژوهش را به آنها تعمیم داده، اجرا کنیم (دلاور، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳). سؤال‌های پرسش‌نامه که در گروه نمونه اجرا شده است، براساس روش‌های مختلف آماری، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. شاخص‌های آماری توصیفی، هریک از سؤال‌ها، ضرایب همبستگی آنها با یکدیگر و با سایر ملاک‌های آماری دیگر محاسبه می‌شود. سؤال‌هایی که فاقد تشخیص و اعتبار لازم باشند، حذف می‌گردد. سپس، ضریب اعتبار آزمون با استفاده از روش‌های مناسب آماری برآورده می‌شود.

۵. بررسی روایی وابسته به ملاک

برای بررسی روایی ملاک، به شیوه همگرا، همزمان با پرسش‌نامه تصور از خدا (محقق ساخت)، از پرسش‌نامه ارتباط انسان با خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰)، استفاده شد. هر دو پرسش‌نامه، بر روی ۳۶۷ نفر آزمودنی اجرا گردید.

۶. بررسی روایی سازه

روایی سازه، از قوی‌ترین و پیچیده‌ترین معیار آزمون‌سازی به‌شمار می‌رود. برای تعیین روایی سازه، از روش‌های همسانی درونی، و روش تحلیل عاملی، به شیوه اکتشافی به روش «مؤلفه‌های اصلی»، «چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر» و ارزش ویژه بالاتر از یک استفاده شده است.

۷. بررسی اعتبار پرسش‌نامه تصور از خدا

در مرحله اعتباریابی پرسش‌نامه، باید در حد امکان، میزان خطای اندازه‌گیری یا نوسان تصادفی را کاهش داد تا درجه ثبات و اعتبار، قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون افزایش یابد (سیف، ۱۳۸۳، ص ۴۴۹). برای محاسبه اعتبار، از چند روش آزمون بازآزمون و برای برآورد همسانی درون، از روش دو نیمه کردن آزمون و تعیین ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در مرحله اول و دوم، محقق با جمع‌آوری اسماء الهی از قرآن مجید و روایت نبوی با توجه به اشتراک معنایی بین اسماء الهی به ابعاد، محور و مقوله‌های برای سازه تصور از خدا دست پیدا کرد. برای بررسی روایی محتوایی، یافته‌ها در اختیار کارشناسان علوم اسلامی و روان‌شناسی، که دارای مدرک دکترا و بالاتر بودند، قرار گرفت. با توجه به

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات ♦ ۲۹

فرمول محاسبه CVI و CVR در روایی محتوا، در صورتی که تعداد ارزیابان ۱۰ نفر باشند، حداقل مقدار CVR قابل قبول باید ۰/۶۲ به بالا باشد. در صورتی که نمره محاسبه شده برای آنها، کمتر از میزان مورد نظر با توجه به تعداد متخصصان ارزیابی کننده سؤال باشد، باید از آزمون کنار گذاشته شوند؛ زیرا روایی محتوایی قابل قبولی ندارند. مقدار قابل قبول برای شاخص CVI، بالاتر از ۰/۷۹ باشد، مناسب تشخیص داده می شود (فتوحی آشتیانی، ۱۳۹۵، ج ۲، ص ۳۰). جدول (۱) یافته‌های به دست آمده از CVI و CVR قابل مشاهده است.

جدول ۱: بررسی CVI و CVR ابعاد، محور و مقوله‌های سازه تصور از خدا

نمره CVI	نمره CVR	مقوله‌ها	محورها	بعد ذات
۱	۰/۸۰	۱. عالمیت	۱. ذاتیه	
۱	۱	۲. خالقیت		
۱	۰/۸۰	۳. مالکیت		
۱	۰/۸۰	۴. قاهریت	۳. تقدیسیه	
نمره CVI	نمره CVR	مقوله‌ها	محورها	بعد فعل
۱	۱	۱. عالمیت	۱. خلق	
۱	۰/۸۰	۲. خالقیت		
۱	۱	۳. مالکیت		
۱	۰/۸۰	۴. قاهریت		
۱	۱	۱. رحمانیت	۲. ربوبیت	
۱	۱	۲. غفرانیت		
۱	۰/۸۰	۳. ناصریت		
۱	۱	۴. رازقیت		
۱	۰/۸۰	۵. شاکریت		
۱	۰/۸۰	۶. حاسبیت		

همان گونه که از جدول (۱) مشخص است، بنا بر نظرات کارشناسان متخصص تمام ابعاد، محور و مقوله‌های سازه تصور از خدا، نمره لازم را کسب کردند. بنابراین، با تأیید یافته‌ها مشخص شد سازه تصور از خدا، براساس اسماء الهی، دارای دو بعد ذات و فعل می‌باشد. بعد ذات، شامل سه محور ذاتیه، جلالیه و تقدیسیه است و بعد فعل، شامل دو محور خلق، و ربوبیت می‌باشد. محور خلق شامل چهار مقوله عالمیت، خالقیت، مالکیت و قاهریت است و محور ربوبیت، شامل شش مقوله رحمانیت، غفرانیت، ناصریت، رازقیت، شاکریت و حاسبیت می‌باشد.

در مرحله سوم، پس از تأیید یافته‌های سازه تصور از خدا، متناسب با هر بعد، محور و مقوله، تعداد ۱۱۴ گویه ساخته شد و برای بررسی و ارزیابی نمرات CVR (میزان ضرورت گویه‌ها) و CVI (میزان مطابقت گویه‌ها)، به معرض نظر همان کارشناسان گذاشته شد و از آنان خواسته شد که ضمن دادن امتیاز به گویه‌های موجود، گویه‌های پیشنهادی خویش را نیز ثبت کنند. در این مرحله، تعداد ۴۲ گویه به خاطر به دست نیوردن نمره لازم، حذف گردید. در مابقی گویه‌ها، میانگین نمرات کارشناسان بین ۳/۵ تا ۴ (از ۴) بود که موافقت آنان، حاکی از روایی محتوایی قوی مستندات و گویه‌ها بود. سپس، پرسش‌نامه تصور از خدا با ۷۲ گویه برگزیده شد و به صورت تصادفی با یکدیگر ترکیب شدند و در پرسش‌نامه تصور از خدا قرار گرفتند.

حاصل عملیات مرحله چهارم، بررسی آزمایشی پرسش‌نامه تصور از خدا و حذف سؤالات نامناسب و آماده شدن برای اجرای نهایی بود. پس از مشخص کردن سؤالات معکوس و شیوه نمره‌گذاری، پرسش‌نامه تصور از خدا بر روی ۴۱ نفر از روحانیون، دانشجویان، فرهنگیان و بسیجیان اجرا شد. بررسی دیداری نمودار هیستوگرام توزیع همه سؤالات، توزیع مناسبی داشتند و از واریانس مناسبی، برخوردار بودند. آلفای کرونباخ، هر گویه در محدوده آلفای کرونباخ کل (۰/۵۹۶) است. با حذف هیچ گویه‌ای، میزان آلفای کرونباخ کل افزایش قابل‌توجهی (۰/۱۰) نخواهد داشت. پس از تحلیل و بررسی آماری، تعداد ۵ سؤال به علت نداشتن همبستگی معنادار، با نمره کل پرسش‌نامه حذف گردید. با بررسی و گفت‌وگوهایی که با کارشناسان متخصص، نسبت به نتایج گویه‌ها صورت گرفت، برخی گویه‌ها جرح و تعدیل و اصلاحات لازم روی آنها صورت گرفت و تعداد ۱۰ گویه به دلیل ایجاد نکردن تفاوت معنادار در بین گروه‌های مختلف جامعه آماری، از پرسش‌نامه حذف گردید. در نتیجه، فرم نهایی پرسش‌نامه تصور از خدا با ۵۷ سؤال برای اجرای نهایی تعیین و انتخاب شدند.

در مرحله پنجم، برای بررسی روایی ملاک، از شیوه همگرا اقدام شد؛ بدین صورت که همراه با پرسش‌نامه تصور از خدا (محقق‌ساخت)، پرسش‌نامه ارتباط انسان با خدا (مظاهری و همکاران، ۱۳۹۰)، بین ۳۶۷ آزمودنی اجرا شد. نتایج آمار توصیفی و همبستگی بین دو پرسش‌نامه، در جدول (۲) قابل مشاهده است.

جدول ۲: آماره‌های توصیفی پرسش‌نامه تصور از خدا محقق‌ساخت و ارتباط انسان با خدا

پرسش‌نامه	تعداد نمونه	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه	همبستگی بین دو پرسش‌نامه	سطح معناداری
تصور از خدا	۳۶۷	۲۵۹/۵۲	۲۴/۳۳۱	۱۵۳	۲۸۵	۰/۸۲*	۰/۰۰۰
ارتباط انسان با خدا	۳۶۷	۱۶۴/۹۰	۱۵	۱۰۳	۱۸۵		

همان‌گونه که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، ($M = 259/52$ و $SD = 24/33$) و همبستگی بین دو پرسش‌نامه تصور از خدا و ارتباط انسان با خدا، دارای همبستگی ($0/82^{**}$) است و در سطح ($0/01$) معنادار است. این میزان از همبستگی، حاکی از تأیید روایی همگرایی پرسش‌نامه تصور از خدا (محقق‌ساخت) است.

در مرحله ششم، پس از اجرای نهایی پرسش‌نامه تصور از خدا، در میان ۳۶۷ نفر از آزمودنی، برای سنجش روایی سازه و نیز شناسایی و تعیین عوامل تشکیل‌دهنده پرسش‌نامه، از روش تحلیل عاملی استفاده شد. پیش از اجرای تحلیل عوامل، برای اینکه معلوم شود حجم نمونه انتخاب شده، متناسب روش تحلیل عاملی است، از آزمون کروییت بارتلت و کفایت نمونه‌برداری به روش KMO استفاده شد. شاخص کفایت نمونه‌برداری، برابر با (۰/۹۱۶) می‌باشد. در نتیجه، حجم نمونه موردنظر، برای تحلیل عوامل مناسب است. همچنین، نتایج آزمون کروییت بارتلت، با درجه آزادی (۱۷۱۱) و مجذور کای (۹۴۸۴/۵۸)، در سطح ($p < 0/0001$) معنادار است. بنابراین، ماتریس همبستگی متغیرها، ماتریس واحدی نیست و می‌توان بر پایه این داده‌ها، به استخراج عامل اطمینان کرد.

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات ♦ ۳۱

در تحلیل عاملی به شیوه اکتشافی، به روش «مؤلفه‌های اصلی»، «چرخش واریماکس به همراه بهنجارسازی کایزر» و ارزش ویژه یک و بالاتر استفاده شده است. یافته‌های مقادیر ویژه هریک از متغیرها و تعداد عامل‌های استخراجی، از طریق نمودار اسکری پلات در نمودار (۱) نشان داده شده است.



نمودار ۱: نمودار اسکری برای تعیین تعداد عامل‌ها

در نمودار (۱)، قسمت عمودی نمودار، ارزش ویژه و قسمت افقی آن، تعداد مؤلفه‌ها را نشان می‌دهد. شیب خط در عامل پنجم تغییر کرده و براساس نظر پژوهشگران، نقطه پرش برای چرخش عامل‌ها، جایی است که شیب خط در نمودار اسکری تغییر کند (کلاتتری، ۱۳۸۵، ص ۳۰۷). براین اساس، پنج عامل در پرسش‌نامه تصور از خدا، برای انجام مراحل بعدی انتخاب گردید. در جدول (۳)، ارزش ویژه عامل‌های به‌دست‌آمده بیان شده است.

جدول ۳: عامل‌ها و توصیف واریانس کل

عامل‌ها	ارزش‌های ویژه اولیه			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده نشده			مجموع ضرایب فاکتورهای چرخش داده شده		
	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی	واریانس کل	درصد واریانس	درصد جمعی
۱	۱۵،۰۷۸	۳۷،۶۸۱	۲۷،۶۸۱	۱۵،۰۷۸	۳۷،۶۸۱	۲۷،۶۸۱	۶،۹۷۶	۱۲،۲۳۹	۱۲،۲۳۹
۲	۲،۸۵۶	۵،۰۱۱	۳۳،۶۹۳	۲،۸۵۶	۵،۰۱۱	۳۳،۶۹۳	۶،۱۰۹	۱۰،۷۱۷	۲۲،۹۵۶
۳	۲،۱۳۷	۳،۹۲۵	۳۶،۶۱۸	۲،۱۳۷	۳،۹۲۵	۳۶،۶۱۸	۴،۶۶۵	۸،۱۸۴	۳۱،۱۴
۴	۱،۶۳۱	۲،۸۶۲	۳۹،۴۸	۱،۶۳۱	۲،۸۶۲	۳۹،۴۸	۴،۰۳۹	۷،۰۸۷	۳۸،۲۲۷
۵	۱،۵۵۸	۲،۷۳۴	۴۲،۲۱۴	۱،۵۵۸	۲،۷۳۴	۴۲،۲۱۴	۲،۲۷۳	۳،۹۸۷	۴۲،۲۱۴
جمع کل	-	۴۲،۲۱۴	-	-	۴۲،۲۱۴	-	-	۴۲،۲۱۴	-

ارزش ویژه هر پنج عامل، بزرگ‌تر از ۱ است. واریانس عامل اول (۱۲/۲۳۹)، عامل دوم (۱۰/۷۱۷)، عامل سوم (۸/۱۸۴)، عامل چهارم (۷/۰۸۷)، و عامل پنجم (۳/۹۸۷) درصد از واریانس کل را نشان می‌دهند. ۵ عامل ذکر شده در مجموع (۴۲/۲۱۴) درصد واریانس کل پرسش‌نامه تصور از خدا به خود اختصاص داده‌اند.

برای انتخاب بار عاملی، زمانی که تعداد نمونه حداقل ۳۰۰ باشد، بارهایی که ۰/۱۱ و ۰/۱۵ هستند، به ترتیب در سطح ۵ و ۱ درصد معنادار در نظر گرفته می‌شوند. از آنجا که تعیین میزان خطا در تحلیل عامل، کار پیچیده‌ای است، برای حصول اطمینان بیشتر در تفسیر عامل‌ها، بهتر است سطح معناداری ۱ درصد، به‌عنوان مبنای نظر گرفته شود (کلاتتری، ۱۳۸۵، ص ۳۱۰). در این پژوهش، با حجم نمونه بیش از ۳۰۰ نفر، برای حصول اطمینان بیشتر بار عاملی بیشتر، از ۰/۲۰ و با سطح معناداری ۰/۰۱ برای تحلیل عاملی انتخاب گردید. برخی گویه‌ها در چند عامل، بار گرفته بودند که بنا بر مناسبت هر گویه با آن عامل و مطابق با مباحث نظری و هم‌طراز بودن با سایر گویه‌ها، در یک عامل قرار گرفتند. در جدول (۴) تعداد عامل‌ها به همراه بار عاملی آن ارائه شده است.

جدول ۴: ماتریس عامل‌ها همراه بار عاملی بعد از چرخش

عامل اول		عامل دوم		عامل سوم		عامل چهارم		عامل پنجم	
بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها
۰/۳۵۸	۱۶	۰/۳۴۶	۲	۰/۴۰۳	۱	۰/۴۳۶	۴	۰/۲۰۸	۳
۰/۵۴۹	۲۰	۰/۳۱۵	۵	۰/۳۰۶	۶	۰/۲۴۰	۱۰	۰/۲۱۷	۱۲
۰/۲۴۲	۳۱	۰/۳۷۲	۱۳	۰/۴۳۱	۷	۰/۲۰۷	۱۱	۰/۲۲۳	۱۴
۰/۵۲۱	۳۴	۰/۲۶۸	۲۸	۰/۲۹۲	۸	۰/۲۳۱	۱۷	۰/۲۵۳	۲۲
۰/۳۴۹	۲۷	۰/۳۰۳	۳۷	۰/۵۴۹	۹	۰/۲۷۶	۱۸	۰/۲۴۳	۲۶
۰/۲۷۰	۳۱	۰/۴۶۴	۴۳	۰/۲۷۸	۱۵	۰/۲۳۳	۱۹	۰/۲۲۵	۳۳
۰/۵۹۹	۳۵	۰/۳۵۰	۵۲	۰/۵۱۰	۲۳	۰/۴۸۸	۲۹	۰/۲۲۹	۳۴
۰/۳۱۰	۳۸	۰/۵۲۱	۵۴	۰/۲۲۶	۲۵	۰/۲۳۳	۳۹	۰/۲۳۱	۳۷
۰/۶۳۴	۴۰	۰/۲۴۲	۵۵	۰/۶۰۰	۳۰	۰/۲۲۲	۴۲	۰/۲۵۶	۴۹
۰/۶۶۵	۴۱	۰/۲۹۹	-	-	۳۲	۰/۲۰۷	۵۶	۰/۲۴۸	۵۰
۰/۴۸۶	۴۴	۰/۲۰۸	-	-	۳۶	۰/۲۸۹	-	-	۵۷
-	۵۱	۰/۲۲۱	-	-	۴۵	۰/۲۰۷	-	-	-
-	۵۳	۰/۶۳۴	-	-	۴۶	۰/۲۳۶	-	-	-
-	-	-	-	-	۴۸	۰/۲۴۰	-	-	-

همان‌گونه که در جدول (۴) مشخص است، عامل اول با ۱۱ گویه، عامل دوم ۱۳ گویه، عامل سوم ۹ گویه، عامل چهارم ۱۴ گویه، عامل پنجم ۱۰ گویه دارد. در مجموع، از ۵۷ گویه تعداد ۵ عامل نهایی استخراج شده است. حاصل عملیات مرحله هفتم، بررسی اعتبار پرسش‌نامه تصور از خدا بود. یک آزمون زمانی اعتبار دارد که بتوان آن را در موارد متعدد به کار برد و در همه موارد نیز نتایج یکسان به دست آید (هومن، ۱۳۸۵، ص ۶۵). بدین منظور، از مناسب‌ترین و متداول‌ترین روش اعتباریابی؛ یعنی روش آزمون بازآزمون (برای ثبات نتایج پرسش‌نامه) و روش‌های همسانی درونی دونیمه‌سازی و ضریب آلفای کرونباخ (برای میزان تجانس ابزار اندازه‌گیری و ثبات درونی آن) استفاده گردید.

ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات ♦ ۳۳

در روش بازآزمایی (آزمون - بازآزمون)، پرسش‌نامه تصور از خدا با فاصله دو هفته‌ای پس از اجرای آزمایشی، مجدداً بر روی ۲۵ نفر از شرکت‌کنندگان اجرا شد. یافته‌های به‌دست‌آمده در جدول (۵) آمده است.

جدول ۵: نتایج آزمون بازآزمون پرسش‌نامه تصور از خدا

پرسش‌نامه تصور از خدا	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	همبستگی بین بار اول و دوم	سطح معناداری
اجرای بار اول	۲۵	۲۳۸/۶۴	۳۲/۰۴۱	۰/۹۵۶**	/۰۰۰
اجرای بار دوم	۲۵	۲۳۱/۵۶	۳۱/۹۷۷		

$P < (0/01)**$

همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، اختلاف میانگین و انحراف استاندارد، در دو بار اجرای مجزا کم است و همبستگی بین آزمون در بار اول و دوم (۰/۹۵۶)، به‌دست‌آمده که وجود همبستگی بالا، حاکی از اعتبار بالایی پرسش‌نامه تصور از خداست.

برای برآورد همسانی درونی و اعتبار پرسش‌نامه تصور از خدا، از روش دو نیمه کردن آزمون استفاده شد. آزمون، به دو نیمه مساوی تقسیم شد. نتایج ضریب «آلفای کرونباخ»، هریک از نیمه‌ها، همبستگی، ضریب اسپیرمن - براون و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن، در جدول (۶) قابل مشاهده است.

جدول ۶: تحلیل داده‌های اعتبار پرسش‌نامه تصور از خدا در مرحله نهایی

آلفای کرونباخ	نیمه اول	۲۹ گویه	۰/۸۵۸
	نیمه دوم	۲۸ گویه	۰/۹۱۳
همبستگی بین دو فرم	۰/۸۵۴**		
ضریب اسپیرمن - براون	تساوی تعداد گویه‌ها	۰/۹۲۱	
	عدم تساوی تعداد گویه‌ها	۰/۹۲۱	
ضریب دونیمه‌سازی گاتمن	۰/۹۱۵		

آلفای کرونباخ نیمه اول گویه‌ها، با تعداد ۲۹ گویه برابر با (۰/۸۵۸) و آلفای کرونباخ نیمه دوم، با ۲۸ گویه برابر با (۰/۹۱۳)، و همبستگی بین دو فرم، برابر با (۰/۸۵۴) به دست آمده است. ضریب اسپیرمن - براون، برابر با (۰/۹۲۱) و ضریب دونیمه‌سازی گاتمن برای بررسی میزان همسانی درونی، برابر با (۰/۹۱۵) است. براساس این نتایج، همسانی درونی پرسش‌نامه تصور از خدا، دارای سطح بالایی است.

در نهایت، پس از به دست آمدن عامل‌های پنج‌گانه، از روش ضریب آلفای کرونباخ، برای بررسی اعتبار و همسانی درونی پرسش‌نامه تصور از خدا و خرده‌مقیاس‌های آن، بهره برده شد. نتایج این بررسی، در جدول (۷) آمده است.

جدول ۷: ضرایب آلفای کرونباخ عامل‌های پرسش‌نامه تصور از خدا در مرحله نهایی

عامل‌ها	تعداد آزمودنی	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
عامل اول ناصریت	۳۶۷	۱۱	۰/۸۱
عامل دوم رحمانیت - غافریت	۳۶۷	۱۳	۰/۸۰
عامل سوم منعیت - رازقیت	۳۶۷	۹	۰/۷۷
عامل چهارم خالقیت - قادریت	۳۶۷	۱۴	۰/۷۵

عامل‌ها	تعداد آزمودنی	تعداد گویه	ضریب آلفای کرونباخ
عامل پنجم عالمیت	۳۶۷	۱۰	۰/۸۰
کل پرسش‌نامه تصور از خدا	۳۶۷	۵۷	۰/۹۴

ضریب آلفای کرونباخ کل پرسش‌نامه تصور از خدا، برابر با (۰/۹۴)، محاسبه شد ($M = ۲۵۹/۵۲$ و $S = ۲۴/۳۳$) که بیانگر همسانی درونی مناسب این پرسش‌نامه است. این ضریب، برای پنج عامل به ترتیب، ناصریت (۰/۸۱)، عامل رحمانیت - غافریت (۰/۸۰)، عامل منعمیت - رازقیت (۰/۷۷)، عامل خالقیت - قادریت (۰/۷۷) و عامل عالمیت (۰/۸۰) به دست آمد. بنابر اعتقاد پژوهشگران، ضریب آلفای کمتر ۰/۶۰ ضعیف، ۰/۷۰ قابل قبول، و ۰/۸۰ خوب تلقی می‌شود (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۵). بنابراین، همهٔ عامل‌ها نمره لازم قابل قبول و خوب را کسب کردند. یافته‌های مربوط به روابط بین عوامل با همدیگر و با کل پرسش‌نامه، در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸: همبستگی عوامل با همدیگر و با نمره کل

عامل‌ها	عامل اول	عامل دوم	عامل سوم	عامل چهارم	عامل پنجم	نمره کل پرسش‌نامه
ناصریت	۱					
رحمانیت - غافریت	۰/۷۵۴**	۱				
منعمیت - رازقیت	۰/۷۸۱**	۰/۷۵۵**	۱			
خالقیت - قادریت	۰/۷۴۵**	۰/۷۵۳**	۰/۷۳۴**	۱		
عالمیت	۰/۶۶۲**	۰/۷۱۳**	۰/۷۰۸**	۰/۷۷۹**	۱	
نمره کل پرسش‌نامه تصور از خدا	۰/۸۹۳**	۰/۹۰۳**	۰/۸۹۶**	۰/۹۰۷**	۰/۸۵۲**	۱

$P < (۰/۰۱)**$

همبستگی همهٔ عوامل با نمرهٔ کل در سطح ۰/۰۱ معنادار هستند. همبستگی هر عامل، با نمره کل، بیشتر از همبستگی بین خود عامل‌ها با همدیگر به دست آمده است. بهترین یافته در همبستگی بین عوامل، این است که همبستگی هر عامل با نمره کل، بیشتر از همبستگی بین خود عامل‌ها با همدیگر باشد، این امر بیانگر رابطهٔ نسبتاً قوی عوامل با کل مقیاس است و حاکی از اعتبار بالای پرسش‌نامه است (ر.ک: سیف، ۱۳۸۳).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات» بود. پرسش اول پژوهش، بررسی روایی و اعتبار پرسش‌نامه تصور از خدا، براساس اسماء الهی در آیات و روایات بود؟ برای بررسی روایی پرسش‌نامه، از سه شیوهٔ روایی محتوا، روایی ملاک به شیوهٔ همگرا و روایی سازه بهره برده شد. نتایج سنجش روایی - همراه، با تمام مستندات ارائه شده - نشان داد که این پرسش‌نامه، از روایی لازم برای سنجش تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات برخوردار است. اعتبار آزمون نیز با روش آزمون بازآزمون، روش‌های همسانی درونی، با روش دونیمه‌سازی و ضریب آلفای کرونباخ مورد محاسبه قرار گرفت. نتایج حاکی از این بود که پرسش‌نامه تصور از خدا، از اعتبار بالایی برخوردار است. ثبات،

پایایی، قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید می‌باشد. این پرسش‌نامه برای سنجش تصور از خدای افراد، ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به حساب می‌آید.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، که پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات، از چه عواملی تشکیل شده است؟، از شیوه تحلیل عاملی اکتشافی، به روش مؤلفه‌های اصلی استفاده شد. نتایج حاکی از این بود که پرسش‌نامه تصور از خدا، دارای پنج عامل ۱. «ناصریت»؛ ۲. «رحمانیت - غافریت»؛ ۳. «منعمیت - رازقیت»؛ ۴. «خالقیت - قادریت» و ۵. «عالمیت» است. در حوزه پژوهش‌های روان‌شناسی نیز عواملی برای بررسی سنجش و بررسی تصور از خدای افراد ترسیم شده است. لارنس (۱۹۹۷)، در پژوهشی به بررسی تصورات و احساس‌های مختلف افراد، درباره خدا پرداخت و شش عامل برای پرسش‌نامه تصور از خدا تدوین کرد. این عوامل شامل «تأثیرپذیری» (من تا چه حد می‌توانم بر خداوند و خواست او تأثیر بگذارم)، «مشیت الهی» (خداوند تا چه حد توان تأثیر گذاردن بر من را دارد)، «حضور» (آیا خداوند اینجا حضور دارد؟)، «چالش» (آیا خداوند می‌خواهد من رشد و پیشرفت کنم؟)، «پذیرندگی» (آیا من شایسته دوست داشته شدن از ناحیه خداوند هستم؟)، «خیرخواهی» (آیا خداوند همانند کسانی است که دوستم دارند و آنچه برایم بهتر است را برای من می‌خواهد؟) است.

با مقایسه عوامل مطرح‌شده در پرسش‌نامه تصور از خدای (محقق‌ساخت) در این پژوهش، با عوامل سازه تصور از خدا در پرسش‌نامه لارنس (۱۹۹۷)، مشخص شد که در برخی گویه‌ها در عوامل رحمانیت، عالمیت، ناصریت پرسش‌نامه محقق‌ساخت، با گویه‌های عامل‌های خیرخواهی، حضور خداوند یا پذیرندگی در پرسش‌نامه لارنس، قرابت‌های معنایی وجود دارد. ولی پرسش‌نامه تصور از خدا محقق‌ساخت، از جامعیت کامل‌تری برخوردار بوده و شامل عامل‌های خالقیت - قادریت، منعمیت - رازقیت است که در پرسش‌نامه تصور از خدای لارنس مطرح نشده است. علاوه بر تفاوت‌های اساسی و جدی در مبانی این پژوهش، با پژوهش‌ها و پرسش‌نامه‌های که بیشتر در مسیحیت و یهودیت ساخته شده، وجه تمایز و تفاوت اصلی در این است که محقق در این پژوهش، سازه تصور از خدا را براساس آیات و روایات بررسی کرده است؛ چراکه کامل‌ترین سیمای خداوند در اسماء الهی در قرآن کریم و روایات ظهور یافته است. ولی در تحقیقاتی که بیشتر در ادیان مسیحیت صورت گرفته، برای نشان دادن تصور از خدا، به جمع‌آوری و درجه‌بندی وصف‌ها و توصیفاتی که افراد درباره خداوند به‌کار می‌برند، پرداخته‌اند و براساس آن، ابعادی را برای تصور از خدا پی‌ریزی کرده‌اند. برای مثال، گرساچ (۱۹۶۸)، در تحقیقی از پاسخ‌دهندگان خواست زمانی که به خدا فکر می‌کنند، چه تصویری از خدا دارند و در پاسخ به نتایج خدای قاضی، پادشاه، استاد، پدر، منجی، مادر، دوست رسید. بنابراین، مشخص است که حرکت کردن از سمت مبانی روان‌شناسی اسلامی و رسیدن به یک مدل نظری، سازه تصور از خدا براساس آیات و روایات و بعد محک زدن تصورات افراد از خداوند براساس این مدل دینی، بسیار کامل‌تر و جامع‌تر از پژوهش‌هایی است که ابتدا سراغ وصف‌ها و تصورات افراد از خداوند رفته‌اند و بعد براساس آن، ابعاد تصور از خدا را پی‌ریزی کرده‌اند.

در تبیین نتایج عوامل پنج‌گانه به‌دست‌آمده از روش تحلیل عاملی به ترتیب، می‌توان گفت:

عامل اول، ناصریت: تعداد ۱۱ سؤال از ۵۷ گویه پرسش‌نامه تصور از خدا، به عامل ناصریت اختصاص یافته است. ناصریت یا یاری‌گری خداوند، شامل همه لحظات زندگی انسان می‌شود. در قرآن مجید، خداوند به‌عنوان بهترین یاری‌گر (آل عمران: ۱۵۰)، بهترین محافظت‌کننده (یوسف: ۶۴) و حافظ و نگهبان همه مخلوقاتش معرفی شده است (هود: ۵۷)؛ چراکه تنها یاری‌دهنده واقعی خداوند متعال است و توان یاری‌دهندگی را در هر شرایط و هر زمان و مکانی دارد و یآوری می‌باشد که هیچ‌گاه مغلوب کسی نمی‌شود و بر تمام توطئه‌ها غالب است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۹۲). در طول دوران زندگی، خطرات، موانع، آفات و مشکلات زیادی انسان را تهدید می‌کند و سلامت جسمی و روانی انسان را به خطر می‌اندازد. افرادی که تصور صحیح و متناسب با مبانی دینی، نسبت به ناصریت خداوند دارند، و خدا را «خَيْرُ النَّاصِرِينَ» می‌شناسند، در مشکلات و چالش‌های زندگی، خدا را حامی خود می‌دانند و با امید داشتن به خداوند، توکل و استعانت از او، به مبارزه با مشکلات برمی‌خیزند و اعتقاد دارند که خدای یاری‌گر و محافظت‌کننده، آنها را یاری می‌دهد و از آنان محافظت می‌کند. این گروه از افراد، در زندگی امیدوارتر هستند و از آرامش روانی و رضایت از زندگی بیشتری برخوردار هستند.

عامل دوم، رحمانیت - غافریت: تعداد ۱۳ سؤال از پرسش‌نامه تصور از خدا، به عامل «رحمانیت - غافریت» اختصاص یافته است. در مبانی دینی، در موارد بسیاری رحمانیت با غافریت الهی، به هم‌دیگر گره خورده است؛ خداوندی که رحمت عام و گسترده دارد، به دلیل رحمتش اهل بخشش و مغفرت نیز می‌باشد. رحمانیت خداوند، بازتاب وسیعی در کتاب و سنت دارد و بسیاری از آیات و روایات، به رحمانیت خداوند اختصاص یافته است. قرآن کریم، تصویری که از خداوند، در عامل رحمانیت به نمایش می‌گذارد، رحمت بسیار گسترده‌ای است که همه کس و همه چیز را فرا گرفته است (اعراف: ۱۵۶). پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: خداوند متعال، صد باب رحمت دارد که یکی از آن را به زمین نازل کرده است و در میان مخلوقاتش تقسیم نموده، همه عاطفه و محبتی که در میان مردم است، از پرتو همان یکی است، ولی نود و نه قسمت را برای خود نگاه داشته و در قیامت بندگانش را مشمول آن می‌سازد (هاشمی خویی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۴). در روز قیامت، چنان سفره رحمتش را می‌گستراند که حتی ابلیس هم در رحمت خداوند طمع می‌ورزد (فتال نیشابوری، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۰۲). افرادی که باور و تصور صحیحی از رحمانیت خداوند دارند و خدا را رحمان و رحیم در دنیا و آخرت می‌شناسند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۳۴۰)، در مشکلات سخت و حوادث پیچیده و چالش‌های زندگی دست به دامن رحمانیت الهی زده و در رسیدن الطاف خفیه و جلیه الهی، امیدوار هستند و به این وصف امیدبخش الهی پناه برده، و خود را در سایه رحمت او قرار می‌دهند. بنابراین، با باور به رحمانیت خداوند، این احساس در درون آنان زنده می‌شود که رحمانیت و رحیمیت الهی، شامل حالشان می‌شود و این احساس، روحیه و توان آنان را در برخورد با مشکلات تقویت کرده، افزایش می‌دهد. خداوند به دلیل رحمت گسترده‌ای که دارد، در قرآن کریم به طور مکرر تذکر می‌دهد که اگر بندگانم برخلاف دستوراتم عمل کردند و پشیمان شدند، می‌بخشم، می‌آرمزم، و غافریت خویش را شامل حال آنان می‌کنم (زمر: ۵۳). زبان قرآن کریم، خداوند را از بهترین آموزندگان معرفی می‌کند

(اعراف: ۱۵۵). تصور صحیح نسبت به غافریته الهی و خیرالغافرین بودن خداوند موجب می‌شود بندگان گنهگار به او امیدوار شوند و راه بازگشت و توبه را پیش بگیرند. اگر فریب هوای نفس بخورند و مرتکب گناهی بشوند، از درگاه الهی ناامید نشده و با توبه به سوی خداوند بازگشت می‌کند. برگشت واقعی به سوی خداوند، موجب اصلاح رفتار درون فردی و برون فردی و در پرتو آن سلامت و آرامش روان می‌شود. چه بسا افرادی که نسبت رحمانیت و غافریته الهی ناامید هستند و چنین تصور منفی از خدا، سدی محکم برای برگشت آنان به سوی خداوند شده است.

عامل سوم، منعمیت - رازقیت: در تحلیل عاملی، تعداد ۹ سؤال از پرسش‌نامه تصور از خدا، به عامل منعمیت - رازقیت اختصاص یافته است. منعمیت، معنای عامی دارد که رازقیت و شاکریت را دربر می‌گیرد - ولی برای وضوح بیشتر در نامگذاری از عنوان منعمیت - رازقیت استفاده شد - منعمیت به معنای نعمت‌دهندگی، تمام نعمت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، آشکار و پنهان که از سوی خداوند به مخلوقاتش رسیده است، شامل می‌شود. رازقیت خداوند، در زیرمجموعه منعمیت قرار دارد. به تعبیری، یکی از جلوه‌های نماینگر منعمیت خدا، رازقیت اوست. تعداد بسیاری از آیات و روایات، انسان را به این امر توجه می‌دهد که خداوند متعال رازق مخلوقاتش است (ذاریات: ۵۸). او از بهترین روزی‌دهندگان می‌باشد (حج: ۵۸). رازقیت، به معنای اینکه خدا رزق و روزی همه موجودات را به عهده گرفته، ضمانت کرده و آن سهم و نصیبی که باید به مخلوقات برسد، براساس مقتضای حال و نیاز مرزوق به او می‌رساند تا مایه حیات و بقای مرزوق باشد و بتوانند به وجود و بقای خود ادامه دهند (جوادی آملی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۱۵۰). یکی دیگر از نمودهای منعمیت خدا، شاکریت او نسبت به بندگانش است. قرآن کریم، خداوند را به عنوان کسی معرفی می‌کند که شاکر و شکور است و به بندگانش بهترین نعمت‌ها و پاداش‌ها را می‌بخشد. اگر بندگان، ذره‌ای کار نیک انجام دهند، پاداش آن را می‌دهد (زلزله: ۷). از فضل خویش، زیادتر از آنچه بندگان مستحق بوده‌اند، عطاء می‌کند و می‌بخشد (فاطر: ۳۰). افرادی که باور و تصور صحیحی از خدا در عامل منعمیت - رازقیت دارند، در تأمین معاش زندگی دچار اضطراب و دلهره نمی‌شوند و با تلاش و کوششی که دارند، خدا را نعمت‌دهنده و روزی‌رسان می‌دانند و از ترس فقر، از ازدواج، فرزندآوری گریزان نبوده، به مال حرام متوسل نمی‌شود. از اینکه خداوند در دار دنیا و سرای آخرت، نعمت‌دهنده بندگانش است و در مقابل، اعمال نیک بندگان قدردانی می‌کند و نعمت می‌بخشد، موجب انگیزه و حرکت انسان، به سمت پاکی و سلامت روان می‌شود.

عامل چهارم، خالقیت - قادریت: در تحلیل عاملی تعداد ۱۴ سؤال از پرسش‌نامه تصور از خدا، به عامل خالقیت - قادریت اختصاص یافته است. خالقیت خداوند، شامل همه جهان هستی از آسمان، زمین، و عالم ماده و ماورای ماده است و همه مخلوقات را بدون هیچ سابقه قبلی و بدون هیچ الگوی پیشین، از نیستی به هستی آورده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۲۵). تصویری که از خداوند در قرآن کریم، به نمایش گذاشته شده است، به عنوان احسن‌الخالقین است و هر آنچه را که خلق کرده، به نحو نیکو و احسن آفریده است (سجده: ۷). آفرینش نظام احسن، ایجاب می‌کند که تفاوت در استعدادها، ذوق‌ها، سلیقه‌ها، ساختمان‌های جسمی و روحی افراد جامعه باشد، تا

هریک متناسب کاری که نظام خلقت برای او در نظر گرفته شده است، آمادگی داشته باشد. در غیر این صورت، همه چیز به هم می‌ریزد و نظام احسنی وجود نخواهد داشت. پس جمیع مخلوقات اگر چه متفاوتند، ولی حسن می‌باشند و خدای متعال احسن‌الخالقین است (همان، ص ۵۱۸). خداوند خالق، قادر و توانایی است که قدرتش از هر نظر بی‌انتهاست. بر همه مخلوقات عالم هستی تسلط کامل دارد و هیچ کس در آسمان‌ها و زمین، از حوزه قدرت او بیرون نیست (انعام: ۶۱). عجز و ناتوانی در او وجود ندارد و چیزی بر سر راه مشیت او ایجاد مانع نمی‌کند (فاطر: ۴۴). افرادی که باور و تصور صحیحی از خالقیت - قادریت خداوند دارند، نگرش و گرایش آنان به عالم هستی، از دیدة زیبانگری است. سراسر عالم هستی را زیبا می‌بینند و با باور به اینکه قدرت خداوند فوق همه قدرت‌هاست، در مقابل عوامل محیطی و روانی فشارزا، مثل ترس از مرض، فقر، سیل، زلزله، ترس از آینده، از دست دادن عزیزان و غیره، دچار ترس و اضطراب‌های بیجا نمی‌شوند و با تصور بر اینکه یاور و پشتیبانی دارند که قدرتش بر تمام قدرت‌های محیطی و اجتماعی غالب است، احساس امنیت و آرامش می‌کنند.

عامل پنجم، عالمیت: در تحلیل عاملی تعداد ۱۰ سؤال از پرسش‌نامه تصور از خدا، به عامل عالمیت اختصاص یافته است. علم و دانایی خداوند همه عالم هستی را فراگرفته است. قرآن کریم، تصویری که نسبت به عالمیت خداوند ارائه می‌دهد، بسیار گسترده و فراگیر است، به گونه‌ای که هیچ چیزی در این عالم پنهان، از دید علم نامحدود او پوشیده و پنهان نمی‌ماند (توبه: ۱۲۵). به همه اسرار و جزئیات عالم و نیات و انگیزه‌های درونی مخلوقاتش آگاه است (آل عمران: ۱۱۹). خداوند عالمی که از تمام کارهای مخلوقاتش آگاه است، در روز قیامت بسیار دقیق و حساب‌شده، به حساب اعمال مخلوقاتش رسیدگی می‌کند. هر کس هموزن ذره‌ای کار خیر یا شر انجام داده باشد، به حساب آن رسیدگی می‌شود (زلزله: ۸۷). افرادی که باور و تصور صحیحی نسبت به عالمیت خداوند دارند و می‌دانند که خدا به کوچک‌ترین اعمال انسان از خوب و بد آگاهی دارد و آن را به محکمه حسابرسی می‌آورد، انگیزه برای انجام اعمال صالحه و ترک گناهان پیدا می‌کنند و با مراقبت از افکار، گفتار و رفتارشان، در مسیر فرایند خود مهارگری، تقوا و رسیدن به کمال و سعادت قرار می‌گیرند.

بنابراین، می‌توان گفت: پرسش‌نامه تصور از خدا، که براساس اسماء الهی در آیات قرآن و روایات استخراج شده است، دارای روایی و اعتبار کاملی است. پژوهشگران، روان‌درمانگران و مشاوران، می‌توانند در تحقیقات و مشاوره‌های خویش، برای ارزیابی و سنجش تصور از خدای افراد، از این پرسش‌نامه اسلامی - ایرانی بهره ببرند.

محدودیت‌های پژوهش

از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به جامعه و نمونه‌های پژوهشی اشاره کرد. این پژوهش، در جامعه مذهبی و افراد مقید و پایبند به دین اجرا شده است. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های دیگر، این پرسش‌نامه در جامعه‌های گسترده‌تر و با تنوع گرایش‌های مذهبی و جنسیتی و گروه‌های سنی مختلف اجرا شود و نتایج به‌دست‌آمده از آن، با همدیگر مقایسه شود.

منابع

- ربآبادی، حسین احمد و همکاران، ۱۳۹۴، «الگوی مفهومی ابعاد تصور از خدا براساس اسماء حسنا مبنایی برای مطالعات سبک زندگی اسلامی و روان‌شناسی دین»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳۱، ص ۵-۲۶.
- امیدی، احد و همکاران، بی‌تا، «ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه تصور از خدا براساس اسماء الهی در آیات و روایات»، *روان‌شناسی و دین*، در نوبت چاپ.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *تفسیر موضوعی قرآن کریم، توحید در قرآن*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۹۴، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- خاکساری، زهرا و زهره خسروی، ۱۳۹۱، «خدا؛ و تصور مثبت و منفی از او و رابطه آن با عزت نفس و سلامت روانی دانش‌آموزان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲، ص ۸۳-۹۸.
- دلاور، علی، ۱۳۹۴، *روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، ویرایش.
- سرمد، زهره و همکاران، ۱۳۹۵، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگاه.
- سعیدی‌مهر، محمد، ۱۳۹۴، *آموزش کلام اسلامی*، چ بیست و یکم، قم، طه.
- سیف، علی‌اکبر، ۱۳۸۳، *اندازه‌گیری، سنجش و ارزشیابی آموزشی*، تهران، آگاه.
- شریفی‌نیا، محمدحسین، ۱۳۹۱، *الگوهای روان‌درمانی یکپارچه با معرفی درمان یکپارچه توحیدی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی، منصوره‌السادات و همکاران، ۱۳۸۷، «والدین، خود و دیگران مهم: منابع تصور از خدا»، *علوم رفتاری*، ش ۳، ص ۸۳-۹۶.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- علیانسب، سیدحسین، ۱۳۹۱، *خداجویی و نقش آن در نگرش به مرگ*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- غباری‌ناب، باقر و علی‌اکبر حدادی کوهسار، ۱۳۹۲، «پیش‌بینی افسردگی و اضطراب براساس مفهوم خدا در دانشجویان»، *پژوهش‌ها و مطالعات علوم رفتاری*، ش ۵ (۱۵)، ص ۷۳-۸۶.
- قتال نیشابوری، محمدبن احمد، ۱۳۶۶، *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، نشر نی.
- فتحی آشتیانی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، *آزمون‌های روان‌شناختی*، تهران، بعثت.
- قنبری هاشم‌آبادی، بهرام علی و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ارتباط ادراک خدا با خود‌پنداره و خودکارآمدی با توجه به متغیرهای فردی در میان دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد»، *پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره*، سال ۲، ش ۱، ص ۱۶۵-۱۸۰.
- کریمی، ابولفضل، ۱۳۹۰، *آشنایی با آزمون‌سازی و آزمون‌های روانی*، تهران، روان‌سنجی.
- کلانتری، خلیل، ۱۳۸۵، *پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی*، تهران، شریف.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *خداشناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۹۰، *مثلث ایمان، الگوی ابعادی رابطه انسان با خدا*، قم، دارالحدیث.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۱، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، *پیام قرآن*، چ نهم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- هاشمی خوبی، میرزاحبیب‌الله، بی‌تا، *منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغه*، ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تهران، مکتبه الاسلامیه.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۵، *استنباط آماری در پژوهش رفتاری*، تهران، سمت.

- Bradshaw, M., Ellison, C. G., & Flannelly, K. J., 2008, "Prayer, God imagery, and symptoms of psychopathology", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 47 (4), p. 644-659.
- Cheston, S. E., Piedmont, R. L., Eanes, B., & Lavin, L. P., 2003, "Changes in clients' images of God over the course of outpatient therapy", *Counseling and values*, N. 47(2), p. 96-108.
- Dickie, J. R., Eshleman, A. K., Merasco, D. M., Shepard, A., Vander Wilt, M., & Johnson M., 1997, "Parent-child relationships and children's images of God", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 36, p. 24-43.
- Draper, S., 2017, "The preeminent sacred symbol: Theorizing image of God outcomes", *Sociology Compass*, N. 11(10), p. 25-32.
- GRADY, K., & Richards, P. S., 2007, "Theistic psychotherapy and the God image", *Journal of spirituality in mental health*, N. 9(3-4), p. 183-209.
- Grimes, C., 2008, "God Image Research: A Literature Review", *Journal of Spirituality in Mental Health*, N. 9 (3-4), p. 11-32.
- Grosuch, R. L., 1968, "The conceptualization of God as seen in adjective ratings", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 7, p. 56-64.
- Hall, T. W., & Fujikawa, A. M., 2013, *God image and the sacred*, (eds.), APA handbooks in psychology.
- Hoffman, L., Knight, S., Boscoe-Huffman, S., & Stewart, S., 2007, "Diversity issues and the god image", *Journal of spirituality in mental health*, N. 9(3-4), p. 257-279.
- Lawrence, R. T., 1997, "Measuring the Image of God: The God image inventory and the God image scales", *Journal of Psychology and Theology*, N. 25 (2), p. 214-226.
- Vaughan, F, 2002, "What is Spiritual Intelligence?", *Journal of Humanistic Psychology*, V. 42, N. 2, p. 16-33.

تدوین پروتکل درمانی با طراحی «معنوی - مذهبی» برای زوجین متقاضی طلاق و اثربخشی آن بر بهبود راهبردهای مقابله‌ای و صمیمیت زناشویی

f. bayanfar@pnu. ac. ir
parimi@se. pnu. ac. Ir

کج فاطمه بیان‌فر / استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه پیام‌نور تهران، تهران، ایران
علی پریمی / استادیار دانشکده الهیات، دانشگاه پیام‌نور تهران، تهران، ایران
دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۹

چکیده

طلاق معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی است. آموزش الگوهای ارتباطی صمیمانه و راهبردهای مقابله‌ای کارآمد، به‌ویژه با رویکرد معنوی - مذهبی، می‌تواند سطح تعارضات زناشویی را کاهش داده و از طلاق پیشگیری کند. هدف این پژوهش، تدوین پروتکل درمانی «معنوی - مذهبی» و بررسی کارآمدی آن، در بهبود راهبردهای مقابله‌ای و صمیمیت زناشویی جهت کاهش احتمال وقوع طلاق بود. نمونه ۱۶ زوج متقاضی طلاق بودند که برای حل تعارضات زناشویی خود به مراکز مشاوره شهر تهران مراجعه کرده بودند. ابزارهای پژوهش مقیاس راهبردهای مقابله‌ای لازاروس و فولکمن و مقیاس صمیمیت زناشویی اولیا و همکاران و پروتکل درمانی معنوی - مذهبی بود. گروه آزمایش ۱۶ جلسه ۱۲۰ دقیقه‌ای دو بار در هفته، تحت درمان «معنوی - مذهبی» قرار گرفتند. یافته‌ها تفاوت معناداری بین نمرات دو گروه در سطح $P < 0.05$ را نشان داد. اندازه اثر برای تفاوت‌های گروهی بزرگ و قابل توجه بود. نتایج نشان داد که رویکرد درمانی «معنوی - مذهبی» راهبردی کارآمد، در بهبود شیوه‌های مقابله و صمیمیت زناشویی در زوجین متعارض می‌باشد و می‌توان از آن به‌عنوان روش درمانی کارآمد در کاهش احتمال طلاق بهره برد.

کلیدواژه‌ها: پروتکل درمانی، معنوی - مذهبی، راهبردهای مقابله‌ای، صمیمیت زناشویی، طلاق.

ازدواج رضایت‌بخش، یکی از عوامل مهم بهداشت روانی جامعه به‌شمار می‌آید، اما چنانچه ازدواج و زندگی خانوادگی، شرایط نامساعدی برای ارضای نیازهای روانی زوجین ایجاد کند، نه‌تنها بهداشت روانی تحقق نمی‌یابد، که آثار منفی و جبران‌ناپذیری بر جای می‌گذارد. به‌طوری‌که اختلالات جسمانی و عصبی، افسردگی و خودکشی، از پیامدهای اختلافات زناشویی هستند. آمار طلاق، که معتبرترین شاخص آشفتگی زناشویی است، نشانگر آن است که رضایت زناشویی، به‌آسانی قابل دستیابی نیست. اختلاف و تعارض، که به صورت عدم توافق، عدم دوست داشتن، جر و بحث و ناآرامی در روابط صمیمانه وجود دارد، امری طبیعی است (ریگیو، ۲۰۰۴؛ آماتو و چیدل، ۲۰۰۸؛ آپاستولو، ۲۰۱۸). این وضعیت، نه‌تنها برای خود زوجها تهدیدکننده است، بلکه دارای پیامدهای منفی و آشفتگی‌های بلندمدت و نهفته‌ای برای فرزندان است و سلامت و امنیت اجتماعی خانواده را به شدت تهدید می‌کند (ویکسل دیکسون، ۲۰۱۶؛ هالوانی، ۲۰۱۸، ص ۱۱۵).

در مورد علل طلاق، نظریه‌پردازان حوزه‌ی زوج‌درمانی، دیدگاه‌های گوناگونی را مطرح کرده‌اند. دیدگاه انتقال بین نسلی، پدیده طلاق را نتیجه‌ی تعارضات حل‌نشده خانوادگی و شخصی اولیه زوجین می‌داند. در دیدگاه روان‌پویایی هم ریشه‌ی اکثر مشکلات زناشویی، نتیجه تعارضات حل‌نشده دوران کودکی زوجین است (اختر و بی‌گام، ۲۰۱۲؛ فلدمو و هرتلاین، ۲۰۱۷). در مورد علت بروز تعارض زناشویی و طلاق، برخی پژوهشگران همچون *اختر و بی‌گام* (۲۰۱۲) و *آپوستولو و همکاران* (۲۰۱۸) معتقدند: مشکلات و نیازهای روان‌شناختی قبلی زوجین، از عوامل بروز تعارض زناشویی و طلاق است.

کراتبری و دیگران (۲۰۱۸)، عدم توانایی زوجین در ایجاد ارتباط و نحوه‌ی عشق ورزیدن به یکدیگر و فقدان صمیمیت را به‌عنوان علت طلاق در زوجین مطرح کردند. زوج‌های آشفته، به‌طور معمول صمیمیت، نزدیکی و محبت کمتری را نسبت به یکدیگر ابراز می‌کنند (هالفورد و دیگران، ۲۰۰۱).

صمیمیت زناشویی، فرایندی تعاملی، پویا و شامل ابعادی به هم مرتبط است (نیک نورازیرا و دیگران، ۲۰۱۸) که برای برخی افراد، زمانی به اوج خود می‌رسد که نسبت به فرد دیگر، خودافشاگری داشته باشند (فراست، ۲۰۱۲). برای برخی دیگر، نیز هنگامی رخ می‌دهد که تجربیات مثبت مشترک دارند (کلانتیری و دیگران، ۱۳۹۷) و برای عده‌ای نیز به‌معنای داشتن رابطه‌ی جنسی است (حجتی‌فر و دیگران، ۲۰۱۷). عامل مشترک در اکثر روابط آشفته، این است که زوجها نیازهای صمیمیت یکدیگر را برآورده نمی‌کنند (کرمانی و دیگران، ۲۰۱۸).

پژوهش‌ها نشان داده افرادی که در زندگی زناشویی، میزان صمیمیت بالاتری را تجربه می‌کنند، قادرند خود را به شیوه‌ی مطلوب‌تری در روابط عرضه و نیازهای خود را به شکل مؤثرتری، به همسر خود ابراز کنند (هالفورد و دیگران، ۲۰۰۱؛ فراست، ۲۰۱۲؛ کلانتیری و دیگران، ۱۳۹۷). همچنین، قابلیت بیشتری در حل

تعارضات و بهبود راهبردهای مواجهه با مشکلات داشته و در نتیجه، رضایت زناشویی بالاتری را تجربه می‌کنند (حجتی‌فر و دیگران، ۲۰۱۷).

با وجود نقش صمیمیت در رضایت زناشویی، تجربیات بالینی نشان داده که در جامعه معاصر، زوجها مشکلات شدید و فراگیری را به هنگام برقراری و حفظ روابط صمیمانه و ارضای انتظارات و نیازهای یکدیگر تجربه می‌کنند (هالفورد و دیگران، ۲۰۰۱؛ فراست، ۲۰۱۲؛ نیک نورازری و دیگران، ۲۰۱۸). عدم توانایی در حفظ روابط صمیمانه، یکی از عوامل مؤثر در حل نشدن تعارضات بین زوجین است (کلانتری و دیگران، ۱۳۹۷). عامل دیگری که در حل نشدن تعارضات زوجین مؤثر است، ارتباطات مختل و ناکارآمد است (ایوان، ۲۰۱۱).

ستیر (۱۹۸۶)، تعارضات زوجین را نتیجه ارتباطات مختل بین آنها دانسته و معتقد است: در واقع روشی که زوجین با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، موجب بروز تعارضاتی بین آنان می‌گردد (دان مارتین و دیگران، ۱۹۸۶). در پژوهش‌هایی که روی افراد در آستانه طلاق انجام گرفته، این نتیجه به دست آمده که اکثر افراد در آستانه طلاق، از راهبردهای مقابله‌ای ناکارآمد و مختل استفاده می‌کنند که به احتمال بسیار زیاد، سطح تعارض زناشویی آنان را افزایش می‌دهد و آنان را به سمت طلاق و جدایی سوق می‌دهد (آماتو و چیدول، ۲۰۰۸؛ آختر و بی‌بام، ۲۰۱۲؛ دمیسی، ۲۰۱۷؛ آپاستول و دیگران، ۲۰۱۸). نتایج سایر پژوهش‌ها روی زوجین متعارض هم نشان داد که آموزش الگوهای ارتباطی و راهبردهای مقابله‌ای و استفاده از فنون درمانی، می‌تواند سطح تعارضات زناشویی زوجین را کاهش داد، از طلاق آنان پیشگیری کند. (برگ، ۲۰۱۷؛ ماکو و بانمن، ۲۰۱۷، ص ۹۴).

جعفری (۱۳۹۶) در پژوهش خود به تدوین یک برنامه روانی - آموزشی، براساس الگوی ستیر برای زوجین متعارض پرداخت و اثربخشی این رویکرد درمانی را در کاهش سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و احتمال وقوع طلاق بررسی کرد. نتایج پژوهش وی، نشان داد که الگوی پیشنهادی ستیر می‌تواند منجر به کاهش سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و کاهش میزان تقاضای طلاق شود.

مرادی و چاردولی (۱۳۹۵) در پژوهش دیگری به اثربخشی زوج‌درمانی تلفیقی، به شیوه شناختی - رفتاری و ساختاری، بر کیفیت زندگی و ابعاد آن، در زوج‌های متقاضی طلاق پرداختند. آنها نیز در پژوهش خود نشان دادند که زوج‌درمانی تلفیقی، می‌تواند کیفیت زندگی و ابعاد آن را در زوجین متقاضی طلاق افزایش دهد.

کلانتری و دیگران (۱۳۹۷) به تدوین و بررسی اثربخشی برنامه آموزشی، افزایش صمیمیت بر مبنای فرهنگ بومی ایران، بر رضایت زناشویی زوجها پرداختند. در این پژوهش، با استفاده از رویکرد چندگانه به موضوع صمیمیت و رضایتمندی زناشویی پرداخته شد. به این ترتیب که در این برنامه، از رویکرد رفتاری برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و ایجاد روابط سازگارانه و از رویکرد شناختی، برای اصلاح نگرش‌ها و باورها و مثبت‌نگری، خودآگاهی و شناخت همسر و از رویکرد انسان‌گرایانه و نظریه انتخاب گلاسر (۲۰۰۸)، برای آموزش هرم نیازهای مازلو و اهمیت

به نیازهای جسمانی - روانی همسر، صمیمیت جنسی و تفاوت‌های جنسیتی و از رویکرد فرهنگی - اجتماعی، برای بومی‌سازی مفاهیم و آموزه‌ها با هنجارها و ارزش‌های فرهنگی جامعه ایرانی یک جا استفاده شده است.

تحلیل و اصلاح ارتباطات مختل و ناکارآمد زوجین، پس از چند دهه رشد در خانواده‌درمانی، توجه به جنبه‌های معنوی و فرهنگی خانواده درمانگران را وارد فضای جدیدی از مداخله‌ها کرده که در آن، نه تنها به دین‌داری زوجها می‌پردازند، بلکه از این رویکرد، برای حل سایر ابعاد ارتباطی آنان استفاده می‌کنند (بارتولی، ۲۰۰۷؛ ون ایچک، ۲۰۱۸؛ ویلت و دیگران، ۲۰۱۸). برای نمونه ویلت و دیگران (۲۰۱۸)، در پژوهش خود نشان دادند که دعا و نیایش، اجازهٔ ابراز خشم، ناامیدی و اضطراب را به شیوهٔ صحیح به افراد می‌دهد. همچنین، به ترمیم آسیب‌های ایجادشده در روابط کمک می‌کند و موجب ارتقای نگرش‌ها، در رفتارهای اجتماعی می‌شود (ویلت و دیگران، ۲۰۱۸). در واقع، معنویت با هدف قرار دادن باورهای فرد، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فرد کمک می‌کند تا وقایع منفی را به شیوه متفاوتی ارزیابی، حس قوی‌تری از کنترل ایجاد کند و موجب رضایت زندگی شود (بارتولی، ۲۰۰۷).

در نظر برخی درمانگران، به دلیل اینکه فرایند فعال‌سازی طرح‌واره‌های معنوی، تفاوتی با روش‌های به‌کاربرده‌شده در فعال‌سازی طرح‌واره‌های شناختی ندارد، از روش‌های موجود می‌توان برای فعال‌سازی طرح‌واره‌های معنوی، در افزایش رضایت‌مندی بهره گرفت (ویلت و دیگران، ۲۰۱۸).

در زوج‌درمانی مبتنی بر رویکرد معنوی - مذهبی، با تأکید بر آموزه‌های اسلام، مفاهیم اسلامی همچون ذکر، دعا و توسل، شکرگزاری، توکل به خدا، ایمان و تقوا، به‌عنوان طرح‌واره‌ها مفهوم‌بندی می‌شوند (نیکویی و دیگران، ۱۳۹۷). از آنجاکه این مفاهیم ریشه در اعتقادات فطری و قلبی فرد دارند و دارای مقوله‌های شناخت، عاطفه و رفتار هستند، فعال‌سازی آنها به هنگام تهدید و ارزیابی‌های مربوط به موقعیت، می‌تواند به آرامش درونی و کاهش اضطراب موقعیتی فرد کمک کند. همچنین، تلفیق روش‌های زوج‌درمانی، با فعال‌سازی طرح‌واره‌های معنوی - مذهبی موجب آگاه شدن و تسهیل فرایند پردازش‌های طرح‌واره‌ای در فرد شده و کاهش تعارضات زناشویی را به دنبال دارد. در واقع، معنویت با هدف قرار دادن باورهای فرد، ارزیابی‌های شناختی مهم را در فرایند مقابله تحت تأثیر قرار می‌دهد و به فرد کمک می‌کند تا وقایع منفی را به شیوهٔ متفاوتی ارزیابی و حس قوی‌تری از کنترل ایجاد کند و این امر موجب رضایت از زندگی می‌شود (عبدی و دیگران، ۱۳۹۴).

با توجه به تأثیر عقاید مذهبی و سبک زندگی اسلامی، در استحکام خانواده و رضایت زناشویی، اخیراً در میان پژوهشگران و متخصصان بالینی، توجه و علاقه خاصی به مسائل مذهبی و معنوی برای درمان مراجعان به چشم می‌خورد. برای نمونه می‌توان به پژوهش‌های نیکویی و دیگران (۱۳۹۷)، برجلی و دیگران (۱۳۹۷)، علینزاده‌فرد و خوش‌منش (۱۳۹۶)، عبدی و دیگران (۱۳۹۴)، طلائیان و زهراکار (۱۳۹۴)، محمودزاده و دیگران (۱۳۹۳) اشاره کرد.

نیکویی و دیگران (۱۳۹۷)، به تدوین پروتکل درمانی براساس ذهن آگاهی، مبتنی بر فعال‌سازی طرح‌واره‌های معنوی - اسلامی، در رضایتمندی زناشویی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد کنگاور پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که این پروتکل درمانی، موجب افزایش معناداری در میزان رضایتمندی زناشویی شده است. برحلی و دیگران (۱۳۹۷)، نیز به بررسی رابطه بین سبک زندگی اسلامی با رضایت زناشویی با واسطه‌گری خوش‌بینی پرداختند. آنها نیز مانند نیکویی و همکاران (۱۳۹۷)، به این نتیجه رسیدند که بین سبک زندگی اسلامی، و رضایت زناشویی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. *علیزاده‌فرد و خوش‌منش* (۱۳۹۶)، در پژوهش دیگری به بررسی مقایسه آموزش تئوری انتخاب، به صورت کلاسیک و بر مبنای آموزه‌های اسلامی، بر افزایش گذشت و رضایت زناشویی زنان متأهل پرداختند. آنان به این نتیجه رسیدند که آموزش تئوری انتخاب، به صورت کلاسیک موجب افزایش رضایت زناشویی و گذشت شده است، ولی افزایش نمرات رضایت زناشویی و گذشت، در گروه تئوری انتخاب اسلامی بیشتر از گروه کلاسیک بود. *عبدی و دیگران* (۱۳۹۴)، در مطالعه دیگری به بررسی الگوی تنظیم رغبت براساس زهد اسلامی و مقایسه آن، با درمان شناختی رفتاری در کاهش اضطراب پرداختند. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که هر دو روش درمانی، در کاهش اضطراب تأثیر داشتند، ولی تأثیر روش درمانی تنظیم رغبت براساس مفهوم «زهد» به‌طور معناداری، بیش از تأثیر گروه شناختی - رفتاری بود. *طلاییان و زهرکار* (۱۳۹۴)، در پژوهش خود نشان دادند که التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی، می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خوبی برای احتمال طلاق باشد و می‌توان از میزان پایبندی به اعتقادات اسلامی، میزان مستعد بودن برای طلاق را تخمین زد و پیش‌بینی کرد. *محمودزاده و دیگران* (۱۳۹۳)، که به بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی زوجین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان پرداختند، به این نتیجه رسیدند که زوج‌درمانی اسلامی، صمیمیت و ابعاد صمیمیت زناشویی (صمیمیت عاطفی، ارتباطی، فیزیکی، اجتماعی - تفریحی، مذهبی و روان‌شناختی)، را افزایش داده و تأثیر این روش بر صمیمیت زنان و مردان یکسان بوده است.

با وجود تدوین چندین رویکرد درمانی، بر مبنای آموزه‌های اسلامی، در جهت افزایش رضایتمندی زناشویی، تاکنون پژوهشگران در ایران، به تدوین رویکرد درمانی «معنوی - مذهبی»، که متناسب با باورها و فرهنگ زوجین مسلمان ایرانی تنظیم شده باشد و هدف آن کاهش احتمال طلاق باشد، نپرداخته‌اند. با توجه به گزارش‌های سامانه اطلاع‌رسانی سازمان ثبت احوال کشور ایران، آمار بالایی از طلاق، که معتبرترین شاخص آشفستگی زناشویی است، نشان داده می‌شود. از آنجاکه عدم صمیمیت زناشویی و فقدان راهبردهای مقابله‌ای کارآمد، نه‌تنها موجب افزایش طلاق شده، بلکه موجب بروز اختلال‌های جسمانی و روانی زوجین (آماتو و چیدل، ۲۰۰۸)، آسیب و بزهکاری فرزندان (ری‌گیو، ۲۰۰۴؛ بیرامی و محبی، ۱۳۹۵)، زندگی اجباری و تحمیلی (ریگیو، ۲۰۰۴؛ دمپسی، ۲۰۱۷)، طلاق عاطفی (لانگام و نیزام ایشا، ۲۰۱۷) و به کارگیری انواع سبک‌های اجتنابی، از قبیل افزایش روابط فرازناشویی

(کریمی و دیگران، ۱۳۹۲؛ ونگر، ۲۰۱۸) و جابه‌جایی تخلیه هیجانات منفی (ندائی و دیگران، ۱۳۹۵)، ناشی از فقدان صمیمیت می‌شود و از آنجا که بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه راهبردهای مقابله‌ای و صمیمیت زناشویی، نشان می‌دهد که با توجه به فرهنگ بومی کشور ما، استفاده از آموزه‌های جامع، اصیل و مطمئن دین اسلام، هنوز به‌طور جدی و بخصوص به صورت تدوین طرح درمانی و به‌کارگیری آزمایشی آن، مورد توجه درمانگران و پژوهشگران قرار نگرفته است، ضرورت این پژوهش بیش از پیش احساس می‌شود. آنچه مسلم است اینکه در فهم مشکلات خانوادگی و ارزیابی و حل آنها، توجه به بافت فرهنگی - اجتماعی، که فرایند درمانی در آن صورت می‌گیرد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌گونه‌ای که بی‌توجهی به آن، می‌تواند درمانگران را از نیل به اهداف نهایی خود بازدارد. از آنجا که فرهنگ اسلامی و رهنمودهای اخلاقی، اجتماعی و خانوادگی آنها، سال‌هاست که در خانواده‌های ایرانی ریشه‌دار است، توجه به آموزه‌های این دین آسمانی، در درمان ناسازگاری‌های زناشویی و تهیه برنامه‌های آموزشی در این زمینه، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. چنانچه براساس پژوهش *لطف‌آبادی*، ۹۰/۳ درصد از مردم تهران، دارای هویت دینی بسیار نیرومند هستند (محمودزاده و دیگران، ۱۳۹۳). از این‌رو، تدوین طرح درمانی، با دیدگاه اسلامی امری ضروری است. لذا این پژوهش، با هدف تدوین پروتکل «مذهبی - معنوی» مبتنی بر آموزه‌های اسلام برای بهبود راهبردهای مقابله‌ای و افزایش صمیمیت زناشویی و بررسی میزان کارآمدی این روش درمانی، در کاهش احتمال وقوع طلاق در زوجین متعارض انجام شد.

روش پژوهش

این پژوهش، طی دو مرحله انجام شد: ۱. تدوین پروتکل درمانی «معنوی - مذهبی» براساس آموزه‌های اسلامی؛ ۲. اجرای پروتکل درمانی برای سنجش و ارزیابی کارآمدی آن. روش پژوهش، از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون - پس‌آزمون، همراه با گروه کنترل و دوره پیگیری بود.

جامعه هدف عبارت بودند از: کلیه زوجین متقاضی مشاوره طلاق، که برای حل تعارضات زناشویی خود به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر تهران مراجعه نموده بودند. در فراخوان اولیه، ۶۴ نفر که طی شش‌ماهه اول سال ۱۳۹۷ به مراکز مشاوره مراجعه کرده بودند، اعلام آمادگی نمودند و پرسش‌نامه‌های «نیرومندی ایمان مذهبی»، «راهبردهای مقابله‌ای فولکمن» و «صمیمیت زناشویی اولیا و همکاران» را تکمیل کردند. ۳۲ شرکت‌کننده (۱۶ زوج)، که ملاک‌های ورود و خروج به پژوهش را داشتند، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب و به روش تصادفی و به‌طور مساوی، در گروه‌های آزمایش و کنترل جایگزین شدند. ملاک‌های ورود: ۱. تعهد هر دو زوج به شرکت در جلسات مشاوره؛ ۲. مسلمان شیعه با دامنه سنی ۲۰ تا ۴۵ سال؛ ۳. متقاضی طلاق بودن حداقل یک نفر از زوجین؛ ۴. عدم دریافت روان‌درمانی طی شش ماه گذشته؛ ۵. تحت درمان داروهایی روان‌پزشکی نبودن؛ ۶. حداقل تحصیلات دیپلم. ملاک‌های خروج: ۱. وجود هرگونه اختلال روان‌پزشکی، با تشخیص روان‌پزشک مرکز؛ ۲. اعتیاد

به مواد روان گردان، مواد مخدر و مشروبات الکلی؛ ۳. استفاده از مشاوره فردی و روان درمانی همزمان با جلسات گروه درمانی؛ ۴. غیبت بیش از دو جلسه. میانگین سنی گروه آزمایش، ۳۲/۲۰ سال با انحراف استاندارد ۱/۴۲ بود و میانگین سنی گروه کنترل، ۳۳ سال با انحراف استاندارد ۱/۷۳ بود. همچنین، میزان تحصیلات ۱۸ نفر دیپلم، ۴ نفر فوق دیپلم، ۶ نفر لیسانس و ۴ نفر فوق لیسانس بود. ۶ زوج فاقد فرزند، ۲۰ زوج دارای یک فرزند، ۴ زوج دو فرزند و ۲ زوج دارای سه فرزند بودند. پس از انتخاب آزمودنی‌ها، سطح مذهبی آزمودنی‌ها، به‌عنوان متغیر کنترل مورد بررسی قرار گرفت. لازم به یادآوری است که گروه آزمایش و کنترل، از نظر متغیر سطح مذهب و گرایش به مذهب، تقریباً در سطحی یکسان قرار گرفتند و تفاوت معناداری از نظر مذهبی، بین گروه کنترل و آزمایش نبود. نتایج حاصل از تحلیل وریانس سطح مذهبی افراد، که با پرسش‌نامه نیرومندی ایمان مذهبی سانتا کالارا (۱۹۹۷) مورد سنجش قرار گرفت، همسان بودن دو گروه را در این زمینه نشان داد. سپس، پیش‌آزمون‌های راهبردهای مقابله‌ای و صمیمیت زناشویی برای هر دو گروه به اجرا درآمد.

نمرات پیش‌آزمون دو گروه، با استفاده از تحلیل واریانس یک راهه مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت معناداری بین دو گروه مشاهده نشد. سپس، گروه آزمایش با طرح درمانی تدوین شده، در ۱۶ جلسه زوج‌درمانی گروهی مورد آموزش قرار گرفتند. طول مدت هر جلسه، ۱۲۰ دقیقه و به صورت هفته‌ای دو بار بود. گروه کنترل در این مدت، آموزشی نداشته و در لیست انتظار قرار گرفتند. پس از پایان دوره آموزشی، مجدداً برای هر دو گروه پس‌آزمون (صمیمیت زناشویی و راهبردهای مقابله‌ای)، به اجرا درآمد. پس از یک دوره پیگیری چهار هفته‌ای، برای بار سوم هر دو گروه مورد آزمون قرار گرفتند. به لحاظ رعایت اصول اخلاقی پژوهش، مداخله درمانی برای گروه گواه پس از دوره پیگیری و تمام شدن طرح آزمایشی انجام شد.

برای بررسی اثربخشی روش درمانی بر متغیرهای پژوهش، به دلیل وجود دو متغیر مستقل، یکی متغیر بین‌آزمودنی‌ها (گروه: آزمایش و کنترل) و دیگری، متغیر درون‌آزمودنی‌ها (زمان: پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری) از آزمون تحلیل واریانس دو راهه بین - درون‌آزمودنی‌ها استفاده شد.

ابزار پژوهش

در این پژوهش، از یک طرح درمانی و سه پرسش‌نامه زیر استفاده شده است.

الف. پرسش‌نامه نیرومندی ایمان مذهبی سانتا کالارا (۱۹۹۷، SCSORF): پلاته و پوکاچینی برای پاسخ‌گویی به نیاز پژوهشگران بالینی، رفع نقاط ضعف مقیاس‌های پیشین و پر کردن خلأهای موجود SCSORF را در سال ۱۹۹۷ طراحی کردند. بررسی‌های اولیه نشان داد که همسانی درونی این مقیاس، معادل ۰/۹۵ و پایایی دو نیمه آن معادل ۰/۹۲ است. لوپس و همکاران (۲۰۰۱)، ساختار عاملی این مقیاس را در یک نمونه مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد که این مقیاس، از ساختار عاملی تک‌بعدی برخوردار است. تحلیل عاملی

تأییدی نیز ساختار عاملی تک‌بعدی این مقیاس را مورد تأیید قرار داد (جوشن‌لو و دیگران، ۱۳۹۱). پژوهشگران در ایران، به هنجاریابی این پرسش‌نامه بر روی دانشجویان ایرانی پرداختند. هم‌تحلیل عاملی اکتشافی و هم‌تحلیل عاملی تأییدی بیانگر ساختار تک‌عاملی برای این مقیاس بودند. روائی همگرائی مقیاس نیز با مقیاس‌های باورهای معنوی، مشارکت مذهبی، کنار آمدن مذهبی و بهزیستی روان‌شناختی، مورد تأیید قرار گرفت (جوشن‌لو و همکاران، ۱۳۹۱). ضریب آلفای کرونباخ، این مقیاس در این پژوهش، معادل ۰/۹۲ و ضریب پایایی دو نیمه آن نیز معادل ۰/۹۱ به دست آمد.

ب. پرسش‌نامه راهبردهای مقابله‌ای فولکمن (WOCQ، ۱۹۸۰): این پرسش‌نامه توسط لازاروس و فولکمن، در سال ۱۹۸۰ ساخته شده و شامل ۶۶ گویه است که هشت روش مقابله را بررسی می‌کند. این ابزار، دامنه وسیعی از افکار و اعمالی را که افراد هنگام مواجهه با شرایط استرس‌زای درونی و بیرونی به کار می‌برند، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در دو قالب کلی، راهبرد مقابله مسئله‌مدار، با چهار زیرمقیاس (جست‌وجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، ارزیابی مجدد مثبت، حل مسئله برنامه‌ریزی‌شده) و راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار، با چهار زیرمقیاس (رویارویی، خودکنترلی، فاصله‌گیری و گریز - اجتناب) طراحی شده است. شانزده سؤال این پرسشنامه انحرافی است و ۵۰ سؤال دیگر شیوه مقابله فرد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. روائی این پرسش‌نامه، در نمونه‌ای متشکل از ۵۷۱ زوج میان‌سال آزمون شده و ضریب آلفای کرونباخ مقابله مستقیم ۰/۷، فاصله گرفتن ۰/۶۱، پذیرش ۰/۷۶، طلب حمایت اجتماعی ۰/۷۱، حل مسئله برنامه‌ریزی ۰/۷۲، گریز - اجتناب ۰/۶۶، مسئولیت ۰/۷۹، و ارزیابی مجدد مثبت ۰/۶۷ گزارش شد. این پرسش‌نامه، در مطالعات متعدد و در گروه‌های مختلف برای سنجش راهبردهای مقابله‌ای به کار رفته است. بنابراین، ابزاری استاندارد و روا محسوب می‌شود (ندائی و دیگران، ۱۳۹۵).

ج. پرسش‌نامه صمیمیت زوجین (۱۳۸۵): پرسش‌نامه صمیمیت زوجین، توسط اولیاء، فاتحی‌زاده و بهرامی (۱۳۸۵) ساخته شد. این ابزار شامل ۸۷ سؤال و ۹ خرده‌مقیاس است که عبارتند از: صمیمیت هیجانی، عقلانی، جسمانی، اجتماعی - تفریحی، ارتباطی، معنوی، روان‌شناختی، جنسی و صمیمیت کلی. برای بررسی روائی همزمان این مقیاس، از مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳) استفاده شد. نتایج نشان داد که همبستگی بین این مقیاس و مقیاس صمیمیت واکر و تامپسون (۱۹۸۳)، برابر با ۰/۹۲ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. روائی محتوایی آن، توسط متخصصان تأیید شده است. همچنین، برای پایایی کل آزمون، از آلفای کرونباخ استفاده شده که ضریب ۰/۹۸ و ضریب بازآزمایی ۰/۸۷ به دست آمده است (آرین‌فر و اعتمادی، ۱۳۹۵).

پروتکل درمانی: این طرح‌درمانی، با رویکرد آموزشی با استفاده از آیات و روایات، منابع، کتاب‌ها و نرم‌افزارهای معتبر اسلامی و مرور مفصل در ادبیات پژوهشی موجود و بررسی متون و نظریه‌های خانواده‌درمانی طراحی شد. پس از طراحی اولیه، سه نفر از اعضای هیئت علمی گروه روان‌شناسی و مشاوره خانواده و دو نفر از اعضای هیئت

علمی گروه الهیات دانشگاه پیام نور، روائی صوری و روائی محتوایی این ابزار را مورد بررسی قرار دادند. پس از اصلاحات اولیه، این ابزار به پژوهشگاه حضرت معصومه علیها السلام در قم ارسال شد. دو نفر از استادان صاحب نظر در این پژوهشگاه، اصلاحات دیگری را پیشنهاد دادند. پس از انجام اصلاحات و تأیید نهایی این استادان، طرح اولیه درمان آماده شد. پیش از اجرای نهایی، این طرح به صورت آزمایشی در یکی از مراکز مشاوره و بهداشت روان، شهر تهران توسط نویسنده مسئول مقاله به مدت ۸ جلسه بر روی ۳ زوج به صورت گروهی اجرا شد. پس از اجرای اولیه، اصلاحات نهایی در طرح آموزشی صورت گرفت. خلاصه محتوای طرح درمانی «مذهبی - معنوی» برای افزایش راهبردهای مقابله‌ای کارآمد و صمیمیت زوجین متقاضی طلاق در زیر آورده می‌شود.

جلسه اول: کمک به شرکت‌کنندگان برای آشنایی با یکدیگر، بیان قوانین و مقررات دوره درمانی، ایجاد رابطه درمانی، مشاهده و بررسی رفتارهای ورودی کلامی و غیرکلامی زوجین، بیان فلسفه زندگی و ازدواج در اسلام، زوج و زوجه ایده‌آل در اسلام، فلسفه و اهمیت خودشناسی و خودآگاهی، از منظر آموزه‌های اسلامی، دادن تکالیف خانگی.

جلسه دوم: بررسی تکالیف خانگی، آموزش خودآگاهی و شناخت همسر و کمک به زوجین برای شناخت بیشتر خود و همسر، با استفاده از منابع تکوین خود، به‌عنوان اولین عامل مؤثر در صمیمیت، بررسی هدف از زندگی مشترک و انتظار زوجین نسبت به زندگی مشترک، نقش و جایگاه همسر در زندگی آنها، بیان دیدگاه/سنتزبرگ و دیدگاه اسلام در مورد عشق، صمیمیت، تعهد، شور و شهوت، بررسی و شناخت عوامل زمینه‌ساز و تداوم‌بخش مشکل زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه سوم: بررسی تکالیف خانگی، درخواست از زوجین، برای بیان مسائل و مشکلات خود با همسر، آموزش و تمرین مهارت گوش دادن فعال، به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم در حل تعارضات زناشویی و ایجاد صمیمیت و بیان موانع گوش دادن فعال، تشریح راهبردهای مقابله هیجان‌مدار و مسئله‌مدار، در مواقع بروز تعارضات از دیدگاه لازاروس و فولکمن و اسلام و رابطه آن با صمیمیت و رضایتمندی زناشویی، دادن تکالیف خانگی.

جلسه چهارم: بررسی تکالیف خانگی، توضیح اهمیت ارتباط کلامی و غیرکلامی و گفت‌وگو، با همسر و تشریح انواع سبک‌های ارتباطی، نظیر انفعالی، پرخاشگرانه و جرأت‌مندانه، آموزش شیوه‌های صحیح گفت‌وگو و بیان احساسات، نیازها و درخواست‌ها و آگاهی از نقش مهارت‌های ارتباطی، در صمیمیت زناشویی از دیدگاه روان‌شناختی و اسلام، تشریح راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار، بعد رویارویی با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه پنجم: بررسی تکالیف خانگی، توضیح سلسله‌مراتب نیازها، از دیدگاه مازلو و اسلام و تفاوت‌های جنسیتی در نیازها، وظایف همسران نسبت به یکدیگر، در برآورده کردن خواسته‌ها و نیازها از دیدگاه اسلام. تمرین مهارت

همدلی و درک متقابل از مهارت‌های ارتباطی برای برآوردن انتظارات و برقراری روابط صمیمانه. تشریح راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار، بعد خودکنترلی با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه ششم: بررسی تکالیف خانگی، مرور فلسفه و ارزش ازدواج و بیان فلسفه طلاق از دیدگاه اسلام، بررسی آثار، پیامدها و عوامل ایجادکننده طلاق، از منظر روان‌شناسی خانواده و اسلام، بیان ارزش و اهمیت رابطه جنسی رضایت‌بخش، به‌عنوان یکی از عوامل مهم جلوگیری از تعارضات و درخواست طلاق و ایجاد عشق و صمیمیت بین زوجین با استفاده از آیه‌ها و احادیث و تطبیق نتایج پژوهش‌های علمی، با مبانی دینی همسو با ارزش‌های فرهنگی، و آموزش فنونی در این زمینه. دادن تکالیف خانگی.

جلسه هفتم: بررسی تکالیف خانگی، آشنایی با مسئولیت‌های متقابل و توجه به مرزها در زندگی زناشویی، با توجه به آموزه‌های اسلامی، تأثیر باورهای غیرمنطقی، خطاهای شناختی و طرح‌واره‌های ناکارآمد، در ایجاد تعارضات زناشویی و کاهش صمیمیت، آموزش شناسایی خطاهای شناختی و باورهای غیرمنطقی، تشریح راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار بعد فاصله‌گیری، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی نمودن راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه هشتم: بررسی تکالیف خانگی، بیان ویژگی‌هایی شخصیتی و خصوصیات اخلاقی متفاوت زوجین و تلاش در پذیرش بی‌قید و شرط یکدیگر، به‌عنوان طرح‌واره‌ای برای ایجاد عشق و صمیمیت، با توجه به آموزه‌های اسلامی، آموزش چگونگی اصلاح باورهای ناکارآمد و غیرمنطقی و خطاهای شناختی، برای کاهش ناراضی‌تمندی زناشویی... تشریح راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار بعد گریز - اجتناب، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه نهم: بررسی تکالیف خانگی، تشریح باورهای غیرمنطقی و خطاهای شناختی، به‌عنوان عامل برانگیزاننده خشم و بررسی تأثیر آن، بر کاهش صمیمیت و ایجاد تعارض و لزوم کنترل خشم، از منظر آموزه‌های قرآنی. بیان علائم هشداردهنده فیزیولوژیکی، شناختی و رفتاری خشم و تحلیل پیامدها. تشریح راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار بعد جست‌وجوی حمایت اجتماعی، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه دهم: بررسی تکالیف خانگی، آموزش فنون مهار خشم به هنگام بروز مسائل، با توجه به دیدگاه‌های روان‌شناختی و آموزه‌های اسلامی برای کاهش تعارضات و افزایش صمیمیت، تشریح راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار بعد مسئولیت‌پذیری، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه یازدهم: بررسی تکالیف خانگی. پس از آموزش مهار اولیه خشم، اهمیت تعریف دقیق مسئله، از ابعاد مختلف و ضرورت حل آن برای کاهش تعارض ایجاد شده و افزایش صمیمیت، با توجه به تأکید اسلام بر مشورت در حل مسائل، بیان مسائل و مشکلات عمده زوجین در گروه، تعریف دقیق و روشن هر مسئله، تشریح راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار بعد ارزیابی مجدد مثبت، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزین نمودن راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه دوازدهم: بررسی تکالیف خانگی، توضیح مراحل حل مسئله، شامل تعریف همه‌جانبه، ارائه راه‌حل‌ها و لزوم مشورت با افراد صاحب نظر، اجرای راه‌حل انتخاب شده و بازبینی مراحل با بیان مثال‌هایی از تکالیف خانگی جلسه قبل، توضیح سبک‌های سازگارانه و ناسازگارانه حل تعارض، با تأکید بر هدف و رابطه، از منظر آموزه‌های اسلامی، تشریح راهبرد مقابله‌ای مسئله‌مدار بعد حل مسئله برنامه‌ریزی شده، با توجه به آموزه‌های اسلامی و نقش آن در زندگی زناشویی، جایگزینی راهبرد مقابله‌ای همتراز و توجه به عواطف زوجین، دادن تکالیف خانگی.

جلسه چهاردهم: بررسی تکالیف خانگی، بیان اهمیت هویت زوجی، مهارت مرزبندی، نحوه ایجاد مرزهای منعطف و شیوه‌های صحیح برقراری رابطه با خانواده‌های اصلی برای حفظ استقلال شخصی زوجین، جلوگیری از تعارض و افزایش صمیمیت زناشویی، با توجه به آموزه‌های اسلامی، بررسی و شناخت قوانین و قواعد هر زوج، با استفاده از تحلیل تکالیف خانگی جلسه قبل برای تغییر و اصلاح قواعد غیرمنطقی و ناکارآمد ایجادکننده تعارض در خانواده، جایگزینی قواعد جدید، با استفاده از آموزه‌های اسلامی و تقویت الگوهای ارتباطی همتراز، دادن تکالیف خانگی.

جلسه پانزدهم: بررسی تکالیف خانگی، آگاه‌سازی زوجین از تجارب درونی ناکارآمد و غیرمنطقی خود و نقش این تجارب، در کاهش صمیمیت و تلاش در رسیدن به درک بهتری از تجارب درونی خود، تمرین ادراک احساسات مثبت، با توجه به تغییر قواعد غیرمنطقی و ابراز هیجانات مثبت، با توجه به آموزه‌های اسلامی، تقویت الگوهای ارتباطی برای کاهش تعارضات و افزایش صمیمیت زناشویی، دادن تکالیف خانگی.

جلسه شانزدهم: بررسی تکالیف خانگی، آگاه‌سازی زوجین نسبت به مکانیزم‌های دفاعی موجود در تعاملاتشان و توجه به خطاهای شناختی و احساسات منفی تجربه شده، حاصل از خطاهای شناختی، با توجه به تحلیل تکالیف خانگی و آموزه‌های اسلامی، مرور تمامی مطالب آموخته شده در جلسات قبلی، پرسش و پاسخ از مطالب آموخته شده قبلی و تشکر و قدردانی از شرکت‌کنندگان.

یافته‌های پژوهش

در جدول (۱)، شاخص‌های توصیفی مرتبط با صمیمیت و راهبردهای مقابله‌ای، در مرحله پیش‌آزمون - پس‌آزمون، در دو گروه نمایش داده شده‌اند.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی مربوط به صمیمیت و راهبردهای مقابله‌ای در مرحله پیش‌آزمون - پس‌آزمون در گروه‌های آزمایش و کنترل

متغیر	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		کنترل		پیش‌آزمون		پس‌آزمون		گروه مرحله	
	Sd	M	Sd	M	Sd	M	Sd	M	Sd	M		
صمیمیت	۱۲/۲۴	۴۲/۲۰	۱۳/۳۵	۴۳/۲۰	۱۲/۴۳	۴۳/۸۷	۸/۱۱	۸۰/۵۳	۸/۱۹	۸۰/۰۰	۷/۷۷۵	۳۲/۷۲۰
مسئله‌مدار	۴/۰۵	۳۱/۵۳	۲/۸۷	۳۱/۸۰	۴/۰۷	۳۳/۱۳	۳/۵۸	۴۱/۵۳	۳/۶۷	۴۱/۸۰	۴/۱۹	۳۲/۸۷
هیجان‌مدار	۳/۵۳	۶۱/۰۰	۳/۶۲	۶۱/۰۷	۳/۵۴	۶۱/۱۳	۴/۵۳	۳۶/۹۳	۴/۵۷	۳۶/۹۳	۴/۲۸	۶۰/۷۳
حمایت	۲/۷۸	۶/۷۳	۲/۷۸	۶/۳۷	۳/۰۴	۶/۴۰	۲/۴۳	۹/۲۰	۲/۶۰	۹/۲۰	۲/۷۶	۷/۲۷
مسئولیت	۰/۷۶	۵/۰۰	۵/۰۰	۰/۷۶	۰/۷۶	۵/۰۰	۱/۵۸	۸/۵۳	۱/۶۸	۸/۵۳	۱/۳۱	۵/۷۴
مسئله	۱/۷۳	۱۰/۰۰	۱/۱۸	۱۰/۱۳	۱/۸۲	۱۰/۲۰	۱/۲۴	۱۱/۶۰	۱/۲۳	۱۱/۷۶	۲/۲۰	۹/۷۳
ارزیابی	۱/۲۸	۱۰/۷۳	۱/۱۸	۱۰/۰۴	۱/۱۳	۱۰/۵۳	۱/۵۷	۱۲/۲۰	۱/۲۴	۱۲/۴۰	۲/۱۳	۱۰/۴۰
رویارویی	۳/۵۹	۹/۵۱	۱/۶۹	۱۳/۶۰	۱/۶۹	۱۳/۶۰	۱/۱۰	۸/۵۳	۱/۶۹	۸/۷۴	۲/۵۶	۱۳/۴۷
دوری‌گزین	۱/۷۰	۱۵/۸۰	۱/۷۰	۱۵/۸۰	۱/۷۶	۱۵/۷۳	۲/۵۳	۹/۳۳	۲/۴۴	۹/۳۳	۱/۴۸	۱۴/۶۷
فراراجتناب	۰/۹۶	۲۰/۷۳	۰/۹۴	۲۰/۸۰	۹/۴۱	۲۰/۸۰	۲/۲۰	۱۲/۶۰	۲/۲۰	۱۲/۶۰	۱/۴۰	۳۱/۴۰
خویشنداری	۱/۶۸	۱۰/۸۷	۱/۶۹	۱۰/۷۸	۱/۵۱	۱۱/۰۰	۱/۶۴	۶/۴۷	۱/۵۵	۶/۵۳	۱/۷۸	۱۱/۲۰

انحراف استاندارد = Sd، میانگین = M

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود گروه آزمایش، در مراحل پس‌آزمون و پیگیری متغیر صمیمیت و همچنین، سبک مقابله‌ای مسئله‌محور و راهبردهای مقابله‌ای جست‌وجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مسئله‌گشایی برنامه‌ریزی‌شده و ارزیابی مجدد نسبت به پیش‌آزمون افزایش و در سبک مقابله‌ای هیجان‌محور و راهبردهای مقابله‌ای رویارویی، دوری‌گزین، فرار - اجتناب و خویشنداری، کاهش نشان داده است. درحالی‌که تفاوت‌های زمانی گروه کنترل، به اندازه گروه آزمایش نیست.

برای بررسی اثربخشی روش درمانی، بر متغیرهای پژوهش از آزمون تحلیل واریانس م دو راهه بین - درون‌آزمودنی‌ها استفاده شد. بررسی‌های لازم برای اطمینان از عدم تخطی از مفروضه‌های انجام تحلیل فوق صورت گرفت. معنادار نبودن آزمون لوین، برای هیچ‌یک از مراحل آزمون، برقراری مفروضه همگنی واریانس‌ها، در مراحل تحت بررسی را نشان داد. همچنین، برای برابری ماتریس کواریانس‌ها، سطح معناداری در تمام آزمون‌ها بالاتر از ۰/۰۰۱ بود. این امر، نشان‌دهنده عدم تخطی از مفروضه فوق است. بنابراین، نتایج مربوط به تحلیل‌های واریانس دوره‌ها، در ادامه مطرح می‌گردند. در جدول (۲) آزمون چندمتغیری لامبدای ویلکز برای تأیید انجام تحلیل واریانس دو راهه ارائه شده است.

جدول ۲: آزمون‌های چندمتغیری لامبدای ویلکز

اثر	آزمون	مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	اندازه اثر
صمیمیت	زمان	۰/۰۶۱	۳۰۶/۷۳۹	۲/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۹۳۹
	زمان×گروه	۰/۰۵۸	۲۲۰/۰۱۵	۲/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۹۴۲
سبک مسئله‌مدار	زمان	۰/۲۳۲	۴۴/۷۵۶	۲/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۷۶۸
	زمان×گروه	۰/۲۱۷	۴۸/۶۳۷	۲/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۷۸۳

تدوین پروتکل درمانی با طراحی «معنوی - مذهبی» برای زوجین متقاضی طلاق و ... ♦ ۵۳

۰/۹۶۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۵۴/۶۷۱	۰/۰۲۷	زمان	سبک هیجان ملنار
۰/۹۶۲	۰/۵/۰۰۰	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۴۴/۳۵۵	۰/۰۲۸	زمان گروه	
۰/۶۳۲	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۳/۱۵۶	۰/۳۶۸	زمان	حمایت اجتماعی
۰/۶۹۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۰/۵۲۶	۰/۳۰۷	زمان گروه	
۰/۶۹۹	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۱/۲۸۸	۰/۳۰۱	زمان	مسئولیت پذیری
۰/۶۹۹	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۳۱/۲۸۸	۰/۳۰۱	زمان گروه	
۰/۶۸۲	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۲۹/۲۰۷	۰/۳۱۶	زمان	مسئله گشایی
۰/۶۶۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۲۶/۵۸۱	۰/۶۶۳	زمان گروه	
۰/۴۸۶	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱۲/۷۷۳	۰/۵۱۴	زمان	ارزیابی مجدد
۰/۵۰۷	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱۳/۸۷۳	۰/۵۰۷	زمان گروه	
۰/۷۸۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۴۸/۷۷۴	۰/۲۱۷	زمان	رویارویی
۰/۷۸۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۴۸/۷۷۴	۰/۲۱۷	زمان گروه	
۰/۸۵۲	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۷۷/۴۳۹	۰/۱۴۸	زمان	دوری گزین
۰/۸۵۸	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۸۱/۴۰۹	۰/۱۴۲	زمان گروه	
۰/۹۲۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱۶۲/۴۸۲	۰/۰۷۷	زمان	فرار - اجتناب
۰/۹۲۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۱۶۲/۴۸۲	۰/۰۷۷	زمان گروه	
۰/۸۲۰	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۶۱/۳۳۱	۰/۱۸۰	زمان	خوشتنداری
۰/۸۰۳	۰/۰۰۰۵	۳۷/۰۰۰	۲/۰۰۰	۵۴/۹۹۳	۰/۱۹۷	زمان گروه	

همان گونه که جدول (۲)، اثر بین آزمودنی‌ها نشان می‌دهد، تحلیل واریانس دوره‌ها بین - درون آزمودنی‌ها برای تمامی متغیرهای تحت بررسی، اثر معناداری را برای زمان نشان می‌دهد؛ یعنی در نمره متغیرهای دو گروه در طول سه زمان تغییر وجود داشته است. افزون بر اینکه اثر تعامل نیز معنادار می‌باشد. این بدان معناست که با گذشت زمان، تغییر یکسانی در نمره‌های دو گروه آزمایش و کنترل به وجود نیامده است. برای بررسی تفاوت در تغییر نمرات دو گروه در طول زمان، به بررسی اثرات بین آزمودنی‌ها و درون آزمودنی‌ها در جدول (۳) پرداخته می‌شود.

جدول ۳: تحلیل واریانس دوره‌ها بین - درون آزمودنی‌ها

متغیر	منبع	مجموع مجزورات	درجه آزادی	مربع مجزورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
صمیمیت	گروه	۱۱۲۷۹/۳۷۸	۱	۱۱۲۷۹/۳۷۸	۳۶/۷۵۳	۰/۰۰۰۵	۰/۵۶۸
	خطا	۹۲۸۸/۵۱	۳۰	۳۰۹/۶۱۷			
سبک مسئله‌مندار	گروه	۱۰۷۴/۶۷۸	۱	۱۰۷۴/۶۷۸	۲۵/۹۶۹	۰/۰۰۰۵	۰/۴۸۱
	خطا	۱۲۴۱/۴۹	۳۰	۴۱/۲۸۳			
سبک هیجان ملنار	گروه	۵۹۰۴/۹۰۰	۱	۵۹۰۴/۹۰۰	۱۳۱/۹۱۸	۰/۰۰۰۵	۰/۸۲۵
	خطا	۱۲۵۳/۳۳۳	۳۰	۴۴/۷۶۲			
حمایت اجتماعی	گروه	۱۱۳/۳۴۴	۱	۱۱۳/۳۴۴	۵/۰۲۶	۰/۰۳۳	۰/۱۵۲
	خطا	۶۷۶/۵۳	۳۰				
مسئولیت‌پذیری	گروه	۱۴۱/۸۷۸	۱	۱۴۱/۸۷۸	۳۷/۲۷۴	۰/۰۰۰۵	۰/۵۷۱
	خطا	۱۱۴/۱۸	۳۰	۳/۸۰۶			
مسئله گشایی	گروه	۱۷/۷۷۸	۱	۱۷/۷۷۸	۲/۲۵۸	۰/۱۴۴	۰/۰۷۵
	خطا	۲۳۶/۱۹	۳۰	۷/۸۷۳			
ارزیابی مجدد	گروه	۳۶/۱۰۰	۱	۳۶/۱۰۰	۶/۶۱۵	۰/۰۱۶	۰/۱۹۱
	خطا	۱۶۳/۷۱	۳۰	۵/۴۵۷			
رویارویی	گروه	۲۶۶/۹۴۴	۱	۲۶۶/۹۴۴	۲۲/۸۳۱	۰/۰۰۰۵	۰/۴۴۹
	خطا	۳۵۰/۷۶	۳۰	۱۱/۶۹۲			

دوری‌گزینی	گروه خطا	۴۹۰/۰۰۰ ۳۳۶/۶۶	۱ ۳۰	۴۹۰/۰۰۰ ۱۱/۲۲۲	۴۳/۶۶۳	۰/۰۰۰۵	۰/۶۰۹
فرار-اجتناب	گروه خطا	۶۱۸/۸۴۴ ۱۷۹/۶۱	۱ ۳۰	۶۱۸/۸۴۴ ۵/۹۸۷	۱۰۳/۳۵۹	۰/۰۰۰۵	۰/۷۸۷
خویشترداری	گروه خطا	۱۸۲/۰۴۴ ۲۰/۱۱۸	۱ ۳۰	۱۸۲/۰۴۴ ۶/۷۰۶	۲۷/۱۴۵	۰/۰۰۰۵	۰/۴۹۳

با توجه به جدول (۳) تفاوت معناداری بین نمرات دو گروه در سطح $P < 0.05$ مشاهده می‌شود. این بدین معناست که تغییر نمرات در گروه آزمایش، در حدی است که بین دو گروه تفاوت معنادار در سطح $P < 0.05$ ایجاد کرده است. اندازه اثرها، برای تفاوت‌های گروهی براساس رهنمودهای کوهن (۰/۱) اندازه اثر کوچک، ۰/۰۶ اندازه اثر متوسط و ۰/۱۴ اندازه اثر بزرگ، اندازه اثر بزرگی محسوب می‌گردند که بیانگر تفاوت‌های قابل توجه بین دو گروه است. جدول (۴)، اثرات درون‌آزمودنی‌ها به بررسی نمره‌های متغیرهای تحت بررسی، در زمان ۱ (پیش‌آزمون)، زمان ۲ (پس‌آزمون) و زمان ۳ (پیگیری) می‌پردازد.

جدول ۴: اثرات درون‌آزمودنی‌ها

متغیر	منبع	مجموع مجنورات	درجه آزادی	مربع مجنورات	F	سطح معناداری	اندازه اثر
صمیمیت	زمان	۶۸۲۶/۶۶۷	۱	۶۸۲۶/۶۶۷	۳۲۱/۶۱۵	۰/۰۰۰۵	۰/۶۲۰
	زمان×گروه	۷۲۶/۰۰۰	۱	۷۲۶/۰۰۰	۳۴۲/۰۳۰	۰/۰۰۰۵	۰/۹۳۴
	خطا		۳۰	۱۹/۸۱۱			
سبک مسئله‌مدار	زمان	۲۴۴/۰۱۷	۱	۲۴۴/۰۱۷	۶۴/۸۱۳	۰/۰۰۰۵	۰/۶۹۷
	زمان×گروه	۳۳۲/۰۱۷	۱	۳۳۲/۰۱۷	۸۵/۴۹۱	۰/۰۰۰۵	۰/۷۸۵۳
	خطا	۱۰۵/۴۶۷	۳۰	۳/۵۱۵			
سبک هیجان‌مدار	زمان	۲۱۴۸/۰۱۷	۱	۲۱۴۸/۰۱۷	۷۳۴/۰۵۱	۰/۰۰۰۵	۰/۹۶۳
	زمان×گروه	۲۱۰/۴۱۷	۱	۲۱۰/۵۱۷	۷۰/۸۰۰۶	۰/۰۰۰۵	۰/۹۶۲
	خطا	۸۳/۰۶۷	۳۰	۲/۷۶۸			
حمایت اجتماعی	زمان	۱۲/۱۵۰	۱	۱۲/۱۵۰	۳۶/۴۵۰	۰/۰۰۰۵	۰/۵۶۶
	زمان×گروه	۱۶/۰۱۷	۱	۴۱۶/۰۱۷	۴۸/۰۵۰	۰/۰۰۰۵	۰/۶۲۳
	خطا	۹/۳۳۳	۳۰	۰/۳۱۱			
مسئولیت‌پذیری	زمان	۳۵/۲۶۷	۱	۳۵/۲۶۷	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰۵	۰/۶۶۹
	زمان×گروه	۳۵/۲۶۷	۱	۳۵/۲۶۷	۰/۵۳۴	۰/۰۰۰۵	۰/۶۶۹
	خطا	۱۷/۴۶۷	۳۰	۰/۵۸۲			
مسئله‌گشایی	زمان	۱۰/۴۱۷	۱	۱۰/۴۱۷	۲۶/۳۵۵	۰/۰۰۰۵	۰/۴۸۵
	زمان×گروه	۱۶/۰۱۷	۱	۱۶/۰۱۷	۴۰/۵۳۴	۰/۰۰۰۵	۰/۵۹۱
	خطا	۱۱/۰۶۷	۳۰	۰/۳۶۸			
ارزیابی مجدد	زمان	۸/۸۱۷	۱	۸/۸۱۷	۱۱/۹۴۵	۰/۰۰۰۲	۰/۳۹۹
	زمان×گروه	۱۶/۰۱۷	۱	۱۶/۰۱۷	۲۱/۷۰۰	۰/۰۰۰۵	۰/۴۳۷
	خطا	۳۰/۶۶۷	۳۰	۰/۶۸۸			
رویارویی	زمان	۹۱/۲۶۷	۱	۹۱/۲۶۷	۱۰۰/۳۳۶	۰/۰۰۰۵	۰/۷۸۲
	زمان×گروه	۹۱/۲۶۷	۱	۹۱/۲۶۷	۱۰۰/۳۳۶	۰/۰۰۰۵	۰/۷۸۲
	خطا	۳۵/۴۶۷	۳۰	۰/۸۴۸			
دوری‌گزینی	زمان	۱۰۴/۰۱۷	۱	۱۰۴/۰۱۷	۱۶/۶۱۴	۰/۰۰۰۵	۰/۸۵۲
	زمان×گروه	۱۰۹/۳۵۰	۱	۱۰۹/۳۵۰	۱۶۸/۸۴۹	۰/۰۰۰۵	۰/۸۵۸
	خطا	۱۸/۱۳۳	۳۰	۰/۶۰۴			

فرار - اجتناب	زمان زمان×گروه خطا	۲۹۴/۸۱۷ ۲۸۶/۰۱۷ ۳۴/۶۶۷	۱ ۱ ۳۰	۲۹۴/۸۱۷ ۲۸۶/۰۱۷ -/۸۲۳	۳۳۴/۶۵۷ ۳۳۴/۶۶۸	۰/۰۰۰۵ ۰/۰۰۰۵	۰/۹۲۳ ۰/۹۲۱
خویشترداری	زمان زمان×گروه خطا	۸۸/۸۱۷ ۷۹/۳۵۰ ۲۲/۲۳۳	۱ ۱ ۳۰	۸۸/۸۱۷ ۷۹/۳۵۰ ۰/۷۴۴	۱۱/۳۵۲ ۹۹/۴۸۴	۰/۰۰۰۵ ۰/۰۰۰۵	۰/۷۹۹ ۰/۷۸۰

همان گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌گردد، مقایسه نمره‌های متغیرهای تحت بررسی در زمان ۱ (پیش‌آزمون)، زمان ۲ (پس‌آزمون) و زمان ۳ (پیگیری)، در دو گروه آزمایش و کنترل، تأثیر معناداری را برای زمان، در سطح $P < 0/05$ ، حداقل در یکی از گروه‌ها و مراحل تحت بررسی در متغیرهای فوق نشان می‌دهد. معنادار بودن تعامل بین زمان و گروه، در سطح $P < 0/05$ حاکی از تفاوت بودن تغییر نمرات دو گروه، در طول زمان است. مراجعه به میانگین‌ها، نشان می‌دهد که تأثیر زمان برای افزایش نمره صمیمیت و سبک مقابله‌ای مسئله‌محور و راهبردهای مقابله‌ای جست‌وجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، مسئله‌گشایی برنامه‌ریزی‌شده و ارزیابی مجدد و کاهش نمرات سبک مقابله‌ای هیجان‌محور و راهبردهای مقابله‌ای رویارویی، دوری‌گزین، فرار - اجتناب و خویشترداری، در پس‌آزمون و پیگیری است. اندازه اثرهای مربوط به تمامی متغیرها، بسیار بزرگ بوده و بیانگر تأثیرگذاری زیاد زمان، بر متغیرهای فوق در گروه آزمایش است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از انجام این پژوهش، تدوین پروتکل درمانی «معنوی - مذهبی» برای زوجین متقاضی طلاق و بررسی کارآمدی آن، بر بهبود راهبردهای مقابله‌ای و صمیمیت زناشویی برای کاهش احتمال وقوع طلاق بود. یافته‌های پژوهش نشان داد که این پروتکل درمانی، می‌تواند سبک مقابله‌ای هیجان‌محور و راهبردهای مقابله‌ای رویارویی، دوری‌گزینی، فرار - اجتناب را کاهش داده، سبک مقابله‌ای مسئله‌محور و راهبردهای مقابله‌ای جست‌وجوی حمایت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و ارزیابی مجدد را افزایش دهد. همچنین، در بررسی پیگیری نتایج پس از چهار هفته، اثر این درمان در گروه آزمایش باقی مانده بود. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های جان‌بزرگی (۱۳۷۷)، عبیدی و دیگران (۱۳۹۴)، علینزاده‌فرد و خوش‌منش (۱۳۹۶)، نیکویی و دیگران (۱۳۸۷)، برجلی و دیگران (۱۳۹۷) همخوان است. در پژوهش‌های انجام‌شده در داخل کشور، تأثیر تعالیم دین اسلام، مانند عمل به باورهای دینی، تلاوت آیات قرآن کریم، دعا، زیارت، روان‌درمانی معنوی، ذکر، یاد خدا، نماز، مذهب، آموزه‌های دینی، روزه‌داری، حضور در اماکن مقدس و...، در افزایش رضایتمندی زندگی زناشویی نشان داده شده است. برای نمونه، جان‌بزرگی (۱۳۷۷) در پژوهش خود نشان داد که اعتقاد به مذهب و ریشه‌های عمیق آن، موجب می‌گردد که به هنگام ارائه درمانی با جهت‌گیری مذهبی، رفتارها و شیوه‌های مقابله‌ای برای افراد، مانوس‌تر جلوه کند. همین امر پذیرش آن را آسان‌تر کرده مقاومت را برای تغییر از بین می‌برد.

علیزاده‌فرد و خوش‌منش (۱۳۹۶)، که به مقایسه آموزش تئوری انتخاب به صورت کلاسیک و بر مبنای آموزه‌های اسلامی، بر افزایش گذشت و رضایت زناشویی زنان متأهل پرداختند، نشان دادند که اگرچه هر دو روش منجر به افزایش رضایت زناشویی و گذشت شده بود، اما روش مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، به‌طور معناداری مؤثرتر و افزایش نمرات افراد در این گروه بیشتر بود. یافته‌های پژوهش آنان نشان داد که باورهای دینی، موجب استحکام بیشتر روابط خانوادگی و کاهش تنیدگی‌های وجودی و فردی شده و به زندگی معنا می‌بخشد. عقاید و اعمال مذهبی، در جنبه درون‌فردی، فرد را قادر می‌سازد که از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی، خشم خود را کنترل کرده و به او کمک می‌کند تا مسئولیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد. در جنبه بین‌فردی، اعمال مذهبی شرایطی ایجاد می‌کند که فرد به هنگام خشم به خدا توجه نموده، حمایتی برای هر دو زوج ایجاد می‌کند، تا از تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. ارتباط با خدا، یک نقش تعاملی و جبرانی در رابطه با روابط زناشویی دارد.

در پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور نیز اثربخشی مداخلات معنوی، در اختلالات و بیماری‌های جسمانی، مانند انواع سرطان‌ها به تأیید رسیده است. از جمله این مداخلات، می‌توان به دعا، اندیشه معنوی، مدیتیشن، خواندن نوشته‌های متون مقدس، بخشودگی و توبه، عبادات و مناسک، همراهی و خدمت، کسب هدایت معنوی و آموزش‌های اخلاقی اشاره کرد. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های امی (۲۰۰۰)، ناش و ناش (۲۰۱۶)، جوشا و دیگران (۲۰۱۸) اشاره کرد. با توجه به تأیید شدن فرضیه اول پژوهش و نتایج پژوهش‌های داخل و خارج از کشور، که همگی اهمیت مداخله‌های معنوی را در فرایند درمان مطرح می‌کنند، می‌توان گفت تعامل اجتناب‌ناپذیری بین مداخلات معنوی و روان‌درمانی وجود دارد. این رویکرد درمانی، با فعال‌سازی طرح‌واره‌ها و مضامین معنوی - مذهبی در شیوه تفکر، مدیریت هیجانات، شیوه‌های گفت‌وگو و حل تعارض زوجین، تغییراتی را ایجاد می‌کند که موجب کاهش احتمال وقوع طلاق می‌شود.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: باورهای دینی موجب استحکام روابط خانوادگی می‌گردد (آخرتی و دیگران، ۱۳۹۳). مذهب سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها و ارزش‌های اخلاقی و مشارکت در جامعه دینی، برای اعتقاد راسخ‌تر به خداوند است. باورهای مذهبی، موجب می‌شود تا فرد با اتصال به یک قدرت نامتناهی مشکلات و مسائل زندگی را بزرگ‌نمایی نکند. این باور، شیوه مؤثری برای مقابله با تعارضات است و به فرد کمک می‌کند که به شیوه‌های هیجانی، با مشکلات برخورد نکند (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۱۶). آموزه‌های مبتنی بر تعالیم دین اسلام، موجب می‌شود تا زوجین در گفت‌وگوها و روابط متقابل با یکدیگر، تنها بر درخواست‌ها و نیازهای خود متمرکز نشده و توجه به خواسته‌ها و نیازهای همسر را یک تکلیف الهی بدانند. زوجین، با پیوندی که بین باورهای دینی و نیازهای زندگی زناشویی ایجاد می‌کنند، به نوعی تعهد معنوی و درونی، نسبت به انجام وظایف زناشویی دست می‌یابند (جان‌بزرگی، ۱۳۷۷؛ طلائیان و زهراکار، ۱۳۹۴). زوجین با دریافت طرح‌درمانی، بر مبنای آموزه‌های اسلامی در چارچوب برنامه و نقشه راه ازپیش تدوین‌شده الهی قرار می‌گیرند (علیزاده و

خوش‌منش، ۱۳۹۶) و از پیامدهای منفی تصمیم‌گیری‌های تکانشی، مانند اقدام به طلاق و جدایی ناشی از عدم توکل به خداوند و فقدان الگوی زندگی زناشویی اسلامی، مصون بوده و در نتیجه، کاهش ناراضی زناشویی و تعارض‌های حل‌نشده را تجربه خواهند کرد.

ایمان نداشتن به خداوند، موجب بی‌انسجامی و ناآرامی در فرد شده و همین امر، موجب ضعف و منشأ اختلاف‌های بسیاری در زندگی خانوادگی می‌شود (پسندیده، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳). مذهب راهنمایی‌های کلی در اختیار بشر قرار می‌دهد که اگر انسان‌ها بدان عمل کنند، به استحکام پیوند زناشویی می‌انجامد. این امر، که افراد به ازدواج به‌منزله مسئولیتی برای تمام عمر، عشق‌ورزی به یکدیگر و فراهم آوردن اسباب آرامش یکدیگر نگاه کنند، تأثیرپذیری روابط زناشویی از مذهب را نشان می‌دهد (السون و دیگران، ۲۰۱۵).

یافته‌های پژوهش نشان داد که اجرای رویکرد درمانی، با طراحی «معنوی - مذهبی» تأثیر معناداری بر صمیمیت زناشویی داشته، تأثیر آن در یک دوره پیگیری چهار هفته‌ای همچنان باقی مانده است. این نتیجه، با یافته‌های پژوهش‌های کلاتری و دیگران (۱۳۹۷)، آریز فرد و اعتمادی (۱۳۹۵)، محمودزاده و دیگران (۱۳۹۴)، خدابخش و دیگران (۱۳۹۳) همخوان است.

کلاتری و دیگران (۱۳۹۷)، که به تدوین و بررسی اثربخشی برنامه آموزشی افزایش صمیمیت، بر مبنای فرهنگ بومی ایران بر رضایت زناشویی زوجها پرداخته به این نتیجه رسیدند که استفاده از رویکردهای آموزشی، مبتنی بر فرهنگ ایرانی، می‌تواند موجب افزایش صمیمیت و رضایتمندی زناشویی شود. آریز فرد و اعتمادی (۱۳۹۵)، در پژوهش دیگری که به اثربخشی زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر و هیجان‌مدار بر صمیمیت زناشویی زوجین آسیب‌دیده از خیانت همسر پرداختند، نشان دادند که رویکرد زوج‌درمانی هیجان‌مدار، در افزایش میزان صمیمیت زناشویی زوجین آسیب‌دیده از خیانت همسر، در ابعاد هیجانی، عقلانی، ارتباطی، معنوی و جنسی، اثربخش‌تر از رویکرد زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر بود. درحالی‌که در سایر ابعاد صمیمیت زناشویی (جسمانی، اجتماعی - تفریحی، روان‌شناختی و صمیمیت کلی)، تفاوت معنی‌داری بین دو رویکرد درمانی نبود. محمودزاده و دیگران (۱۳۹۳)، به بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی، بر صمیمیت زناشویی پرداختند. آنها در پژوهش خود نشان دادند که زوج‌درمانی اسلامی صمیمیت و ابعاد صمیمیت (عاطفی، ارتباطی، فیزیکی، اجتماعی، تفریحی، مذهبی و روان‌شناختی) را افزایش می‌دهد. خدابخش و دیگران (۱۳۹۳)، در پژوهش دیگری به بررسی اثربخشی روایت‌درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین پرداختند. نتایج پژوهش آنها نیز همسو با یافته‌های این پژوهش نشان داد که این رویکرد درمانی، موجب افزایش صمیمیت زوجین می‌شود.

در پژوهش‌های انجام‌شده در خارج از کشور نیز اثربخشی مداخلات معنوی - مذهبی، بر افزایش صمیمیت زوجین نشان داده شده است. برای نمونه، می‌توان به پژوهش‌های پاتریک و دیگران (۲۰۰۷) و گاراملیکا و

همکاران (۲۰۲۲) اشاره کرد. در تبیین این یافته، پژوهش می‌توان گفت: در رویکرد درمانی طراحی شده با رویکرد معنوی - مذهبی ابعاد مختلف صمیمیت زوجین مورد توجه قرار گرفته است. از جمله بعد صمیمیت جنسی، بیشترین توجه دین اسلام به بعد جنسی زندگی خانوادگی معطوف بوده، این امر را مقدس شمرده و روابط جنسی بین زوجین را زینت‌بخش زندگی دانسته است (آل‌عمران: ۱۴). در این رویکرد درمانی نیز به این موضوع توجه ویژه‌ای شده است. همچنین، در بعد صمیمیت عاطفی و ارتباطی، اسلام محیط خانواده را محل بروز عمیق‌ترین روابط و منشأ روابط عاطفی در اجتماع دانسته که از جمله نمونه‌های رفتاری آن، می‌توان به تحمل و صبر در برابر کژخلقی همسر، چشم‌پوشی و گذشت، در صورت بروز رفتارهای نامعقول، مصاحبت نیکو، احسان و نیکی، کمک به همسر در امور خانه و نقش ایمان به خداوند در آرامش زندگی زناشویی زوجین اشاره کرد. آموزش‌های اسلامی این پژوهش با کار بر روی مهارت گوش دادن فعال و حل تعارض (محمودزاده و دیگران، ۱۳۹۴)، توانسته است زوجین را در برقراری روابط صمیمانه با یکدیگر توانمند سازد. علاوه بر آن، آموزش‌های اسلامی این رویکرد درمانی، با کار بر روی پرخاشگری‌های کلامی و فیزیکی، خودخواهی، رفتار تلافی‌جویانه و بدبینی، که بزرگ‌ترین مانع ارتباطی همسران و کناره‌گیری آنها از یکدیگر است (هالفورد، ۲۰۰۱)، این موانع ارتباطی را از میان برداشته و فاصله روانی - عاطفی زوجین را کاهش داده است. رویکرد درمانی، با طراحی «مذهبی - معنوی» در این پژوهش، خودبتریبینی و خودمحوری، پرخاشگری کلامی و فیزیکی و رفتار تلافی‌جویانه، در روابط همسران را کاهش داده و بدین‌وسیله، صمیمیت ارتباطی آنها را بیشتر کرده است. طرح‌درمانی، مبتنی بر آموزه‌های اسلامی این پژوهش و تکنیک‌های درمانی ارائه شده در جلسات آموزشی، با از بین بردن پرخاشگری کلامی (فحش دادن، سرزنش کردن، طعن زدن، مسخره کردن) و پرخاشگری فیزیکی و خودبتریبینی احساس ایمنی، در روابط را برای همسران مهیا کرده و صمیمیت روان‌شناختی آنها را افزایش داده است.

این روش درمانی، به زوجین کمک می‌کند تا دلایل زیربنایی مشکلات ارتباطی خود را با توجه به آموزه‌های اسلامی شناسایی کرده، از شیوه‌های سازنده‌تری برای مواجهه با مشکلات استفاده کنند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که زوج‌های متعارض در مورد جنبه‌های مثبت رابطه‌شان با یکدیگر صحبت نمی‌کنند و یا در مورد احساساتشان، همانند سایر زوجین خودافشایی نمی‌کنند. زوجین آشفته، به‌طور روزمره بسیار کم به یکدیگر ابراز صمیمیت، نزدیکی و محبت می‌کنند (هالفورد و همکاران، ۲۰۰۱). می‌توان انتظار داشت طرح‌درمانی با رویکرد «معنوی - مذهبی»، نقش مهم و اساسی در کاهش و حل تعارضات زناشویی و صمیمیت زوجین ایفا کند. این رویکرد درمانی، از طریق ارتقاء مهارت‌های گوش دادن فعال، گفت‌وگو، حل تعارض، آموزش سبک ارتباط صریح و جرأت‌مندانه، کنترل خشم و عصبانیت و استرس، موجب می‌شود زوجین یاد بگیرند احساساتشان را با تکنیک‌های صحیح افشا کنند. این طرح آموزشی، موجب افزایش همدلی و تقویت مهارت‌های ارتباطی و در نتیجه، افزایش صمیمیت و تفاهم بین

زوجین می‌گردد. یکی از مؤلفه‌های بیانگر صمیمیت در زوجها همدلی و نگاه به مسائل از دریچه چشم طرف مقابل است. در تکالیف خانگی طراحی شده در این رویکرد، از زوجین خواسته می‌شود مشکلات و مسائل خود را با یکدیگر یادداشت کرده، مطرح کنند و تلاش کنند خود را به جای طرف مقابل گذاشته و با درک شرایط همسر، مسئله را از زاویه دید وی نیز ببینند. درک موقعیت همسر، احتمال سرمایه‌گذاری عاطفی و شناختی در خود، همسر و بهبود رابطه را افزایش می‌دهد. شرکت در جلسات گروه‌درمانی، زوجین را قادر می‌سازد مشکلات مربوط به صمیمیت در روابطشان را با توجه به آموزه‌های اسلامی شناسایی کنند و در مورد مسائلی که موجب مشکلات کنونی شده، با یکدیگر گفت‌وگو کنند. زوجین، با گوش دادن به انتظارات، همسر از رابطه، روابط عاطفی و احساسی عمیق‌تری را با یکدیگر برقرار می‌کنند. بیان مسائل و مشکلات، احساسات و انتظارات به‌عنوان یک فرایند خودافشاگرایی، این فرصت را به هریک از زوجین می‌دهد تا در جهت توانایی درک موقعیت‌های یکدیگر و در نتیجه، افزایش صمیمیت عاطفی و ارتباطی، با توجه به آموزه‌های اسلامی گام بردارند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد زوجینی که می‌توانند نیاز به صمیمیت را در روابط خود ارضا کنند، در مقایسه با زوجینی که این نیاز را در روابط خود ارضا نمی‌کنند، به احتمال بیشتری، روابط زناشویی خود را حفظ می‌کنند (فراست، ۲۰۱۲؛ نیک نورا زری و دیگران، ۲۰۱۸).

با توجه به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت: تدوین پروتکل درمانی «مذهبی - معنوی» به‌عنوان یک رویکرد آموزشی - درمانی تلفیقی و منطبق بر زمینه فرهنگی مذهبی جامعه ایران، به‌طور معناداری در بهبود و افزایش راهبردهای مقابله‌ای کارآمد و صمیمیت زناشویی مؤثر است. بنابراین، استفاده از این رویکرد آموزشی - درمانی، به روان‌شناسان، مشاوران و متخصصان در امر خانواده در مشاوره‌های طلاق، مشاوره‌های پیش از ازدواج و مشاوره‌های حل تعارضات زناشویی و ارتقاء ویژگی‌های مثبت زوجین، مانند بهزیستی روانی توصیه می‌شود. امید است نتایج این پژوهش، دست‌اندرکاران امور سلامت خانواده را ترغیب کند تا از پروتکل درمانی با رویکرد «معنوی - مذهبی» برای افزایش سلامت کارکرد خانواده، به‌ویژه در زوجین متقاضی طلاق استفاده کنند.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، اثربخشی این طرح‌درمانی، با سایر روش‌های خانواده‌درمانی مقایسه شود. علاوه بر آن، در پژوهش دیگری به ارائه مدل مفهومی، به شیوه کیفی برای کاهش احتمال بروز طلاق در خانواده‌های ایرانی و مبتنی بر منابع اسلامی پرداخته شود.

با توجه به اینکه این پژوهش، بر روی زوجین متعارض متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر تهران انجام گرفت و با توجه به اینکه زوجین متقاضی مشاوره در شهر تهران، به لحاظ توانمندی‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و طبقه اقتصادی - اجتماعی، از سایر زوجین و زوجین متقاضی طلاق در سایر شهرها و روستاهای کشور ایران متفاوت هستند، ممکن است سبب‌شناسی تعارضات زناشویی و مشکلات صمیمیت در آنها، بسیار متفاوت باشد. از این رو، امکان تعمیم یافته‌های این پژوهش، به همه زوجین متقاضی طلاق ممکن نیست.

منابع

- آخرتی، محمود و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه التزام عملی به دین اسلام و رضایت زناشویی در بین زوجین شهرستان کاشمر»، در: *دومین همایش ملی پژوهش و درمان در روانشناسی بالینی*، تربت جام، دانشگاه آزاد اسلامی.
- آرین فر، نیره و عذار اعتمادی، ۱۳۹۵، «مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر و هیجان‌مدار بر صمیمیت زناشویی زوجین آسیب‌دیده از خیانت همسر»، *پژوهش‌های مشاوره*، ش ۵۹، ص ۷-۳۷.
- برجلی، احمد و همکاران، ۱۳۹۷، «بررسی رابطه بین «سبک زندگی اسلامی» با «رضایت زناشویی» با واسطه‌گری «خوش‌بینی»»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۲۲، ص ۴۳-۶۲.
- بیرامی، منصور و سینا محبی، ۱۳۹۵، «رابطه دلبستگی به والدین و ادراک از تعارض بین والدین با اختلال اضطراب اجتماعی در دانش‌آموزان دختر: نقش میانجی‌گری راهبرد مقابله‌ای هیجان‌مدار»، *روان‌شناسی بالینی*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۷۱-۸۲.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۶، *رضایت زناشویی*، قم، دارالحدیث.
- جان‌بزرگی، مسعود، ۱۳۷۷، «بررسی اثربخشی روان‌درمانگری کوتاه‌مدت با و بدون جهت‌گیری مذهبی بر اضطراب و تنیدگی»، *انجمن روان‌شناسی*، سال دوم، ش ۴، ص ۳۴۳-۳۶۸.
- جعفری، اصغر، ۱۳۹۶، «تدوین یک برنامه روانی-آموزشی بر اساس الگوی ستیر برای زوجین متعارض و اثربخشی آن در کاهش سبک مقابله‌ای ناکارآمد و احتمال وقوع طلاق»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی (فرهنگ مشاوره)*، سال هشتم، ش ۳، ص ۱۰۷-۱۳۰.
- جوشن‌لو، محسن و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ویژگی‌های آماری پرسش‌نامه نیرومندی ایمان مذهبی سانتاکالارا در دانشجویان ایرانی»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال ششم، ش ۱۱، ص ۱۴۷-۱۶۳.
- خدابخشی، محمدرضا و همکاران، ۱۳۹۳، «اثربخشی روایت‌درمانی بر افزایش صمیمیت زوجین و ابعاد آن: تلویحاتی برای درمان»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، سال چهارم، ش ۴، ص ۶۰۷-۶۳۲.
- طلائیان، رضوانیه و کیانوش زهراکار، ۱۳۹۴، «بررسی التزام عملی به اعتقادات اسلامی و سبک‌های اداره تعارض زناشویی به‌عنوان عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق»، *روان‌شناسی و دین*، سال هشتم، ش ۴، پیاپی ۳۲، ص ۱۰۷-۱۲۶.
- عبدی، حمزه و همکاران، ۱۳۹۴، «الگوی «تنظیم رغبت براساس زهد اسلامی» و مقایسه آن با «درمان‌شناختی رفتاری» در کاهش اضطراب»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال نهم، ش ۱۷، ص ۵۷-۸۶.
- علیزاده‌فرد، سوسن و الهام خوش‌منش، ۱۳۹۶، «مقایسه آموزش تئوری انتخاب به صورت کلاسیک و بر مبنای آموزه‌های اسلامی بر افزایش گذشت و رضایت زناشویی زنان متأهل»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره هفتم، ش ۲۶، ص ۱۱۹-۱۳۷.
- کریمی، جواد و همکاران، ۱۳۹۲، «مقایسه اثربخشی زوج‌درمانی یکپارچه‌نگر و زوج‌درمانی هیجان‌مدار بر علائم افسردگی و استرس پس از سانحه ناشی از روابط فرزان‌شویی در زوجین»، *روان‌شناسی بالینی*، دوره پنجم، ش ۳، ص ۳۵-۴۶.
- کلاتری، میترا و همکاران، ۱۳۹۷، «اثربخشی برنامه آموزشی افزایش صمیمیت بر مبنای فرهنگ بومی ایران بر رضایت زناشویی زوجها»، *روان‌شناسی کاربردی*، سال دوازدهم، ش ۴۵، ص ۷-۲۴.
- محمودزاده، اعظم و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی تأثیر زوج‌درمانی اسلامی بر صمیمیت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، سال هفتم، ش ۱، پیاپی ۲۵، ص ۵۹-۷۰.
- مرادی، امید و شایسته چارداولی، ۱۳۹۵، «اثربخشی زوج‌درمانی تلفیقی، به شیوه شناختی - رفتاری و ساختاری، بر کیفیت زندگی و ابعاد آن، در زوج‌های متقاضی طلاق»، *پژوهش‌های مشاوره*، ش ۵۷، ص ۲۴-۴۰.
- ندائی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، «رابطه بین راهبردهای مقابله‌ای با کیفیت زندگی: نقش واسطه‌ای مهارت‌های تنظیم‌شناختی هیجان»، *روان‌شناسی بالینی*، دوره هشتم، ش ۴، ص ۳۵-۴۸.
- نیکویی، مریم و همکاران، ۱۳۹۷، «تدوین پروتکل درمانی براساس ذهن‌آگاهی مبتنی بر فعال‌سازی طرح‌واره‌های معنوی - اسلامی در رضایت‌مندی زناشویی دانشجویان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۲۲، ص ۴۳-۸۴.

- Akter, M. & Beyum, R, 2012, "Factors for Divorce of women under going Divorce in Bangladesh", *Journal of Divorce & Remarriage*, N. 53(8), p. 639-651.
- Amato, P. R. & Cheadle, J. E, 2008, "Parental divorce, marital conflict and children's behavior problems: A comparison of adopted and biological children", *Social Forces*, N. 86(3), p. 1139-1161.
- Apostolou, M., 2018, "Reasons that could lead people to Divorce in an Evolutionary Perspective. Evidence from Cyprus", *Journal of Divorce & Remarriage*, N. 60(1), p. 27-46.
- Bartoli, E. , 2007, "Religious and spiritual issues in psychotherapy practice: training the trainer", *Psychotherapy: Theory, Research, Practice, Training the Trainer*, N. 44(1), p. 54-65.
- Berg, A. O., 2017, "Screening for family and intimate partner violence: Recommendation statement", *Annals of family medicine*, N. 2, p. 156-160.
- Crabtree, S. A. , et al, 2018, "The Roles of Love and Happiness in Divorce Decision Making" *Journal of Divorce & Remarriage*, 59(8), P 601-615, DOI: 10.1080/10502556.2018.1466254 .
- Dempsey, M. 2017, "Negative coping as mediator in the relation between violence and autocomes. Inner-city African American youth", *American Journal of Orthopsychiatry*, N. 72(1), p. 102-109.
- Don Martin, et al, 1986, "Satir step by step: A Guide to Creating change in Families", *Family Relations*, N. 35(2), p. 338-339.
- Eun, K. J ,2011, "A comparative study of covert interpersonal responses between interpersonal conflict and negative countertransference", *Korea Journal of Counseling*, N.12, (3), p811-833.
- Fladmo, B. & Hertlein, K. M, 2017, "The Effect of Negative and Positive Childhood Divorce Experiences on Professional Performers", *Journal of Divorce & Remarriage*, N. 58(8), p. 584-598.
- Frost, D. M, 2012, "The narrative construction of intimacy and affect in relationship stories: Implications for relationship quality, stability, and mental health", *Journal of Social and Personal Relationships*, N. 30, p. 247-269
- Garamaleki, R, B. et al, 2022, "Comparison of the Effectiveness of Group Reality-based Couple Therapy and Forgiveness Therapy on Marital Adjustment, Emotional Differentiation and Intimacy of Couples with Emotional Divorce", *Journal of Counseling Research*, N. 20(80), p. 56-87.
- Halford, W. K. ,et al, 2001, "Can skills training prevent relationship problems in at-risk couples? Four-year effects of a behavioral relationship education program", *American Journal of Family Psychology*, N. 15(4), p. 750-768.
- Halwani, R, 2018, *Philosophy of Love, Sex and Marriage: An Existential Psychotherapeutic and Practical Model*, Publisher, Routledge.
- Hojatifar, Y. & et. Al, 2017, "Predicting Marital Disaffection based on Marital Conflict and Attachment styles", *Indian Journal of Public Health Research & Development*, N. 8(4), p. 79-83.
- Kermani, N. , et al, 2018, "Schema therapy and marital intimacy", *Journal of Psychology Research*, N. 8(4), p. 80-187.
- Longove, N. , & Nizam Isha, A., 2017, "Interpersonal Conflict and Turnover Intention: The Mediating Role of Psychological well-being", *Advance science letter*, N. 23, p. 7695-7698.
- Maki, K. H. Banmen, J. D, 2017, *Chang the impact of family rules*, Satir institute of the pacific.
- Nik Noruzira, A. Z. , Nor Azlili, H. , and Norazilah, B, 2018, "Intimacy in marital relationship: Effect of internet usage", *Malaysian Journal of society and space*, N. 14 (3), p. 14-23.

- Olson, J. R. ,et al, 2015, "Shared religious beliefs, prayer, and forgiveness as predictors of marital satisfaction", *Family Relations*, N. 64(4), p. 519-533.
- Patric, E. ,& Beatrice Wood, H, 2007, "The influence of religious and ethnic differences on marital intimacy: intermarriage versus intramarriage", *Journal of Marital and Family Therapy*, N. 26 (2), p. 241-252.
- Riggio, H. R, 2004, "Parental marital conflict and divorce, parent-child relationships, social support, and relationship anxiety in young adulthood", *Personal Relationship*, N. 11 (1), p. 99-114.
- Wagner, B. G, 2018, "Marriage, Cohabitation, and Sexual Exclusivity: Unpacking the Effect of Marriage", *Social Forces*, N97(3), p. 1231-1256.
- Weixel Dixon, K, 2016, "Interpersonal Conflict and Turnover Intension: The Meditating Role of Psychological Well-being", *Advance Science Letter*, N. 23 (8), p. 7695-7698.
- Wilt, J. A. ,et al, 2018, "Partnering with God: Religious Coping and Perceptions of Divine Intervention Predict Spiritual Transformation in Response to Religious-Spiritual Struggle", *Psychology of Religion and Spirituality*, N.11(3), p. 278-290.

پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی بر پایه‌ی تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت

مینو یکی‌تا/ دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا yekitamino@gmail.com
 نصر آقابابائی/ استادیار گروه رفتاری، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب دانشگاهی در علوم اسلامی و انسانی
 naseragha@gmail.com (سمت)

مریم بهنام مرادی/ دکتری روان‌شناسی سلامت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین پیشوا
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵

چکیده

در این پژوهش، ضمن معرفی الگوی جدیدی از جهت‌گیری دینی، با نام «جهت‌گیری دینی چرخشی»، نقش تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت (یعنی خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی)، در پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی، گروهی از دانشجویان بررسی شد. ۱۹۰ دانشجوی در دسترس به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و به «پرسش‌نامه‌ی بنیان‌های اخلاقی»، «مقیاس دوازده‌گانه‌ی سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت»، و «پرسش‌نامه‌ی جهت‌گیری دینی چرخشی» پاسخ دادند. روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی است. یافته‌های پژوهش نشان داد که بنیان اخلاقی انصاف/مقابله به مثل، توسط جهت‌گیری دینی اجتماعی و بنیان اخلاقی قدرت/احترام، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع و بنیان اخلاقی پاک‌ی، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، توانست بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی می‌کند. جهت‌گیری دینی مرکزیت، با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، رابطه‌ی منفی داشت. بین جهت‌گیری دینی شخصی و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، رابطه‌ی منفی وجود داشت. جهت‌گیری دینی اجبار، با رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی رابطه‌ی مثبت داشت. این یافته‌ها، حاکی از ارتباط پیچیده‌ی اخلاق دینداری، و شخصیت است.

کلیدواژه‌ها: بنیان‌های اخلاقی، تعهد و تأمل دینی، سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت.

بررسی آثار دینداری در سطح فردی و اجتماعی، یکی از موضوع‌های مهم روان‌شناسی دین است و پژوهش‌های بسیاری، دربارهٔ هریک از این آثار در دست است. جهت‌گیری دینی، یکی از مهم‌ترین مفهوما در روان‌شناسی دین است. تأثیرگذارترین نظریه‌ای که تلاش در تعریف «انگیزه دینی» افراد داشت، نظریه جهت‌گیری دینی آلپورت است. مقیاس‌های جهت‌گیری دینی درونی و برونی آلپورت، با وجود کاربرد گسترده‌شان مورد انتقاد قرار گرفته‌اند (بروزینسکی (Brewczynski) و مک‌دونالد، ۲۰۰۶؛ هیل (Hill) و هود، ۱۹۹۹؛ هگ (Hoge)، ۱۹۷۳؛ کرکپاتریک (Kirkpatrick)، ۱۹۸۹؛ کراس و هود، ۲۰۱۳؛ تیپولوپولوس (Tiliopoulos)، بیکار (Bikker)، کاکسون (Coxon)، و هاوکین (Hawkin)، ۲۰۰۷). پژوهشگران دو اصلاح عمده در الگوی آلپورت ایجاد کردند. اصلاح اول، با معرفی مقیاس جست‌وجوگری بتسون (Batson) صورت گرفت (بتسون و شونرد (Schoenrade)، ۱۹۹۱). اصلاح دوم، به رهبری گورساج (Gorsuch)، به استخراج دو نوع جهت‌گیری برونی انجامید: فردی و اجتماعی (گورساج و مک‌فرسون (McPherson)، ۱۹۸۹). علی‌رغم تحسین اقدام‌های یادشده، دربارهٔ اعتبار این مقیاس‌ها، به‌ویژه مقیاس جست‌وجوگری، پرسش‌های بی‌پاسخی وجود دارند (واتسن (Watson) و موریس، ۲۰۰۵). از این رو، پژوهش برای سنجش بهتر جهت‌گیری دینی، ضروری است.

به‌تازگی کراس و هود (۲۰۱۳)، در تلاش برای تبیین ابعاد جهت‌گیری دینی، الگوی چرخشی تعهد - تأمل دینی را عرضه کردند. کراس و هود (۲۰۱۳)، برای عملیاتی کردن الگوی یادشده، پرسش‌نامه جهت‌گیری دینی چرخشی را ارائه کردند که از ۱۰ مقیاس، برای نشان دادن جهت‌گیری‌های دینی افراد استفاده می‌کند. فهرست جهت‌گیری تعهد و تأمل، برای حل کاستی و کمبودهای روان‌سنجی و نظری، مقیاس‌های پیشین طراحی شده است. در ضمن این مقیاس جهت‌گیری دینی (انگیزهٔ روی آوردن به دین یا روی برگرداندن از دین) را هم در افراد متدین و هم در افراد غیرمتدین می‌تواند بسنجد. در مدل چرخشی تعهد و تأمل کراس و هود (۲۰۱۳)، جهت‌گیری‌های ده‌گانهٔ دینی، با وجود و مقدار تعهد و تأمل دینی، از یکدیگر متمایز می‌شوند. از این رو، هر جهت‌گیری دینی، در یکی از این چهار رُبع قرار می‌گیرد: ۱. دارای تعهد / دارای تأمل؛ ۲. دارای تعهد / فاقد تأمل؛ ۳. فاقد تعهد / دارای تأمل؛ ۴. فاقد تعهد - فاقد تأمل.

در ربع دارای تعهد - فاقد تأمل، چهار جهت‌گیری دینی مرکزیت، شخصی، نفع، و تنبیه قرار می‌گیرند. جهت‌گیری دینی شخصی، عبارت است از: روی آوردن به دین برای دستیابی به راحتی، حفاظت، گذشت، و به صورت کلی کمک. جهت‌گیری دینی مرکزیت عبارت است از: میزانی که دین در زندگی فرد مهم و محوری است. جهت‌گیری به دو چیز می‌پردازد: از یک سو، چه اندازه به دین به‌عنوان روشی برای دستیابی به ثروت، سلامت، موفقیت و سایر خواسته‌های شخصی سودمند است، و از سوی دیگر، چه اندازه دین به دلیل ترس از خدا، با کوشش

آگاهانه برای پرهیز از مجازات الهی، و باور به اینکه رخدادهای منفی مهارشدنی و معنادار هستند، انسان را تنبیه می‌کند. در ربع دارای تعهد - دارای تأمل جهت‌گیری دینی، علاقه قرار دارد. علاقه عبارت است از: میزانی که فرد از یادگیری، مطالعه و صحبت دربارهٔ دین و مفهومی‌های دینی لذت می‌برد (کراس و هود، ۲۰۱۳). در ربع فاقد تعهد - دارای تأمل جهت‌گیری‌های دینی شک، تردید و گفت‌وگو قرار دارند. جهت‌گیری شک، عبارت است از: میزانی که فرد از شک‌های دینی‌اش لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است. جهت‌گیری شک، نوعی انگیزش درونی به سوی تردید در دین، نه به سوی خود دین است. جهت‌گیری دینی تردید، اشاره به اندازه‌ای که فرد منتقد از خود و نامطمئن از اعتبار عینی باورهایش دربارهٔ دین دارد؛ خواه این باورها دینی باشند، خواه غیردینی. جهت‌گیری دینی گفت‌وگو، عبارت است از: اندازه‌ای که باورهای فرد دربارهٔ دین با تجربه‌هایش در گفت‌وگو حکایت دارد. در ربع فاقد تعهد - فاقد تأمل جهت‌گیری‌های دینی، اجبار و اجتماعی قرار دارند. جهت‌گیری دینی اجبار، شامل فقدان تعهد همراه با نگاهی ساده‌لوحانه به دین و فقدان کنجکاوی دربارهٔ دین است. جهت‌گیری اجتماعی، میزان اشتغال فرد به دین، به‌منظور دوست یافتن یا دیدن دوستان و دیگر آشنایان است (کراس و هود، ۲۰۱۳).

لازم به یادآوری است که الگوی کراس و هود (۲۰۱۳) و روایی پرسش‌نامه آنان هم در نمونه‌های آمریکایی و هم در نمونه‌های رومانیایی تأیید شد. پژوهشی جدیدتر، ساختار پرسش‌نامه آنان را در نمونه‌ای معرف از جامعهٔ آمریکا نیز تأیید کرد (ایزاک (Isaak) و همکاران، ۲۰۱۷). علاوه بر این، روایی و پایایی نسخهٔ فارسی پرسش‌نامه در ایران تأیید شده است (آقابابایی و همکاران، زیر چاپ).

روان‌شناسان رابطهٔ دینداری را با گسترهٔ متنوعی از متغیرها پژوهش کرده‌اند. یک دسته از این متغیرها، در حوزهٔ اخلاق جای دارد. اخلاق بخشی جدایی‌ناپذیر زندگی انسان است. بشر، سال‌ها در تلاش بوده تا این موضوع مهم را به حوزهٔ آگاهی کشانده و شناخت خود را دربارهٔ آن بیفزاید. روان‌شناسان، در پی تبیین این مسئله‌اند که چرا مردم به شیوه‌های اخلاقی، یا غیراخلاقی عمل می‌کنند (جهانگیرزاده، ۱۳۹۰). کلبرگ زمینه‌ای جدید از روان‌شناسی اخلاقی را بنیان نهاد. او نظریهٔ بزرگی را بر پایهٔ بررسی پیشرفت درک کودکان از عدالت ایجاد کرد. کلبرگ، گیلیان و توریل، همه بر این باور بودند که اخلاق عبارت است از اینکه افراد چگونه در ارتباط با دیگران عدالت، مراقبت، و احترام را رعایت می‌کنند (گراهام (Graham)، کلاوا (Koleva)، آیر و همکاران، ۲۰۱۲). درحالی‌که حوزهٔ اخلاق، گسترده‌تر از نگرانی‌های مبتنی بر عدالت، مراقبت، و همدلی است. هایت (Haidt) و جوزف (Josef) (۲۰۰۴)، آثار و پیشینهٔ پژوهشی روان‌شناسی تحولی و انسان‌شناسی را به دقت بررسی کردند. آنان به دنبال فضیلت‌هایی در حوزه‌های قواعد اخلاقی بودند که در بین فرهنگ‌ها مشترک هستند. هایت و گراهام (۲۰۰۷)، نظریهٔ بنیان‌های اخلاقی را عرضه کرده و پس از تغییر و اصلاح لازم، در نهایت پنج بعد زیر را به دست دادند: ۱. آسیب / مراقبت؛ ۲. انصاف / مقابله به مثل؛ ۳. درون‌گرومی / وفاداری؛ ۴. قدرت / احترام؛ ۵. پاکی / تقدس (گراهام، نوزاک (Nosek)، هایت، آیر، دیتو (Ditto)، ۲۰۱۱).

«آسیب / مراقبت»، اشاره به اهمیت دادن به احساس درد و رنج دیگران دارد و به فضیلت‌هایی چون مهربانی مربوط می‌شود. «انصاف / مقابله به مثل»، شامل درک مفهوم‌هایی مانند عدالت، برابری، حقوق فردی، و نوع دوستی متقابل است در «درون‌گروهی / وفاداری»، مبتنی بر حس وابستگی و تعهد ما، به گروه‌های خودی و پرهیز از افراد خارج از گروه است. «قدرت / احترام»، شامل اطاعت، انجام وظایف، حفظ سنت‌ها، (صرف نظر کردن از خواسته‌های شخصی)، ارزش گذاشتن به تبیت، و احترام به چهره‌های قدرت، در یک نظام سلسله‌مراتبی است. «پاکی / تقدس»، به نجابت، حفظ خلوص ذهنی (نداشتن افکار ناپاک)، خدا، یا هنجارهای دینی اشاره دارد (کولوا، آیر، گراهام، و همکاران، ۲۰۱۴). هریک از بنیان‌های یادشده، توسط انبوهی از عامل‌های درونی و بیرونی گسترش، تضعیف و یا تعدیل می‌شوند. شخصیت و دین، از دو تا از این عامل‌ها هستند (آقابابائی و همکاران، ۱۳۹۶). طی سده‌ها، حیات اخلاقی و زندگی دینی پیوندی تنگاتنگ داشته، حتی یکسره با هم آمیخته‌اند. دربارهٔ رابطهٔ دوطرفهٔ دین و دینداری، با پایبندی اخلاقی در حوزه‌های گوناگون بحث شده است. اعتقاد رایج بر این است که سطح دینداری، سپهر اخلاقی را حمایت می‌کند (سراج‌زاده و رحیمی، ۱۳۹۴). دینداری و اخلاق رابطهٔ همزیستی دارند، و هریک از آنها، می‌توانند از دیگری نشئت گیرند و یکدیگر را تقویت کنند (کلجو Keljo) و کریستنسون (Christenson)، ۲۰۰۳). در ادامه، به مرور برخی پژوهش‌های بررسی‌کنندهٔ رابطهٔ دینداری و اخلاق می‌پردازیم:

بابولیا (Bulbulia) و همکارانش (۲۰۱۳)، نشان دادند که بین بنیان «قدرت / احترام» و جهت‌گیری‌های دینی جست‌وجوگری و درونی، رابطه منفی و بین بنیان «پاکی / تقدس» و جهت‌گیری دینی درونی، رابطهٔ مثبت وجود دارد. *هونگوی (Hongweia)* و همکاران (۲۰۱۷) دریافتند که حضور در مراسم دینی، رابطهٔ مثبت با صداقت علمی دانشجویان داشت. *بیر (Baier)* و *رایت (Wright)* (۲۰۰۱)، نشان دادند که باورها و رفتارهای دینی، تأثیری بازدارنده بر رفتارهای فردی مجرمانه و غیراخلاقی، همچون مصرف مواد، بزهکاری، و جنایت دارند. *باتیستا (Battista)* و همکارانش (۲۰۱۸)، نشان دادند با توجه به نقش تاریخی و بنیادی دین کاتولیک در جامعهٔ ایتالیایی و زندگی سیاسی بنیان‌های اخلاقی پیوندگرایانه (یعنی «درون‌گروهی / وفاداری»، «قدرت / احترام»، «پاکی / تقدس») به‌ویژه در گروه‌های کاتولیک با ارزش شمرده می‌شود. *آقابابائی* و همکارانش (۲۰۱۴) نشان دادند که افراد دیندار، سطوح بالایی از رفتارهای اجتماع‌گرایانه را گزارش کرده‌اند.

یکی از متغیرهای مهم در پیش‌بینی نگرش و رفتار شخصیت است. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شخصیت می‌تواند قضاوت اخلاقی، استدلال اخلاقی و رفتار اخلاقی را پیش‌بینی کند (آقابابائی، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر، این بحث افزایش توجه چشمگیری نسبت به مجموعه‌ای از رگه‌های نامطلوب شخصیتی به وجود آمده است که از آن با عنوان «سه‌گانه تاریک» اشاره می‌شود (آقابابائی و بلچینو Błachnio)، ۲۰۱۵). رگه‌های سه‌گانه تاریک، به خودشیفتگی، ماکیاوول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی اشاره دارد که مستقل، اما مرتبط با یکدیگرند. ماکیاوول‌گرایی، بیانگر

بهره‌کشی از دیگران در جهت منافع شخصی است. خودشیفتگی شامل آشکالی از بزرگ‌نمایی، استحقاق، سلطه، و برتری‌جویی است و جامعه‌ستیزی، مشکل از تکانشگری بالا، هیجان‌جویی، و فقدان همدلی است. این سه مولفه مرتبط، اما متفاوت، همگی به استعمار، سردی عاطفی، دورویی، پرخاشگری، و احساس مهم بودن اشاره دارد (پولهاوس (Paulhus) و ویلیامز (Williams)، ۲۰۰۲). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سطوح بالا، در رگه‌های تاریک شخصیت با قضاوت اخلاقی (جانسون و همکاران، ۲۰۱۵)، تحول اخلاقی (کمبل و همکاران، ۲۰۰۹)، عامل‌های شخصیتی، توافق‌پذیری و وظیفه‌شناسی (پولهاوس و ویلیامز، ۲۰۰۲)، صمیمیت زناشویی (برهانی‌زاده و عبدی، ۱۳۹۶) و ابرازگری هیجانی (امبری و سپهریان آذر، ۱۳۹۴)، ارتباط منفی دارند. ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی، با هوش هیجانی، خویشننداری و آسایش، رابطهٔ وارونه داشته‌اند و خودشیفتگی، با آسایش و هوش هیجانی رابطهٔ مستقیم داشته است (پتریدس (Petrides) و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، پژوهش‌ها بیانگر وجود روابط منفی بین رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و بنیان‌های اخلاقی «آسیب / مراقبت» و «انصاف / مقابله به مثل» بودند (مددویچ (Mededovhic) و پتروویچ (Petrovic)، ۲۰۱۶؛ آهارونی (Aharoni) و همکاران، ۲۰۱۱؛ گلن (Glenn) و همکاران، ۲۰۰۹).

با توجه به آنچه گذشت، این پژوهش به این مسئله می‌پردازد که هریک از ابعاد سه‌گانهٔ تعهد و تأمل دینی و سه‌گانهٔ تاریک شخصیت، چه میزان می‌توانند هریک از بنیان‌های اخلاقی را پیش‌بینی کنند. انتظار می‌رود که از میان متغیرهای سیزده‌گانهٔ بالا (ده جهت‌گیری دینی و سه رگهٔ شخصیت)، بیش از یک متغیر با هریک از بنیان‌های اخلاقی همبسته باشند. همبستگی‌های متعدد مبنایی برای رگرسیون چندگانه‌اند. هدف رگرسیون چندگانه در این پژوهش، تعیین این نکته است که «کدام‌یک از متغیرهای مؤثر در ترکیب با یکدیگر، می‌تواند بهترین پیش‌بینی را از متغیر ملاک به عمل آورد» (گال و دیگران، ۱۹۹۶، ص ۷۵۳). به‌علاوه، روابط میان تعهد و تأمل دینی و سه‌گانهٔ تاریک شخصیت نیز بررسی خواهند شد.

روش پژوهش

روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. جامعهٔ آماری این پژوهش، دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد پیشوا - ورامین، در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود. نمونهٔ نهایی، مشتمل بر ۱۹۰ دانشجو (۱۵۸ زن و ۳۲ مرد) است که با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی در دسترس، انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان، ۲۱/۳۱ سال با دامنهٔ سنی ۱۸ تا ۳۵ سال بود. برای تحلیل داده‌ها، از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شد. شرکت‌کنندگان به مقیاس‌های زیر پاسخ دادند.

۱. پرسش‌نامهٔ بنیان‌های اخلاقی (MFQ): پرسش‌نامه بنیان‌های اخلاقی، به اندازه‌گیری پنج بعد اخلاقی می‌پردازد: آسیب / مراقبت، انصاف / مقابله به مثل، درون‌گرویی / وفاداری، قدرت / احترام، و پاکی / تقدس. در

این پژوهش از نسخه ۲۰ گویه‌ای این پرسش‌نامه استفاده می‌شود که از دو بخش تشکیل شده است. در قسمت نخست، ارتباط پنج بنیان اخلاقی در تصمیم‌گیری درباره‌ی درستی یا نادرستی یک چیز سنجیده می‌شود. در بخش دوم، قضاوت‌های اخلاقی در راستای پنج بنیان اخلاقی سنجیده می‌شوند. خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه، پایایی بازآزمایی و درونی مناسبی داشته است. آلفای کرونباخ بنیان‌های پنج‌گانه، از ۰/۶۵ تا ۰/۸۴ گزارش شد (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱). حسن‌نیا و همکاران (۱۳۹۴) ساختار عاملی نسخه‌ی فارسی این پرسش‌نامه را تأیید کردند.

۲. مقیاس دوازده کثیف سه‌گانه تاریک: این مقیاس ۱۲ گویه‌ای، برای سنجش سه رگه‌ی تاریک شخصیت به کار رفت: خودشیفتگی، جامعه‌ستیزی، و ماکیاول‌گرایی. در پژوهش‌های مختلف، روایی همگرا، واگرا، و سازه و پایایی درونی و بازآزمایی این مقیاس، در فرهنگ‌های مختلف از جمله ایران تأیید شده است (جانسون و وبستر، ۲۰۱۰). تحلیل عاملی، نسخه‌ی فارسی مقیاس ساختار سه عاملی آن را تأیید کرد. پایایی درونی مولفه‌های سه‌گانه نسخه‌ی فارسی، مقیاس، از ۰/۶۸ تا ۰/۸۸ به دست آمد (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴).

۳. پرسش‌نامه‌ی جهت‌گیری دینی چرخشی (CROI): کراس و هود (۲۰۱۳)، این مقیاس ۶۳ گویه‌ای را ساخته‌اند که براساس طیف لیکرت، پنج درجه‌ای (از کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. پایایی درونی خرده‌مقیاس‌های ده‌گانه این پرسش‌نامه، عبارتند از: مرکزیت ۰/۹۱، شخصی ۰/۸۰، نفع ۰/۷۲، تنبیه ۰/۷۳، اجبار ۰/۷۸، اجتماعی ۰/۸۴، شک ۰/۷۷، تردید ۰/۷۷، گفت‌وگو ۰/۸۳، و علاقه ۰/۸۴ (ایزاک و همکاران، ۲۰۱۷). پایایی و روایی نسخه‌ی فارسی این مقیاس، در ایران تأیید شده است. آلفای کرونباخ خرده‌مقیاس‌های یاد شده، بین ۰/۶۴ و ۰/۹۴ و ضرایب بازآزمایی آنها، بین ۰/۶۵ و ۰/۸۸ گزارش شده است (آقابابایی و دیگران، زیرچاپ).

یافته‌های پژوهش

همبستگی ابعاد تعهد و تأمل دینی، با بنیان‌های اخلاقی در جدول (۱) قابل مشاهده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، هیچ‌یک از متغیرهای تعهد و تأمل دینی، با بنیان اخلاقی آسیب‌هم‌بسته نیست. بنیان اخلاقی انصاف، با جهت‌گیری اجتماعی و اجبار رابطه منفی دارد. بنیان اخلاقی وفاداری / درون‌گروهی، با جهت‌گیری مرکزیت، شخصی، و نفع رابطه مثبت دارد. بنیان اخلاقی پاکی، با جهت‌گیری مرکزیت، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری شک، رابطه منفی دارد. بنیان اخلاقی قدرت، با جهت‌گیری مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری شک، تردید، و گفت‌وگو، رابطه منفی دارد. همبستگی بنیان‌های اخلاقی و سه‌گانه تاریک شخصیت نیز در جدول (۱) قابل مشاهده است. بنیان اخلاقی پاکی، با ماکیاول‌گرایی و جامعه‌ستیزی، رابطه منفی دارد. و نمره‌کل سه‌گانه تاریک، با بنیان اخلاقی انصاف و پاکی، رابطه منفی دارد. بنیان‌های اخلاقی آسیب و وفاداری، با هیچ‌کدام از متغیرهای سه‌گانه تاریک هم‌بسته نبود.

جهت‌گیری‌های دینی												
۵	مرکزیت							۱	*-.۱۷	-.۰۲	-.۲۲*	*-.۱۵
۶	شخصی						۱	**-.۴۵	-.۰۶	.۰۱۱	.۰۲۰**	-.۰۹
۷	نفع				۱	**-.۵۶	**-.۵۹	-.۰۸	.۰۰۶	-.۰۹	-.۱۱	-.۱۱
۸	تنبیه				۱	**-.۶۰	**-.۴۹	**-.۴۵	-.۰۳	.۰۰۴	-.۰۹	-.۰۳
۹	اجتماعی				۱	.۰۱۰	.۰۱۲	**-.۲۳	.۰۰۴	-.۰۰۷	.۰۰۸	.۰۰۲
۱۰	اجبار				۱	**-.۰۳۱	*-.۱۷	.۰۱۴	-.۰۳	.۰۱۳	*-.۱۷	.۰۰۶
۱۱	شک				۱	-.۰۰۸	-.۰۱۰	.۰۳۳*	-.۰۴۷	.۰۳۳*	-.۰۴۳	-.۰۰۶
۱۲	تردید				۱	**-.۰۲۸	-.۰۰۹	.۰۲۸*	.۰۳۹*	.۰۲۳*	.۰۳۸*	.۰۰۹
۱۳	گفت‌وگو				۱	*-.۱۸	**-.۰۳۵	.۰۱۱	.۰۰۵	.۰۱۱	-.۰۰۸	-.۰۱۲
۱۴	علاقه					-.۰۰۱	-.۰۲۱*	*-.۱۵*	.۰۰۵	**-.۰۲۰	**-.۰۲۸	**-.۰۳۹
									**-.۰۳۴	*-.۰۵۱	-.۰۰۵	.۰۰۲

*p<+.۰۵

**p<+.۰۱

برای بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی سه‌گانهٔ تاریخ شخصیت و تعهد و تأمل دینی، به‌عنوان متغیر مستقل از تحلیل رگرسیون چندمتغیری، به شیوهٔ هم‌زمان استفاده شد. براساس یافته‌های همبستگی (جدول ۱)، همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و جهت‌گیری دینی اجبار، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی انصاف، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی انصاف، توسط رگهٔ شخصیتی جامعه‌ستیزی و جهت‌گیری دینی اجتماعی پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۱۴ درصد از پراکندگی، نمره‌های بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی کنند.

جدول ۳: نتایج تحلیل رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی انصاف

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۵.۱۰	.۰۱۶	-	۳۱.۲۲	.۰۰۰
جامعه‌ستیزی	-.۰۲۱	.۰۰۵۹	-.۰۲۵	-۳.۶۳	.۰۰۰
اجتماعی	-.۰۱۵	.۰۰۵۷	-.۰۱۹	۲.۷۵	.۰۰۰۷
اجبار	-.۰۰۷	.۰۰۵۹	-.۰۰۹	-۱.۲۳	.۰۱۸

براساس یافته‌های همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۴) مشاهده می‌شود، جهت‌گیری دینی مرکزیت، شخصی، و نفع، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی وفاداری به گروه، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی وفاداری به گروه، توسط هیچ‌یک از متغیرهای مرکزیت، شخصی، و نفع به صورت معناداری پیش‌بینی نشد.

۷۱ **◆ پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی بر پایه‌ی تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه‌ی تاریک شخصیت**

جدول ۴: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی وفاداری / درون‌گروهی

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۷۷	۰.۲۶		۱۰.۲۹	۰.۰۰
مرکزیت	۰.۰۷	۰.۰۵	۰.۱۲	۱.۳۳	۰.۱۸
شخصی	۰.۰۶	۰.۰۷	۰.۰۷	۰.۸۸	۰.۳۸
نفع	۰.۳	۰.۰۷	۰.۰۵	۰.۵۴	۰.۵۸

براساس نتایج همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۵) مشاهده می‌شود، جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، شک، تردید، گفت‌وگو، و علاقه، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی قدرت، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی قدرت، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۲۴ درصد از پراکندگی نمره‌های بنیان اخلاقی قدرت / احترام را پیش‌بینی کنند.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای بنیان اخلاقی قدرت / احترام

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۱۲	۰.۵۹		۳.۵۸	۰.۰۰
مرکزیت	۰.۲۳	۰.۰۷	۰.۲۹	۳.۲۰	۰.۰۰۲
شخصی	۰.۰۳	۰.۰۸	۰.۰۳	۰.۴۴	۰.۶۶
نفع	۰.۱۷	۰.۰۹	۰.۱۹	۱.۸۹	۰.۰۶
تنبیه	-۰.۰۵	۰.۰۹	-۰.۰۵	-۰.۶۰	۰.۵۴
شک	-۰.۱۳	۰.۰۸	-۰.۱۲	-۱.۵۴	۰.۱۲
تردید	۰.۱۰	۰.۰۸	۰.۰۸	۱.۱۹	۰.۲۳
گفت‌وگو	-۰.۰۹	۰.۰۶	-۰.۱۰	-۱.۴۴	۰.۱۴
علاقه	-۰.۰۲	۰.۰۶	-۰.۰۳	-۰.۴۰	۰.۶۸

براساس نتایج همبستگی (جدول ۱)، همان‌گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌شود، رگه‌ی شخصیتی ماکیاول‌گرایی و جامعه‌سنجی و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، تنبیه، شک، و علاقه، به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و بنیان اخلاقی پاکی، به‌عنوان متغیر ملاک وارد معادله رگرسیون شدند. نتایج نشان دادند که بنیان اخلاقی پاکی، توسط جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک، به‌طور معناداری پیش‌بینی می‌شود. این متغیرها، در مجموع قادرند در حدود ۲۴ درصد از پراکندگی نمره‌های بنیان اخلاقی پاکی را پیش‌بینی کنند.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی بنیان اخلاقی پاکی

متغیرهای پیش‌بین	B	خطای استاندارد	بتا	t	سطح معناداری
عدد ثابت	۲.۷۸	۰.۴۸		۵.۷۸	۰.۰۰
ماکیاول‌گرایی	۰.۰۰۸	۰.۰۹	۰.۰۰۶	۰.۰۸	۰.۹۳
جامعه‌سنجی	-۰.۱۲	۰.۰۸	-۰.۱۰	۱.۴۹	۰.۱۳
مرکزیت	۰.۲۱	۰.۰۷	۰.۲۷	۲.۹۵	۰.۰۰۴
نفع	۰.۱۸	۰.۰۸	۰.۲۰	۲.۱۱	۰.۰۳
تنبیه	-۰.۰۹	۰.۰۹	-۰.۰۸	-۱.۰۶	۰.۲۸
شک	-۰.۱۶	۰.۰۸	-۰.۱۴	-۱.۹۳	۰.۰۵
علاقه	-۰.۰۲	۰.۰۶	-۰.۰۲	-۰.۳۶	۰.۷۱

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش، ضمن معرفی الگوی تعهد و تأمل دینی، به بررسی نقش تعهد و تأمل دینی و سه‌گانه تاریک شخصیت (خودشیفتگی، ماکیاول‌گرایی، و جامعه‌ستیزی)، در پیش‌بینی بنیان‌های اخلاقی پرداخت. یافته‌های این پژوهش، حاضر نشان داد که بنیان اخلاقی انصاف / مقابله به مثل، با جهت‌گیری‌های دینی اجتماعی و اجبار رابطه منفی دارد و جهت‌گیری دینی اجتماعی، توانست بنیان اخلاقی انصاف / مقابله به مثل را پیش‌بینی کند. جهت‌گیری دینی اجتماعی، میزان درگیری فرد در دین برای دوست یافتن یا دیدن دوستان و سایر آشنایان بوده، و یک جهت‌گیری دینی، بدون تعهد و تأمل است. این مقیاس، برای سنجش همان بعدی طراحی شده که مقیاس برونی اجتماعی (گورساج و مک‌فرسون، ۱۹۸۹) می‌سنجد. دینداری برونی اجتماعی، گرایش به انجام رفتارهای دینی همچون حضور در کلیسا، برای دست یافتن به منافع شخصی و اجتماعی و بیانگر فقدان تعهد و ایمان واقعی است (کراس و هود، ۲۰۱۳). در حقیقت، افراد با جهت‌گیری دینی برونی، از دین‌شان در جهت پیش بردن آرزوهای خودخواهانه‌شان استفاده می‌کنند (دارویری (Darvyri) و همکاران، ۲۰۱۴). درحالی‌که هایت (۲۰۰۸)، اخلاق را نظام‌های به‌هم‌پیوسته از ارزش‌ها و فضائلی می‌داند که خودخواهی انسان را تنظیم یا سرکوب می‌کند و نقش هر پنج بنیان اخلاقی را می‌توان در تشویق افراد به همکاری اجتماعی مشاهده کرد (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). در نتیجه، انتظار می‌رود افراد با جهت‌گیری دینی اجتماعی، که فاقد تعهد، تأمل، و ایمان واقعی‌اند، براساس هدف‌های ابزاری و سودمندگرایانه در تلاش و تقلایشان برای تأمین امیال و نیازهایشان نمود پیدا می‌کنند و بیشتر درصدد خدمت به خویشان‌اند (پرتو، ۱۳۹۴). در بنیان اخلاقی انصاف، که شامل درک مفهوم‌هایی همچون عدالت، برابری، حقوق فردی، و نوع‌دوستی متقابل است (کولوا و همکاران، ۲۰۱۴)، نمره پایینی کسب کنند.

یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش، این بود که بنیان اخلاقی قدرت، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، شخصی، نفع، تنبیه، و علاقه رابطه مثبت و با جهت‌گیری‌های دینی شک، تردید، و گفت‌وگو، رابطه منفی داشت و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، توانستند بنیان اخلاقی قدرت را پیش‌بینی کنند. مطالعات باتیستا و همکارانش (۲۰۱۸)، نشان داد با توجه به نقش تاریخی و بنیادی دین کاتولیک در جامعه ایتالیایی، بنیان‌های اخلاقی پیوندگرایانه، به‌ویژه در گروه‌های کاتولیک با ارزش تلقی می‌شود. ولی نتایج پژوهش بالبولیا و همکارانش (۲۰۱۳)، نشان داد بین بنیان اخلاقی قدرت / احترام و جهت‌گیری دینی درونی، رابطه منفی وجود دارد که این پژوهش، همسو نیست. جهت‌گیری دینی مرکزیت، عبارت است از: میزانی که دین در زندگی فرد مهم و محوری است. پژوهش کراس و هود (۲۰۱۳)، نشان داد که مرکزیت، همچون مقیاس دینداری درونی آلپورت، نوعی تعهد دینی نسبتاً بدون تأمل است و مقیاس درونی آلپورت، اساساً یک تعهد دینی را می‌سنجد. جهت‌گیری دینی نفع، به این موضوع می‌پردازد که تا چه اندازه به دین، به‌عنوان روشی برای دست یافتن به

ثروت، سلامت، موفقیت، و سایر خواسته‌های شخصی روی آورده شده است. برای کسی که نمرهٔ بالایی در این جهت‌گیری می‌گیرد، خدا در پاسخ مستقیم به باورها، درخواست‌ها، و رفتار فرد به وی پاداش می‌دهد. طبق الگوی آلپورت، بعد درونی باید پیش‌بینی کند که افراد مطابق باورها و ارزش‌های دینی‌شان عمل خواهند کرد، یا نه (آلپورت و راس، ۱۹۶۷). از سوی دیگر، ادیان بزرگ جهان نیز شامل آموزه‌های اخلاقی فراوانی، در نشان دادن احترام به چهره‌های قدرت، اطاعت از قوانین و فرمان‌ها، انجام وظایف اجتماعی، و احترام به سنت‌ها و اصول دینی است. قرآن، افراد را به اطاعت از خدا، پیامبر ﷺ (نساء: ۵۹). همچنین احترام به والدین (اسراء: ۲۳)، فرامی‌خواند. مسیحیت و یهودیت نیز دارای دستوراتی برای اطاعت از خداوند و شامل فرامینی همچون احترام و عشق به والدین و قوانین‌اند (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که افراد با جهت‌گیری دینی مرکزیت و نفع، در بنیان اخلاقی قدرت / احترام، که شامل اطاعت، انجام وظایف، حفظ سنت‌ها (صرف‌نظر کردن از خواسته‌های شخصی)، ارزش گذاشتن به تبعیت، و احترام به چهره‌های قدرت، در یک نظام سلسله‌مراتبی است (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرناندز و همکاران، ۲۰۱۷)، نمرهٔ بالایی کسب کنند.

یافته دیگر این پژوهش، این بود که بنیان اخلاقی پاکی، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، تنبیه، و علاقه رابطهٔ مثبت و با جهت‌گیری دینی شک، رابطهٔ منفی دارد و جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت، نفع، و شک، توانستند بنیان اخلاقی پاکی / تقدس را پیش‌بینی کنند. پژوهش *بالبولیا* و همکارانش (۲۰۱۳)، همسو با این پژوهش بود که رابطهٔ نیرومندی میان بنیان اخلاقی پاکی / تقدس و جهت‌گیری دینی درونی یافتند. همچنین، پژوهش‌های بیر و رایت (۲۰۰۱) و موسکاتی و مزوک (۲۰۱۴)، نشان داد که باورها و رفتارهای دینی، تأثیری بازدارنده بر رفتارهای فردی مجرمانه و غیراخلاقی، همچون مصرف مواد، بزهکاری، و جنایت دارند. بنیان اخلاقی پاکی / تقدس به خدا، یا هنجارهای دینی، نجابت، حفظ خلوص ذهنی (نداشتن افکار ناپاک) و احساس بیزاری از فاعلیت‌ها، افراد، و اشیای ناپاک اشاره دارد. افراد پایبند به این بنیان اخلاقی، برای عفت، پاکی، و نظافت ارزش قائل‌اند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۱؛ فرناندز و همکاران، ۲۰۱۷). بنیان اخلاقی پاکی، نگرانی‌هایی نسبت به حرمت و بی‌حرمتی و انحراف‌های مادی و معنوی همچون ناتوانایی، در مهار کردن تکانه‌های پایه‌ای فرد، ایجاد می‌کند. این خود، زمینه‌گرایش ما به موجودی (مانند خدا) با مفهومی مقدس می‌باشد (کولوا و همکاران، ۲۰۱۴). بنیان اخلاقی پاکی و تقدس، مشابه اخلاق الوهیت (The ethic of divinity) شِودر (Shweder) است که با تکیه بر مفهوم‌هایی مانند خلوص، تقدس و گناه از الوهیت ذاتی هر فرد، در برابر آسیب ناشی از لذت‌طلبی خودخواهانه محافظت می‌کند (گراهام و همکاران، ۲۰۱۲). ادیان بزرگ، همواره به وضعیت ذهن و جسم عبادت‌کنندگان خود توجه داشته‌اند. قرآن، دارای احکام مربوط به پاکی و طهارت قبل از عبادت است (گراهام و هایت، ۲۰۱۰). همچنین، دین نظارت افراد بر رفتارهایشان را تقویت می‌کند. ادیان، پیروان خود را به مراقبه و

محاسبه روزانه اعمال خویش دعوت می‌کنند (تیبیک و همکاران، ۱۳۹۴). از حکمت‌های عبادت‌های دینی، پرورش دادن بعد اخلاقی وجود آدمی است. همه عبادت‌ها، به نوعی در خدمت اخلاقی شدن و اخلاقی ماندن انسان‌اند (فناپی، ۱۳۸۴، ص ۱۷۵). در نتیجه، دور از انتظار نیست که افراد با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع، در بنیان اخلاقی پاک / تقدس، نمره بالایی کسب کنند. جهت‌گیری دینی شک، اشاره به میزانی دارد که فرد از شک‌های دینی‌اش لذت می‌برد و برای آنها ارزش قائل است. این نوعی انگیزش درونی است، اما به سوی تردید در دین، نه به سوی خود دین. جهت‌گیری دینی شک، فاقد تعهد دینی است و همبستگی منفی، با جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و نفع دارد.

در پژوهش‌های کراس و هود (۲۰۱۳)، جست‌وجوگری دینی بتسون، قوی‌ترین همبستگی‌ها را با سه جهت‌گیری دینی شک، تردید، و گفت‌وگو داشت. جست‌وجوگری، نوعی مقیاس دینی است که از بیرون دین برمی‌آید و نه شک بالغانه، که از درون دین ناشی می‌شود و بیانگر فقدان تعهد و باور دینی است. هر دینی، ملاک‌هایی را به پیروان خود عرضه می‌کند که بر پایه آنها اعمال شایست و ناشایست، از هم تمیز داده می‌شوند. دین، مجموعه‌ای از دلایل قانع‌کننده برای انجام رفتار اخلاقی عرضه می‌کند. بسیاری از افراد متدین، فضیلت‌های اخلاقی را با پیامدهای مثبت پس از مرگ گره می‌زنند، مثل باور به اینکه رفتار اخلاقی، موجب رستگاری می‌شود (تیبیک و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین، دور از انتظار نیست که افراد با نمره‌ای بالا در جهت‌گیری دینی شک، که فاقد تعهد و باور دینی هستند، در بنیان اخلاقی پاک / تقدس، که اشاره به هنجارهای دینی نیز دارد، نمره پایین کسب کنند. گرچه جهت‌گیری دینی علاقه، با دو بنیان اخلاقی (قدرت و پاک / تقدس) همبسته بود، اما در معادله‌های رگرسیون چندگانه‌ای، که در این پژوهش اجرا شدند، نتوانست آن دو بنیان را پیش‌بینی کند. متغیرهایی که به صورت همزمان وارد معادله رگرسیون می‌شوند، بر قدرت پیش‌بینی‌کنندگی هم تأثیر می‌گذارند و گاهی، موجب می‌شوند که یک متغیر، نتواند به صورت معناداری پیش‌بینی شود. چنین حالتی، نشان می‌دهد که متغیر «پیش‌بینی‌نکننده»، با سایر متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون شده‌اند، همپوشانی دارد (گال و دیگران، ۱۹۹۶). در این پژوهش، جهت‌گیری دینی علاقه، با هفت جهت‌گیری دینی دیگر رابطه (و به عبارت دیگر همپوشانی) دارد. همین امر، موجب شده که در معادله پیش‌بینی، دو بنیان یادشده مقادیر معناداری را به دست ندهد.

نتایج این پژوهش نشان داد که رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی، توانست بنیان اخلاقی انصاف را پیش‌بینی کند. وجود روابط منفی بین رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی و بنیان اخلاقی انصاف، همسو با یافته‌های پژوهش‌های آهارونی و همکاران (۲۰۱۱) و گلین (Glenn) و همکارانش (۲۰۰۹) می‌باشد. همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که رگه شخصیتی جامعه‌ستیزی، با قضاوت اخلاقی سودجویانه (گائو (Gao) و همکاران، ۲۰۱۳) و مشکل در پذیرش مسئولیت اخلاقی (گلانون (Glannon)، ۲۰۰۸)، همبستگی دارد. افراد با ویژگی‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی بالا،

بیشتر درگیر نقض قوانین در جهت دستیابی به هدف‌های سودمندانه می‌شوند. الگوی متمایز اخلاقی برای جامعه‌ستیزی، به‌ویژه افرادی که رفتارهای ضداجتماعی و تکانشی دارند، درک نکردن اعمال درست و غلط اخلاقی است. این گروه، بیشتر دست به پرخاشگری رابطه‌ای، از طریق فریب دادن و سوءاستفاده از روابط بین‌فردی، می‌زنند (دالین (Dahlen) و همکاران ۲۰۱۰). در نتیجه، می‌توان گفت: ویژگی‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی، ممکن است تأثیری منفی بر بنیان اخلاقی انصاف، که شامل فضیلت‌هایی چون انصاف و عدالت است و در تعامل‌های دوسویه با دیگران دیده می‌شود، داشته باشد.

این پژوهش، نشان داد جهت‌گیری دینی مرکزیت با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، رابطه‌ی منفی داشت. بین جهت‌گیری دینی شخصی و رگه‌ی شخصیتی جامعه‌ستیزی، رابطه‌ی منفی وجود داشت. جهت‌گیری دینی اجبار، با رگه‌ی جامعه‌ستیزی رابطه‌ی مثبت داشت. نمره‌ی کل سه‌گانه‌ی تاریک، با جهت‌گیری دینی مرکزیت ارتباط منفی و با جهت‌گیری دینی اجبار، ارتباط مثبت داشت. جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و شخصی جهت‌گیری‌های اند که در آنها، دین جنبه‌ای محوری، معنابخش، و آرام‌بخش در زندگی فرد است (کراس و هود، ۲۰۱۳). نتایج پژوهش‌های پیشین، نشان دادند که دینداری با عامل‌های شخصیتی توافق و وظیفه‌شناسی، رابطه‌ی مثبت دارد و همچنین، عامل صداقت - فروتنی، از نیرومندترین همبسته‌های شخصیتی دینداری است. این روابط، منعکس‌کننده‌ی دو جنبه‌ی از کارکردهای دین‌اند: ارتقای ثبات شخصیتی و افزایش رفاه دیگران و هماهنگی اجتماعی (آقابابایی و همکاران، ۱۳۹۳). افراد دیندار، سطوح بالایی از رفتارهای اجتماع‌گرایانه و سطوح پایینی از سه‌گانه تاریک شخصیت را گزارش می‌کنند (آقابابایی و همکاران، ۲۰۱۴). در نتیجه، انتظار می‌رود که جهت‌گیری‌های دینی مرکزیت و شخصی با رگه‌های شخصیتی جامعه‌ستیزی و ماکیاول‌گرایی، که بیانگر فریبکاری، استثمارگری، دورویی، گرایش‌های ضداجتماعی، و بهره‌کشی از دیگران، در جهت منافع شخصی‌اند (پولهاوس و ویلیام، ۲۰۰۲)، رابطه‌ی منفی داشته باشد. جهت‌گیری دینی اجبار، اشاره به اندازه‌ای از فشار اجتماعی دارد که فرد برای متدین بودن یا عمل کردن احساس می‌کند و یک جهت‌گیری فاقد تعهد و تأمل دینی می‌باشد (کراس و هود، ۲۰۱۳). بی‌شک چنین جهت‌گیری‌ای، رابطه‌ی مثبت با رگه‌ی جامعه‌ستیزی داشته باشد.

بررسی روابط وجوه تاریک شخصیت، با سایر متغیرهای اخلاقی، می‌تواند به فهم ما از سهم این جنبه‌های تاریک شخصیتی در اخلاق کمک کند. استفاده از الگوی تعهد و تأمل دینی، در پژوهش‌های آینده، می‌تواند به یافته‌های جامع‌تر و غنی‌تری بینجامد. این پژوهش، محدود به استفاده از نمونه‌ی دانشجویی با روش نمونه‌گیری غیرتصادفی و استفاده از مقیاس‌های گزارش شخصی است. شایسته است در پژوهش‌های آینده، نقش متغیرهای جمعیت‌شناختی مانند سن، جنسیت، و وضعیت اقتصادی مطالعه شود، و جامعه‌های دیگری مانند جامعه‌ی عمومی بررسی شوند.

منابع

- امیری، سهراب و فرهاد سپهریان آذر، ۱۳۹۵، «روابط ابرزگری هیجانی، عاطفه مثبت و عاطفه منفی با صفات سه‌گانه تاریک شخصیت»، *ابن‌سینا*، سال هجدهم، ش ۲، ص ۱۸۱۱.
- آقابابایی، ناصر، ۱۳۹۲، «فضاوت اخلاقی و شخصیت: پرونده‌ای برای اتانازی»، *معرفت اخلاقی*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۰۷-۱۱۹.
- _____، ۱۳۹۴، «نقش واسطه‌ای هدف در زندگی در رابطه جهت‌گیری دینی با شادی و رضایت از زندگی»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، سال اول، ش ۲، ص ۹۲-۷۷.
- آقابابایی، ناصر و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه شخصیتی هگزاگو با جهت‌گیری دینی، بهزیستی روانشناختی و فاعلی در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *مطالعات اسلامی و روانشناسی*، سال هشتم، ش ۱۴، ص ۵۳-۳۳.
- _____، ۱۳۹۶، «بررسی روابط میان ویژگی‌های شخصیتی، بنیان‌های اخلاقی، و اخلاق کاری در دانشجویان ایرانی و کانادایی»، *روانشناسی فرهنگی*، سال اول، ش ۲، ص ۲۲-۱.
- برهانی‌زاده، شبنم و رضا عبدی، ۱۳۹۶، «نقش ابعاد مثلث تاریک شخصیت در پیش‌بینی صمیمیت و نگرش به خیانت زوجین متقاضی طلاق»، *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، دوره یازدهم، ش ۴، ص ۱۷-۲۶.
- پرتو، مسلم، ۱۳۹۴، «نقش جهت‌گیری مذهبی و وضعیت اقتصادی اجتماعی در تحول قضاوت اخلاقی نوجوانان دانش‌آموز»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، سال اول، ش ۱، ص ۳۸-۱۱.
- تبیك، محمدتقی و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه انگیزش دینی و خودشناسی با فضائل اخلاقی»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، سال هفتم، ش ۱۲، ص ۱۴۸-۱۳۵.
- جهانگیرزاده، محمدرضا، ۱۳۹۰، «دیدگاه‌های شناختی تحولی در رشد اخلاقی»، *معرفت اخلاقی*، سال دوم، ش ۴، ص ۱۰۱-۱۲۲.
- حسن‌نیا، سمیه و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه علی سبک‌های دلبستگی با بنیان‌های اخلاقی از طریق واسطه‌گری هویت اخلاقی»، *پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی*، ش ۱۸، ص ۹۸-۷۵.
- سراج‌زاده، سیدحسین و فرشید رحیمی، ۱۳۹۴، «مطالعه اثر دینداری بر پایبندی اخلاقی در یک جمعیت دانشجویی»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ش ۱۶، ص ۷۶-۴۵.
- فناپی، ابولقاسم، ۱۳۸۴، *دین در ترازوی اخلاق: پژوهشی در باب نسبت میان اخلاق دینی و اخلاق سکولار*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- گال، مردیت و همکاران، ۱۹۹۶، *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ترجمه احمدرضا نصر و دیگران، تهران، سمت.
- Aghababaei, N., & Błachnio, A., 2015, "Well-being and the Dark Triad", *Personality and Individual Differences*, N. 86, p. 365–368.
- Aghababaei, N., Krauss, S. W., Aminikhoo, M., & Issak, S. L., (in press), "The Circumplex Religious Orientation Inventory: Validity and reliability of a new approach to religious orientation in a Muslim population", *Psychology of Religion and Spirituality*.
- Aghababaei, N., Mohammadtabar, S., & Saffarinia, M., 2014, "Dirty Dozen vs. the H factor: Comparison of the Dark Triad and Honesty–Humility in prosociality", *religiosity, and happiness. Personality and Individual Differences*, N. 67, p. 6-10.
- Aharoni, E., Antonenko, O., & Kiehl, K. A., 2011, "Disparities in the moral intuitions of criminal offenders: The role of psychopathy", *NIH Public Access Author Manuscript*, N. 45(3), p. 322–327.

- Allport, G. W., & Ross, J. M., 1967, "Personal religious orientation and prejudice", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 5, p. 432–443.
- Baier, C. J., & Wright, B. R., 2001, "If You Love Me, Keep My Commandments": A Meta-Analysis of the Effect of Religion on Crime", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, N. 38, p. 3-21.
- Batson, C. D., & Schoenrade, P., 1991, "Measuring religion as quest: 1 Validity concerns", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 30, p. 416–429.
- Battista, S. D., Pivetti, M., & Berti, C., 2018, "Moral Foundations, Political Orientation and Religiosity In Italy", *The Open Psychology Journal*, N. 11, p. 46-58.
- Brewczynski, J., & MacDonald, D. A., 2006, "Confirmatory factor analysis of the Allport and Ross Religious Orientation Scale with a Polish sample", *International Journal for the Psychology of Religion*, N. 16, p. 63–76.
- Bulbulia, J., Osborne, D., & Sibley, C. G., 2013, "Moral foundations predict religious orientations in New Zealand", *PLoS ONE*, N. 8(12), p. 1-6.
- Campbell, J., Aitken Schermer, J., Villani, V. C., Nguyen, B., Vickers, L., & Vernon, P. A., 2009, "A Behavioral Genetic Study of the Dark Triad of Personality and Moral Development", *Twin Research and Human Genetics*, N. 12(2), p. 132–136.
- Dahlen, E. R., Czar, K. A., Bullock, E. E., & Nicholson, B. C., 2011, "Psychopathic personality traits in relational aggression among young adults", *Aggressive Behavior*, N. 37, p. 207–214.
- Darviri, P., Pateraki, N., Darviri, C., Galanakis, M., Avgoustidis, A. G., & Vasdekis, S., 2014, "The Revised Intrinsic/Extrinsic Religious Orientation Scale in a sample of Attica's inhabitants", *Psychology*, N. 5, p. 1557-1567.
- Fernandes, S., Kapoor, H., & Karandikar, S., 2017, "Do we gossip for moral reasons? The intersection of moral foundations and gossip", *Basic and Applied Social Psychology*, N. 39(4), p. 218-230.
- Gao, Y., & Tang, S., 2013, "Psychopathic personality and utilitarian moral judgment in college students", *Journal of Criminal Justice*, N. 41, p. 342–349.
- Glannon, W., 2008, "Moral responsibility and the psychopath", *Neuroethics*, N. 1, p. 158–166.
- Glenn, A. L., Iyer, R., Graham, J., Koleva, S., & Haidt, J., 2009, "Are all types of morality compromised in psychopathy?", *Journal of Personality Disorders*, N. 23(4), p. 384–398.
- Gorsuch, R. L., & McPherson, S. E., 1989, "Intrinsic/extrinsic measurement: I/E-revised and single-item scales", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 28, 348–354.
- Graham, J., & Haidt, J., 2010, "Beyond beliefs: Religions bind individuals into moral communities", *Personality and Social Psychology Review*, N. 14(1), p. 140–150.
- Graham, J., Haidt, J., Koleva, S., Motyl, M., Iyer, R., Wojcik, S. P., & Ditto, P. H., 2012, "Moral foundations theory: The pragmatic validity of moral pluralism", *Advances in Experimental Social Psychology*, N. 2, p. 1-64.
- Graham, J., Nosek, B. A., Haidt, J., Iyer, R., Koleva, S., & Ditto, P. H., 2011, "Mapping the moral domain", *Journal of Personality and Social Psychology*, N. 101(2), p. 366–385.
- Hill, P. C., & Hood, R. W., Jr., (Eds.), 1999, *Measures of religiosity*. Birmingham, AL, Religious Education Press.
- Hoge, D. R., 1972, "A validated intrinsic religious motivation scale", *Journal for the Scientific Study of Religion*, N. 11, p. 369–376.
- Hongweia, Y., Glanzer, P. L., Johnson, B. R., Sriram, R., & Moore, B., 2017, "The association between religion and self-reported academic honesty among college students", *Journal of Beliefs & Values*, N. 38(1), p. 63–76.

- Isaak, S. L., James, R. J., Radeke, K. M., Krauss, S. W., Schuler, K. L., & Schuler, E. R., 2017, *Assessing religious orientations: Replication and validation of the Commitment-Reflectivity Circumplex (CRC) Model*, Religions, 8.
- Jonason, P. K., & Webster, G. D., 2010, "The Dirty Dozen: A concise measure of the Dark Triad. Psychological Assessment, 22(2), 420–432.
- Jonason, P. K., Strosser, G. I., Kroll, C. H., Duineveld, J. J., & Baruffi, S. A., 2015, "Valuing myself over others: The Dark Triad traits and moral and social values", *Personality and Individual Differences*, N. 81, p. 102–106.
- Keljo, K., & Christenson, T., 2003, "On the Relation of Morality and Religion: two lessons from James's Varieties of Religious Experience", *Journal of Moral Education*, N. 32(4), p. 385-396.
- Kirkpatrick, L. A., 1989, A psychometric analysis of the Allport-Ross and Feagin measures of intrinsic-extrinsic religious orientation. In D. O. Moberg & M. L. Lynn (Eds.), Research in the social scientific study of religion (Vol. 1, pp. 1–31). Greenwich, CT: JAI Press.
- Koleva, S., Iyer, R., Graham, J., Selterman, D., & Ditto, P., 2014, "The moral compass of insecurity: Anxious and avoidant attachment predict moral judgment", *Social and Personality Psychological Science*, N. 5(2), p. 185-194.
- Krauss, S. W., & Hood, R. W., 2013, *New approach to religious orientation: The commitment-reflectivity circumplex*, New York, NY: Rodopi.
- Medovich, J., & Petrovich, B., 2016, "Can there be an immoral morality? Dark personality traits as predictors of moral foundations", *Psihologija*, N. 49(2), p. 185-197.
- Moscato, A., & Mezuk, B., 2014, "Losing faith and finding religion: Religiosity over the life course and substance use and abuse", *Drug and Alcohol Dependence*, N. 136, p. 127-134.
- Paulhus, D. L., & Williams, K. M., 2002, "The dark triad of personality: Narcissism, machiavellianism and psychopathy", *Journal of Research in Personality*, N. 36(6), p. 556-563.
- Petrides, K. V., Vernon, P. A., Schermer, J. A., & Veselka, L., 2011, "Trait emotional intelligence and the Dark Triad traits of personality", *Twin Research and Human Genetics*, N. 14(1), p. 35-41.
- Tiliopoulos, N., Bikker, A. P., Coxon, A. P. M., & Hawkin, P. K., 2007, "The means and ends of religiosity: A fresh look at Gordon Allport's religious orientation dimensions", *Personality and Individual Differences*, N. 42, p. 1609–1620.
- Watson, P. J., & Morris, R. J., 2005, "Spiritual experience and identity: Relationships with religious orientation, religious interest, and intolerance of ambiguity", *Review of Religious Research*, N. 46, p. 371–379.

نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی

کیملیحه رحیمی / کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی بالینی، گرایش خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

malihehrahimi_psy@yahoo.com

dr.zadeh@gmail.com

علی زاده‌محمدی / دانشیار گروه مطالعات بنیادین، پژوهشکده خانواده‌درمانی، دانشگاه شهید بهشتی

باقر غباری بناب / استاد گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران

bghobari@ut.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۰۴ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش، تعیین نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی بود. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی است. بدین‌منظور، ۳۹۵ فرد متأهل ساکن شهر تهران (۱۹۸ زن، ۱۹۷ مرد) در سال ۹۷-۹۸، به روش نمونه‌گیری در دسترس، به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شدند و به مقیاس‌های تصور از خدای مظهاری و همکاران (۱۳۸۴)، ناگویی هیجانی بگی و همکاران (۱۹۹۴) و رضایت زناشویی اولسون و همکاران (۱۹۸۹) پاسخ دادند. نتایج نهایی حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری حاکی از این بود که ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند. علاوه بر این، ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی، ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و در نهایت، ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی به دست آمد. به‌طور کلی، یافته‌های پژوهش نشان داد که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی موجب افزایش رضایت زناشویی می‌شود. به‌عبارت دیگر، کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی می‌تواند چگونگی ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی را بهتر تبیین کند.

کلیدواژه‌ها: تصور از خدا، رضایت زناشویی، ناگویی هیجانی.

در سال‌های اخیر، میزان مطالعاتی که به بررسی پدیده رضایت زناشویی پرداخته‌اند، رو به افزایش بوده و به‌طور کلی، نتایج حاکی از تأثیر مجموعه علل مختلف بر رضایت زناشویی است (جکسون و دیگران، ۲۰۱۴). گودارد، مارشال، اولسون و دنیز (Goddard, Marshall, Olson & Dennis) (۲۰۱۲) رضایت زناشویی را به‌عنوان حالت هیجانی فرد، نشئت‌گرفته از رضایت از تعاملات، تجارب و انتظارات از زندگی مشترک مشخص کرده‌اند. کوچار و شارما (Kochar & Sharma) (۲۰۱۵)، ارزیابی کلی از وضعیت رابطه زناشویی را تعریفی مناسب برای سازه رضایت زناشویی تلقی کرده‌اند که می‌تواند انعکاسی از میزان شادکامی و احساس مطلوب زوجین نسبت به رابطه زناشویی و تلاش در جهت برآورده کردن مهم‌ترین نیازهای شریک خود باشد.

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که زوجین در افزایش کیفیت روابط و حل و فصل تعارضات زناشویی خود مؤثر می‌دانند، برقراری رابطه با خداست (مارکس، ۲۰۰۵). براساس گفته گودمن (Goodman) (۲۰۰۴)، زوجین مقیدتر به انجام اعمال مذهبی بر این باور هستند که خداوند در زندگی زناشویی آنان دخیل است. همچنین، این دسته از زوجین معتقدند که از طریق تشکیل زندگی مشترک می‌توان به خدا نزدیک‌تر شد و ارتباط با خدا را نوعی عامل پیشگیری‌کننده و یا اصلاح‌کننده تعارضات زناشویی قلمداد می‌کنند (لامبرت و دولاهیت، ۲۰۰۸). با وجود این، رابینسون و بلنتون (Robinson & Blanton) (۱۹۹۳) به احتمال وجود رضایت زناشویی پایین در برخی از زوجین دارای تقید بالا به انجام اعمال مذهبی و بالعکس، امکان تجربه رضایت زناشویی بیشتر در برخی از زوجین دارای تعهدات مذهبی کمتر اشاره کرده‌اند. بنابراین، به‌نظر می‌رسد صرف ارتباط با خدا از طریق انجام اعمال عبادی، مذهبی و یا معنوی مانند نماز، روزه و دعا و نیایش موجب تغییر در وضعیت زندگی زناشویی نمی‌شود؛ بلکه فراتر از آن، چگونگی برقراری ارتباط با خداوند و نوع تصور افراد متأهل از او حائز اهمیت است. دلتون (۲۰۱۸) بیان کرده که تصور از خدا در قالب خدای مهربان و عاشق، در مقایسه با تصور از او به‌عنوان خدای تنبیه‌کننده و طردکننده، تأثیرات مثبتی بر کیفیت روابط زن و شوهر و در نهایت، افزایش رضایت زناشویی دارد.

همچنین، شیکیدا و همکاران (۲۰۱۵) بیان کرده‌اند زوجین بسته به میزانی که خداوند را مقتدر، بانفوذ یا گرم و صمیمی تصور کنند، روابط زناشویی متفاوتی را تجربه می‌کنند و رویکردهای مختلفی را درباره شیوه‌های رفتار با همسر به کار می‌برند. همچنین، گودمن (۲۰۰۴) در رابطه با اهمیت نقش تصور از خدا در روابط زناشویی اظهار کرده‌است که پژوهشگران باید به بررسی راهکارهایی بپردازند که زوجین به وسیله آنها بتوانند خداوند را در روابط زناشویی خود مؤثر ببینند. گرنکوئیست، میکولینسر و شاور (Granqvist, Mikulincer & Shaver) (۲۰۱۰) و نافکی و هال (Noffke & Hall) (۲۰۰۷) اظهار کرده‌اند که تصور مثبت از خدا تأثیر بسزایی بر اصلاح و ترمیم روابط زناشویی دارد.

داشتن رابطه‌ای با خدا که موجب شود فرد احساس کند خداوند همیشه در دسترس و پاسخگو به نیازهای اوست (استراب (Straub)، ۲۰۰۹)، از طریق ایجاد مهارت‌های تنظیم هیجانی سازگارانه و کاهش تعارضات زناشویی (غباری‌بناب و فرخ‌آبادی، ۲۰۱۸)، زمینه را برای افزایش رضایت زناشویی فراهم می‌کند (استراب، ۲۰۰۹). افزون بر این، توانایی ابراز، تشخیص و تنظیم هیجان‌ها، یکی دیگر از عوامل مهم و تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، براساس گفته کوردووا، گی و وارن (Cordova, Gee & Warren) (۲۰۰۵) است. بهزیستی روان‌شناختی افراد به‌طور قابل توجهی تحت تأثیر روابط بین فردی صمیمانه قرار دارد و توانایی برقراری و تداوم روابط عاشقانه و رضایت بخش نیازمند قابلیت تشخیص هیجان‌ها و ابراز آنها (کارتون، کسلر و پاپی (Carton, Kessler & Pape)، ۱۹۹۹) و درک و توجه به احساسات دیگران است (واچس (Wachs) و کوردووا، ۲۰۰۷). همچنین، گرایش به شناخت ماهیت بین فردی مشکلات روان‌شناختی سابقه‌ای طولانی دارد و اهمیت آن، به‌ویژه در روابط زناشویی قابل توجه است. عدم توانایی در توصیف، ابراز و تنظیم هیجان‌ها، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین علل تأثیر این مشکلات شناخته شده است (هیون و جوسف (Hyun & Joseph)، ۲۰۱۰).

با وجود این، عدم توانایی یا توانایی محدود در تشخیص، توصیف، ابراز و تنظیم هیجان‌ها موجب می‌شود زوجین نتوانند به سهولت رضایت زناشویی را تجربه کنند. یکی از مناسب‌ترین توصیف‌ها برای کمبود، نقص یا فقدان توانایی این دسته از افراد، ناگویی هیجانی است. ناگویی هیجانی، یک ویژگی شخصیتی نسبتاً پایدار (ساندر و اسشر (Sander & Scherer)، ۲۰۰۹) و مرتبط با مشکل در شناسایی، پردازش و توصیف هیجان‌ها، ذهنی‌سازی، تخیل و جهت‌گیری تفکر عینی به‌شمار می‌رود (تیلور و دیگران، ۲۰۱۴).

بی‌ثباتی و آشفتگی روان‌شناختی تجربه‌شده در روابط بین فردی، در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی، کیفیت رابطه زناشویی و به‌تبع، رضایت زناشویی آنان را متأثر می‌کند (ونگلیستی و دیگران، ۲۰۰۰).

ناگویی هیجانی برقراری و تداوم تعاملات صمیمانه را با مشکل مواجه می‌سازد و بدین‌وسیله، مشکلات بین فردی زوجین را افزایش می‌دهد. همچنین، سطوح پایین‌تر همدلی در افراد با درجات مختلف ناگویی هیجانی، رضایت زناشویی آنها را کاهش می‌دهد (خواجه و خضری‌مقدم، ۱۳۹۵).

آنتاس، کولک، بونایر و ایدیئر (Untas, Koleck, Bonnaire & Idier) (۲۰۱۵) نیز بیان کرده‌اند درجات بالاتر ناگویی هیجانی منجر به کاهش استفاده از سبک‌های مقابله‌ای مثبت در برابر استرس و کاهش رضایت زناشویی می‌شود.

از سوی دیگر، پژوهش‌های متعدد یکی از عوامل مؤثر بر عدم توانایی در ابراز، توصیف، تنظیم هیجان‌ها و همدلی را رابطه شخصی فرد با خدا تلقی کرده‌اند. عدم توانایی در برقراری رابطه ایمن و عاشقانه با خدا و نداشتن باور به خدای حمایت‌کننده موجب افزایش استرس روان‌شناختی و حالات عاطفی منفی در افراد می‌شود (برادشاو و دیگران، ۲۰۱۰؛ هومن و بویاتزیس، ۲۰۱۰). نورنزایان، گرویس و ترزنسیوسکی (Norenzayan, Gervais & Trzesniewski) (۲۰۱۲) و گرویس (۲۰۱۳) به رابطه مثبت و معنادار

سطوح بالای مهارت در همدلی و ذهنی‌سازی با باور به خدا اشاره و بیان کرده‌اند در افرادی که مهارت‌های ذهنی‌سازی و همدلی کمتر است، به علت قدرت تخیل پایین‌تر و درواقع، سبک تفکر عینی بیشتر، احتمال اینکه باوری راجع به خداوند در ذهن آنها شکل گیرد، بسیار کم است. لازم به یادآوری است که در این‌گونه یافته‌ها، گرایش به مذهب و تقید به انجام اعمال مذهبی زمینه‌ای مهم و ضروری برای دستیابی به تصور مثبت از خدا تلقی شده است. باور به خداوند نزدیک به انسان و حامی با اضطراب و افسردگی پایین‌تر توأم است (فیلیپس و دیگران، ۲۰۰۴)، درحالی‌که باور به اینکه انسان از سوی خداوند مورد تنبیه قرار گرفته و یا طرد شده، با گستره وسیعی از اختلالات روان‌شناختی و درواقع، مؤلفه‌های همبسته با ناگویی هیجانی مانند اضطراب، افسردگی، پارانوئیا، وسواس و روان‌پریشی ارتباط مثبت معناداری دارد (پارگامنت و دیگران، ۲۰۰۶).

علی‌رغم یافته‌های مطالعات پژوهشی گوناگون، مبنی بر همبستگی بین قدرت ابراز، توصیف و تنظیم هیجانات و رضایت زناشویی، بالاخص در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی (بشارت، ۲۰۰۹) و نیز تأثیر برقراری رابطه مطلوب و ایمن با خدا بر افزایش کیفیت و میزان رضایت از زندگی زناشویی (رابرتز (Roberts)، ۲۰۱۷)، آنچه پژوهشگر پس از بررسی پژوهش‌های مختلف در این دو زمینه به آن دست یافته، نمایانگر این مسئله مهم است که پژوهشگران خانواده، تاکنون به بررسی چرایی و چگونگی عدم موفقیت بسیاری از زوجین ایرانی در بهره‌مندی از فواید ارتباط مطلوب و مناسب با خدا نپرداخته‌اند. البته، تناقض موجود بین اغلب یافته‌های تجربی، مبنی بر تأثیر قابل‌توجه تصور از خدا بر توانایی ابراز، توصیف و تنظیم هیجانات و برخی از نتایج پژوهش‌های علمی، ازجمله (براون (Brown)، ۲۰۱۴) که بر نقش قدرت ابراز و تنظیم هیجانات در چگونگی تصور افراد از خدا تأکید کرده است، یکی دیگر از علل ضرورت و اهمیت انجام این پژوهش را نشان می‌دهد.

همچنین، تا جایی که نتایج جست‌وجوهای پژوهشگر نشان می‌دهد، مطالعات مشابه اندکی، در ایران و یا در خارج از کشور، در زمینه رابطه تصور از خدا با رضایت زناشویی و رابطه تصور از خدا با ناگویی هیجانی انجام شده است. از سوی دیگر، با توجه به یافته‌های پژوهشی مزبور، مبنی بر رابطه ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی، رابطه مؤلفه‌های همبسته با ناگویی هیجانی مانند انواع مشکلات روان‌شناختی با تصور از خدا و با لحاظ کردن این نکته که پژوهش‌ها صرفاً به بررسی ارتباط بین توانایی ابراز، تشخیص و تنظیم هیجانات با رابطه با خدا و تصور از او پرداخته‌اند و تصور از خدا را در افراد با درجات متفاوت ناگویی هیجانی، به‌طور خاص افراد متأهل دارای این ویژگی مورد توجه قرار نداده‌اند، پژوهشگر درصدد بررسی رابطه بین تصور از خدا و رضایت زناشویی افراد متأهل دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی و تعهد به انجام اعمال مذهبی (نماز و روزه) است. به‌عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا بین تصور از خدا و رضایت زناشویی افراد متأهل ارتباط معناداری وجود دارد، یا اینکه متغیرهای دیگری همچون ناگویی هیجانی، می‌تواند در این رابطه نقش واسطه‌ای ایفا کند؟

شکل ۱: مدل نظری پژوهش حاضر



روش پژوهش

روش این پژوهش، همبستگی و جامعه آماری آن، تمام افراد متأهل ساکن شهر تهران در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۸ بود. در رابطه با تعیین اندازه نمونه در مدل‌یابی معادلات ساختاری اختلاف نظر وجود دارد. استیونس (۲۰۱۲) حداقل پنج و حداکثر ۱۵ نفر به ازای هر مؤلفه را مناسب می‌داند. بنابراین، ابتدا حجم نمونه با در نظر گرفتن ۱۵ نفر به ازای مؤلفه‌های هریک از متغیرهای پژوهش، معادل ۳۴۵ نفر محاسبه شد. اما به دلیل احتمال ریزش ۳۰ درصدی، نمونه‌ای با حجم تقریبی ۴۴۵ فرد متأهل به صورت در دسترس در نظر گرفته شد که پس از ریزش به ۳۹۵ نفر (۱۹۸ زن و ۱۹۷ مرد متأهل) رسید. همچنین، دشواری در دسترسی به زنان و مردان متأهل به شیوه تصادفی و نیز امکان سهولت بیشتر در روند توزیع پرسش‌نامه‌ها موجب اتخاذ روش نمونه‌گیری در دسترس شد.

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل رضایت آگاهانه، سکونت در شهر تهران، سپری‌شدن مدت زمان حداقل دو سال از زندگی مشترک، داشتن تحصیلات حداقل دیپلم، زندگی با همسر خود در حال حاضر و داشتن فرزند بود. همچنین، عدم پاسخ‌گویی به بیش از ۱۰ درصد از سؤالات و سابقه اختلال روانپزشکی به گزارش خود افراد، به‌عنوان ملاک‌های خروج از پژوهش در نظر گرفته شدند.

ابزارهای پژوهش

۱. پرسشنامه جمعیت‌شناختی

در این پرسشنامه، علاوه بر پرسیدن سؤالاتی درباره مواردی نظیر جنسیت، سن، سطح وضعیت اقتصادی و میزان تحصیلات، دو سؤال مربوط به میزان تقید به انجام اعمال مذهبی (نماز و روزه) و میزان مذهبی‌بودن، براساس طیف لیکرتی از هیچ تا خیلی زیاد گنجانده شده است.

۲. مقیاس رضایت زناشویی

برای سنجش میزان رضایت زناشویی از فرم متوسط مقیاس «رضایت زناشویی انریچ» که توسط اولسون، فورنیر و دراکمن (۱۹۸۹) و با هدف ارزیابی و شناسایی زمینه‌های بالقوه مشکل‌زا و نقاط قوت موجود در روابط زناشویی ساخته شده است، استفاده شد. خرده‌مقیاس‌های موجود در فرم متوسط و ۴۷ سؤالی این مقیاس، شامل موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان و جهت‌گیری مذهبی است.

فلورز (Fowers) و اولسون (۱۹۸۹) ضرایب آلفای کروناخ پرسش‌نامه انریچ را در خرده‌مقیاس‌های آن از ۰/۴۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده‌اند. آلفای کروناخ برای سنجش پایایی این مقیاس با استفاده از روش همسانی درونی، در دو گروه زنان و مردان ۰/۹۶ به دست آمده است (فینچام و دیگران، ۲۰۰۲). اعتبار این آزمون در پژوهش *خواجه* و خضری‌مقدم (۱۳۹۵)، با استفاده از ضریب آلفای کروناخ، ۰/۷۶ به دست آمد.

۳. مقیاس تصور از خدا

برای سنجش چگونگی تصور افراد از خداوند، مقیاس تصور از خدا استفاده شد. *لاورنس* (۱۹۹۷) با تجزیه و تحلیل هنجاریابی ۱۵۸۰ آزمودنی، مقیاس تصور از خدا را در دو قسمت ۷۲ ماده‌ای و ۶ زیرمقیاسی و ۳۶ ماده‌ای و ۳ زیرمقیاسی، به‌عنوان زیرمجموعه و فرم کوتاه‌شده پرسش‌نامه تصور از خدا ساخت و همبستگی درونی آن را به‌دست آورد. این مقیاس توسط متخصصان زبان‌شناسی به فارسی برگردانده شد. سپس براساس این مقیاس، مظاهری و همکاران (۱۳۸۴) مقیاس ۳۳ ماده‌ای تصور از خدا را با توجه به فرهنگ جامعه اسلامی، در شش زیرمقیاس بازسازی کردند.

لاورنس (۱۹۹۷) ضریب آلفای کروناخ را برای زیرمقیاس‌های حضور، چالش، پذیرندگی، خیرخواهی، تأثیرگذاری و مشیت الهی، به ترتیب، ۰/۹۵، ۰/۷۵، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۸۹ و ۰/۸۲ به دست آورده است. به‌طور کلی، روایی این مقیاس و همبستگی درونی زیرمقیاس‌ها در مطالعات متعدد، رضایت‌بخش گزارش شده است (هال و سورنس (Sorence)، ۱۹۹۹).

۴. مقیاس ناگویی هیجانی

مقیاس ناگویی هیجانی با هدف سنجش شدت و درجه ناگویی هیجانی افراد متأهل به کار برده شد. این مقیاس یک آزمون ۲۰ سؤال‌ی و شامل سه زیرمقیاس دشواری در تشخیص و شناسایی احساسات، دشواری در توصیف احساسات و سبک تفکر عینی است که توسط بگی، پارکر و تیلور (۱۹۹۴) ساخته شده است. این سه زیرمقیاس به ترتیب، دارای ۷، ۵ و ۸ سؤال است.

محمد (۱۳۸۰) اعتبار کل مقیاس را در نمونه‌ای ایرانی، با استفاده از روش دومیه‌کردن و بازآزمایی، ۰/۷۴ و ۰/۷۲ و روایی مقیاس را ۰/۸۵ گزارش کرد. بگی و همکارانش (۲۰۰۳) و *ژو، یائو، رایدر* (Zho, Yao & Ryder)، تیلور و بگی (۲۰۰۷) پژوهشی مروری روی این آزمون انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان داد که آزمون ناگویی هیجانی تورنتو به ۱۸ زبان زنده دنیا ترجمه شده، روایی سه عامل آن در ۱۹ کشور مورد پژوهش قرار گرفته و ساختار آن از نظر فرهنگ و زبان عمومیت دارد. همچنین، در این پژوهش، به‌طور میانگین، آلفای کروناخ قابل قبول ۰/۷۶ گزارش شده است. زیمرمن و دیگران، ۲۰۰۷، ضرایب آلفای کروناخ را برای زیرمقیاس‌های دشواری در توصیف احساسات، ۰/۷۱، دشواری در شناسایی احساسات، ۰/۶۶ و جهت‌گیری تفکر عینی، ۰/۴۳ به‌دست آوردند.

شیوه تحلیل داده‌ها

نرمال بودن داده‌های پژوهش پیش از تجزیه و تحلیل داده‌ها بررسی شد؛ بدین صورت که داده‌های پرت تک‌متغیری از طریق مراجعه به جدول فراوانی، رسم نمودار جعبه‌ای و محاسبه میزان کجی و کشیدگی و داده‌های پرت چندمتغیری نیز با استفاده از محاسبه فاصله مهالانویس، از بین مجموع داده‌ها حذف شدند. از سوی دیگر، مقادیر داده‌های مفقود نیز از طریق روش جایگزینی میانگین به دست آمد. سپس، مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار ایموس ۲۱، به منظور بررسی نقش میانجی‌گری ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی و آزمون همبستگی پیرسون، با هدف سنجش چگونگی روابط متغیرها با یکدیگر انجام شد.

یافته‌های پژوهش

نمونه پژوهش شامل ۳۹۵ فرد متأهل با میانگین و انحراف استاندارد ۷۷/۳۸ و ۱۴/۴۲ بود. از بین افراد نمونه، ۱۹۸ نفر، زن و ۱۹۷ نفر، مرد بودند. شرکت‌کنندگان در این پژوهش، دارای تحصیلات دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، به ترتیب ۱۱۲، ۵۹، ۱۵۱، ۶۵ و ۸ نفر بودند و دامنه سنی آنان از ۲۰ تا ۶۰ سال متغیر بود.

جدول ۱: نتایج آزمون شاپیرو-ویلک درباره نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرها	سطح معنی‌داری
تصور از خدا	۰/۰۰۰
ناگویی هیجانی	۰/۰۳
رضایت زناشویی	۰/۰۰۰

جدول ۲: نتایج آزمون همبستگی پیرسون

روابط شاخص‌ها	ارتباط تصور از خدا با رضایت زناشویی	ارتباط تصور از خدا با ناگویی هیجانی	ارتباط ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی
ضریب همبستگی	۰/۳۹*	۰/۲۳*	۰/۳۵*
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۲) حاکی از ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی و ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و نیز، ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی است.

علاوه بر این، از آنجاکه نتایج حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری نشان داد که مقادیر شاخص‌های برازش مدل به میزان مطلوب و قابل قبول نزدیک هستند، مدل اصلاح شد و پس از اصلاح مدل، مقادیر به حد مطلوب بسیار نزدیک‌تر شدند؛ بدین صورت که میزان شاخص‌های نسبت آماره خی دو به درجه آزادی، نیکویی برازش، نیکویی برازش اصلاح‌شده، برازش تطبیقی و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد، به ترتیب، ۲/۴۳، ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۹۱ و ۰/۰۶ به دست آمد. همچنین، برای اینکه مدلی برازش قابل قبول داشته باشد، نباید میزان شاخص CMIN معنادار باشد. در این پژوهش، میزان این شاخص معنادار به دست آمد که به‌تنهایی نمی‌تواند معیار مناسبی برای تعیین عدم برازش مدل باشد.

با وجود این، برای اینکه مدلی برازش داشته باشد، باید اندازه ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم نیز معنادار باشند. در ادامه، میزان ضرایب استاندارد و سطح معناداری آنها، برای تعیین برازش نهایی مدل نظری پژوهش گزارش شده است.

جدول ۳: ضرایب استاندارد شده مستقیم، غیرمستقیم و کل و سطح معناداری آنها در مدل نظری پژوهش

متغیر ملاک	متغیرهای پیشین	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده	سطح معناداری اثرات غیرمستقیم	سطح معناداری اثرات مستقیم
روى رضایت زناشویی از:	تصور از خدا	۰/۳۲	۰/۰۹	۰/۳۱	۰/۲۲	$P=0/000 \leq 0/05$	$P=0/000 \leq 0/05$
	ناگویی هیجانی	-۰/۳۶	-	-۰/۳۶	-۰/۳۶	-	$P=0/000 \leq 0/05$
روى ناگویی هیجانی از:	تصور از خدا	-۰/۲۵	-	-۰/۲۵	-۰/۲۵	-	$P=0/000 \leq 0/05$

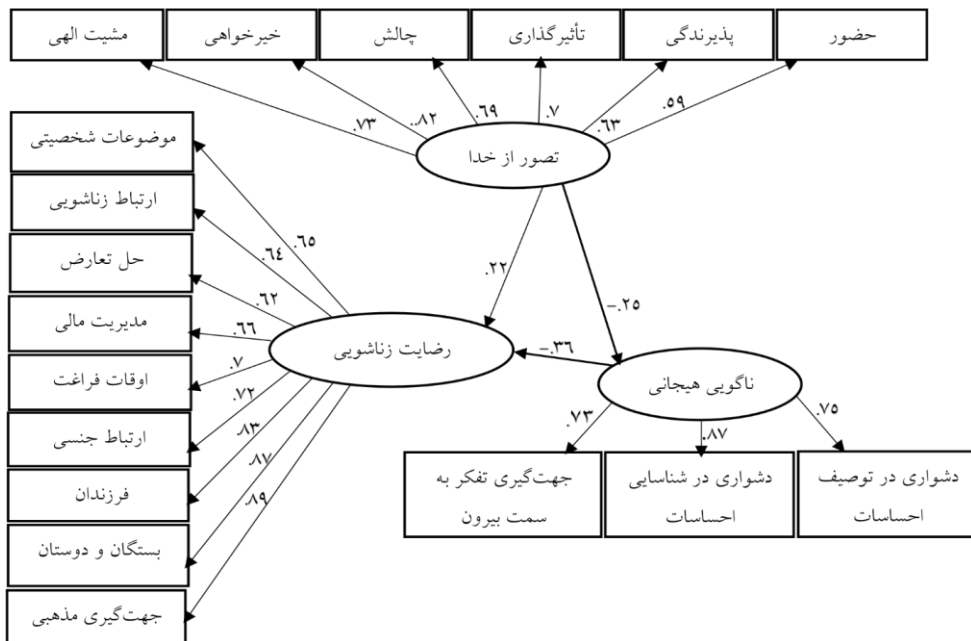
مقادیر معنی داری آزمون بوت استرپ نمایانگر اثر مثبت و معنادار تصور از خدا روی رضایت زناشویی، اثر منفی و معنادار تصور از خدا روی ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی روی رضایت زناشویی است. همچنین، نتایج این آزمون نشان داد که ضریب استاندارد غیرمستقیم در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی، در سطح ۰/۰۵ معنادار است. حال، با توجه به نتایج موجود در جدول (۳) و نیز میزان شاخص‌های برازش مدل نظری می‌توان استنباط کرد که مدل نظری از برازش نسبتاً خوبی برخوردار است. در واقع، داده‌های نمونه قابلیت حمایت از مدل نظری پژوهش را دارد. همچنین، برازش نسبتاً خوب مدل بیانگر این است که می‌بایست نتایج حاصل از مدلیابی معادلات ساختاری، با احتیاط به جامعه آماری این پژوهش تعمیم داده شود. به عبارت دیگر، ممکن است برازش مدل نظری، صرفاً آماری باشد و در دنیای واقعی نتوان به سهولت و به طور منطقی، شاهد وجود چگونگی روابط بین متغیرها بر اساس نتایج مدلیابی معادلات ساختاری بود.

در ادامه، با در نظر گرفتن این مسئله و با توجه به معناداری ضرایب استاندارد مستقیم و غیرمستقیم، چگونگی روابط بین متغیرها شرح داده شده است.

معناداری ارتباط غیرمستقیم تصور از خدا با رضایت زناشویی نشان می‌دهد که ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری جزئی ایفا می‌کند. علاوه بر این، با توجه به معنی‌داری اثرات مستقیم، شامل اثر مثبت تصور از خدا روی رضایت زناشویی، اثر منفی تصور از خدا روی ناگویی هیجانی و نیز ناگویی هیجانی روی رضایت زناشویی، می‌توان استنباط کرد که ناگویی هیجانی می‌تواند علت ارتقاء رضایت زناشویی در نتیجه افزایش نمره افراد متأهل در برخی از زیرمقیاس‌های مقیاس تصور از خدا (تصور مثبت از خدا) را تا حدودی تبیین کند. به عبارت دیگر، نوع تصور افراد متأهل از خدا میزان رضایت زناشویی را از طریق تأثیر بر مواردی مانند شدت نشانه‌های ناگویی هیجانی، تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین، دو مورد از پیش فرض‌های در نظر گرفتن یک متغیر به عنوان میانجی‌گر، ارتباط معنادار متغیر پیش‌بین با میانجی‌گر و میانجی‌گر با ملاک است. در

این پژوهش، به ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی اشاره شد. با توجه به مطالب مطرح‌شده، فرضیه اصلی پژوهش مبنی بر اینکه ناگویی هیجانی در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری ایفا می‌کند، تأیید می‌شود.

شکل ۲: دیاگرام مدل نظری پژوهش حاضر



بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های این پژوهش، ناگویی هیجانی می‌تواند در ارتباط بین تصور از خدا و ناگویی هیجانی نقش میانجی‌گری جزئی ایفا کند. این یافته بدین معناست که علی‌رغم ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی، تصور از خدا نمی‌تواند به‌تنهایی تجربه رضایت زناشویی را تبیین کند. در واقع، ناگویی هیجانی قابلیت آن را دارد که چگونگی و چرایی ارتباط مثبت تصور از خدا با رضایت زناشویی را تبیین کند. بدین صورت که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش نشانه‌های ناگویی هیجانی موجب تجربه بیشتر رضایت زناشویی در افراد متأهل می‌شود.

افزون بر این، باید به ارتباط منفی و معنادار تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی توجه ویژه‌ای داشته باشیم؛ زیرا تنها در این صورت است که ناگویی هیجانی توانایی ایفای نقش میانجی‌گری در ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی را دارد. حال، برای تبیین عمیق‌تر این یافته باید ابتدا چگونگی ارتباط تصور از خدا با رضایت زناشویی و سپس، ارتباط تصور از خدا با ناگویی هیجانی و ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی مورد بحث قرار گیرد.

تأیید ارتباط مثبت و معنادار تصور از خدا با رضایت زناشویی بیانگر این است که رضایت زناشویی افراد متأهل به موازات افزایش نمره آنها در برخی از زیرمقیاس‌های مقیاس تصور از خدا (تصور مثبت از خدا) افزایش می‌یابد. ارتباط مثبت و معنادار بین تصور از خدا و رضایت زناشویی در این پژوهش، با نتایج پژوهش‌های متعدد، از جمله پژوهش رابرتز (۲۰۱۷)، *دالتون* و همکاران (۲۰۱۸) و *شیکیلا* و همکاران (۲۰۱۵) همسو است. در رابطه با چگونگی به دست آمدن این ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی می‌توان گفت که خداوند می‌تواند در غیاب شریک زندگی، به‌عنوان نماد جایگزین چهرهٔ دلبستگی ازدست‌رفته عمل کند و نایمی تجربه‌شده را به ایمنی مبدل کند (رووات و کیرکپاتریک (Rowatt & Kirkpatrick)، ۲۰۰۲). در همین راستا، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) و *مارکس* (۲۰۰۵) اظهار کرده‌اند که دلبستگی ایمن به خدا و تصور مثبت از خدا به واسطه افزایش احساس حضور خداوند و باور به یاری او، بر افزایش رضایت زناشویی تأثیر قابل‌توجهی دارد. همچنین، *دالتون* و همکاران (۲۰۱۸) اذعان کرده‌اند که تصور مثبت از خدا موجب تظهير و تقدیس زندگی مشترک شده و این امر از طریق تغییر معنا و هدف زندگی مشترک، انگیزه زوجین را برای تعهد نسبت به رابطه زناشویی و فرزندان خود افزایش می‌دهد.

همچنین، براساس نتایج پژوهش *فیض‌آبادی* و *خسروی* (۱۳۸۸) می‌توان این‌گونه استنباط نمود که تصور مثبت از خدا از طریق کاهش گرایش به طلاق، رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، لامبرت و دولاهیت (۲۰۰۸) بیان کرده‌اند که ارتباط با خدا و تصور مثبت از خدا موجب پیشگیری و اصلاح تعارضات زناشویی شده و این‌گونه رضایت زناشویی افزایش می‌یابد. البته در زمینه ارتباط مثبت و معنادار بین تصور از خدا و رضایت زناشویی باید به میزان تقید افراد متأهل به انجام اعمال مذهبی نیز توجه کرد. در همین راستا، *گودمن* (۲۰۰۴) بر این باور است که زوجین دارای درجات بالاتر تقید به انجام اعمال مذهبی، حضور خداوند را در زندگی خود برجسته‌تر می‌دانند. اما با توجه به اینکه میزان ضریب همبستگی بین تصور از خدا و رضایت زناشویی در سطح ضعیف (۰/۲۹) است و این مسئله که الزاماً تمام افراد دارای تقید بالا به انجام اعمال مذهبی، حضور خداوند را در زندگی خود برجسته نمی‌بینند، می‌توان گفت که احتمالاً سازه‌های دیگری بر ارتباط بین تصور از خدا و رضایت زناشویی تأثیرگذار هستند.

بدین صورت که نوع تصور فرد از خدا از طریق تأثیر بر توانایی ابراز و تنظیم هیجانات (جانکر و دیگران، ۲۰۰۸؛ *پیدمونت* و همکاران، ۱۹۹۷؛ *یور*، ۲۰۱۱)، توانایی *همدلی* (فرانسیس و دیگران، ۲۰۱۲) و سلامت روان‌شناختی (*سیلتون*، *گالک* (Silton & Gale)، *فلانلی* و *الیسون*، ۲۰۱۴)، بر چگونگی ارتباط با دیگران تأثیر می‌گذارد (شرمن و دیگران، ۲۰۱۵)؛ به‌گونه‌ای که تصور منفی از خدا در قالب خدای تنبیه‌کننده و خشن منجر به قضاوت راجع به افراد حاضر در کلیسا، ایجاد دعوا و تعارض بین آنها و در نتیجه، آسیب روابط بین‌فردی می‌شود (کراس، ۲۰۰۸). اشاره به چنین یافته‌ای به دلیل آن است که آسیب روابط بین‌فردی، به‌ویژه در افراد دارای درجات بالاتر ناگویی هیجانی، به‌وفور قابل مشاهده است (گرینبرگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ *دمرز* و *کاوان*

(Demers & Koven, ۲۰۱۵). از سوی دیگر، با توجه به اینکه روابط زناشویی یکی از بارزترین جلوه‌های روابط بین‌فردی محسوب می‌شود و نیز، تأیید ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با رضایت زناشویی، می‌توان نتیجه پژوهش شرم‌ن و همکاران (۲۰۱۵) را به قلمرو زندگی زناشویی تعمیم داد.

ویل، روتسچایلد، ویس، یازسنزینسکی، سولومون (Vail, Rothschild, Weise, Pyszczynski & Solomon) و گرینبرگ (۲۰۱۰) اشاره کرده‌اند که مذهب می‌تواند از طریق تجویز و تعیین مجموعه‌ای از دستورات موجب شکل‌دهی واکنش‌های هیجانی شود. برای نمونه، باور به قدرت بی‌نهایت خداوند و تداوم حیات پس از این جهان، احساس امنیت فرد را تقویت می‌کند و اضطراب او را کاهش می‌دهد. همچنین، پارگامنت، انسیگ، فالگوت، اولسن، ریلی، وان‌هایتسما و وارن (Ensing, Falgout, Olsen, Reilly, Van Haitsma & Warren) (۱۹۹۰) به روش‌های مقابله مذهبی مانند گفت‌وگو با خدا و طلب کمک از او برای حل مشکل و بریمنر، کول و باشمن (Bremner, Koole & Bushman) (۲۰۱۱) به کاربرد دعا و نیایش در کنترل هیجان‌ها، به‌ویژه کنترل خشم اشاره کرده‌اند. اما کاستیلو و کومری (Costello & Comrey) (۱۹۶۷) اظهار کرده‌اند که سبک دلبستگی اضطرابی به خدا و در نتیجه، تصور منفی‌تر از خدا به افسردگی و اضطراب بالاتر و در واقع، توانایی پایین در تنظیم هیجان‌ها منجر می‌شود. از این رو، همان تفاسیری که در رابطه با چگونگی تأثیر مثبت مذهبی بودن بر رضایت زناشویی مورد توجه قرار گرفت، می‌تواند در زمینه چگونگی ارتباط مذهب با ناگویی هیجانی نیز صادق باشد. به عبارت دیگر، انجام اعمال مذهبی تنها از طریق افزایش تصور مثبت از خدا موجبات ارتقاء توانایی ابراز و تنظیم هیجان‌ها را فراهم می‌کند. در مجموع، با توجه به مطالب مطرح‌شده می‌توان گفت که انجام اعمال مذهبی تنها در صورتی که زمینه را برای تصور مثبت از خدا فراهم کند، بر قابلیت ابراز و تنظیم هیجان‌ها، همدلی و در نهایت، میزان رضایت زناشویی در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، تأثیرگذار خواهد بود.

همچنین، براساس یافته‌های این پژوهش، بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی ارتباط منفی معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، میزان رضایت زناشویی به موازات افزایش درجات ناگویی هیجانی کاهش می‌یابد. همچنین، ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی با نتایج پژوهش‌های متعدد، نظیر مطالعه میری و نجفی (۲۰۱۷)، درج‌زینی و مرادخانی (۲۰۱۷)، خواجه (۱۳۹۵)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۵) و آنتاس و همکاران (۲۰۱۵) همسو می‌باشد. در همین راستا، اسپیریش، متس، برلیسون، هاتفیلد و تامپسون (۱۹۹۵) بر این باور هستند که ویژگی‌های اساسی مورد نیاز برای یک رابطه صمیمی، در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، رو به نقصان است. خواجه و خضری‌مقدم (۱۳۹۵) توانایی همدلی را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های آسیب‌دیده در این افراد تلقی کرده‌اند که تا حد زیادی موجب کاهش میزان رضایت زناشویی می‌شود. نیاز به وابستگی شدید در برخی از این افراد، بی‌اعتمادی به دیگران (کوردووا و همکاران، ۲۰۰۵) و شک و تردید (میرگین Mirgain) و کوردووا، (۲۰۰۷) را به دنبال دارد. همچنین، براساس گفته وانگلیستی، ریس و فیتزپاتریک (Vangelisti, Reis & Fitzpatrick) (۲۰۰۲)، بی‌ثباتی و آشفتگی

روان‌شناختی تجربه‌شده در افراد دارای درجات متفاوت ناگویی هیجانی، کیفیت روابط زناشویی و به تبع، رضایت زناشویی آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، پری و همکاران (۲۰۰۷) اظهار کرده‌اند که تجربه غفلت و سوءاستفاده هیجانی در زنان و سوءاستفاده هیجانی در مردان، از طریق افزایش نشانه‌های ناگویی هیجانی، کیفیت روابط زناشویی و میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش‌های لایورز، مک‌کان، کاندوریس، ادواردز و توربرگ (Lyvers, McCann, Coundouris, Edwards & Thorberg) (۲۰۱۸) و دمزر و کاون (۲۰۱۵) بیانگر این است که افراد با سطوح بالاتر ناگویی هیجانی، به دلیل نقص‌های اساسی در توانایی برای تشخیص و نام‌گذاری صحیح اظهارات چهره‌ای هیجانانگیز و نیز همدلی هیجانی و ذهنی‌سازی، بیشتر مستعد تجربه روابط بین‌فردی مشکل‌آفرین هستند.

علاوه بر این، براساس مبانی موجود در نظریه استرس زوجهی (بودنمن (Bodenmann)، ۲۰۰۵)، عوامل استرس‌زای بیرونی از طریق کاهش مهارت‌های مقابله‌ای دو نفره و افزایش خطر بروز مشکلات روان‌شناختی، بر کیفیت روابط زناشویی تأثیرگذار هستند. با توجه به اینکه آنتاس و همکاران (۲۰۱۵) به ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی و سبک‌های مقابله‌ای زوجهی در پژوهش خود دست یافته‌اند و نیز، نتیجه مطالعه کاجانوچا، اسکینین، کارلسون، کارلسون و کاروکیوی (Kajanoja, Scheinin, Karlsson, L, Karlsson, H & Karukivi) (۲۰۱۷) در مورد ارتباط منفی و معنادار ناگویی هیجانی با سلامت روانی، می‌توان ارتباط منفی بین ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی را به گونه‌ای دیگر تبیین کرد؛ بدین صورت که افزایش نشانه‌های ناگویی هیجانی از طریق استفاده کمتر از راهبردهای مقابله‌ای دونفره هنگام رویارویی با تعارضات زناشویی و تخریب وضعیت سلامت روان‌شناختی، کیفیت روابط زناشویی و درنهایت، میزان رضایت زناشویی را کاهش می‌دهد.

منابع

- خواجه، فرزانه، ۱۳۹۵، *ناگویی هیجانی و رضایت زناشویی*، کنفرانس بین‌المللی اقتصاد، مدیریت و روان‌شناسی، قم، دانشگاه علمی - کاربردی استانداری قم.
- خواجه، فرزانه و نوشیروان خضری‌مقدم، ۱۳۹۵، ارتباط ناگویی هیجانی و مشکلات بین‌شخصی با رضایت زناشویی در پرستاران زن متأهل، *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، سال هفتم، ش ۱۴، ص ۶۳۰ - ۶۳۸.
- شیخ‌الاسلامی، علی و همکاران، ۱۳۹۵، *پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس مولفه‌های ناگویی هیجانی*، کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره‌ی سوم، تهران.
- فیض‌آبادی، سلیمه و زهره خسروی، ۱۳۸۸، «سبک دلبستگی و تصور از خدا در میان زنان خواهان طلاق و غیرخواهان طلاق شهرستان کاشان»، *اندیشه‌های نوین تربیتی*، سال سوم، ش ۵، ص ۳۷-۵۴.
- محمد، سعید، ۱۳۸۰، *بررسی ویژگی‌های شخصیتی افراد مبتلا به کولیت اولسروز و مقایسه‌ی آن با افراد غیرمعتاد*، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد روانشناسی بالینی، چاپ‌نشده، انستیتو روانپزشکی دانشگاه تهران.
- مظاهری، محمدعلی و همکاران، ۱۳۸۴، *بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی و دلبستگی به خدا با تصور از خدا*، چاپ‌نشده، پژوهشکده خانواده.
- Atkins, N. P, 2007, *A correlational investigation: Individual spirituality's impact upon workplace stress*, Doctoral dissertation, Capella University.
- Baesler, E. J., et al, 2011, Assessing predictions of relational prayer theory: Media and interpersonal inputs, public and private prayer processes, and spiritual health, *Southern Communication Journal*, V. 76(3), p. 191-209.
- Bagby, R. M., Parker, J. D., & Taylor, G. J, 1994, The twenty-item Toronto Alexithymia Scale—I. Item selection and cross-validation of the factor structure, *Journal of psychosomatic research*, 38(1), 23-32.
- Besharat, M. A, 2009, Alexithymia and interpersonal problems, *Studies in Education and Psychology*, V. 1, p. 129-45.
- Bodenmann, G, 2005, Dyadic coping and its significance for marital functioning. Couples coping with stress: *Emerging perspectives on dyadic coping*, V. 1(1), p. 33-50.
- Bradshaw, M., et al, 2010, Attachment to God, images of God, and psychological distress in a nationwide sample of Presbyterians, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 20(2), p. 130-147.
- Brown, D. A, 2014, *The role of emotion regulation in the formation of an emotional concept of God in evangelical Christians*, Doctoral Dissertations and Projects.
- Brown, G. K., et al, 2005, Cognitive therapy for the prevention of suicide attempts: a randomized controlled trial, *Jama*, V. 294(5), p. 563-570.
- Carton, J. S., et al, 1999, Nonverbal decoding skills and relationship well-being in adults, *Journal of Nonverbal Behavior*, V. 23(1), p. 91-100.
- Cordova, et al, 2005, Emotional skillfulness in marriage: Intimacy as a mediator of the relationship between emotional skillfulness and marital satisfaction, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 24(2), p. 218-235.

- Costello, C. G., & Comrey, A. L., 1967, Scales for measuring depression and anxiety, *The Journal of Psychology*, V. 66(2), p. 303-313.
- Culhane, S. E., & Watson, P. J., 2003, Alexithymia, irrational beliefs, and the rational-emotive explanation of emotional disturbance, *Journal of rational-emotive and cognitive-behavior therapy*, V. 21(1), p. 57-72.
- Dalton, H., et al., 2018, Transcendence Matters: Do the Ways Family Members Experience God Meaningfully Relate to Family Life?, *Review of Religious Research*, V. 60(1), p. 23-47.
- Darjazini, S., & Moradkhani, M., 2017, The Relationship between Marital Satisfaction and Alexithymia, *Journal of Ecophysiology and Occupational Health*, V. 17(3-4), p. 141-152.
- Day, R. D., & Acock, A., 2013, Marital well-being and religiousness as mediated by relational virtue and equality, *Journal of Marriage and Family*, V. 75(1), p. 164-177.
- Demers, L. A., & Koven, N. S., 2015, The relation of alexithymic traits to affective theory of mind, *The American journal of psychology*, 128(1), 31-42.
- Dubey, A., et al., 2010, Role of emotion regulation difficulties and positive/negative affectivity in explaining alexithymia-health relationship: An overview, *Indian Journal of Social Science Research*, V. 7(23), p. 20-31.
- Ellison, C. G., et al., 2011, Sanctification, stress, and marital quality, *Family Relations*, V. 60(4), p. 404-420.
- Exline, J. J., 2014, The Religious and Spiritual Struggles Scale: Development and initial validation, *Psychology of Religion and Spirituality*, V. 6(3), p. 208.
- Exline, J. J., et al., 2015, Seeing God as cruel or distant: Links with divine struggles involving anger, doubt, and fear of God's disapproval, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 25(1), p. 29-41.
- Farrokhhabadi, F., & GhobaryBonab, B., 2018, A Model Based on the Relationship between Attachment to God and Marital Conflicts Mediated by Religious Coping, *Academic Journal of Psychological Studies*, V. 7(1), p. 9-17.
- Fincham, F. D., et al., 2002, Forgiveness in marriage: The role of relationship quality, attributions, and empathy, *Personal Relationships*, V. 9(1), p. 27-37.
- _____, 2008, Spiritual behaviors and relationship satisfaction: A critical analysis of the role of prayer, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 27(4), p. 362-388.
- Fowers, B. J., & Olson, D. H., 1989, ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment, *Journal of marital and family therapy*, V. 15(1), p. 65-79.
- Francis, L. J., et al., 2012, Religious diversity, empathy, and God images: Perspectives from the psychology of religion shaping a study among adolescents in the UK, *Journal of Beliefs & Values*, V. 33(3), p. 293-307.
- Gervais, W. M., 2013, Perceiving minds and gods: How mind perception enables, constrains, and is triggered by belief in gods, *Perspectives on Psychological Science*, V. 8(4), p. 380-394.

- Ghorbani, N., et al, 2012, Self-compassion in Iranian Muslims: Relationships with integrative self-knowledge, mental health, and religious orientation, *International Journal for the Psychology of Religion*, V. 22(2), p. 106-118.
- Goddard, H. W., et al, 2012, Character strengths and religiosity as predictors of marital satisfaction in a sample of highly religious and divorce-prone couples, *Journal of Couple & Relationship Therapy*, V. 11(1), p. 2-15.
- Goodman, M. A, 2004, *How religious couples perceive the influence of God in their marriage*, Order No. 3135949, Doctoral dissertation, Birgham Young University, ProQuest Dissertations & theses Global.
- Granqvist, P, et al, 2010, Religion as attachment: Normative processes and individual differences, *Personality and Social Psychology Review*, V. 14(1), p. 49-59.
- Green, M., & Elliott, M, 2010, Religion, health, and psychological well-being, *Journal of religion and health*, V. 49(2), p. 149-163.
- Grynberg, D., et al, 2010, Alexithymia in the interpersonal domain: A general deficit of empathy?, *Personality and individual differences*, V. 49(8), p. 845-850.
- Hall, T. W., & Sorence, R, 1999, God image inventory. pc Hill & RW Hood, *Measures of religiosity*, p. 399-406.
- Hawkey, L. C., et al, 2009, Loneliness predicts reduced physical activity: cross-sectional & longitudinal analyses, *Health Psychology*, V. 28(3), p. 354.
- Holder, M. D., et al, 2015, The poor subjective well-being associated with alexithymia is mediated by romantic relationships, *Journal of Happiness Studies*, V. 16(1), p. 117-133.
- Homan, K. J., & Boyatzis, C. J, 2010, The protective role of attachment to God against eating disorder risk factors: Concurrent and prospective evidence, *Eating Disorders*, V. 18(3), p. 239-258.
- Horowitz, M. J, 1991, *Person schemas and maladaptive interpersonal patterns*, University of Chicago Press.
- Hudson, D. B., et al, 2000, Depression, self-esteem, loneliness, and social support among adolescent mothers participating in the new parents project, *Adolescence*, V. 35(139), p. 445.
- Humphreys, T. P., et al, 2009, Alexithymia and satisfaction in intimate relationships, *Personality and Individual Differences*, V. 46(1), p. 43-47.
- Hyun, S., & Joseph, H, 2010, Korean pastors and their wives' marital satisfaction and its predicting factors, *Pastoral Psychology*, V. 59(4), p. 495-512.
- Jackson, J. B, et al, 2014, Gender differences in marital satisfaction: A meta-analysis, *Journal of marriage and family*, V. 76(1), p.105-129.
- Jonker, H. S., et al, 2008, Development and validation of the Dutch Questionnaire God Image: Effects of mental health and religious culture, *Mental health, religion and culture*, V. 11(5), p. 501-515.
- Kajanoja, J., et al, 2017, Illuminating the clinical significance of alexithymia subtypes: a cluster analysis of alexithymic traits and psychiatric symptoms, *Journal of psychosomatic research*, V. 97, p. 111-117.
- Kidd, S. A, 2004, "The Walls Were Closing in, and We Were Trapped" a qualitative analysis of street youth suicide, *Youth & Society*, V. 36(1), p. 30-55.

- Kirkpatrick, L. A., 1992, An attachment-theory approach psychology of religion, *The International Journal for the Psychology of Religion*, V. 2(1), p. 3-28.
- Kochar, R. K., & Sharma, D., 2015, "Role of Love in Relationship Satisfaction", *The International Journal of Indian Psychology*, V. 3(1), p. 81-107.
- Koenig, H. G., 2012, Religion, spirituality, and health: The research and clinical implications, *ISRN psychiatry*.
- Kruse, C. G., 2008, *Paul, the law, and justification*, Wipf and Stock Publishers.
- Lambert, N. M., & Dollahite, D. C., 2008, The threefold cord: Marital commitment in religious couples, *Journal of Family Issues*, V. 29(5), p. 592-614.
- Lawrence, R. T., 1997, Measuring the image of God: The God image inventory and the God image scales, *Journal of Psychology and theology*, V. 25(2), p. 214-226.
- Łowicki, P., & Zajenkowski, M., 2016, Emotional intelligence and religiosity: Complex connections and possible explanation, *Personality and Individual Differences*, V. (101), p. 496.
- Luanaiagh, C. Ó., & Lawlor, B. A., 2008, Loneliness and the health of older people, *International Journal of Geriatric Psychiatry: A journal of the psychiatry of late life and allied sciences*, V. 23(12), p. 1213-1221.
- Lyvers, M., et al, 2018, Alexithymia in relation to alcohol use, emotion recognition, and empathy: the role of externally oriented thinking, *American Journal of Psychology*, V. 131(1), p. 41-51.
- Mahoney, A., 2010, Religion in families, 1999–2009: A relational spirituality framework, *Journal of Marriage and Family*, V. 72(4), p. 805-827.
- Marks, et al, 2012, *Sacred matters: Religion and spirituality in families*, Routledge.
- Marks, L., 2005, How does religion influence marriage? Christian, Jewish, Mormon, and Muslim perspectives, *Marriage & Family Review*, V. 38(1), p. 85-111.
- McConnell, K. M., et al, 2006, Examining the links between spiritual struggles and symptoms of psychopathology in a national sample, *Journal of clinical psychology*, V. 62(12), p. 1469-1484.
- Meganck, R., et al, 2012, Reliability and factor structure in an adolescent sample of the Dutch 20-item Toronto Alexithymia Scale, *Psychological reports*, V. 111(2), p. 393-404.
- Miner, M., et al, 2014, Spiritual attachment in Islam and Christianity: Similarities and differences, *Mental Health, Religion & Culture*, V. 17(1), p. 79-93.
- Mirgain, S. A., & Cordova, J. V., 2007, Emotion skills and marital health: the association between observed and self-reported emotion skills, intimacy, and marital satisfaction, *Journal of Social and Clinical Psychology*, V. 26(9), p. 983-1009.
- Miri, N., & Najafi, M., 2017, The role of intimacy, loneliness, and Alexithymia in marital satisfaction prediction, *Majallah-i Dānishgāh-i Ulūm-i Pizishkī-i Qum*, V. 11(3), p. 66-74.
- Nangle, D. W., et al, 2003, Popularity, friendship quantity, and friendship quality: Interactive influences on children's loneliness and depression, *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, V. 32(4), p. 546-555.
- Noffke, J. L., & Hall, T. W., 2007, Chapter 4. Attachment psychotherapy and God image, *Journal of Spirituality in Mental Health*, V. 9(3-4), p. 57-78.
- Norenzayan, A., et al, 2012, Mentalizing deficits constrain belief in a personal God, *Plos one*, V. 7(5), p. e36880.

- Olson, D. H. 2006, *Four ENRICH couple scales*, Unpublished manuscript.
- Olson, D. H., & Olson, A. K., 2000, *Empowering couples: Building on your strengths*, Minneapolis, MN: Life Innovations.
- Olson, D. H., et al, 1989, *PREPARE, PREPARE-MC, ENRICH inventories*, Minneapolis, MN: PREPARE/ENRICH.
- Pargament, K. I., et al. 1990, God help me:(I): Religious coping efforts as predictors of the outcomes to significant negative life events, *American journal of community psychology*, V. 18(6), p. 793-824.
- Parker, J. D., Taylor, G. J., Bagby, R. M., & Acklin, M. W. (1993). Alexithymia in panic disorder and simple phobia: a comparative study, *American journal of psychiatry*, V. 150, p. 1105-1107.
- Payer, D. E., et al, 2011, Neural correlates of affect processing and aggression in methamphetamine dependence, *Archives of general psychiatry*, V. 68(3), p. 271-282.
- Perry, A. R., et al, 2007, Childhood psychological maltreatment and quality of marriage: The mediating role of psychological distress, *Journal of Emotional Abuse*, V. 7(2), p. 117-142.
- Phillips III, R. E., et al, 2004, Self-Directing Religious Coping: A Deistic God, Abandoning God, or No God at All?, *Journal for the Scientific Study of Religion*, V. 43(3), p. 409-418.
- Picardi, A., et al, 2011, Genetic influences on alexithymia and their relationship with depressive symptoms, *Journal of psychosomatic research*, V. 71(4), p. 256-263.
- Piedmont, R. L., et al, 1997, Personality correlates of one's image of Jesus: Historiographic analysis using the five-factor model of personality, *Journal of Psychology and Theology*, V. 25(3), p. 364-373.
- Pressman, S. D., et al, 2005, Loneliness, social network size, and immune response to influenza vaccination in college freshmen, *Health Psychology*, V. 24(3), p. 297.
- Qualter, P., et al, 2009, Loneliness, Interpersonal Distrust, and Alexithymia in University Students 1, *Journal of Applied Social Psychology*, V. 39(6), p.1461-1479.
- Roberts, S, 2017, "*A phenomenological analysis of God attachment, romantic attachment, and relationship satisfaction in Christian couples completing an emotionally-focused marital intensive*", Order No. 10638116, Doctoral dissertation, University of Liberty, ProQuest Dissertations & theses Global.
- Robinson, L. C. & Blanton, P. W., 1993, Marital strengths in enduring marriages, *Family Relations*, p. 38-45.
- Rowatt, W., & Kirkpatrick, L. A., 2002, Two dimensions of attachment to God and their relation to affect, religiosity, and personality constructs, *Journal for the scientific study of religion*, V. 41(4), p. 637-651.
- Sandage, S. J., 2015, Attachment to God, adult attachment, and spiritual pathology: Mediator and moderator effects, *Mental Health, Religion & Culture*, V. 18(10), p. 795-808.
- Sander, D., & Scherer, K. R., 2009, *The Oxford companion to emotion and the affective sciences*, New York, NY, US: Oxford University Press.
- Schieman, S., et al, 2017, Love thy self? How belief in a supportive God shapes self-esteem, *Review of Religious Research*, V. 59(3), p. 293-318.
- Sherman, A. C., et al, 2015, A meta-analytic review of religious or spiritual involvement and social health among cancer patients, *Cancer*, V. 121(21), p. 3779-3788.

- Shichida, et al, 2015, How the perception of God as a transcendent moral authority influences marital connection among American Christians. *Journal of Psychology and Christianity*, V. 34(1), p. 40-53.
- Silton, N. R., et al, 2014, Beliefs about God and mental health among American adults. *Journal of Religion and Health*, V. 53(5), p. 1285-1296.
- Sprecher, S., et al, 1995, Domains of expressive interaction in intimate relationships: Associations with satisfaction and commitment, *Family Relations*, V. 44(2), p. 203-210.
- Stevens, J. P, 2012, "Analysis of covariance, In Applied Multivariate Statistics for the Social Sciences", *Fifth Edition*, p. 299-326, Routledge.
- Straub, J, 2009, *God attachment, romantic attachment, and relationship satisfaction in a sample of evangelical college students*, Doctoral Dissertations and Projects.
- Taylor, G. J., et al, 2003, "The 20-Item Toronto Alexithymia Scale: IV. Reliability and factorial validity in different languages and cultures", *Journal of psychosomatic research*, V. 55(3), p. 277-283.
- Taylor, G. J., et al, 2014, "Alexithymia and adult attachment representations: associations with the five-factor model of personality and perceived relationship adjustment", *Comprehensive psychiatry*, N. 55(5), p. 1258-1268.
- Untas, A., et al, 2015, "Is alexithymia associated with dyadic coping in couples?", *The American Journal of Family Therapy*, V. 43(2), p. 119-131.
- Vail, K. E., et al, 2010, "A terror management analysis of the psychological functions of religion", *Personality and Social Psychology Review*, V. 14(1), p. 84-94.
- Van Cappellen, P., 2016, "Religion and well-being: The mediating role of positive emotions", *Journal of Happiness Studies*, V. 17(2), p. 485-505.
- Vangelisti, A. L., et al, 2002, *Stability and change in relationships*, Cambridge University Press.
- Wachs, K., & Cordova, J. V, 2007, "Mindful relating: Exploring mindfulness and emotion repertoires in intimate relationships", *Journal of Marital and Family therapy*, V. 33(4), p. 464-481.
- Watts, F, 2016, *Self-conscious emotions, religion and theology, In Issues in Science and Theology: Do Emotions Shape the World?*, Springer, Cham, p. 201-210.
- Weaver, A. C, 2011, *Investigating the role of God attachment*, adult attachment and emotion regulation in binge eating.
- Zhu, X., et al, 2007, "Cross-cultural validation of a Chinese translation of the 20-item Toronto Alexithymia Scale", *Comprehensive Psychiatry*, V. 48(5), p. 489-496.
- Zimmermann, G., et al, 2007, "The 20-item Toronto Alexithymia Scale: Structural validity, internal consistency and prevalence of alexithymia in a Swiss adolescent sample", *L'encéphale*, V. 33(6), p. 941-946.

نقش خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی در پیش‌بینی شادکامی

حسین رضائیان بیلندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) h.rezaeiyan60@gmail.com

معصومه اسماعیلی مؤخر / سطح ۳ تعلیم و تربیت اسلامی، حوزه علمیه جامعه الزهراء (عج) m.golenarges10@gmail.com

علی بیات / دانشجوی دکتری روان‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه abayat@rihu.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴ - پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۱۷

چکیده

این پژوهش، با هدف تعیین رابطه خوش‌بینی، عزت نفس و رضایت از زندگی با شادکامی انجام شد. طرح پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی بود. بدین منظور، ۳۵۶ نفر از طلاب و دانشجویان شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسش‌نامه‌های خوش‌بینی نوری، عزت نفس روزنبرگ (RSES)، رضایت از زندگی داینر (SWLS) و شادکامی آکسفورد (OHI) پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد بین همه متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه‌های آن، با شادکامی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که خرده‌مؤلفه‌های توجه به جنبه‌های مثبت زندگی و انتظار مثبت از خوش‌بینی اسلامی و متغیرهای رضایت از زندگی و عزت نفس، در مجموع ۵۵ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می‌کنند. این یافته‌ها به خوبی نقش مهم خوش‌بینی، عزت نفس و رضایت از زندگی در پیش‌بینی شادکامی را نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: خوش‌بینی اسلامی، مثبت‌اندیشی، عزت نفس، رضایت از زندگی، شادکامی.

شادکامی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای بشر، برای سالم ماندن ضروری و حیاتی است (کوهن (Cohen)، ۲۰۰۲)، آنچنان‌که همه تلاش انسان در زندگی برای رسیدن به شادی و سعادت است (باس (Buss) ۲۰۰۰؛ کجباف و همکاران، ۱۳۹۰). قدمت جست‌وجو برای شادکامی، به عهد باستان و اندیشمندانی همچون *افلاطون*، *ارسطو* و *فارابی* بازمی‌گردد (میپه‌السیا و لیو (Mihalcea & Liu)، ۲۰۰۶؛ آذربایجانی و علی‌محمدی، ۱۳۸۹)، اما با ظهور مدرنیته و افزایش منابع استرس‌زا، جست‌وجو برای شادکامی در همه‌جوامع و فرهنگ‌ها، سرعت زیادی به خود گرفته است. شاهد این مدعا، ظهور روان‌شناسی مثبت‌گراست که هدف آن تبلور یک تغییر در روان‌شناسی و بهینه کردن کیفیت زندگی است. در این راستا، بررسی پیشایندهای شادکامی به کانون توجه این حوزه تبدیل شده است (اسنایدر و لوپز (Snyder & Lopez)، ۲۰۰۲). برای شادکامی، که تاریخچه علمی آن به دهه ۱۹۶۰م بازمی‌گردد، تعاریف متعددی ارائه شده است. محققانی همچون *لوبومیرسکی*، *شلدون* و *اسکاد* (۲۰۰۵، ص ۱۱۵) و *آرگیل* (Argyle) (۱۳۸۳، ص ۳۰، ۴۵ و ۶۹)، شادکامی را حالت روانی مثبتی می‌دانند که دارای دو بعد هیجانی و شناختی است. بعد هیجانی، همان نشاط و سرور است که از لذت حاصل می‌شود. بعد شناختی، خود دو بخش دارد: یکی، رضامندی که احساس خوشایندی، اما پایدار و عمیق‌تر است و دیگری، فقدان فشارهای روانی و عواطف منفی. *سلیگمن*، *رشید* و *پارک* (۲۰۰۶، ص ۷۷۷-۷۷۶)، نیز شادکامی را موضوع اصلی رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا دانسته، آن را به سه مؤلفه هیجان مثبت (زندگی لذت‌بخش)، مجذوب شدن (زندگی جذاب) و معنی (زندگی با معنی) تقسیم کرده‌اند. در مطالعات با رویکرد دینی نیز *پسندیده* (۱۳۹۱، ص ۴۶) شادکامی را احساس خرسندی و خوشبختی پایدار از مجموع زندگی، نه یک لحظه خاص تعریف کرده است. بنابراین، با توجه به دو مؤلفه شادکامی می‌توان گفت: انسان شادکام، کسی است که از فعالیت‌های خود لذت می‌برد، در اکثر اوقات خرسند به نظر می‌رسد و از فرایند زندگی خود راضی است.

سلیگمن و همکاران (۲۰۰۵، ص ۴۱۱)، معتقدند: براساس پژوهش‌های اخیر، شادکامی عامل پدیدآورنده منافی به مراتب بیشتر از صرف احساس خوب داشتن است. افراد شادکام سالم‌تر و موفق‌تر هستند و تعهد اجتماعی بالاتری دارند. *لیوبومیرسکی* (Lyubomirsky) و همکاران (۲۰۰۵)، معتقدند: افراد شاد، در حوزه‌های چندگانه زندگی نظیر ازدواج، درآمد، عملکرد شغلی و سلامتی، موفق‌تر از دیگران هستند. به اعتقاد *هیلز* و *آرگیل* (Hills & Argyle) (۲۰۰۹)، شادکامی مولد انرژی، شور و نشاط، حرکت و پویایی است و همچون سپری می‌تواند آدمی را در برابر استرس و مشکلات محافظت کرده و سلامت جسمی و روانی را نیز تضمین کند. افراد شادکام، نگرشی خوش‌بینانه نسبت به وقایع و رویدادهای پیرامون خود دارند و به جای جبهه‌گیری منفی نسبت به اتفاقات پیرامون خود، سعی در استفاده بهینه از این رویدادها دارند. در متون دینی نیز شادکامی موجب انبساط روح (تمیمی آمدی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۹) معرفی شده و اینکه آدمی در سایه چنین شادی به سعادت و خوشبختی می‌رسد (همان، ص ۱۵۷). براساس دیدگاه روان‌شناسان، دو نوع شادکامی وجود دارد: نوعی از آن، متأثر از شرایط محسوس زندگی همچون وضعیت

زناشویی، تحصیل، شغل، و به طور کلی، امکانات مالی و رفاهی است، که به آن وجه عینی شادکامی گویند. نوع دیگر، متأثر از حالات درونی و ادراکات شخصی است که از آن، به شادکامی ذهنی یا احساس شادکامی تعبیر می شود (خسروی و همکاران، ۱۳۸۹). بر این اساس، یک نوع شادکامی مبتنی بر نگرش و ادراکات شخصی است و بر حالتی دلالت می کند که از تجربه هیجان های مثبت و خشنودی از زندگی نشئت می گیرد.

این سؤال که «شادکامی در زندگی روزمره چگونه اتفاق می افتد؟» سؤالی است که هر چند پاسخ گویی به آن دشوار است، اما برای پرداختن به آن، باید در ابتدا عوامل مؤثر و تأثیرگذار بر شادکامی را مورد شناسایی قرار داد (شیخ الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۰). از حوزه های پژوهش در زمینه شادکامی، که در سال های اخیر رو به افزایش بوده است، بررسی همبستگی ها و متغیرهای پیش بین شادکامی است (آذربایجانی و علی محمدی، ۱۳۸۹).

یکی از متغیرهای پیش بین و همبسته های شادکامی، خوش بینی است. خوش بینی یا مثبت اندیشی، از مفاهیم روان شناسی مثبت نگر است که امروزه به سرعت در حال گسترش است. سلینگمن (۱۹۹۶) معتقد است: خوش بینی در چگونگی تفکر و تبیین افراد درباره علل رویدادها و حوادث ریشه دارد. هر فردی برای نسبت دادن پدیده های به علتی معین، گرایش های خاص خود را دارد که از آن به «سبک تبیین» یاد می شود. بر این اساس، سلینگمن خوش بینی را یک حالت شناختی می داند که به نحوه تفکر افراد درباره علت ها بازمی گردد. افراد خوش بین رویدادهای مثبت را به عوامل پایدار (همیشگی)، فراگیر (تمام حیطه های زندگی) و درونی (ناشی از خود فرد)، اما رویدادهای منفی را به عوامل موقت، جزئی و بیرونی نسبت می دهند (سلینگمن و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۷۲-۷۳). افراد خوش بین سالم تر و شادترند و با بهره گیری از راهبردهای مسئله گشایی، با تنیدگی های روانی بهتر کنار می آیند. (آرگیل، ۲۰۰۸؛ غلامی حیدرآبادی و همکاران، ۱۳۹۳). به اعتقاد کارور و شیر (راد و همکاران، ۱۳۹۲) نیز خوش بینی گرایشی است که براساس آن افراد انتظار دارند بهترین نتایج برای آنان در آینده رقم بخورد. این دیدگاه، سلامت روانی و سازگاری افراد خوش بین را ناشی از سبک های مقابله آنان می داند.

در منابع اسلامی، شواهد گوناگون نشان می دهد که خوش بینی از سه مؤلفه: الف. توجه به جنبه های مثبت زندگی؛ ب. تفسیر مثبت رویدادها؛ ج. انتظار مثبت نسبت به آینده تشکیل شده است. مؤلفه اول، می تواند شامل ده زیرمؤلفه از جمله توجه به ویژگی های خداوند، توجه به زیبایی های جهان، توجه به امکانات و فرصت ها، توجه به استعدادها و توانایی های خود، توجه به موفقیت های گذشته خویش، توجه به صفات مثبت دیگران، توجه به رفتار و گفتار مثبت دیگران، توجه به اندیشه های مثبت و توجه به پیامد اعمال باشد. مؤلفه دوم نیز دارای شش زیرمؤلفه ذیل است: حکمت دانستن سختی ها، موقت و قابل حل دانستن مشکلات، نقش خدا، خود و دیگران در وقوع رویدادها، سپاسگزاری از خدا و دیگران، عدم شکایت از مشکلات. مؤلفه سوم نیز شامل پنج زیرمؤلفه از جمله انتظار کمک از خداوند، انتظار رویدادهای خوشایند، انتظار کار درست از سوی دیگران، اعتماد به دیگران و کمک به دیگران است (نوری و سقایی، ۱۳۸۸).

پژوهش ها نشان می دهد که خوش بینی موجب افزایش سلامت روانی، امیدواری و شادکامی می شود (لی و

همکاران، ۲۰۱۰؛ آلبرتو و جویانو، ۲۰۱۰). در این باره، لایوس (Layous) و همکاران (۲۰۱۴) گزارش کردند که مداخله‌های مثبت‌نگری از طریق افزایش هیجان‌های مثبت، افکار مثبت و رفتارهای مثبت موجب کاهش افسردگی، افزایش شادکامی و احساس بهزیستی روان‌شناختی می‌شود. علاوه بر این، یافته‌های پژوهش سرجنت و مارجیت (Sergeant & Mongrain) (۲۰۱۴)، نشان داد که آموزش خوش‌بینی موجب افزایش شادکامی و کاهش نگرش‌های ناکارآمد می‌شود. مطالعه داهیم (۱۳۹۶، ص ۶۵۴)، همبستگی میان خوش‌بینی و شادکامی را مثبت و معنادار به دست آورد. در مطالعات بومی نیز مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۹۷، ص ۲۷) و برخوردی و همکاران (۱۳۸۸) یافتند که آموزش خوش‌بینی بر افزایش شادکامی آنان مؤثر بوده است. همچنین، تحقیقات ارجمندینیا و همکاران (۱۳۹۶)، نشاط دوست و همکاران (۱۳۸۶)، غلامی حیدرآبادی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که خوش‌بینی ارتباط مثبت معناداری با شادکامی داشته و از متغیرهای پیش‌بین شادکامی است.

یکی دیگر از عوامل روانی - اجتماعی، که در میزان شادکامی افراد نقش بسزایی دارد، عزت نفس است. اهمیت عزت نفس در پیش‌بینی شادمانی، به حدی است که برخی صاحب‌نظران و پژوهشگران روان‌شناسی، آن را جزء جدایی‌ناپذیر از شادکامی می‌دانند (آرگیل، ۲۰۰۱). در مقابل، مطالعه بتال (۲۰۰۵)، نشان می‌دهد افرادی که دارای عزت نفس پایین هستند، از حضور در جمع خودداری کرده و این امر موجب گوشه‌گیری و در نتیجه، افسردگی آنها می‌شود (سروریان و تقی‌زاده، ۱۳۹۴).

عزت نفس، به‌عنوان ظرفیت و توانایی تعبیر و تفسیر رویدادها، به‌گونه‌ای که احساس خودارزشی را در فرد افزایش داده و حفظ کند، تعریف شده است (کرنیس (Kernis)، ۲۰۰۶). منشأ پیدایش عزت نفس، نگرش فرد نسبت به خود می‌باشد که این نگرش نیز در سایه ارتباط فرد با دیگران، به‌ویژه افراد مهم زندگی به وجود می‌آید. عزت نفس شامل رشد احساسات خودارزشی، توسط احساس جذابیت و صلاحیت است (اورسان و جاست (Ourerson, & Jost)، ۲۰۰۷) و دارای دو بخش احساس خودکارآمدی و خودارزشمندی است. خودکارآمدی، شامل احساس شایستگی و مؤثر بودن فرد، در مواجهه با محیط فیزیکی و اجتماعی است و خودارزشمندی، به معنای احساس و ارزیابی است که فرد از خود دارد.

در مطالعات بسیاری، به بررسی رابطه عزت نفس و شاخص‌های بهزیستی همچون سلامت روان و شادکامی پرداخته شده است. در این زمینه، شاپ و کاپلند (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۰) دریافتند که عزت نفس با راهبردهای مقابله‌ای مثبت و سازنده، انگیزش بالا و عاطفه مثبت، که یکی از مؤلفه‌های شادکامی است، رابطه دارد. نتایج پژوهش لیمبروسکی (Lyubomirsky) (۲۰۰۶)، بیانگر آن بود که تجارب شادی افراد، بسته به احساسات آنها در مورد خودشان است؛ افرادی که احساس خودارزشمندی پایین دارند، به‌طور معمول شادکام نیستند. همچنین، بایمسر (Baumeister) و همکاران (۲۰۰۳)، بیان کردند که شادی از پیامدهای عزت نفس بالاست. بدین ترتیب که، افراد با عزت نفس بالا، از راهبردهای خودتنظیمی سازگارتری نسبت به افراد با عزت نفس پایین استفاده می‌کنند. این افراد، برای جلوگیری از ایجاد خلل در توانایی خود، پاسخ‌های مؤثرتری به شکست می‌دهند که این

امر به نوبه خود، منجر به گزارش سطوح بالاتری از شادکامی در آنان می‌شود. ویلسون (Wilson) (۲۰۰۶)، وارت (Wart) (۲۰۰۱)، به نقل از: میرشاه جعفری و همکاران، (۱۳۸۱) و داینر و داینر (۱۹۹۵)، نقل از نریمانی و همکاران، (۱۳۹۳، ص ۲۳)، به این نتیجه رسیدند که عزت نفس، پیش‌بینی‌کننده خوبی از شادکامی است. در تحقیقات داخلی نیز نتایج مطالعات *توان* و همکاران (۱۳۹۳) و مروج (۱۳۹۵) نشان داد که ارتباط معناداری میان عزت نفس و شادکامی وجود دارد. ملکی و عبیدی (۲۰۱۲) عزت نفس را مهم‌ترین عامل پیش‌بین شادکامی می‌دانند. آنها در پژوهشی که بر روی ۱۱۰ دانش‌آموز دبیرستانی پسر انجام دادند، ارتباط معناداری بین عزت نفس و شادکامی یافتند. رضایت از زندگی نیز از دیگر عواملی است که بر شادکامی تأثیر می‌گذارد. رضایت از زندگی، عبارت است از: ارزیابی مثبت شناختی - عاطفی از زندگی خود، این ارزیابی‌ها از واکنش‌های احساسی نسبت به وقایع، قضاوت‌های شناختی از رضایت و برآورده شدن خواسته‌ها تشکیل شده‌اند. رضایت از زندگی، بیانگر این است که فرد زندگی خود را در کل چگونه ارزیابی می‌کند و بر ارزیابی دامنه‌داری، که فرد از زندگی خود به عمل می‌آورد، متمرکز است (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰). در حقیقت، رضایت از زندگی، به ارزیابی ذهنی شخص از اینکه تا چه اندازه نیازها، اهداف و آرزوهایش تحقق پیوسته است، بازمی‌گردد (مایرز و داینر، ۱۹۹۵). به اعتقاد مایرز و داینر (۱۹۹۵)، افرادی که از زندگی خود راضی هستند، سلامت جسمی و روانی بیشتری را تجربه می‌کنند و عدم رضایت از زندگی، با وضعیت سلامتی ضعیف‌تر، علایم افسردگی، مشکلات شخصیتی، رفتارهای نامناسب بهداشتی و وضعیت ضعیف اجتماعی همبسته است (آدلر و فاگلی، ۲۰۰۵: نقل از کیخسروی، ۱۳۹۴). *براک* (Brog) و همکاران (۲۰۰۸)، نقل از خسروی و همکاران، (۱۳۹۶)، رضایت از زندگی را شاخص تعیین‌کننده میزان سلامتی افراد می‌دانند. وینسون و اریکسون (Vinson & Ericson) (۲۰۱۲)، رابطه مثبت بین رضایت از زندگی و شادکامی و *گانگرو* و *سولانو* (Gongora & Solano) (۲۰۱۴)، به نقل از رفیعی هنر، (۱۳۹۴)، رابطه مثبت میان رضایت از زندگی و بهزیستی را به اثبات رسانده‌اند. نتایج تحقیق کوهن و همکاران (۲۰۰۹) نیز نشان داد که بین هیجانان مثبت و افزایش رضایت از زندگی، رابطه معنادار وجود دارد؛ هیجانان مثبت منابع پایدار شادی را ایجاد می‌کنند و افزایش رضایت از زندگی در مردم شاد، نه به‌خاطر داشتن احساس بهتر، بلکه به‌خاطر گسترش ابتکارات برای زندگی بهتر است. خلاصه اینکه نتایج پژوهش‌های (بورن) (Bourne) و همکاران، (۲۰۱۰)، به نقل از کجباف و همکاران، (۱۳۹۰)؛ کوهن و همکاران، (۲۰۰۹)؛ سینگ و شلیمی (Singh & Shalimi)، (۲۰۰۸)؛ مایرز و داینر، (۱۹۹۵)؛ کیخسروی بیگ‌زاده و همکاران، (۱۳۹۴)؛ حجازی و همکاران، (۱۳۹۲)؛ نوری و سقایی بی‌ریا، (۱۳۸۸)، نقش مهم رضایت از زندگی در شادکامی و رابطه مثبت بین آنها را نشان می‌دهد.

مرور پیشینه مذکور، علاوه بر اینکه رابطه متغیرهای خوش‌بینی، عزت نفس و رضایت از زندگی، با شادکامی را به صورت کلی تأیید می‌کند، کمبود و نقص ادبیات علمی موجود را نیز در دو جهت روشن می‌سازد: نخست اینکه پژوهش‌های انجام‌شده، تلقی یکسانی از مفهوم خوش‌بینی ارائه نداده‌اند و در تعریف و سنجش آن، نوعی تقلیل‌گرایی و تأثیرپذیری از الگوهای غیربومی وجود دارد. دوم اینکه بیشتر تحقیقات، به رابطه صرف شادکامی با

مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای، محدود شده و مطالعه بومی، که نقش خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی را در پیش‌بینی شادکامی مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد. بنابراین، هدف از این پژوهش رفع کمبود و نقص ادبیات علمی موجود و پاسخ به این سؤال است که خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی، چه میزان از شادکامی طلاب و دانشجویان شهر قم را پیش‌بینی می‌کنند؟

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، خوش‌بینی اسلامی (توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، تفسیر مشکلات و رویدادها، انتظار مثبت)، عزت نفس و رضایت از زندگی، به‌عنوان متغیر پیش‌بین و شادکامی، به‌عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش، طلاب و دانشجویان شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بودند که با توجه به آمارهای غیررسمی اعلام‌شده از سوی این مراکز، بیش از ۵۰۰۰۰ نفر بودند. حداقل حجم نمونه موردنیاز، با توجه به ماهیت این پژوهش همبستگی ۱۰۰ نفر می‌باشد. اما با در نظر گرفتن حجم جامعه و براساس جدول مورگان، حجم نمونه موردنیاز برای تعمیم نتایج، ۳۸۱ نفر می‌باشد است. در این پژوهش، با نگاه حداکثری، تعداد ۴۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید که در نهایت، به علت عدم بازگشت یا حذف پرسش‌نامه‌های مخدوش و ناقص، تعداد ۳۵۶ نفر (۲۰۹ طلبه، ۱۴۷ دانشجو)، به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و از آنها خواسته شد تا به پرسش‌نامه پژوهش پاسخ دهند. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

الف. پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد (OHI): این پرسش‌نامه در سال ۱۹۹۰، توسط آرگیل و لو ساخته شده و دارای ۲۹ ماده چهار گزینه‌ای است که گزینه‌های آن به ترتیب، از صفر تا ۳ نمره‌گذاری می‌شود. جمع نمره مواد ۲۹ گانه، نمره کل مقیاس را تشکیل می‌دهد. نمره هر آزمودنی، بین ۰ تا ۸۷ قرار می‌گیرد. آرگیل و همکاران (۲۰۰۱)، پایایی این پرسش‌نامه را در ۳۴۷ آزمودنی، ۰/۹۰ و پایایی بازمیابی آن را طی هفت هفته ۰/۷۸ گزارش کرده‌اند. در ایران، این پرسش‌نامه توسط علی‌پور و نوربالا (۱۳۸۷) ترجمه شده و درستی برگردان آن، توسط هشت متخصص تأیید شده است. علی‌پور و نوربالا در مطالعه خود نشان دادند که همه موارد ۲۹ گانه آزمون با نمره کل، همبستگی بالایی دارند و آلفای کرونباخ ۰/۹۳٪ و پایایی دو نیمه کردن آزمون، ۰/۹۲٪ گزارش شد.

ب. پرسش‌نامه خوش‌بینی اسلامی: پرسش‌نامه خوش‌بینی اسلامی، در سال ۱۳۸۸ توسط نوری و سقایی بی‌ریا ساخته شده است. این پرسش‌نامه، سه مؤلفه (توجه به جنبه‌های مثبت، تفسیر مشکلات و رویدادها، انتظار مثبت)، ۲۱ زیرمؤلفه و شصت گزاره دارد. برای سنجش اعتبار پرسش‌نامه، از تعیین ضریب آلفا، دینیمه‌سازی و همبستگی استفاده شده است. ضریب آلفای کرونباخ، در سه مرحله اجرا به ترتیب، ۰/۹۲، ۰/۸۰ و ۰/۸۶ به دست آمده است. برای سنجش روایی پرسش‌نامه، از دو روش تحلیل روایی محتوایی، و روایی مبتنی بر ملاک استفاده شده است. در روش روایی محتوایی از نظر پانزده نفر کارشناس، در این زمینه استفاده شده است. میانگین نظرات کارشناسان، فاصله نزدیکی به هم دارند و این مسئله حکایت از روایی محتوایی این پرسش‌نامه دارد. در روش روایی

مبتنی بر ملاک، همبستگی این پرسش‌نامه، با پرسش‌نامه خوش‌بینی سرشتی مدنظر قرار گرفته است. همبستگی این دو پرسش‌نامه مثبت و معنادار است ($r = 0.436$) (=). این پرسش‌نامه، به شیوه لیکرت طراحی شده و برای هر گزاره آن، پنج گزینه لحاظ شده است.

ج. پرسش‌نامه عزت نفس روزنبرگ: پرسش‌نامه عزت نفس روزنبرگ (۱۹۷۹)، ابزاری ساده و کوتاه است که برای اندازه‌گیری احساس پذیرش، یا ارزش خود کلی تدوین شده است. این پرسش‌نامه، ۱۰ گویه دارد که هر گزاره آن، شامل یک مقیاس چهار گزینه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» می‌باشد که شرکت‌کننده براساس مقیاس لیکرت (از ۱ تا ۴) به آن پاسخ می‌دهد. والی (۱۸۹۸)، در مرور خود بر هفت پژوهش انجام‌شده با این پرسش‌نامه، دریافت که مقدار آلفای کرونباخ از 0.72 تا 0.87 به دست آمده است. همچنین، در پژوهش حسین‌زاده؛ سپاه‌منصور (۱۳۹۰)، ضریب پایایی با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ 0.81 گزارش شده است. روایی واگرا و همگرایی آن نیز در بسیاری از تحقیقات مناسب و قابل قبول گزارش شده است (جین، ۲۰۰۱).

د. پرسش‌نامه رضایت از زندگی: این پرسش‌نامه توسط داینر و همکاران (۱۹۸۵)، برای اندازه‌گیری سطح کلی رضایت از زندگی ساخته شد. این پرسش‌نامه، دارای پنج گویه است که در یک طیف لیکرت ۷ گزینه‌ای، از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۷ (کاملاً موافقم) نمره‌گذاری می‌شود. نمره هر آزمودنی، می‌تواند بین ۷ تا ۳۵ باشد که نمره بالاتر، نشانه رضایت از زندگی بیشتر است. داینر و همکاران، روایی (به شیوه همگرا و افتراقی) و پایایی مطلوبی برای این مقیاس گزارش کرده‌اند. همچنین، این پرسش‌نامه را تعدادی از محققان برای استفاده در ایران منطبق کرده‌اند. از جمله، نتیجه مطالعه مظفری (۱۳۸۲) نشان داده که مقیاس رضایت از زندگی در ایران، روایی و اعتبار مناسبی دارد. براساس مطالعه مذکور ضریب آلفای کرونباخ مقیاس 0.85 و ضریب بازآزمایی آن، در فاصله شش هفته برابر با 0.84 بوده است.

برای اجرای پژوهش، با مراجعه به هریک از مراکز علمی حوزه علمیه و دانشگاه‌های قم، به صورت داوطلبانه تعداد موردنظر انتخاب و افراد انتخابی، با رعایت اصول علمی و ارائه توضیحات لازم، به تکمیل دفترچه حاوی چهار پرسش‌نامه اقدام کردند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، محاسبات آماری لازم برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نسخه بیست و سوم نرم‌افزار بسته آماری علوم اجتماعی (SPSS ۲۳) انجام شد. در سطح توصیفی، از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی، از ضریب همبستگی و آزمون رگرسیون چندگانه گام‌به‌گام استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

نمونه مورد مطالعه، شامل ۳۵۶ نفر (۹۱ مرد و ۲۶۵ زن) آزمودنی بود که میانگین سنی آنان $25/53$ با انحراف معیار $7/013$ به دست آمد. ۱۶۳ نفر ($45/8$ درصد) مجرد و ۱۹۳ نفر ($54/2$ درصد) متأهل بودند. از نظر تحصیلات، ۳۲ نفر (۹ درصد) از شرکت‌کنندگان در سطح یک حوزه، ۱۵۸ نفر (۴۴ درصد) سطح دو حوزه، ۱۹ نفر (۵ درصد) سطح سه حوزه، ۳۸ نفر (۱۱ درصد) در مقطع فوق‌دیپلم، ۱۰۰ نفر (۲۸ درصد) در مقطع لیسانس و ۹ نفر (۲ درصد) در

مقطع فوق لیسانس اشتغال به تحصیل داشتند. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی بین متغیرهای پژوهش، در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱. شادکامی	۱					
۲. توجه به جنبه‌های مثبت زندگی	۰/۶۴**	۱				
۳. تفسیر مشکلات و رویدادها	۰/۴۹**	۰/۶۹**	۱			
۴. انتظار مثبت	۰/۴۹**	۰/۶۳**	۰/۵۱**	۱		
۵. عزت نفس	۰/۵۷**	۰/۵۳**	۰/۴۹**	۰/۳۳**	۱	
۶. رضایت از زندگی	۰/۶۰**	۰/۵۰**	۰/۳۸**	۰/۳۸**	۰/۵۲**	۱
M	40/70	108/43	59/69	49/02	28/98	15/76
SD	11/89	13/56	6/06	5/42	4/69	4/22

** $p < 0/01$

جدول (۱) نشان می‌دهد که بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در مؤلفه‌های خوش‌بینی اسلامی، مربوط به مؤلفه «توجه به جنبه‌های مثبت زندگی» است. طبق ماتریس همبستگی بین همه متغیرهای پیش‌بین و مؤلفه‌های آن، با شادکامی، ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. برای تعیین سهم هریک از خرده‌مقیاس‌های خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی در پیش‌بینی شادکامی، از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جداول زیر ارائه شده است:

جدول ۲: نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به شادکامی از طریق خوش‌بینی اسلامی، رضایت از زندگی و عزت نفس

شاخص	مجموع مجنورات	Df	میانگین مجنورات	F	سطح معناداری	ضریب تبیین
۱. توجه به جنبه‌های مثبت	رگرسیون ۲۰۸۳۳/۰۳۱	۱	۲۰۸۳۳/۰۳۱	۲۵۰/۵۴۸	۰/۰۰۰۱	۰/۴۱۳
	باقیمانده ۲۹۴۳۵/۰۰۰	۳۵۴	۸۳/۱۵۰			
۲. رضایت از زندگی	رگرسیون ۲۶۲۳۶/۲۳۴	۲	۱۳۱۶۸/۱۱۷	۱۹۴/۲۳۳	۰/۰۰۰۱	۰/۵۲۱
	باقیمانده ۲۳۹۳۱/۹۷۷	۳۵۳	۶۷/۷۹۵			
۳. عزت نفس	رگرسیون ۲۷۷۶۵/۳۴۴	۳	۹۲۵۵/۱۱۵	۱۴۴/۷۷۴	۰/۰۰۰۱	۰/۵۴۹
	باقیمانده ۲۲۵۰۲/۶۸۷	۳۵۲	۶۳/۹۲۸			
۴. انتظار مثبت	رگرسیون ۲۸۱۹۲/۷۷۱	۴	۷۰۴۸/۱۹۳	۱۱۲/۰۶۷	۰/۰۰۰۱	۰/۵۵۶
	باقیمانده ۲۲۰۷۵/۲۶۰	۳۵۱	۶۲/۸۹۲			

نتایج جدول (۲) نشان داد که مؤلفه توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، قوی‌ترین رابطه را با شادکامی دارد ($F=250/548, df=1, P=0/0001, R=0/644$). این متغیر، ۴۱ درصد از میزان شادکامی را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد، با اضافه شدن رضایت از زندگی، ضریب تبیین به ۵۲ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن عزت نفس نیز ضریب تبیین ۵۴٪ به دست آمد. در نهایت و با اضافه شدن انتظار مثبت ضریب تبیین ۵۵٪ به دست آمد. این بدان معناست که توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، رضایت از زندگی، عزت نفس و انتظار مثبت، در مجموع ۵۵ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می‌کنند.

جدول ۳: شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به شادکامی

متغیر	شاخص	ضریب غیراستاندارد بتا	خطای معیار	ضریب استاندارد بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت		-۲۰/۵۲۴	۳/۱۹۸		-۵/۲۶۵	/۰۰۰
توجه به جنبه‌های مثبت زندگی		۰/۵۶۵	۰/۰۳۶	۰/۶۴۴	۶/۳۹۷	/۰۰۰
مقدار ثابت		-۱۸/۹۷۵	۳/۵۲۴		-۵/۳۸۴	/۰۰۰
توجه به جنبه‌های مثبت زندگی		۰/۳۹۳	۰/۰۳۷	۰/۴۴۸	۱۰/۴۹۶	/۰۰۰
رضایت از زندگی		۱/۰۸۳	۰/۱۲۰	۰/۲۸۴	۹/۰۱۰	/۰۰۰
مقدار ثابت		-۲۴/۰۴۴	۳/۵۸۶		-۶/۷۰۴	/۰۰۰
توجه به جنبه‌های مثبت زندگی		۰/۳۲۵	۰/۰۳۹	۰/۳۷۰	۸/۳۰۹	/۰۰۰
رضایت از زندگی		۰/۸۸۲	۰/۱۲۴	۰/۳۱۳	۷/۰۹۴	/۰۰۰
عزت نفس		۰/۵۳۹	۰/۱۱۴	۰/۲۱۳	۴/۷۲۸	/۰۰۰
مقدار ثابت		-۳۹/۸۵۳	۴/۱۹۷		-۷/۱۱۲	/۰۰۰
توجه به جنبه‌های مثبت زندگی		۰/۲۶۱	۰/۰۴۶	۰/۲۹۷	۵/۶۸۸	/۰۰۰
رضایت از زندگی		۰/۸۵۰	۰/۱۳۴	۰/۳۰۲	۶/۸۶۴	/۰۰۰
عزت نفس		۰/۵۵۱	۰/۱۱۳	۰/۲۱۷	۴/۸۶۶	/۰۰۰
انتظار مثبت		۰/۲۶۳	۰/۱۰۱	۰/۱۲۰	۲/۶۰۷	/۰۰۱

نتایج ضرایب بتای استانداردشده، نشان می‌دهد توجه به جنبه‌های مثبت زندگی ($B=۰/۲۹۷$, $P<0/0001$)، رضایت از زندگی ($B=۰/۳۰۲$, $P<0/0001$)، عزت نفس ($B=۰/۲۱۷$, $P<0/0001$) و انتظار مثبت ($B=۰/۱۲۰$)، به صورت مثبت شادکامی را پیش‌بینی می‌کنند. براساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در توجه به جنبه‌های مثبت، زندگی میزان شادکامی $۰/۲۹$ واحد، به ازای یک واحد افزایش در رضایت از زندگی، میزان شادکامی $۰/۳۰$ واحد، به ازای یک واحد افزایش در عزت نفس، میزان شادکامی $۰/۲۱$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در انتظار مثبت، میزان شادکامی $۰/۱۲$ واحد افزایش می‌یابد. بنابراین، با توجه به این یافته‌ها از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، رضایت از زندگی با قدرت بیشتری، می‌تواند شادکامی را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و رضایت از زندگی، با شادکامی در بین طلاب و دانشجویان شهر قم اجرا شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رابطه همبستگی بین خوش‌بینی، عزت نفس و رضایت از زندگی، با شادکامی معنادار است. تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نیز نشان داد که توجه به جنبه‌های مثبت زندگی، انتظار مثبت، رضایت از زندگی و عزت نفس، در مجموع ۵۵ درصد از واریانس شادکامی را تبیین می‌کنند.

اولین یافته این پژوهش نشان داد که رابطه مثبت معناداری بین خوش‌بینی و شادکامی وجود دارد و خوش‌بینی، شادکامی افراد را پیش‌بینی می‌کند. این یافته، با تحقیقات لی و همکاران (۲۰۱۰)؛ آلبرتو و جویئر، (۲۰۱۰)؛ غلامی حیدرآبادی و همکاران، (۱۳۹۳)؛ ارجمندنی و همکاران، (۱۳۹۶)؛ داهیم، (۱۳۹۶) همسو است. هیلز و آرگیل (۲۰۰۱) نیز همبستگی میان خوش‌بینی و شادکامی را $۰/۷۰$ به دست آوردند. همچنین، لیومیرسکی و لایوس (۲۰۱۳)، سرچنت

و مارجیت (۲۰۱۴)، لایوس، لی، چوی و لیومیرسکی (۲۰۱۴) و مهرابی‌زاده هنرمند و همکاران (۱۳۹۷)، نشان دادند که آموزش خوش‌بینی و مثبت‌اندیشی موجب افزایش شادکامی می‌گردد.

در تبیین این یافته، می‌توان گفت: با توجه به مؤلفه‌های خوش‌بینی اسلامی، اولاً افراد خوش‌بین نسبت به ویژگی‌های مثبت خداوند، از جمله رحمت توجه داشته و به توانایی‌ها، استعدادها و امکانات خود در زندگی باور دارند. این امر توانایی مقابله آنان با مشکلات و احساس امیدواری را افزایش می‌دهد. از این رو، افسردگی در زندگی آنان کاهش و شادکامی افزایش می‌یابد. از سوی دیگر، به دلیل این امکانات و توانایی‌ها از خداوند سپاسگزاری کرده که این امر موجب احساس رضایت و در نتیجه، شادکامی می‌گردد. ثانیاً، این افراد در روابط خود با دیگران، به ویژگی‌ها و رفتارهای مثبت آنان توجه دارند و از ویژگی‌ها و رفتارهای منفی آنان چشم‌پوشی می‌کنند. این امر نیز موجب می‌شود که زندگی بر آنان تیره و تار نگشته، و زمینه احساس رضایت و شادکامی را بر آنان فراهم می‌کند (رادی و همکاران، ۱۳۹۴). افراد خوش‌بین در رویارویی با سختی‌ها و مشکلات در زندگی، از زیبایی‌های زندگی غافل نشده، سختی‌ها را درسی برای پیشرفت و ترقی خود می‌پندارند، مشکلات را موقتی و حل‌شدنی دانسته و در این هنگام، انتظار مثبتی نسبت به آینده دارند که این امور آنان را امیدوار و شادکام نگه می‌دارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۰).

با نگاه به آموزه‌های اسلامی، روشن می‌شود که دین اسلام خوش‌بینانه‌ترین نگرش و نگاه به خدا، انسان، جهان هستی و زندگی را فراروی بشر قرار داده است. خداوند متعال، در آیات متعدد قرآن کریم، انسان را به تفکر، تدبر و تعقل در مورد نشانه‌های انفسی و آفاقی، دعوت کرده و از او می‌خواهد که به یادآوری و توجه به نعمت‌ها، زیبایی‌ها و شگفتی‌های جهان هستی بپردازد تا از این راه، به مبدأ و خاستگاه این نعمت‌ها و زیبایی‌های وجودی پی برده، به او ایمان آورده، سر تسلیم و بندگی به درگاه پاکش ساییده و شکرگزار نعمت‌های او باشد. فرد مؤمن و موحد، با استناد به دو منبع گران‌سنگ وحیانی (قرآن کریم) و نقلی (روایات)، به پدیده‌ها و رویدادهای اضطراب‌زا و نگران‌کننده زندگی، اسناد منطقی می‌دهد؛ به این بیان که پاره‌ای از رویدادها را از سوی خداوند برای آزمایش خویش دانسته، برخی از آنها را محصول رفتارهای ناپه‌نجا خویش در نظر گرفته، در برابر رویدادهای نوع اول، صبر و بردباری پیشه کرده و آنها را نزدیکان ترقی و تکامل مادی و معنوی خویش قرار می‌دهد. همچنین، در برابر رویدادهای نوع دوم، احساس پشیمانی و ندامت کرده، درصدد تلافی و جبران برمی‌آید. انسان مؤمن، مشکلات و سختی‌ها را موقتی و قابل حل در نظر گرفته و در همه حال، به قدرت بی‌نهایت خداوند متعال متکی شده و به او توکل می‌کند. همچنین با یادآوری، نیایش و توکل به خداوند، بر نگرانی‌ها فایق می‌آید و از این طریق، به شادکامی که مورد نظر اسلام است، دست می‌یابد؛ چراکه شادکامی یکی از حیاتی‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های زندگی بشر است، به گونه‌ای که امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «هر کس سرورش اندک باشد، آسودگی او در مرگ است»، علت این فرمایش حضرت، این است که در صورت فقدان شادمانی، آدمی دچار بی‌رغبتی و رکودی می‌گردد که عملاً میل به ادامه زندگی در او کاهش می‌یابد و تمایل به مرگ در او تقویت می‌شود (حسین‌پور نجار و همکاران، ۱۳۹۲).

خوش‌بینی، سلامت جسمی و روانی را آن‌گونه که با انواع شاخص‌ها، از جمله خودگزارشی، پاسخ مثبت به مداخله‌های پزشکی، سلامت ذهنی، خلق مثبت، نیرومندی ایمن‌شناختی، کنار آمدن مؤثر و رفتار ارتقا‌دهنده سلامت مشخص شده‌اند، پیش‌بینی می‌کند (سلیگمن و همکاران، ۲۰۰۵). براین اساس، افراد مثبت‌نگر سالم‌تر و شادترند و دستگاه‌های ایمنی آنان بهتر کار می‌کند. آنان با بهره‌گیری از راهبردهای کنار آمدن مؤثرتر، مانند ارزیابی مجدد و مسئله‌گشایی، با فشارهای روانی بهتر کنار می‌آیند. همچنین، به نحو فعال از رویدادهای فشارزای زندگی پرهیز می‌کنند و شبکه‌های حمایت اجتماعی بهتری را پیرامون خود می‌سازند (پورفرج عمران و رضازاده، ۱۳۹۷). افرادی که تفکر مثبت دارند، به جای اینکه افسوس گذشته را بخورند، با رضایت به آن می‌نگرند و به جای شک و تردید، با امیدواری به آینده نگاه می‌کنند. این امر نشاط را به فرد هدیه می‌کند. خوش‌بینی از طریق کاهش استرس، رسیدن اطلاعات جدید به مغز، افزایش خلاقیت، غلبه بر عقده خود کم‌بینی، کاهش بی‌قراری و شتاب، مغتنم دانستن فرصت‌ها و لحظه‌ها و با نگاه کردن از منظر یک انسان قدرتمند به موضوع، زمینه‌ساز موفقیت، بهبود و افزایش امید و نشاط در اجتماع می‌گردد (یاراحمدی، ۱۳۸۸ به نقل از: فلاحی و اسدی، ۱۳۹۵).

یافته دیگر پژوهش نشان داد که میان عزت نفس و شادکامی، رابطه معناداری وجود دارد؛ هرچه نمره عزت نفس بالاتر باشد، افراد از شادکامی بیشتری برخوردارند. این یافته، با نتایج پژوهش‌های متعددی از جمله هیل (۲۰۱۵)، یوکی و همکاران (۲۰۱۳)، به نقل از بیات و یعقوبی، (۱۳۹۳)، لیمبروسکی، تاج و دیماتو (۲۰۰۶) بایمستر، کمپل، کروجر و وهس (۲۰۰۳)، آرگیل (۲۰۰۱)، داینر و داینر (۱۹۹۵) به نقل از: نریمانی و همکاران، (۱۳۹۳) و در تحقیقات داخلی، با نتایج مطالعات مروج (۱۳۹۵)، مهدی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴)، رضادوست و همکاران (۱۳۹۴) توان و همکاران (۱۳۹۳)، ملکی و عبدی (۲۰۱۲)، شیخ‌الاسلامی و همکاران (۱۳۹۰) همسو است. براین اساس، سپهری و تجربه‌کار (۱۳۹۳) نشان دادند که مؤلفه‌های عزت نفس به‌طور معناداری، شادکامی را پیش‌بینی می‌کنند. بیات و یعقوبی (۱۳۹۳) نیز نشان دادند که بین عزت نفس با شادکامی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

با توجه به تعاریف موجود از عزت نفس، افرادی که عزت نفس بالایی دارند، روی شایستگی‌های مثبت خود تمرکز می‌کنند و در تعبیر و تفسیر رویدادها و واکنش به آنها، به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که احساس مثبت خودارزشی را در خود حفظ کنند و به‌طور طبیعی، احساس خودارزشی و شایستگی منجر به تجربه عواطف و احساسات مثبت در آنان خواهد شد. بنابراین، افراد با عزت نفس بالا، از راهبردهای خودتنظیمی سازگارانه و پایه‌های مؤثر در موقعیت‌های گوناگون استفاده می‌کنند. این سبک برخورد، شادکامی آنان را دربر دارد (اورسان و جاست، ۲۰۰۰). داینر (۱۹۸۴) با استناد به ۱۱ پژوهش، به وجود همبستگی بین شادمانی و عزت نفس اشاره می‌کند. از جمله تحقیقات بتال (۲۰۰۵) که نشان می‌دهد افراد دارای عزت نفس پایین، از حضور در جمع خودداری کرده و در نتیجه، موجب گوشه‌گیر شدن و افسردگی آنها می‌گردد. افسردگی نیز موجب کاهش میزان شادمانی فرد می‌شود. از این رو، افرادی که دارای عزت نفس بالا هستند، دارای روابط اجتماعی و حضور بیشتر در بین افراد بود که این امر، می‌تواند زمینه شادکامی آنان را فراهم کند. به‌طور کلی، فردی که از ارزشمندی بالایی برخوردار است، به‌راحتی قادر

است با تهدیدها و وقایع فشارزای بیرونی، بدون تجربه برانگیختگی منفی و از هم پاشیدگی سازمانی روانی مواجه شود. همچنین، می‌توان گفت: از آنجا عزت نفس درجه تأیید و ارزشمندی است که شخص نسبت به خود احساس می‌کند، کسی که عزت نفس بالایی دارد، به‌طور معمول احساس شادکامی بیشتری خواهد داشت. شادی نیز از پیامدهای عزت نفس بالاست. بدین ترتیب، افراد با عزت نفس بالا از راهبردهای خودتنظیمی سازگارتری نسبت به افراد با عزت نفس پایین استفاده می‌کنند. این افراد، برای جلوگیری از ایجاد خلل در توانایی‌شان، پاسخ‌های مؤثرتری به شکست می‌دهند که این امر به نوبه خود منجر به گزارش سطوح بالاتری از شادی در آنها می‌شود (ولی پور سلمانوند، ۱۳۹۶، ص ۱۳).

همچنین، یافته‌های این پژوهش نشان داد که بین رضایت از زندگی و شادکامی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد که با پژوهش وینسون و اریکسون (۲۰۱۲)، سینگ و تسلیمی (۲۰۰۸)، مایرز و داینز (۱۹۹۵)، خسروی و همکاران (۱۳۹۶)، کیخسروی بیگزاده و همکاران (۱۳۹۴: ۱۷۷)، تقدی و مقدم‌شاد (۱۳۹۳)، حجازی و همکاران (۱۳۹۲)، نشاط دوست و همکاران (۱۳۸۶) همسو و هماهنگ است. بورن و همکاران (۲۰۱۰)، نشان دادند که بین شادکامی و رضایت از زندگی، رابطه مثبت معناداری وجود دارد (کجباف و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین مطالعه، *ترابی زیارتگاه* (۱۳۹۵)، نشان داد که سبک زندگی اسلامی و شادکامی با رضایت از زندگی دانشجویان همبستگی مثبت و معناداری دارند. معین و همکاران (۱۳۹۳)، در پژوهشی نشان دادند که رضایت از زندگی با شادکامی و بهداشت روانی، رابطه مثبت معناداری دارد. نتایج این پژوهش، با یافته‌های مطالعه *ملکی و طریقتی* (۱۳۹۶)، مغایر بود که به اعتقاد ایشان این عدم رابطه، به عواملی همچون محدود بودن نمونه و عدم کنترل سایر متغیرهای دخیل در موضوع بازمی‌گردد.

در تبیین این یافته می‌توان گفت: رضایت از زندگی به معنای ارزیابی و نگرش فرد درباره کلیت زندگی، یا برخی از جنبه‌های زندگی، همچون زندگی خانوادگی و تجربه آموزشی است (کار، ۱۳۹۱). با وجود این، هنگامی که یک فرد احساس می‌کند از یک زندگی معنادار برخوردار است، احساسی از کارآمدی و به نتیجه نشستن تلاش‌هایش در زندگی خواهد داشت. در این صورت، همان‌گونه که کوهن و همکاران (۲۰۰۵) بیان کرده‌اند، این هیجانات مثبت، یکی از منابع پایدار شادکامی خواهد بود. داشتن رضایت از زندگی، با فراگیرشدن احساسات مثبت و فقدان احساسات منفی همراه است و افرادی که رضایت‌مندی بالایی نسبت به زندگی دارند، در مقایسه با دیگران، از روش‌های مقابله‌ای مؤثرتری در مواجهه با رویدادها و حوادث ناگوار و فشارهای روانی استفاده می‌کنند. این افراد در مجموع احساس تعهد و خوشبختی دارند و احساس می‌کنند نقش مهمی در زندگی خود داشته، نسبت به آینده امیدوارند (بوئر و همکاران، ۲۰۱۲).

از یافته‌های این پژوهش، می‌توان برای افزایش آگاهی طلاب و دانشجویان نسبت به اهمیت خوش‌بینی اسلامی، عزت نفس و احساس رضایت از زندگی، در جهت شکل‌گیری و تداوم احساس شادکامی و موفقیت‌های علمی و معنوی بهره جست و مهارت‌های اساسی آنان را در زمینه تقویت خوش‌بینی، رضایت‌مندی و عزت نفس ارتقا داد.

منابع

- آذربایجانی، مسعود و کاظم علی‌محمدی، ۱۳۸۹، «ساخت و اعتباریابی آزمون شادکامی با تکیه بر اسلام»، *تربیت اسلامی*، ش ۵ (۱۰)، ص ۱۲۱-۱۴۷.
- آرگایل، مایکل، ۱۳۸۳، *روان‌شناسی شادی*، ترجمه مسعود گوهری و همکاران، اصفهان جهاد دانشگاهی.
- ارجمن‌نیا، علی‌اکبر و همکاران، ۱۳۹۶، «تأثیر آموزش مهارت مثبت‌نگری بر شادکامی و باورهای غیرمنطقی دانش‌آموزان نابینا»، *روان‌شناسی مثبت*، ش ۲ (۳)، ص ۲۱-۳۴.
- برخوری، حمید و همکاران، ۱۳۸۸، «اثربخشی آموزش مهارت‌های مثبت‌اندیشی به شیوه گروهی بر انگیزه پیشرفت، عزت نفس و شادکامی دانش‌آموزان پسر پایه اول دبیرستان شهر جیرفت»، *رهیافتی‌نودرمدیریت‌آموزشی*، ش ۲ (۵)، ص ۱۳۱-۱۴۴.
- بیات، احد و ابوالقاسم یعقوبی، ۱۳۹۳، «رابطه عزت نفس دانشجویان دانشگاه بوعلی سینا با شادکامی و خلاقیت آنها»، *ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی*، ش ۳ (۴)، ص ۱۴۷-۱۶۴.
- پسندیده، عباس، ۱۳۹۱، *شادکامی از دیدگاه پیامبر اعظم*، تهران، کتاب‌نشر.
- پورفرح‌عمران، مجید و حلیمه رضازاده، ۱۳۹۷، «اثربخشی روان‌درمانی مثبت‌نگر بر شادکامی و امید به زندگی بیماران سرطانی»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۹ (۳۳)، ص ۱۱۹-۱۳۶.
- ترابی زارتگاه، محمود، ۱۳۹۵، «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، در: *سومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی*، تربت حیدریه، دانشگاه تربت حیدریه.
- تیمی امدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۹۰، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه محمدعلی انصاری، قم، امام عصر.
- توان، بهمن و همکاران، ۱۳۹۳، «ارتباط بین عزت‌نفس و شادکامی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی اراک»، *آموزش در علوم پزشکی*، ش ۱۴، ص ۴۷۴-۴۸۲.
- حجازی، مسعود و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه دینداری با رضایت از زندگی و شادکامی دختران دانش‌آموز»، *زن و مطالعات خانواده*، ش ۲۲ (۶)، ص ۶۱-۷۷.
- حسینی، رمضانعلی و همکاران، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه بین خوش‌بینی اسلامی، خوش‌بینی آموخته‌شده سلیگمن و امنیت روانی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۴ (۴)، ص ۷۵-۱۰۲.
- حسین‌پور نجار، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲، «اثربخشی «نظریه شادکامی اسلامی» بر شادی زنان متأهل شهر اصفهان»، *پژوهشنامه حکمت اهل بیت*، سال اول، ش ۱، ص ۱-۱۶.
- حسین‌زاده، علی‌اصغر و مژگان سپاه‌منصور، ۱۳۹۰، «رابطه حمایت اجتماعی و عزت نفس با سبک‌های هویت دانشجویان»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، (۱)، ص ۷۴-۸۸.
- خسروی، صدرا و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی عوامل مؤثر بر شادکامی دانشجویان فیروزآباد»، *رشد مشاور مدرسه*، ش ۱۶ (۱)، ص ۸-۱۴.
- _____، ۱۳۹۶، «مقایسه معنای زندگی، رضایت از زندگی و شادکامی در زنان مجرد و متأهل شهر شیراز»، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳ (۴۰)، ص ۱۴۸-۱۵۵.
- داهیم، فاطمه، ۱۳۹۶، «خوش‌بینی، سلامت روانی و شادکامی، روان‌شناسی معاصر»، در: *مجموعه مقالات ششمین کنگره انجمن روان‌شناسی ایران*، ص ۶۵۰-۶۵۴.
- دلشاد تهرانی، حسین، ۱۳۸۶، *سیری در تربیت اسلامی*، تهران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- رادی، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه خوش‌بینی اسلامی، افسردگی و سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱ (۶)، ص ۲۲-۴۴.
- رضادوست، کریم و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی و روانی بر احساس نشاط (مورد مطالعه: دانش‌آموزان ۱۸-۱۶ ساله شهر اهواز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۶ (۳)، ص ۱-۲۲.

- رفیعی هنر، حمید، ۱۳۹۴، «نقش آرزوها در رضایت زندگی براساس مدل اسلامی عملکرد عمل: بررسی مفهومی»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ش (۱)، ص ۱۰۹-۷۹.
- سپهری، الهام و مهشید تجربه‌کار، ۱۳۹۳، «بررسی رابطه بین عزت نفس و شادکامی دانشجویان»، در: *اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.
- سروریان، زهرا و محمد احسان تقی‌زاده، ۱۳۹۴، «اثربخشی معنا درمانی گروهی بر عزت نفس و شادکامی دختران نوجوان شهر قم»، *اخلاق پژوهشی*، ش (۳۴)۹، ص ۲۰۷-۱۸۷.
- سلیگمن، مارتین و همکاران، ۱۳۸۳، *کودک خوش‌بین*، ترجمه فروزنده داورپناه، تهران، رشد.
- شهنی ییلاق، منیژه و همکاران، ۱۳۸۳، «رابطه علی بین نگرش‌های مذهبی، خوش‌بینی، سلامت روانی و سلامت جسمانی در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز»، *علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ش (۱۱) (۲)، ص ۳۴-۱۹.
- شیخ‌الاسلامی، راضیه و همکاران، ۱۳۹۰، «پیش‌بینی مؤلفه‌های شادکامی زنان متأهل از طریق عزت نفس و روابط زناشویی»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش (۱)۳، ص ۵۴-۳۹.
- علی‌پور، احمد و احمدعلی نوربایا، ۱۳۷۸، «بررسی مقدماتی پیاپی و روایی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه تهران»، *روان‌پژوهی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ش ۵، ص ۵۶-۵۵.
- علی‌پور، احمد و همکاران، ۱۳۷۹، «شادکامی و عملکرد ایمن بدن»، *روان‌شناسی*، ش (۳)۴، ص ۲۳۳-۲۱۹.
- غلامی حیدرآبادی، زهرا و همکاران، ۱۳۹۳، «اثربخشی آموزش مثبت‌نگری بر افزایش شادکامی و سخت‌رویی مادران دارای فرزند نابینا»، *افراد استثنایی*، ش ۴ (۱۶)، ص ۹۵-۱۱۳.
- فلاحی، معصومه و الهه اسدی، ۱۳۹۵، «اثربخشی مثبت‌اندیشی و دعا بر اضطراب و افسردگی جوانان ۱۷ تا ۱۹ ساله»، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ش ۶۵، ص ۱۱۸-۱۲۵.
- کار، آن، ۱۳۹۱، *روان‌شناسی مثبت: علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان*، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند و باقر تنایی، تهران، سخن.
- کجیاف، محمداقبر و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان»، *روان‌شناسی و دین*، ش (۴)۴، ص ۷۴-۶۱.
- کیخسروی بیگ‌زاده، زهره و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه حمایت اجتماعی و رضایت از زندگی با شادکامی در سالمندان ساکن منازل شخصی شهر شیراز»، *سالمند*، ش (۲)۱۰، ص ۱۷۲-۱۷۹.
- مروج، محبوبه، ۱۳۹۵، «رابطه عزت نفس و شادکامی معلمان دوره ابتدایی»، در: *چهارمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روان‌شناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی*، تهران، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند.
- مظفری، شهباز، ۱۳۸۲، *همبسته‌های روان‌شناختی شادکامی ذهنی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی بالینی، شیراز، دانشگاه شیراز.
- مظلومی محمودآباد، سعید و همکاران، ۱۳۸۵، «ارتباط بین اعتماد به نفس و خود کارآمدی با رفتارهای بهداشتی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد»، *مجله مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی*، ش ۳ (۲)، ص ۱۱۱-۱۱۷.
- معین، لادن و همکاران، ۱۳۹۳، *رابطه رضایت از زندگی با شادکامی و بهداشت روانی سالمندان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی.
- ملک‌پور، مختار و کوروش بنی‌هاشمیان، ۱۳۸۹، «رابطه سلامت عمومی با بدبینی و عزت‌نفس در دانشجویان شاهد و غیرشاهد دانشگاه علوم پزشکی شیراز»، *مجله دانشکده پزشکی اصفهان*، ش ۲۷ (۲۰)، ص ۱۴۳۷-۱۴۴۶.
- ملکی، عاطفه و زهرا طریقتی انارکی، ۱۳۹۶، «شادکامی، رضایت از زندگی و بهزیستی روانی در میان زنان مجرد و متأهل»، *روانشناسی معاصر*، ش ۱۲، ص ۱۶۱۳-۱۶۱۷.
- مهدی‌نژاد، گرجی گلین و همکاران، ۱۳۹۴، «رابطه شادکامی، تاب‌آوری و عزت نفس با رضایت از زندگی در دانشجویان»، در: *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، فرهنگ و توسعه اقتصادی*، مشهد، مؤسسه تحقیقاتی رایمندی‌پژوه.

- مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز و همکاران، ۱۳۹۷، «اثربخشی آموزش مثبت‌نگری با تأکید بر آیات قرآن بر شادکامی و اضطراب اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهواز»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۱ (۴)، ص ۲۷-۵۲.
- میرجعفری، سمانه‌سادات و سعیده بزازیان، ۱۳۹۶، «آموزش شادکامی و تغییر عواطف مثبت و منفی در دانش‌آموزان دختر»، در: *مجموعه مقالات نشست‌های کنفرانس روان‌شناسی ایران: روان‌شناسی معاصر*، ص ۱۶۹۹-۱۷۰۲.
- میرشاه جعفری، ابراهیم و همکاران، ۱۳۸۱، «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن»، *تازه‌های علوم شناختی*، ش ۴ (۳)، ص ۵۰-۵۷.
- نریمانی، محمد و همکاران، ۱۳۹۳، «مقایسه عزت نفس و شادکامی در دانش‌آموزان ناشنای مدارس تلفیقی و استثنایی»، *تربیت استثنایی*، ش ۴ (۱)، ص ۲۰-۲۸.
- نقدی، فریبا و محمد مقدم‌شاد، ۱۳۹۳، «امید، شادکامی و رضایت از زندگی در افراد معلول»، *مطالعات ناتوانی*، ش ۴ (۷)، ص ۸-۱۳.
- نشاط دوست، حمیدظاهر و همکاران، ۱۳۸۶، «تعیین عوامل مؤثر در شادکامی همسران کارکنان شرکت فولاد مبارکه»، *خانواده پژوهی*، ش ۳ (۱۱)، ص ۶۶۹-۶۸۱.
- نوری، نجیب‌الله و ناصر سقایی‌ریا، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه بین خوش‌بین سرشستی، خوش‌بینی از دیدگاه اسلام و رضایتمندی از زندگی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲ (۳)، ص ۲۹-۶۸.
- ولی پور سلیمانوند، عزیزاله، ۱۳۹۶، «مقایسه شادکامی با سازگاری دانش‌آموزان دختر دارای شکست تحصیلی پنهان پایه‌های دوم و سوم مدارس متوسطه دوم»، در: *هشتمین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی و علوم اجتماعی*، تهران.
- Ahmad Dar, A. & Wani M. A., 2017, "The present study intended to examine the level of optimism, happiness, and self-esteem among University students", *Indian Journal of Positive Psychology*, N. 8 (3), p. 275-279.
- Alberto, J. & Joyner, B., 2010, "Hope, optimism, and self-care among Better Breathers Support Group members with chronic obstructive pulmonary disease", *Applied Nursing Research*, N. 21(I.4), p. 212-217.
- Argyle, M., 2001, "Personality, self – esteem and demographic predictions of happiness and depression", *Personality and Individual Differences*, N> 34, p. 921-942.
- Baumeister RF, Campbell JD, Krueger JI, Vohs KD, 2003, "Does high Self-esteem Cause Better Performance, Interpersonal Success, Happiness, or Healthier Lifestyles?", *Psychological Science in the Public Interest*, N. 4(1), p. 1-44.
- Buss, D. M., 2000, "the Evolution of Happiness", *American Psychologist*, N. 55, p. 15-23.
- Cohen, A.B., 2002, "the importance of spirituality in well-Bing for Jews and Christians", *Journal of Happiness studies*, N. 3, p. 287-310.
- Cohen, M. A.; Fredrickson, B. L.; Brown, S. L.; Mikels, J. A.; Conway, A. M., 2009, "Positive emotions increase life satisfaction by building resilience", *American Psychological Association*, N. 9(3), p. 361-381.
- Diener, E., 1984, "Subjective well-being", *Psychological Bulletin*, N. 95, p. 542-575.
- Diener, E., Horwitz, J., & Emmons, R. A., 1985, "Happiness of the very wealthy", *Social Indicators Research*, N. 16 (3), p. 263-274.
- Fredrickson, B. L., 2001, "The Role of positive Emotion in Positive Psychology: The Broaden and Build Theory of Positive Emotion", *American Psychologist*, N. 56, p. 218-226.
- Friedman, L. C., Nelson, D. V., Baer, P. E., Lane, M., Smith, F. E., & Dworkin, R. J., 1992, "The relationship of dispositional optimism, daily life stress, and domestic environment to coping methods used by cancer patients", *Journal of Behavioral Medicine*, N. 15, p. 127-141.
- Hill, E., 2015, *The Relationship between Self-Esteem, Subjective Happiness and Overall Life Satisfaction*, National College of Ireland.
- Hills, P., & Argyle, M. (2001). Emotional stability as a major dimension of happiness. *Personality and Individual Differences*, 31, 1327-1364.
- Jin, B., 2001, *Social psychological determination of life satisfaction in order adults*, Unpublished Dissertation, Indiana University.

- Kernis, M. H., 2006, *Self-esteem. Issues and Answers. A Source Book of Current Perspectives*, Psychology Press.
- Layous, K., Lee, H., Choi, I., & Lyubomirsky, S., 2014, "Culture matters when designing a successful happiness-increasing activity: A comparison of the United States and South Korea", *Journal of Cross-Cultural Psychology*, N. 44 (8), p. 1294-1303.
- Lee, V. Cohen, S. R. et al., 2010, "Meaning-making intervention during breast or colorectal cancer treatment improves self-esteem", *optimism, and self-efficacy. Social Science & Medicine*, N. 62(12), p. 301-314.
- Lyubomirsky, S., & Layous, K., 2013, "How do simple positive activities increase wellbeing?", *Association for Psychological Science*, N. 22 (1), 57-62.
- Lyubomirsky, S.; Tkach, C.; Dimatteo, M. R., 2006, "What are the Differences between Happiness and Self-esteem?", *Social Indicators Research*, N. 78, p. 363-404.
- Lyubomirsky, S.; King, L.; Diener, E., 2005, "The Benefits of frequent positive affect: Does Happiness Lead to success?", *Psychological Bulletin*, N. 131(6), p. 803-855.
- Lyubomirsky, S.; Sheldon, K. M. And Schkade, D., 2005, "Pursuing Happiness: The Architecture of Sustainable Change", *Review of General Psychology*, N. 1.9 (2), p. 111-131.
- Malekiha, M. Abedi, M. R. Baghban, I., 2012, "Personality, Self-esteem predictors of happiness and depression among High School Student in Iran", *Interdisciplinary Journal of Contemporary Research in Business*. N. 3(10), p. 569-580.
- Meyers D. G.; Diener, E. D., 1995, "who is happy?", *Psychological Science*, N. 6(1), p. 10-19.
- Mihalcea, R. & Liu, H., 2006, "A corpus-based approach to finding happiness", In AAAI-2006 Spring Symposium on Computational Approaches to Analysing Weblogs, pages 139-144. AAAIPress
- Ourenson, C., & Jost, M., 2007, *Understanding Children Self-esteem*, IOWA State University, University Extension.
- Scheier, M.F., & Carver, C.S. (1985). Optimism, coping, and health: Assessment and implications of generalized outcome expectancies. *Health Psychology*, 4, 219-47
- Seligman, M. E. P. Rashid, T. & Parks, A. C., 2006, "Positive Psychotherapy", *American Psychologist*, N. 61(8), p.774-788.
- Seligman, M. E. P.; Steen, A.; Parks, N. & Peterson, C., 2005, "Positive Psychology Progress", *American Psychologist*, N. 60(5), p.410-421.
- Sergeant, S., & Mongrain, M., 2014, "An online optimism intervention reduces depression in pessimistic individuals", *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, N. 13, p. 157- 165.
- Singh, K., Shalimi, D. J., 2008, "Positive and negative affect, and grit as predictors of happiness and life satisfaction", *Journal of the Indian Academy of Applied Psychology*, N. 5, p. 34:40.
- Snyder, C. R. & Lopez, S. J., 2002, "The future of positive psychology", *Handbook of positive psychology*, 751-767.
- Vinson, T.; & Ericson, M., 2012, "Life Satisfaction and Happiness", *Jesuit Social Services*, 307(456), 190.
- Wilson W., 2006, "Correlates of avowed happiness", *Psychological Bulletin*, N. 67(4), p. 294-306.

نقد روان‌شناسانه شخصیت شهید در قصیده «شهداؤنا» سروده فاروق جویده براساس نظریه مزلو

smohebb@yaho.com

motaseifi2002@yahoo.com

mjavanrudy@yahoo.com

سکینه محب‌خواه/ دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه کاشان

که محسن سیفی / استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه، کاشان

مصطفی جوانرودی / استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه پیام‌نور

دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۲۵ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

چکیده

روان‌شناسی شخصیت، به‌عنوان یکی از شاخه‌های جدید نقد روان‌شناختی، تأثیر زیادی در فهم متن و کشف نمادها و رموز آن دارد. شخصیت‌های سه‌گانه‌ای که در قصیده «شهداؤنا»، سروده فاروق جویده ایفای نقش می‌کنند، عبارتند از: شهید، مردم ستم‌دیده و سران عرب. شهید با شخصیتی آرمان‌گرا و متعالی، در جهت رسیدن به اهداف والا، آگاهانه، خود را فدا کرده و تا حدودی اساسی‌ترین نیازهای خود؛ یعنی نیازهای فیزیولوژیکی، ایمنی، محبت و تعلق‌پذیری و احترام را طی نموده‌اند و خود را به آخرین سطوح نیازها؛ یعنی خودشکوفایی رسانده‌اند و از انگیزش B یا فرآنگیزش برخوردار شده‌اند. برخلاف دو شخصیت دیگر، که در پله‌های پایین‌تر؛ متوقف شده‌اند و به‌عنوان افرادی ناخودشکوف، افرادی منفعل و ناکارآمد، با انگیزش D یا کمبود و محرومیت (D-) در جامعه ظاهر گشته‌اند. نگارندگان این پژوهش، برآنند تا با نقد روان‌کاوانه و با منطبق نمودن شخصیت‌های سروده، با نظریه روان‌شناختی آبراهام مزلو بر مبنای هرم سلسله‌مراتب نیازها، به بررسی شاخص‌های شخصیت‌های تأثیرگذار در این سروده بپردازند.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر عربی، فاروق جویده، شهداؤنا، نقد روان‌کاوانه، آبراهام مزلو.

مقدمه

از آنجا که همه آثار ادبی، ریشه در احساسات و عواطف درونی صاحبانش دارد و آفرینش ادبی بدون دخالت ضمیر ناخودآگاه و ذات بشری ممکن نیست، بررسی روان‌کاوانه و ارزیابی میزان تأثیرگذاری احساسات درونی، در ابداع ادبی امری است که در دهه‌های اخیر توجه ناقدان را به خود معطوف ساخته و موجب به‌وجود آمدن شاخه‌ای از نقد جدید، تحت عنوان «نقد روان‌کاوانه» شده است.

نقد روان‌شناسانه، نوعی نقد ادبی است که بر پایه و اصول روان‌شناختی تکیه می‌کند و یکی از مکتب‌های تفسیری قرن بیستم به‌شمار می‌رود که نقد و تحلیل روانی شخصیت‌های آثار ادبی نیز از بخش‌های قابل توجه و جالب آن است، «با وجود این، یک جریان فکری و فلسفی جدید موجب شد که ادبیات، از دیدگاه روان‌شناسی، بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد و آن، تأثیر نظریه‌ها و اندیشه‌های کسانی مانند فروید، یونگ و آدلر بود» (فضیلت، ۱۳۹۰، ص ۱۷۹). و «در نقد روان‌شناسانه قدیم، از مسائلی چون وجدان نویسنده، جذبه و الهام و در نقد روان‌شناسانه جدید از مسائلی چون ضمیر ناخودآگاه فردی و جمعی، آرکی تایب بحث می‌شود» (شمیسا، ۱۳۸۳، ص ۲۱۸-۲۱۷). «شاید بتوان گفت این شیوه، حالات روانی حاکم بر هنرمند و جامعه او را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد؛ بدین معنا که با تفسیر روان‌شناسانه اثر ادبی، می‌توان خود هنرمند را بهتر شناخت و انگیزه‌های حقیقی او را برای ساختن چنین ادبیاتی پیدا کرد» (فرزاد، ۱۳۸۸، ص ۷۸-۷۹). «شعر و ادب، محرکی نفسانی است که در انسان موجد لذات و الهام می‌گردد و در او تأثیر می‌کند و او را به هیجان می‌آورد و گاه نیز به عمل و اراده او می‌دارد. این امور نیز همه از مقوله روان‌شناسی می‌باشند و به این لحاظ نیز شعر و ادب مسئله‌ای روان‌شناسی است. می‌توان گفت: از نظر منتقد، شعر و ادب عبارت از روان‌شناسی شاعر یا نویسنده است و ذوق، وجد، شور، احساس و تخیل او را که تحت تأثیر جذبه و الهام، صبغه شعر گرفته است، بیان می‌کند» (زرین کوب، ۱۳۸۸، ص ۸۱-۸۲).

به ادعای جان کبل (Jhon Kebl):

شعر بیان غیرمستقیم بعضی احساسات لبریزشده یا ذوق غالب یا احساس است که رهایی بی‌واسطه آن تا حدی سد شده است. این بازدارندگی، به دلیل احساس شرم و کتمان نویسنده بر او تحمیل می‌شود (فضیلت، ۱۳۹۰، ص ۱۸۱).

محمد مندور می‌گوید:

ادبیات به ذات انسان و موضوعات مرتبط با وی می‌پردازد و در این مورد، شبیه روان‌شناسی عمل می‌کند؛ با این تفاوت که روان‌شناسی به پدیده‌های کلی توجه کرده، ولی هدف اولیه ادبیات، ادراک فردی است که هر انسانی را از هم‌نوعانش متمایز می‌گرداند (ر. ک: مندور، ۱۹۸۸، ص ۳۹).

جویده نیز به‌عنوان شاعر برون‌گرا و متأثر از جریان‌های اجتماعی و سیاسی عصر خویش، به‌عنوان فردی حساس، پرهیجان، تأثیرپذیر، آشفته از اشغال سرزمین فلسطین، با خشم و غضب از وطن به زنجیر کشیده شده، سروده

«شهداؤنا» را بر زبان جاری می‌سازد و شخصیت اصلی سروده وی را به‌خوبی ترسیم می‌کند. حال آنکه درپس تصویرگری، شمه‌ای از روحیهٔ ایثارگری و جانفشانی‌اش، جلوه‌گری می‌کند. می‌توان این شخصیت را براساس سرودهٔ مذکور در نظام تحلیلی افراد خودشکوفایی نظریهٔ *آبر/هام مزلو*، در قالب ویژگی‌های این افراد بررسی کرد و با انطباق این نظریه، بر شخصیت منحصربه‌فرد شهدا تحلیلی ارائه داد.

این مقاله درصدد پاسخ به سؤالات ذیل است:

براساس نظریهٔ *مزلو*، چه ویژگی‌های منحصربه‌فردی، در شخصیت شهدا متبلور است؟ چه انگیزه‌هایی، شهدا را به مرحلهٔ خودشکوفایی رسانیده است؟ واقعیت جامعهٔ امروز عرب، متشکل از سردمداران و مردم، در این سروده چگونه عینیت یافته‌اند و با چه ویژگی شخصیتی، ظاهر شده‌اند؟

از این رو، فرضیه‌های پژوهش عبارتند از:

۱. برخی از ویژگی‌های شخصیت خودشکופا، در شهدا جلوه‌گر است.
۲. شهدا، با دارا بودن ویژگی‌هایی همچون مسئله‌مداری، احساس همدردی، مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری و غیره، توانسته‌اند به مرحله خودشکوفایی برسند.
۳. سردمداران عربی، دارای شخصیتی منفعل، سودجو و تسلیم در برابر کشورهای غربی و صهیونیستی هستند و مردم عرب نیز افرادی غافل، کسل، بی‌مسئولیت و بی‌اراده، در برابر سرنوشت آیندهٔ سرزمین خویش ظاهر گشته‌اند.

پیشینهٔ تحقیق

مقاله‌های اندک، ولی ارزنده در زمینهٔ نظریهٔ خودشکوفایی *مزلو* در علم روان‌شناسی و مقایسهٔ آن با مبحث انسان کامل در اسلام نگاشته شده است از جمله:

۱. مقاله «امام علی علیه السلام؛ انسان کامل و خودشکوفای» (کجباف و ایمانی، ۱۳۹۶)، شخصیت امام علی علیه السلام را به‌عنوان انسان کامل و خودشکوفای مورد تحلیل و بررسی قرار داده‌اند و ویژگی‌های انسان خودشکوفای از دیدگاه *مزلو* و انسان کامل از منظر آیات و روایات را با هم مقایسه کرده‌اند.
۲. مقاله «بررسی تطبیقی نمودهای خودشکوفایی در قرآن و روان‌شناسی» (بخشایش، ۱۳۹۱)، به توصیف ویژگی‌های خودشکوفایان از نظر قرآن و روان‌شناسی پرداخته و با مطرح کردن نظریهٔ خودشکوفایی *مزلو* و دیدگاه قرآن، دیدگاه قرآن را جامع‌تر و کامل‌تر از دیدگاه انسان‌گرایی روان‌شناسان دانسته است.
۳. مقاله «فرانگیزش‌ها و ویژگی‌های افراد خودشکوفای در سرداران شهید استان کرمان» (بنی‌اسدی و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰)، با به‌کارگیری روش تحلیل محتوا، ویژگی‌های افراد خودشکوفای را در سرداران شهید استان کرمان بررسی نموده‌اند و به نتایجی دست یافته‌اند. از جمله اینکه رابطه‌ای مثبت، بین ویژگی‌های افراد خودشکوفای و فرانگیزش وجود دارد و این رابطهٔ مثبت با دیدگاه *مزلو* مطابقت دارد.

۴. مقاله «بررسی سلسله‌مراتب نیازهای مزلو در گلستان سعدی» (نبی‌لو و آصف، ۱۳۹۳)، نقاط اشتراک و افتراق تئوری‌های نیازهای اساسی بشر را ترسیم کرده‌اند و آن را با تکیه بر *گلستان* و هرم نیازهای اساسی مزلو تبیین نموده‌اند.

۵. مقاله «مقایسه ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه مزلو و دین اسلام» (عابدینی، ۱۳۸۳)، زیربنای فلسفی و نظری دیدگاه مزلو را شرح داده، سپس براساس متون و منابع اسلامی، به معرفی انسان کامل از دیدگاه مکتب اسلام پرداخته است.

۶. مقاله «اندیشمندان سبک زندگی؛ آبراهام مزلو (۱۹۰۸م)» (فدایی، ۱۳۹۶)، به مبانی نظری و اندیشه‌های کلی مزلو اشاره کرده، دلایل اهمیت این دیدگاه را بیان نموده و به تعریف انسان خودشکופا و ویژگی‌های آن بسنده کرده است.

۷. مقاله «نگاهی سبک‌شناسانه به سروده «شهداؤنا» فاروق جویده» (رسول‌نیا و محب‌خواه، ۱۳۹۶)، به سبک‌شناسی در سه سطح زبانی، فکری و ادبی سروده پرداخته‌اند.

۸. مقاله «روش، مبانی و نظریه انسان کامل در اسلام و انسان‌گرایی» (نیک‌صفت، ۱۳۸۵)، دیدگاه‌های دو تن از سردمداران مکتب انسان‌گرایی در قالب روش‌ها، مبانی، ویژگی‌ها و نظریه شخصیت کامل را طرح کرده، آنگاه با گردآوری آیات مختلف مربوط به این موضوع، اندیشه‌های مفسران را در این‌باره تبیین نموده و سرانجام، در یک بررسی تطبیقی نقاط اشتراک و افتراق این دو مکتب را شرح داده است.

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، در بیشتر پژوهش‌های فوق، تنها به طرح مبانی نظری دیدگاه مزلو، به‌ویژه به یکی از سطوح هرم سلسله‌مراتب نیازها؛ یعنی نیاز به خودشکوفایی پرداخته‌اند. در برخی از مقالات، با تکیه به آیات و روایات و احادیث در دین اسلام، به تبیین نظریه اسلام درباره انسان کامل اقدام شده است. در پایان، به نکات اشتراک و افتراق دو مکتب اسلام و انسان‌گرایی اشاره کرده‌اند. از این‌رو، در هیچ‌یک از پژوهش‌های گذشته، با روش تحلیل محتوا براساس سروده شاعری، به کنکاش شخصیت شهید نپرداخته‌اند.

در این پژوهش، سعی شده شخصیت شهید، در سروده «شهدا» اثر جویده با روش تحلیلی - تطبیقی از نوع تحلیل محتوا مورد نقد و بررسی قرار گیرد و به نقد روان‌شناسی، در قالب نظریه شخصیت مزلو و شکل‌گیری تیپ شخصیتی خودشکופا پرداخته شود و با بهره‌گیری از محتوای پیام‌ها و مفاهیم سروده *فاروق* و تطبیق آن با ویژگی‌های شخصیت شهید، براساس نظریه مزلو توجه شود. از جمله این ویژگی‌ها عبارت است از: تمرکز بر مشکلات فراتر از خودشان، حس همدردی به نوع بشر، مسئله‌مداری، خودمختاری، مقاومت در برابر فرهنگ اثرپذیری و

روش پژوهش

روش این مطالعه، تحلیلی - تطبیقی است و ساختار آن، به دو بخش اساسی تقسیم می‌شود. بخش نظری، که از شماره (۱ تا ۴) آغاز شود، ابتدا به تحلیل نظریه مزلو و زیرشاخه‌های متعدد آن پرداخته و سپس، نحوه استفاده از این نظریه را معرفی می‌کند.

بخش تطبیقی، که با شماره (۱ تا ۵) از زیرشاخه‌های خودشکوفایی آغاز می‌شود، تطبیق این نظریه و کاربرست آن به قصیده «شهداؤنا» از فاروق جویده می‌پردازد. در خاتمه نیز نتایج بحث براساس مفاهیم نظری پژوهش، به بوته نقد و تحلیل گذارده شده است.

الف. بخش نظری

در قرن بیستم، سه رویکرد روان‌تحلیل‌گری، رفتارگرایی و انسان‌گرایی ظهور کردند و توجه به شخصیت انسان، جنبه‌های عینی‌تر و واقعی‌تر به خود گرفت. از میان آنها، روان‌شناسی انسان‌گرا، به دلیل تمرکز بر طبیعت پاک و نیک انسان، نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرد (شاملو، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹). بنابراین، *آبراهام مزلو*، «بنیان‌گذار و رهبر معنوی جنبش روان‌شناسی انسان‌گرا محسوب می‌شود» (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۳۸۷). در این بخش، به اجمال به معرفی و مبانی نظری وی می‌پردازیم:

۱. آبراهام مزلو و نظریه انسان‌گرایی

آبراهام هارولد مزلو در اول آوریل ۱۹۰۸ در منهتن، نیویورک، متولد شد. وی دوران کودکی بسیار ناخوشایند، همراه با احساس‌های کمرویی، حقارت و افسردگی داشت... او از لحاظ عقلانی سرآمد بود، در دوران زندگی خود، افتخارات متعددی کسب کرد که انتخاب او به‌عنوان ریاست انجمن روان‌شناسی آمریکا در سال ۱۹۶۷-۱۹۶۸ از آن جمله بود. زندگی شخصی *مزلو* هم از لحاظ جسمانی و هم روانی، پر از رنج و محنت بود. او از یک رشته بیماری‌ها... رنج می‌برد (فیسست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۸۶-۵۹۰). *مزلو* در سال ۱۹۷۰م در اثر حمله قلبی در گذشت (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۳۹۲).

وی یکی از پایه‌گذاران و پرنفوذترین روان‌شناس انسان‌گرا در زمان معاصر است؛ از دیدگاه انسان‌گرایان، طبیعت انسان در اصل، خوب و قابل احترام است و در صورتی که محیط به او اجازه دهد، به شکوفا ساختن و برآوردن استعدادها و گنجایش‌های درونی خود گرایش دارد (شاملو، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹).

او با رفتارگرایی و روان‌کاوی، مخصوصاً رویکرد فروید به شخصیت، مخالف بود. او اعتقاد داشت: تمایل هسته‌ای در همه انسان‌ها، عبارت است از: «حرکت به سوی شکوفاسازی نیروهای ذاتی». او برای رسیدن فرد به

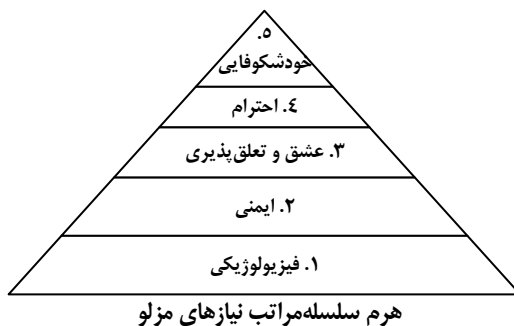
شکوفاسازی نیروهای فطری و بالقوه شرایطی را در نظر می‌گیرد که اگر این شرایط حاکم نباشند، انسان نمی‌تواند نیروهای درونی خود را از قوه به فعل درآورد (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۳۸۷-۳۹۳).

گفتنی است که مفهوم خودشکوفایی و نام *آبراهام مزلو* ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند. گرچه *مزلو*، این اصطلاح را وضع نکرد و تنها نظریه پرداز شخصیتی نبود که از آن استفاده کرد، اما بیش از هر روان‌شناس دیگری، به مفهوم خودشکوفایی عمومیت بخشید. با این حال، نظریه شخصیت *مزلو*، از توجه به خودشکوفایی فراتر می‌رود. او فرض می‌کند که افراد، همواره به وسیله یک نیاز یا نیازی دیگر برانگیخته می‌شوند. فقط بعد از اینکه افراد هریک از این نیازها را ارضا کرده باشند می‌توانند به سمت خودشکوفایی پیش بروند (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۵۸۶).

مزلو نیز «مانند راجرز، دیدگاه مثبت و خوشبینانه‌ای نسبت به ماهیت انسان دارد. او معتقد است: انسان، استعداد فطری برای مهربانی، محبت و گذشت دارد. با این حال، این ویژگی‌ها باید توسط محیط و جامعه پرورش یابند» (لان‌دین، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰).

۲. سلسله مراتب نیازها

مزلو رفتار، انسان را برانگیخته از نیازهای او دانسته و سلسله‌مراتبی از پنج نیاز فطری را برایش برمی‌شمارد که عبارتند از: ۱. نیازهای فیزیولوژیکی؛ ۲. نیازهای ایمنی؛ ۳. نیازهای عشق و تعلق‌پذیری؛ ۴. نیاز به احترام؛ ۵. نیاز به خودشکوفایی. *مزلو* این نیازها را مرتبط به غریزه ناامید و منظور وی این بود که آنها عنصر اثری دارند. این نیازها به ترتیب، از قوی‌ترین تا ضعیف‌ترین آنها مرتب شده‌اند و پیش از اینکه نیازهای بالاتر اهمیت پیدا کنند، نیازهای پایین‌تر باید حداقل تا حدودی ارضا شده باشند (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۳۹۲). بنابراین، *مزلو* به سلسله نیازهایی اشاره می‌کند که ارضای این نیازها، در رسیدن فرد به بالاترین درجه رشد شخصیت کمک‌کننده است: «این سلسله‌مراتب نیازها را به صورت هرم نشان می‌دهد» (همان، ص ۳۹۳).



اکنون به معرفی هریک از سلسله‌مراتب نیازها به اجمال اشاره می‌شود:

۱. نیازهای فیزیولوژیکی: نیازهایی که معمولاً برای نظریه انگیزشی نقطه آغاز تلقی می‌شوند، در اصطلاح، «نیازهای فیزیولوژیکی یا تنکردشناختی» نامیده می‌شوند. اگر نیازهایی از قبیل گرسنگی یا تشنگی به قدر کافی برآورده نشده باشند، نیازهای مافوق آنها در سلسله‌مراتب، برحسب رفتار تنظیم شده و به حاشیه رانده می‌شوند (ال. پتری، ۱۳۸۲، ص ۹۵).

۲. نیازهای ایمنی: این نیازها، «معرف نیاز برای ایمنی یا امنیت در جامعه ما می‌باشند، زمانی که زندگی شخصی در خطر است، نیازهای بالاتر کم‌اهمیت می‌شوند و رفتار ما تلاش‌های ما را برای ایمن ماندن منعکس می‌کند» (همان).

۳. نیازهای عشق و تعلق‌پذیری: در صورتی که نیازهای قبلی ما، به قدر کافی برآورده شوند، به نیازهای عشق و تعلق‌پذیری توجه می‌شود. این نیازها، می‌توانند از طریق رابطه صمیمی با یک دوست، معشوق یا همسر یا از طریق برقراری روابط اجتماعی در گروه ابراز شوند (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۳۹۶).

۴. نیاز به احترام: اگر «نیازهای مربوط به عشق به قدر کافی ارضا شده باشند، آنها نیز به داخل زمینه در ارتباط با رفتار راهنمایی شده، رها می‌گردند و نیازهای مربوط به احترام و عزت نفس پدیدار می‌شوند» (ال. پتری، ۱۳۸۲، ص ۹۶).

۵. نیاز به خودشکوفایی: زمانی که «فردی چهار مرتبه نیاز را ارضا کرد، مرتبه نهایی رشد که مزلو آن را «خودشکوفایی» می‌نامد، فرا می‌رسد. در سطح خودشکوفایی، رفتار افراد بیش‌تر از سطوح پایین‌تر، به وسیله شرایط و حالات گوناگون برانگیخته می‌شوند» (همان).

از میان سلسله‌مراتب نیازها، «تحقق خود»، محور مرکزی بررسی‌های مزلو را تشکیل می‌دهد. تحقق خود یا خودشکوفایی، اصطلاحی است که اولین بار توسط کورت گلدشتاین، صاحب نظریه ارگانیسمی مطرح شد و در مورد انگیزه تحقق بخشیدن به تمام ظرفیت‌های فرد به کار رفت. مطابق این اصطلاح تحقق خود، انگیزه‌ای مدیر و کارفرماست و بقیه انگیزه‌ها تظاهرات آن محسوب می‌شود (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۹۷۵).

ولی براساس نظریه مزلو «تحقق خود یکی از انگیزه‌ها و در عرض آنهاست و در سطح خاصی از رشد به فعلیت می‌رسد» (همان).

با توجه به مواردی که بیان شد، مزلو به این تصور رسیده که افراد جامعه از نظر عوامل انگیزشی تفاوت دارند و انگیزش‌ها را به دو دسته تقسیم کرده است که در ذیل بدان اشاره می‌شود:

۲-۱. انگیزش کمبود و محرومیت (= انگیزش D)

می‌توان گفت: «چهار مرتبه نخستین از سلسله مراتب نیازهای مزلو، نیازهایی را تشکیل داده است که باید ارضا شوند، پیش از آنکه فردی به سطح نهایی یعنی سطح خودشکوفایی برسد. مزلو این نیازها را ناشی از کمبودهایی در زندگی افراد در نظر گرفته است؛ یعنی رفتارهای مرتبط با چهار طبقه نخستین به واسطه محروم شدن از آنچه برای رشد کامل و تمام عیار، لازم و ضروری است، برانگیخته می‌شوند» (همان).

برای درک منظور مزلو، «باید بین انگیزش افراد خودشکوفای (فراانگیخته) و انگیزش افراد ناخودشکوفای (ناشکوفای) تمایز قابل شویم، وی انگیزش نوع دوم را انگیزش D یا کمبود و محرومیت توصیف می‌کند (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳).

به عبارت دیگر، «نیازهای کمبود (انگیزه‌های کمبود یا D) به کمبودهایی اشاره دارند که باید از طریق اشیا یا افراد بیرونی برآورده شوند. نیازهای رشد (انگیزه‌های هستی یا B) از محیط مستقل‌تر هستند و به نیاز برآورده ساختن استعدادها و توان‌های فطری اشاره دارند» (لان‌دین، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰).

چنانچه، فرایندهای افراد ارضا نشده باشند، آنها بیماری وجودی را تجربه می‌کنند. همه افراد گرایش کلی پیشروی به سمت کمال یا تمامیت دارند. اگر از این پیشروی ممانعت شده باشد، آنها احساس بی‌کفایتی، عدم یکپارچگی و ناخشنودی می‌کنند. همان‌گونه که بی‌غذایی به سوء تغذیه منجر می‌شود، فقدان ارزش‌های هستی به آسیب می‌انجامد. محرومیت از هرگونه نیاز هستی، فرآسب یا فقدان فلسفه زندگی معنی‌دار به بار می‌آورد (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۲).

۲-۲. فراانگیزش (= انگیزش B)

مزلو، در مورد انگیزش افراد خودشکوفای، «نظریه‌ای وضع کرده به نام فراانگیزش گاهی، به آن انگیزش B یا هستی گفته است. مزلو، پیشوند «فرا» را در این مورد به کار برده است، تا مشخص کند که فراانگیزش از اندیشه سنتی ما درباره انگیزش فراتر می‌رود» (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳). به عبارت دیگر، «خواستاران تحقق خود، روی به نیازهای عالی‌تر دارند؛ یعنی خواستار تحقق استعدادهای بالقوه خود و شناختن و فهمیدن دنیای پیرامون دنیایشان هستند و شخص در تلاش جبران کمبودها و یا کاهش تنش‌ها نیست، بلکه هدف، غنی ساختن و گسترش تجربه زیستن و افزایش شادمانی و شور زنده بودن است (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۹۷۵).

مزلو معتقد بود: «افراد خودشکوفای با «حقایق جاودانی»، که آن را ارزش‌های B یا هستی نامید، برانگیخته می‌شوند. این ارزش‌های «هستی»، بیانگر سلامت روانی هستند و با نیازهای کمبود، که افراد ناخودشکوفای را برانگیخته می‌کنند، مغایرند. وی ۱۴ یا ۱۶ ارزش هستی را مشخص کرد، اما تعداد دقیق آنها مهم نیست؛ زیرا در

نهایت همه آنها یکی می‌شوند یا حداقل همه آنها همبستگی بالایی دارند. ارزش‌های افراد خودشکופا عبارتند از: «حقیقت، نیکی، زیبایی، یکپارچگی، سرزندگی، بی‌همتایی، کمال، کامل‌گری، عدالت، سادگی، تمامیت، راحتی، شوخ‌طبعی و خودمختاری (فیسث و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۲).

همان‌گونه که از محتوای سروده فاروق جویده برمی‌آید، شخصیت‌های بازیگرش از سه ضلع تشکیل یافته است: شهدا، مردم تحت ستم اشغالگران و سردمداران عرب. براساس نظریه مزلو، برای روانکاو هر یک از این بازیگران صحنه، می‌توان شهدا را در شمار افراد خودشکופا با «انگیزش هستی» و دو بازیگر را در زمره افراد ناخودشکופا، با «انگیزش کمبود و محرومیت» قرار داد و شخصیت آنها را مورد تحلیل و کنکاش قرار داد و با نگرش کلی به سروده حاضر، رکن اصلی آن، به شخصیت شهدا، اختصاص یافته که نویسندگان این جستار، بدان خواهند پرداخت.

۳. افراد ناخودشکופا در سروده جویده

درباره دو شخصیت؛ یعنی مردم تحت ستم اشغالگران و سردمداران عرب نیز ابیاتی اندک مشهود است که هم‌اکنون بدان می‌پردازیم. در گزیده‌های ذیل، سران تسلیم شده و در خواب فرورفته کشورهای عربی، در قبال سیاستمداران غربی و عربی، مورد خطاب قرار داده می‌شوند:

عَارَ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمُسْتَلِمُونَ / وَطَنٌ يُبَاعُ وَأُمَّةٌ تَسْأَقُ قُطْعَانًا / وَأَنْتُمْ نَائِمُونَ / يَا أَيُّهَا الْمُتَطَعُونَ / كَيْفَ ارْتَضَيْتُمْ أَنْ يَنَامَ الذُّئْبُ / فِي وَسْطِ الْقَطِيعِ وَتَأْمَنُونَ؟ / وَطَنٌ بَعْرَضِ الْكَوْنِ يُعْرَضُ فِي الْمَزَادِ / وَطَعْمَةُ الْجِرْدَانِ / فِي الْوَطَنِ الْجَرِيحِ يَتَجَرَّحُونَ / أَحْيَاؤُنَا الْمَوْتَى عَلَى الشَّاشَاتِ / فِي صَحْبِ النَّهْيَاةِ يَسْكُرُونَ / فَمَتَى يُفِيقُ النَّائِمُونَ؟ / مَتَى يُفِيقُ النَّائِمُونَ؟ (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

از سوی دیگر، سران عرب، در قطعه‌های پیشین، افرادی ناخودشکופا جلوه‌گر شده‌اند؛ بدین‌صورت که در برابر خواسته‌های کشورهای زورمدار چون غرب و اسرائیل، سر فرود آورده‌اند و وطن خود را به رایگان در اختیار متجاوزان اشغالگر گذاشته‌اند و مردم نیز دچار آسیب شده‌اند از ترس و اضطراب چون گله‌هایی فرض شده‌اند که به هر سو رانده می‌شوند و از خود هیچ اراده‌ای ندارند. سران و مردم مظلوم، تنها به برآوردن نیازهای فیزیولوژیکی و سطح پایین، از بین سلسله‌مراتب نیازهای مزلو، سرگرم هستند. از سوی دیگر، سردمداران عرب با رضایتمندی و سوداگری ظاهر می‌شوند که خود در رفاه به سر می‌برند و گرگ‌هایی (اشغالگران) را در گله‌ها (مردم) رها کرده‌اند تا گوسفندان را ب‌دزدند و طعمه موش‌ها (اسرائیلی‌ها) شوند و سران کشورهای عربی و غربی، در کنفرانس‌های گوناگون حاضر می‌شوند و در صفحه‌های تلویزیون نمایان می‌شوند و سرمستانه به داد و ستد سرزمین‌های اسلامی می‌پردازند.

۴. خودشکوفایی و ویژگی‌های افراد خودشکופا

خودشکوفایی یا نیاز به خودشکوفایی، در بالاترین مرتبه از سلسله‌مراتب نیازهای مزلو قرار دارد. اگرچه از لحاظ انگیزشی متأخرتر از سایر نیازهاست، اما از لحاظ اهمیت، ارزشمندتر و والاتر از همه است. مزلو، براساس تمایل ذاتی انسان به خودشکوفایی و شرایط اساسی و لازم برای رسیدن به آن، «دو تمایل اساسی و هسته‌ای را برای انسان در نظر می‌گیرد، اول تمایل هسته‌ای برای ارضای نیازهای حیاتی مثل نیاز به آب، غذا، اکسیژن و مانند آن و دوم تمایل اساسی برای ارضای نیازهای شکوفاسازی. وی در مقایسه با کارل راجرز (۱۹۰۲م)، نیاز به خودشکوفایی را بسیار عینی و ملموس‌تر بیان می‌کند و به منابع ارضای این نیازها اشاره می‌کند (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۲).

در ذیل، به ویژگی‌هایی که مزلو برای ارضای سطح خودشکوفایی افراد برمی‌شمارد، اشاره می‌گردد. با توجه به برداشت مزلو از موارد ذکرشده، بر آن هستیم تا در مقابل چکیده‌ای از مفهوم هر ویژگی، در راستای منطبق ساختن با شخصیت شهید، در سروده فاروق جویده، با تحلیل روان‌شناختی، بیان گردد: شاخص‌های افراد خودشکופا عبارتند از:

ردیف	ویژگی‌های افراد خودشکופا	چکیده‌ای از ساختار منش افراد خودشکופا
۱	برداشت کارآمدتر از واقعیت	تشخیص حالت واقعی از ساختگی
۲	پذیرش خود دیگران و طبیعت	درک طبیعت انسان آن‌گونه که هست و بدون توقع کمال از خود و دیگران
۳	خودانگیزختگی، سادگی و طبیعی بودن	پایبند به اصول اخلاقی ولی بدون ظاهرسازی
۴	مسئله‌ماری	تمرکز بر مشکلات فراتر از خودشان و احساس رسالت و تعهد به یک آرمان
۵	نیاز به تهایی	احساس آرامش در عین بی‌علاقگی به مسائل جزئی و محدود و نگران رفاه دیگران
۶	خودمختاری	استقلالی که در پی آن، آرامش و صفای درونی است
۷	تازگی درک ملاوم	نگاهی نو به پدیده‌های روزمره مانند گل‌ها، غذا و دوستان
۸	تجربه اوج	تجربیات اسرارآمیزی که نوعی احساس تعالی در وجود او، پدید می‌آورد. در عین حال، احساس فروتنی بیشتر و قدرت می‌کنند.
۹	احساس همدردی با نوع بشر	احساس همسانی، همدردی و نگرشی دلسوزانه نسبت به دیگران
۱۰	روابط میان فردی عمیق	احساس مهرورزانه نسبت به دیگران البته در قالب چند نفر محدود و کاملاً عمیق
۱۱	ساختار منش دموکراتیک	برخورداری از ارزش‌های آزادمشنانه و تحمل نکردن رفتار شرارت بار دیگران و مبارزه با آنها
۱۲	تمایز وسیله از هدف	تمرکز بیش خود، به جای وسیله بر اهداف
۱۳	شوخی طبعی فلسفی	شوخی به همراه لبخند در جهت آگاهسازی مردم از ابهامات و خودانگیزخته نه برنامه‌ریزی شده
۱۴	خلافتیت	درک عمیق و بهره‌برداری نوآورانه از واقعیت و زیبایی
۱۵	مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری	پیروی از معیارهای سلوک خود و اطاعت نکردن کورکورانه از مقررات دیگران
۱۶	محبت، میل جنسی و خودشکوفایی	ارضای نیازهای محبت و تعلق‌پذیری خود؛ به عنوان مقدمه خودشکوفایی یعنی محبت به خاطر جوهر یا «هستی» دیگران

(فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۴-۶۱۰)

از این ویژگی‌ها چنین برمی‌آید که با توجه به جنبه‌های ارزشمند شهید، اکثر این فرایندها در تیپ شخصیتی شهید، قوت می‌یابد. بنابراین، با نگرش به محتوا و پیام‌هایی که در سروده نهفته است، به برخی از آنها با تفکیک موارد فوق، نظری افکنده می‌شود.

لازم به یادآوری است که گاهی دو یا چند مورد از شاخص‌های افراد خودشکופا، در وجود شخصیت شهید در بخشی از سروده؛ یافت می‌شود.

ب. بخش تطبیقی

در این بخش، با مطالعه‌ای تطبیقی با استفاده از روش تحلیل محتوا، براساس ویژگی‌های شهدها، که در پیام‌ها و مفاهیم سروده حاضر برآمده، صورت گرفته و با مطابقت و مقایسه این ویژگی‌ها، با نظریه مزلو، تحلیل و نقدی از آن، ارائه می‌گردد. لازم به یادآوری است که در ذیل، به پنج ویژگی که در سروده، مشهود است، اشاره می‌شود. در برخی موارد، چند ویژگی هم‌پوشانی دارند.

البته باید گفت: بی‌شک، شهدها در پی ارضای نیازهای جسمانی و ایمنی خود نبودند؛ زیرا در جبهه‌های نبرد این نیازها به سختی فراهم می‌شد و جای امنی برای ارضای نیازهای ایمنی نبوده، بلکه عواملی ماورای این نیازها و انگیزه‌ها، آنها را به فعالیت وادار می‌کرد که می‌توان به تعبیر مزلو، از آنان به «فرانگیزش» و «فرانیاز» نام برد (بنی‌اسدی و رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰). ... مزلو عقیده دارد تا زمانی که نیازهای سطح پایین ارضا نشوند، نیازهای سطح بالا به‌وجود نمی‌آیند، اما در این مورد استثنایی وجود دارد که یکی از مهم‌ترین استثناهایی که در مورد سلسله‌مراتب نیازها وجود دارد، در مورد شهداست (همان).

۱. مسئله‌مداری

خودشکوفایان، احساس می‌کنند که «در زندگی خود مأموریتی دارند؛ یعنی کاری بیرون از خود و ورای خود در پیش دارند که بیشتر انرژی خود را صرف آن می‌کنند، این نوع احساس تعهد، یکی از الزامات افراد خودشکوفاست» (کریمی، ۱۳۹۱، ص ۱۵۵).

این نگرش، حاکی از چیزی شبیه رسالت و مأموریت در زندگی است که آنها احساس می‌کنند ناگزیر به پایان رساندن آن می‌باشند و خود را موظف به انجام آن می‌دانند. همچنین، این تکالیف خودمدارانه نیستند، بلکه معمولاً مرتبط به مسائلی هستند که به خیر بشریت مربوط می‌شوند (ال. پتری، ۱۳۸۲، ص ۹۸).

در این بخش از سروده، شهدها، با احساس مسئولیت در مقابل جامعه خویش و تمرکز بر مشکلات فراتر از خودشان، اعلام می‌کنند که در آینده خواهند آمد و رسالت خود را برای آرمان خواهی، به منصف ظهور خواهند گذاشت:

وَاللّٰهِ اِنَّا قٰلِدُوْنَ / فِى الْاَرْضِ تَرْتَفِعُ الْاَيَادِىْ / تَنْبَتُ الْاَصْوَاتُ فِى صَمْتِ السُّكُوْنِ / وَاللّٰهِ اِنَّا رٰجِعُوْنَ / تَسْقَاطُ
الْاَحْجَارُ يَرْتَفِعُ الْغُبٰرُ / تُضِىُّ الشَّمْسُ الْعِيُوْنَ / وَاللّٰهِ اِنَّا رٰجِعُوْنَ / شَهْدَاؤُنَا فَوْقَ الْمَنَابِرِ يَخْطُبُوْنَ / وَاقْتَحَمُوا السُّجُوْنَ /
فِى كُلِّ شَيْبٍ / شَهْدَاؤُنَا وَسَطَ الْمَجٰزِرِ يَهْتَفُوْنَ / اللّٰهُ اَكْبَرُ مِنْكَ يَا زَمَنَ الْجُوْنَ (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

با نگاهی به محتوا و پیام شهدها در سروده جویده، یکی از شاخص‌هایی که به تصویر کشیده شده، برگشت شهدها به سرزمین فلسطین، همراه با بالارفتن دست‌ها برای خوش‌آمدگویی و شکسته شدن سکوت مرگبار، با اشاره به آیه استرجاع «إِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُوْنَ» و با فروریختن سنگ‌ها، از فراز کوه‌ها و برخاستن گرد و غبار و درخشیدن

خورشید، طبیعت جان دیگری می‌گیرد. شهدا به طواف پیرامون قدس و نظاره کردن حوادث و اتفاقاتی که در آن می‌افتد، می‌پردازند. بنابراین، خود را موظف به انجام مسئولیت می‌دانند و تلاش می‌کنند امت تحت ستم و استبداد و نفاق حاکم را از خواب غفلت بیدار ساخته و نسبت به تسلیم کورکورانه آگاه سازند و در هر وجه از خاک وطن قدم می‌گذارند، حتی در زندان‌ها و کشتارگاه‌ها، نوا سر می‌دهند و از زمانه جنون و بی‌رحم، شکوه و گلایه می‌کنند.

۲. احساس همدردی

مزلو، مفهوم احساس همدردی را از *آلفرد آدلر* (۱۹۳۷م - ۱۸۷۰م) اقتباس کرد تا همدلی و همدردی افراد خودشکوف را برای کل بشریت نشان دهد. با اینکه افراد خودشکوف، اغلب از رفتار دیگران آزرده می‌شوند، ولی با دیگران احساس خویشاوندی کرده و آنها را درک می‌کنند و دوست دارند به آنها کمک کنند (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۴۰۴).

مزلو دریافت که افراد خودشکوف نوعی نگرش دلسوزانه نسبت به دیگران دارند. با اینکه آنها اغلب احساس می‌کنند مانند بیگانه‌ای در سرزمین غریبه هستند، اما خود را با دیگران یکی می‌دانند و واقعاً علاقه دارند به دیگران، دوستان و غریبه‌ها کمک کنند (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۸).

بنابراین، با متجلی شدن شاخص «احساس همدردی»، در شخصیت خودشکوفای شهدا، در این بخش، ابعاد دیگری از احساس همسانی، همدردی و عطوفت عمیق شهید در کمک‌رسانی بر هم‌نوعان خود، در صحنه رویارویی با سپاه ظلمت برملا می‌شود:

شَهِدَاؤُنَا يَتَقَدَّمُونَ / أَصْوَاتُهُمْ تَعْلُو عَلَى أَسْوَارِ بَيْرُوتَ الْحَزْبِيَّةِ / فِي الشَّوَارِعِ فِي الْمَفَارِقِ يَهْدُرُونَ / إِنِّي أَرَاهُمْ فِي الظَّلَامِ يَحَارِبُونَ / رَغَمَ انْكِسَارِ الضَّوِّءِ / فِي الْوَطَنِ الْمَكْبَلِ بِالْمَهَانَةِ / وَالِدَمَامَةِ... وَالْمَجُونِ / وَاللَّهِ إِنَّا عَائِدُونَ / أَكْفَانُنَا سَتُّصِيءُ يَوْمًا فِي رِحَابِ الْقُدْسِ / سَوْفَ تَعُوذُ تَقْتَحِمُ الْمَعَاوِلِ وَالْحُصُونِ (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

شهدا در این سروده، با مردم سرزمینشان همراه و هم‌أوا شده‌اند. در اطراف حصارهای بیروت غمگین، در خیابان‌ها و چهار راه‌ها سرازیر شده و همچون شیر غرآن، شجاعانه با نماد تاریکی و ستم در ستیزند، علی‌رغم شکست سپاه نور، همچنان برآند تا با وطن به زنجیر کشیده و خوار و خفیف شده، همدردی نموده و با عطوفت و مهربانی به مردم، نوید روشنایی و امید دهند. با این امید که ما با کفن‌های پرنور و درخشان باز خواهیم گشت و در صحن قدس، با لشگری از نور بر دژها و قلعه‌های مستحکم سپاه ظلم حمله‌ور خواهیم شد.

۳. خودمختار و فعال و مصمم

افراد خودشکوف، «خودمختار، مستقل و خودبسنده هستند. آنها در برابر فشارهای اجتماعی و فرهنگی برای فکر کردن یا رفتار کردن به شیوه‌ای خاص، مقاومت می‌کنند، آنها به‌جای محدودیت‌های جامعه، به‌وسیله ماهیت خودشان هدایت می‌شوند» (شولتز، ۱۳۹۴، ص ۴۰۵).

معنای دیگر خودمختاری عبارت است از: «داشتن قدرت تصمیم‌گیری و اداره خود؛ عاملی فعال، مسئول، منضبط، و مصمم بودن و نه مهره شطرنج بودن یا از روی درماندگی تابع دیگران بودن و به تعبیری، قوی بودن نه ضعیف بودن» (مزلو، ۱۳۶۹، ص ۲۲۶). فرد، دیگر، «برای عزت نفس به دیگران متکی نخواهد بود... این استقلال به آنها آرامش و صفای درونی نیز می‌دهد که کسانی که برای تأیید دیگران زندگی می‌کنند، از آنها بهره‌مند نیستند» (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۸). در صورت منطبق کردن خصوصیات ذکرشده با شهدا در ابیات ذیل، صفاتی همچون خودمختاری، استقلال، عزت نفس، اراده محکم و... مشهود است و با صفای باطنی خویش، و با اطمینان از عملکردشان، بازگشت خویش به سرزمین مادری خود را اعلام می‌دارند و برای مَهر تأیید، آیه‌ای از قرآن را که در راستای زنده بودن شهداست، تلاوت می‌کند:

شَهْدَاؤُنَا فِي كُلِّ شَيْءٍ يَصْرُحُونَ / يَا أَيُّهَا الْمُتَطَوُّونَ / كَيْفَ ارْتَضَيْتُمْ أَنْ يَنَامَ الذُّبُّ / فِي وَسْطِ الْقَطِيعِ وَتَأْمَنُونَ؟
 وَطَنٌ بَعْرَضِ الْكَوْنِ يُعْرَضُ فِي الْمُرَادِ / وَطَعْمَةُ الْجِرْدَانِ / فِي الْوَطَنِ الْجَرِيحِ يَتَأَجَّرُونَ / سَتُخَلِّصُ الْمَوْتَى مِنَ الْأَحْيَاءِ
 / مِنْ سَفَهِ الزَّمَانِ الْعَايِثِ الْمَجْنُونِ / وَاللَّهِ إِنَّا قَادِمُونَ... «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ» (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

شهدا در ابیات گذشته، از نظر تصمیم‌گیری، شخصیت‌هایی مستقل و پرجنب‌وجوش هستند و در میان آحاد مختلف ملت حضور دارند. گویا در همه عرصه‌های جهاد در راه خدا برای آزادسازی قدس و بیروت ناظرند و خود را پیکره‌ای از این مرز و بوم به حساب می‌آورند و در تصمیم‌گیری خود قاطع و مصمم هستند. گاه درصدد هستند که در معابد و مساجد برای دلگرمی مردم حضور یابند و در کنار آنان به نماز بایستند و یا در معابد به دعا و نیایش مشغول شوند گاه نیز برآنند تا بر رهبران منفعل و ریاکاری که براساس منافع خود، پیوسته تغییر موضع می‌دهند، نهبی بزنند تا شاید از اعمال خصمانه خود علیه امت رنج کشیده، دست بردارند و به خود آیند و بر سر سرزمین مجروح آنها، معامله نابرابر انجام ندهند و خودشان هم از این زمانه پست، ابراز ناراحتی می‌کنند. آنان مصمم هستند که حتماً مردم مظلوم را از دست سران نالایق نجات دهند و بارها در طول سروده، با تأکید بیان می‌کنند که باز خواهند گشت. درواقع ترجیح بند «وَاللَّهِ إِنَّا قَادِمُونَ... رَاجِعُونَ»، همین نکته‌ها را در سراسر سروده، تکرار و تأکید می‌کند و به‌عنوان هسته مرکزی تفکر و بینش انسانی شهدا، عمل می‌کند.

۴. مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری

از ویژگی‌های دیگر در افراد خودشکופا، «مقاومت در برابر فرهنگ‌پذیری است. آنها با فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند، نوعی جدایی درونی احساس می‌کنند. به اعتقاد مزلو، در جریان فرهنگ‌پذیری، افراد،

خلاقیت خود را از دست می‌دهند، اما افراد خودشکופا به دلیل اینکه هیچ‌گاه هم‌رنگ جماعت نمی‌شوند، فردیت و یگانگی خود را حفظ می‌کنند، آنها با کل فرهنگ موجود مخالف نیستند، بلکه با جنبه‌های ناسالم فرهنگ مخالفند (دارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹).

مزلو معتقد بود: آنها «کمتر فرهنگ‌پذیرفته، کمتر هم‌نوا و کمتر قالبی هستند» (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۱۰). ویژگی‌های برجسته‌ای که برای فرد خودشکופا بیان شد، در شخصیت شهید، در پاره‌ای از سروده، متبلور شده است؛ بدین‌گونه که در برابر سلطهٔ اشغال‌گران، مقاومت نموده و کورکورانه از سیاست و فرهنگ آنها، با وجود ظاهری آراسته و متعارف، تبعیت نمی‌کند. کسانی را که در مقابل آمریکا سر فرود می‌آورند و دلارهایش، چشم آنها را ربوده، تقبیح می‌کند و ایشان را با واژهٔ «أحیاء» فرا می‌خواند:

يَا أَيُّهَا الْأَحْيَاءُ مَاذَا تَفْعَلُونَ / فِي كُلِّ يَوْمٍ كَالْقَطِيعِ / عَلَى الْمَذَابِحِ تَصْلُبُونَ / تَتَنَزَّلُونَ عَلَى جَنَاحِ اللَّيْلِ / كَالْفِئْرَانِ
سِرًّا لِلذَّنَابِ تَهْرَوِلُونَ / وَأَمَامَ أَمْرِيكَ / تُقَامُ صَلَاتُكُمْ فَتَسْبِحُونَ / وَتَطُوفُ أَعْيُنُكُمْ عَلَى الدُّوَلَارِ / وَرُؤُوسُكُمْ تَحْتَ النَّعَالِ...
وَتَرَكَوْنُ (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

به‌هرحال، شهدا در این سروده، دارای چنین ویژگی‌هایی هستند و در جهت رهاسازی وطن در بند، با سردمداران و تاجران سودجوی عرب، مبارزه می‌کنند و برای تحقق همین هدف، با سخنان منطقی و کوبنده و با عواطف آتشین درصدد آشکار کردن تصمیمات خطرناک سران عرب، در به مزایده گذاشتن سرزمین دردمندشان هستند و آنان را همچون موش‌هایی فرض کرده‌اند که به‌دنبال گرگ‌هایی شبیه آمریکا هروله‌کنان می‌شتابند؛ در خفا دنباله‌رو آمریکا هستند و مرعوب دلارهای آنها شده‌اند؛ چنان‌خوار و ذلیل گشته‌اند که قبلهٔ خود را نیز گم کرده‌اند و رو به کاخ سفید، نماز می‌گزارند. شهدا، این ذلت و خفت سران را نپذیرفته‌اند، مقاوم و هوشمندانه برآند تا نقشه‌های آنان را برملا سازند. در عین حال، به آنها گوشزد می‌کنند که تسلیم، شایستهٔ آنان نیست.

۵. ساختار منشی دموکراتیک

مطابق نظر مزلو، «دریافت تمام افراد خودشکوفایی که او مورد بررسی قرار داد، از ارزش‌های آزادمشنانه برخوردار بودند. آنها می‌توانستند با دیگران، صرف‌نظر از طبقهٔ اجتماعی، رنگ پوست، سن یا جنسیت، صمیمی و با ملاحظه باشند... باین‌حال، آنها رفتار شرارت‌بار دیگران را به‌صورت منفعلانه تحمل نمی‌کنند، بلکه با افراد شرارت‌بار مبارزه می‌کنند (فیست و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۶۰۸-۶۰۹).

می‌توان براساس شاخص‌هایی که مزلو در این مورد از ویژگی‌های فرد خودشکوفای بیان کرده است، در خصوصیات اخلاقی شهدا، مشاهده کرد: شهدا با برخورداری از خوی آزادمشنانه، در برابر سوداگران سرزمین بیروت، که در حال معامله با طاغوتیان دیوانه‌صفت هستند، با پرسش‌های پی‌درپی، چنین نهیب می‌زنند:

شَهِدَاؤُنَا فِي كُلِّ شَيْبٍ يَصْرُخُونَ / بِيْرُوتُ تَسْبِخُ فِي الدِّمَاءِ وَفَوْقَهَا / الطَّاعُوتُ يَهْدُرُ فِي جُنُونٍ / بِيْرُوتُ تَسْأَلُكُمْ أَلَيْسَ
لِعَرَضِيًّا... حَقُّ عَلَيْكُمْ؟ أَيْنَ فَرَّ الرَّافِضُونَ؟ وَأَيْنَ غَابَ الْبَائِثُونَ؟ وَأَيْنَ رَاحَ... الْهَارِبُونَ؟ الصَّامِتُونَ... الْغَافِلُونَ... الْكَادِبُونَ...
صَمَتُوا جَمِيعًا / وَالرَّصَاصُ الْآنَ يَخْتَرِقُ الْعِيُونَ / فَإِنَّكُمْ فِي كُلِّ شَيْءٍ خَاسِرُونَ / لَنْ يَتَرَكَ الطُّوفَانُ شَيْئًا / كُلُّكُمْ... فِي
الْيَمِّ يَوْمًا غَارِقُونَ / تَجْرُونَ خَلْفَ الْمَوْتِ / لَنْ يَرْحَمَ التَّارِيخُ يَوْمًا / مَنْ يَفْرَطُ أَوْ يَخُونُ / كُفَّانَا يَتَرَنَحُونَ / فَوْقَ الْكِرَاسِيِّ
هَائِمُونَ / فِي نَشْوَةِ السُّلْطَانِ وَالطُّغْيَانِ / رَاخُو يَسْكُرُونَ (جویده، ۲۰۰۰، ص ۴۰-۴۳).

شخصیت شهدا در سروده فاروق، شخصیتی است که در برابر بی‌عدالتی‌ها و نابسامانی‌های جامعه ساکت نیست و سران عرب را مسئول بی‌عدالتی و نابسامانی در جامعه کنونی اعراب قلمداد می‌کند. رهبران عرب، با عناوینی مانند توطئه‌گران، فروشندگان وطن، فراری‌ها، سکوت‌کنندگان، غافلان، دروغ‌گویان، خسارت‌دیدگان... مورد خطاب قرار گرفته‌اند که بر فراز بیروت شناور در خون، جماعت اندک طاغوت، درحال جنون و دیوانگی فریاد برمی‌آورند همگی در برابر این خودکامگان سکوت، اختیار نموده‌اند. درحالی که گلوله، هم اکنون چشمان مظلوم را می‌دزد. با این وجود، استبداد و خودکامگی خودشان را به رخ ملت می‌کشند؛ چون زمانه، زمانه آنهاست، شهدا تنها کسانی هستند که در مقابل آنها قیام می‌کنند و سرنوشتشان را همچون فرعون زمان موسی ﷺ رقم می‌زنند و عاقبت، روزی در دریا، غرق خواهند شد. تاریخ بر خیانت‌کاران و کوتاهی‌کنندگان رحم نخواهد کرد و در پی آن، پیشگویان، در سرمستی و غرور، سرگردان خواهند شد.

در نهایت، شهدا سرنوشت مردم را چنین بیان می‌کنند: ملت ما، همگی آسوده خاطر به خواب فرو رفته‌اند و در سیاه‌چال‌های زندان، خمیازه می‌کشند و معلوم نیست چه زمانی از خواب غفلت برخیزند. شهدا غیرمستقیم، مردم در بندِ قدس و بیروت را افرادی کسل و نا کارآمد پنداشته‌اند که برای سرنوشت خویش، قیام نمی‌کنند.

ارزیابی نظریه مزلو از دیدگاه اسلام

با توجه به دیدگاه‌های مزلو در خصوص رشد و تکامل به سوی شکوفایی و کمال انسانی که بیان می‌شود:

مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی از جهان‌بینی و ایدئولوژی‌های خاص است که مقایسه آن با مطالب یک مکتب و جهان‌بینی دیگر، صحیح نیست. ولی اگر این مقایسه برای کشف همسویی یا تضاد دیدگاه‌ها باشد، سودمند است. به همین دلیل، به مقایسه برخی از نظریات انسان‌گرایان با آنچه در اسلام آمده، پرداخته شده. البته هدف، تطبیق نظریات اسلام با این دیدگاه نیست (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۹۷۷).

از جمله نکاتی که در این‌باره مطرح شده، عبارتند از:

از نظر اسلام، در نظریه مزلو نکات مثبتی در زمینه «نقش اراده و اختیار در رشد»، «نقش سرپرستی، فرهنگ و تفاوت‌های فردی و انعطاف‌پذیری شخصیت»، «وحدت شخصیت» وجود دارد و با وجود

این نقاط مثبت، موضوعات نظریهٔ انسان‌گرایی، همچنان در افق تنگ جهان‌بینی مادی باقی مانده و دربارهٔ طرح مسئلهٔ وحدت شخصیت از دیدگاه اسلامی به گونهٔ دیگری واقع شده است. مزلو می‌گوید: وقتی انسان تشنه است، همهٔ وجودش تشنه است، ولی دقیق‌تر آن است که گفته شود: هنگامی که انسان تشنه است، همهٔ ابعاد وجودی او برای برآوردن این نیاز، فعال شده با آن هماهنگ می‌شوند. هنگامی که فرد به‌کاری می‌پردازد، درحقیقت همهٔ ابعاد شناختی، انگیزشی و... به‌گونه‌ای، اگرچه موقت، با آن رفتار هماهنگ می‌شوند (بی‌ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۹۷۷-۹۷۹).

لازم به یادآوری است که دربارهٔ «انعطاف‌پذیری انسان و نیازهای شبه‌غربی» که مزلو مطرح کرده است، ضمن تأیید اجمالی آن باید گفت: «نیازهای اصیلی وجود دارد که انحراف از آنها ممکن است، اما محو کلی آنها ممکن نیست (همان، ص ۹۷۹).

نکتهٔ دیگر اینکه از دیدگاه مزلو، «نیازها سلسله‌مراتب دارند؛ نیازهای پایین‌تر، نیرومندترند و نیازهای عالی‌تر، ضعیف‌تر و به‌همین دلیل تا نیازهای پایین‌تر برآورده نشوند، نیازهای بالاتر مجال فعالیت نخواهند یافت. این مسئله، جای تأمل دارد و باید گفت: هرچند ممکن است سلسله‌مراتبی نظیر آنچه مزلو مطرح می‌کند، به‌وجود آید. ولی در این میان نقش نیروهای شناختی و اختیار را تقویت‌نیازی عالی نباید نادیده گرفت. به‌عبارت‌دیگر، انسان خود می‌تواند در تقویت یک نیاز دخالت داشته باشد و با تأمل در مورد ارزش آن و نقش آن در سعادت و کمالش، نیازهای عالی را تقویت کرده آنها را برگزیند» (ر.ک: همان، ص ۹۸۰).

نکتهٔ آخر در مورد نیاز، «تحقق خود»، به‌عنوان عالی‌ترین نیاز این است که «تحقق خود»، به‌معنای به فعلیت رسیدن هر آنچه فرد ظرفیت آن را دارد، عنوانی مبهم است و مصداق خاصی را تعیین نمی‌کند. درحالی‌که می‌توان یک جهت کلی و یک معنای عام برای عالی‌ترین نیاز بیان کرد. از دیدگاه اسلام، آنچه در انسان اهمیت بسیار دارد، نیروهای عظیم روانی و غیرمادی است که تجلی خویش را در این جهان نشان داده و با وسعت و ظهور بیشتر در جهان دیگر تجلی خواهد یافت. فداکاری‌ها و چگونگی سلوک مردان خدا و پیروان پامبران الهی در طول تاریخ، صحنه‌های بی‌نظیری از گزینش ابعاد اصیل انسانی را به نمایش گذاشته است» (همان).

بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی محتوا و مفاهیم سروده در این پژوهش، نتایج ذیل، استنباط می‌شود:

۱. *فاروق جویده*، آفرینندهٔ اثر، با استعداد هنری، ذوق وصف‌ناپذیر و احساسات میهن‌پرستی، شخصیتی‌هایی را با ویژگی‌های منحصربه‌فردی خلق کرده و خوانندهٔ سروده می‌تواند با خوانش جدیدی از دیدگاه روان‌شناختی، احوال روحی و نفسانی اشخاص اثر را بررسی کند.

۲. شهدا، در این سروده، نقش اصلی این صحنه را ایفا می‌کند، آنها به‌عنوان زیباترین نماد شجاعت و پایداری در رویارویی با اندیشهٔ سران ناآگاه عرب، در شمار تیپ شخصیتی افراد خودشکופا در دیدگاه مزلو با شاخصه‌های تمرکز بر مشکلات فراتر از خودشان، احساس همدردی، خودمختاری، مقاومت در برابر فرهنگ اثرپذیری و... جلوه‌گری می‌کنند.

۳. مطابق نظریهٔ مزلو، شخصیت‌هایی که ساختهٔ ذهن فاروق جویده می‌باشند، کاملاً تحت تأثیر فضاها پدید آمده در کشورهای عربی، به‌ویژه فلسطین و لبنان قرار دارند.

۴. براساس نظریهٔ مزلو، شخصیت‌های دوم (سران عرب) و سوم (مردم) سروده، افرادی ناخودشکופا متجلی شده‌اند که در رابطه با هرم سلسله‌مراتب نیازهای مزلو، تنها به نیازهای اولیه؛ یعنی نیازهای فیزیولوژیکی و سطح پایین (انگیزش نوع دوم) یا انگیزش D یا کمبود و محرومیت بسنده می‌کنند و برای ارضا کردن آنها تلاش می‌کنند و حاضرند هر کاری را برای به‌دست آوردن آن انجام دهند؛ چون به مزایده گذاشتن وطن، سرمستی و غفلت از سرنوشت سرزمین‌های اشغالی.

۵. شهدا برخلاف افراد ناخودشکופا، به‌عنوان شخصیت‌هایی کارآمد، با تفکر و اندیشه‌ای پویا، از نیازهای فیزیولوژیکی مزلو فراتر رفته‌اند و حتی بدون ارضای آن نیازها، به سطح بالا (فراانگیزش) یا انگیزش B یا هستی؛ یعنی خودشکوفایی دست یافته‌اند و خشنودی و تجربیات آنها، اوج بیشتری گرفته است.

شخصیت دوم سروده (سران عرب)، افرادی فرمانبردار و مجری اوامر غربی‌ها و شخصیت سوم سروده (مردم ستم‌دیده)، نیز چون گله‌های رام در میان گرگ‌ها رها شده‌اند. آنها افرادی غافل، کسل، بی‌مسئولیت و بی‌اراده در برابر سرنوشت آیندهٔ سرزمین خویش هستند.

منابع

- ال. پتری، هربرت، ۱۳۸۲، «آبراهام مزلو و شکوفایی»، ترجمه جمشید مطهری طشی، معرفت، ش ۶۹ ص ۴۹-۱۰۰.
- بخشایش، علیرضا، ۱۳۹۱، «بررسی تطبیقی نمودهای خودشکوفایی در قرآن و روان‌شناسی»، *الهیات تطبیقی*، ش ۸.
- بنی‌اسدی، حسن و حسین رشیدی‌نژاد، ۱۳۹۰، «فراتکبیرش‌ها و ویژگی‌های افراد خودشکופا در سرداران شهید استان کرمان»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۳، ص ۵-۲۲.
- بی‌ریا، ناصر و دیگران، ۱۳۷۵، *روان‌شناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی*، تهران و قم، سمت و دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
- جویده، فاروق، ۲۰۰۰، *دیوان*، قاهره، مرکز الأهرام.
- دارابی، جعفر، ۱۳۸۸، *نظریه‌های روان‌شناسی شخصیت (رویکرد مقایسه‌ای)*، تهران، آبیژ.
- رسول‌نیا، امیرحسین و سکیته محب‌خواه، ۱۳۹۶، «نگاهی سبک‌شناسانه به سروده «شهاداونا» فاروق جویده»، *جستارهایی در زبان و ادبیات عرب*، سال دوم، ش ۴.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *انسانایی یا نقد ادبی*، چ هشتم، تهران، سخن.
- شاملو، سعید، ۱۳۹۵، *مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت*، تهران، رشد.
- شمیسا، سیروس، ۱۳۸۳، *نقد ادبی*، چ چهارم، تهران، فردوس.
- شولتز، دوان پی و شولتز و سیدنی ال، ۱۳۹۴، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.
- عابدینی، یاسمین، ۱۳۸۳، «مقایسه ویژگی‌های انسان کامل از دیدگاه مزلو و دین اسلام»، *سروش اندیشه*، ش ۹.
- فدایی، مهدی، ۱۳۹۶، «اندیشمندان سبک زندگی؛ آبراهام مزلو (۱۹۰۸م)»، *طعم زندگی*، سال دوم، ش ۷.
- فرزاد، عبدالحسین، ۱۳۸۸، *درباره نقد ادبی*، چ پنجم، تهران، قطره.
- فضیلت، محمود، ۱۳۹۰، *اصول طبقه‌بندی نقد ادبی*، تهران، زوار.
- فیست، جیس و گریگوری جی فیست، ۱۳۸۸، *نظریه‌های شخصیت*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ چهارم، تهران، روان.
- کریمی، یوسف، ۱۳۹۱، *روان‌شناسی شخصیت*، تهران، ویرایش.
- کجباف، محمدباقر و طیبیه ایمانی، ۱۳۹۶، «امام علی (ع)؛ انسان کامل و خودشکופا»، در: *مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی علوم انسانی - اسلامی*.
- لان‌دین، رابرت ویلیام، ۱۳۹۲، *نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناسی (تاریخ و مکتب‌های روان‌شناسی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چ هفتم، تهران، ویرایش.
- مزلو، آبراهام، ۱۳۶۹، *انگیزش و شخصیت*، ترجمه احمد رضوانی، مشهد، آستان قدس رضوی.
- مندور، محمد، ۱۹۸۸م، *فی‌الادب والنقد*، قاهره، نهضة مصر.
- نبی‌لو، علیرضا و احمد آصف، ۱۳۹۳، «بررسی سلسله‌مراتب نیازهای مزلو در گلستان سعدی»، *متن‌شناسی ادب فارسی*، ش ۲۲.
- نیک‌صفت، ابراهیم، ۱۳۸۵، «روش، مبانی و نظریه انسان کامل در اسلام و انسان‌گرایی»، *پژوهش و حوزه*، ش ۲۵.

دینداری و تاب‌آوری؛ نقش واسطه‌ای امیدواری

rzeynabi59@gmail.com
mobinsalehi@yahoo.com

رقیه زینبی / کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
کیمین صالحی / استادیار مؤسسه آموزش عالی طلوع مهر، قم
دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۹ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۳

چکیده

این پژوهش، با هدف تعیین نقش واسطه‌ای امیدواری، در رابطه دینداری با تاب‌آوری انجام گردید. برای دستیابی به این هدف، در یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی، تعداد ۳۷۵ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، با استفاده از نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها، از مقیاس تاب‌آوری کونور و دیویدسون (CD-RIS-25)، پرسش‌نامه امیدواری اسنایدر و سنجش نگرش‌های مذهبی گلاک و استارک استفاده شد و داده‌های پژوهش، با استفاده از نرم‌افزار SPSS ۲۲ و AMOS ۲۲، از طریق آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندمتغیره و تحلیل مسیر، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها، نقش واسطه‌ای امیدواری را در ارتباط دینداری با تاب‌آوری تأیید کرد. همچنین نشان داد که بین امیدواری و تاب‌آوری، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. از سوی دیگر، دینداری و امیدواری و تمام ابعاد آن، رابطه مثبت و معناداری با هم دارند و براساس نتایج این پژوهش بین تاب‌آوری و دینداری و تمام ابعاد آن، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش میزان دینداری در افراد، تاب‌آوری در آنها افزایش پیدا می‌کند. براین‌اساس برای افزایش تاب‌آوری افراد از طریق دینداری، بهتر است از مؤلفه امیدواری، که در محتواهای دینی وجود دارد، بهره برد.

کلیدواژه‌ها: دینداری، تاب‌آوری، امیدواری، نقش واسطه‌ای.

با گسترش فناوری و پیشرفت‌های چشمگیر انسان در حوزه‌های گوناگون، و درگیر شدن روزافزون او با زندگی ماشینی، بیش از گذشته احساس نیاز به یافتن راهکار و شیوه‌های مقابله‌ای، با مشکلات و استرس‌هایی که بیشتر ارمغان تکنولوژی بوده است، در انسان ایجاد شده است. انسان می‌کوشد تا با کمترین آسیب ممکن، به حل مشکلات خود بپردازد. یکی از رویکردهای علمی که در دهه نود ۹۰ میلادی شروع به شکل گرفتن کرد، روان‌شناسی مثبت‌گرا بود. جنبش روان‌شناسی مثبت‌نگر در سال ۱۹۹۸، رسماً موجودیت خود را اعلان کرد. هدف روان‌شناسی مثبت‌نگر، اصلاح و تکمیل روان‌شناسی (آسیب‌شناسی محور) معاصر است (هفرن و بونیول، ۱۳۹۵، ص ۱۹). در روان‌شناسی مثبت‌گرا، مطالعه علمی کارکردهای بهینه و مطلوب انسانی است با این هدف از عواملی که به افراد، به صورت فردی و یا جمعی، کمک می‌کند تا به رشد و بالندگی برسند، شناخت بیشتری پیدا می‌کنیم و آنها را بهتر به کار می‌بندیم (مگیار - موئی، ۱۳۹۱، ص ۱۹). در این رویکرد، سعی شد به‌جای توجه به مشکلات و عوامل خطرزا، نابهنجاری‌ها و اختلالات روانی، بیشتر با تأکید بر توانایی‌ها و استعداد‌های انسان، راهکارها و شیوه‌هایی را به افراد پیشنهاد کند، تا بهتر بتوانند تأثیر عوامل استرس‌زا را کم کنند. روان‌شناسی مثبت‌گرا، مورد استقبال پژوهشگران حوزه‌های مختلف روان‌شناسی قرار گرفته است. از این میان، یکی سازه‌های مهم، که در روان‌شناسی مثبت‌گرا مطرح است، تاب‌آوری است. تاب‌آوری، جایگاه ویژه‌ای در حوزه‌های گوناگون برای افراد ایفا می‌کند. تاب‌آوری را می‌توان به بهبود، پایداری، و بازشکل‌دهی تقسیم کرد. بهبود، فقط به معنای بازگشت به سطح پایه کارکرد است؛ هنگامی که شخص هیچ نشانی از اختلال و آشفتگی (درماندگی اندک)، پس از رخداد آسیب‌زا نشان نمی‌دهد (هفرن و بونیول، ۱۳۹۵، ص ۱۶۳). افراد هنگامی که تجربه‌ها و عواطف منفی دارند، دید تونلی را تجربه می‌کنند که این دید غالباً به تفکر منفی بدبینانه منجر می‌شود. در مقابل، هیجان‌های مثبت چشم‌بندها را برمی‌دارد و به مردم اجازه می‌دهد تا احتمالات و امکانات بیشتری را ببینند و خوشبینانه‌تر فکر کنند. به این ترتیب، کسانی که هیجان‌های مثبت را تجربه می‌کنند، در اغلب موارد با ناملایمات و شداوند زندگی بهتر مقابله می‌کنند و تاب‌آورترند و تحملشان بیشتر است (مگیار - موئی، ۱۳۹۱، ص ۳۳). همه افراد که دچار آسیب یا تغییری ناخواسته در زندگی خود می‌شود، از یک واکنش یکسان استفاده نمی‌کنند. برخی افراد، در برابر عامل تنش‌آفرین تسلیم می‌شوند، گاهی تاب می‌آورند و یا بهبود پیدا می‌کنند، اما برخی به اصطلاح، رشد پس‌آسیبی می‌کنند. چه عاملی موجب سه عملکرد متفاوت در برابر یک حادثه مشابه در افراد می‌شود؟ در پژوهش‌های مختلف، عوامل مؤثر بر میزان تاب‌آوری مورد بررسی قرار گرفته است.

یکی از سازه‌های دیگری که در حوزه روان‌شناسی مثبت‌گرا مورد توجه قرار گرفته، دینداری است. اهمیت دین و دینداری برای افراد، در حفظ سلامت روان و پیشگیری از اختلالات، به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار در پژوهش‌های متعدد به اثبات رسیده است. برگین (۱۹۸۸)، معتقد بود: اکنون زمان آن رسیده است که بُعد معنویت را به ابعاد ساختاری رویکردهای درمانی بیفزاییم (سیفی گندمانی و همکاران، ۱۳۹۵). روان‌شناسان دین، دینداری را برحسب ابعادی از دینداری، که در زندگی انسان آشکار است، تعریف می‌کنند و در پژوهش‌های روان‌شناختی تلاش می‌کنند تا آن را توصیف و تبیین کنند و نیازی به تعریف حقیقی دینداری ندارند (نوذری، ۱۳۹۶، ص ۹). چنان این موضوع و سازه (دینداری)، مورد توجه متخصصان علوم رفتاری و روان‌شناسی قرار گرفته است که یک شاخه از روان‌شناسی را به نام خود اختصاص داده است. متخصصان بنام و بسیاری در حوزه روان‌شناسی دین، به تحقیق و پژوهش مشغول هستند. دینداری، نوعی مشارکت رسمی در فعالیت‌های مذهبی سازماندهی شده و خاص مانند نماز، تفکر و وابستگی به یک مکان عبادی می‌باشد (رونبرگ و دیگران، ۲۰۱۶). وولف، تعریف نسبتاً جامعی از روان‌شناسی دین ارائه کرده است:

روان‌شناسی دین به‌معنای دقیق کلمه عبارت است از: استفاده نظامدار از نظریه‌ها و روش‌های روان‌شناختی در زمینه محتوای سنت‌های دینی، تجارب، نگرش‌ها و رفتارهای مرتبط با آن سنت‌ها از سوی افراد (آذربایجانی، ۱۳۹۴، به نقل از: وولف، ۲۰۰۱، ص ۱۵).

بین میزان دینداری و میزان تاب‌آوری افراد، طبق پژوهش‌های انجام‌شده، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد. تاب‌آوری، معنویت و دینداری، با رضایتمندی از زندگی رابطه معناداری دارد (اعظمی و همکاران، ۱۳۹۱). فوتولاکسین و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند که باور به اینکه خدایی هست موقعیت‌ها را کنترل کند و ناظر بر بندگان است، تا حد زیادی، اضطراب مرتبط با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد؛ زیرا این افراد معتقدند: می‌توان با اتکا به خداوند، موقعیت‌های غیرقابل کنترل را تحت کنترل درآورد. برای بررسی رابطه دینداری و تاب‌آوری، جمشیدی سولکو و همکارانش (۱۳۹۲)، پژوهشی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که همه ابعاد دینداری، رابطه معناداری با تاب‌آوری دارد. با این حال، تنها ابعاد پیامدی و عاطفی، پیش‌بین معناداری برای تاب‌آوری بودند. در مجموع، دینداری می‌تواند موجب ارتقا تاب‌آوری می‌شود. همچنین، بین تعالی معنوی و تاب‌آوری رابطه مثبت وجود دارد (جمشیدی سولکو و همکاران، ۱۳۹۲).

یکی از متغیرهای مرتبط با سلامت روانی و جسمی، که در پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی مثبت‌گرا مورد توجه قرار گرفته است، امید و امیدواری است. امید؛ یعنی عزم برای دستیابی به هدف‌ها (عاملیت) و باور به اینکه مسیرهای بسیاری را می‌توان پدید آورد (هفرن و بونیول، ۱۳۹۵، ص ۱۵۳). /سانایدر (کار، ۱۳۸۵) امید را به‌عنوان

سازه‌های شامل دو مؤلفه مفهوم‌سازی کرده است: توانایی طراحی گذرگاه‌هایی به سوی هدف‌های مطلوب به‌رغم موانع موجود و کارگزار انگیزش برای استفاده از این گذرگاه‌ها.

در پژوهش‌های مربوط به ارتباط بین تاب‌آوری و امیدواری، ارتباط معنادار و مثبت این دو مؤلفه مهم وجود دارد و همچنین، میزان تاب‌آوری و امیدواری نه تنها، اثرگذار بر یکدیگر هستند، بلکه در ساحت‌های دیگر زندگی و سلامت روان و بهزیستی‌های روان‌شناختی افراد هم اثر می‌گذارند (بهداری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۰). این دو متغیر، برای همه افراد، بخصوص جوانان اهمیت فراوانی دارد. تأثیر آن حتی در پیشرفت‌های تحصیلی و علمی در تحقیقات نشان داده شده است (صالحی‌دوست و همکاران، ۱۳۹۲؛ محبی نورالدین‌وند و همکاران، ۱۳۹۳).

افراد دیندار طبق بررسی‌های مختلف، در حوزه علوم رفتاری و اجتماعی، امید بیشتری را تجربه می‌کنند. فرد دیندار، خود را سخت در حمایت و لطف همه‌جانبه خداوند، بزرگ‌ترین نیروی موجود می‌بیند. بدین‌ترتیب، احساس اطمینان، آرامش و لذت معنوی عمیقی به وی دست می‌دهد. چنین فردی به دلیل ناملایمات و ناکامی‌های زندگی، دچار ناامیدی و اضطراب نمی‌گردد؛ زیرا خداوند را حامی خویش می‌داند و اطمینان دارد که این حوادث و رویدادها گذرا هستند او پاداش صبر خود را خواهد گرفت (خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۴). دین و اعتقادات مذهبی، که از عوامل مهم و مؤثر در سلامت است، چهره جهان را در نظر فرد معتقد دگرگون می‌سازد و طرز تلقی او را از خود، خلقت و رویدادهای پیرامون تغییر می‌دهد (عسگری و همکاران، ۱۳۹۱). دینداری، همانند یک سازه چندبعدی، می‌تواند باورهای کلی و هسته‌ای را تحت تأثیر قرار دهد (پارک، ۲۰۱۲).

ناب (۲۰۱۰)، در پژوهشی ارتباط مثبت و معنادار علائم مثبت شخصیت افراد (نشاط، احساس خوشبختی و امید به آینده)، با میزان معنویت آنان به اثبات رساند و این تأثیرگذاری به‌صورت متقابل است؛ میزان امید هم در دینداری مؤثر است. چنان‌که کندی (۲۰۱۰) می‌گوید: امید سبب برقراری رابطه عاطفی فرد با خدای خود، خانواده، و دوستان می‌شود و فرد امیدوار به‌خوبی می‌تواند در مقابل سد هولناک اضطراب درونی خود، استادگی و کم‌کم بر آن غلبه کند و از آثار منفی و عواقب مضر آن بکاهد یا مصون بماند. به‌عبارت دیگر، دینداری و معنویت، به فرد امید بیشتری داده، فرد امیدوار با تکیه بر باورهای دینی، تاب‌آوری بیشتری در مقابل مشکلات اضطراب‌زا کسب می‌کنند. کارتر و همکاران (۲۰۱۲)، باورهای مذهبی را مرتبط با پنج عامل بزرگ شخصیت دانسته‌اند و معتقدند: تعهد مذهبی، بر جهت‌گیری آینده در زندگی فردی و به‌عبارت دیگر، امید، مؤثر است.

سلیگمن (۲۰۱۱، ص ۲۰۳) برای پاسخ به این تصور، که مذهب موجب امید و خوش‌بینی می‌شود و تاب‌آوری، افراد را در مقابله با مشکلاتی مانند افسردگی بالا می‌برد، طی پژوهشی که در دانشگاه پنسیلوانیا انجام داد، تفاوت

میزان امیدواری را در ادیان مختلف بررسی کرد. در نتیجه، با توجه به نتایج پژوهش سلیگمن و پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی در این زمینه، ارتباط دینداری با تاب‌آوری تأیید شده است و همچنین، معناداری ارتباط امیدواری با دینداری. افراد دیندار، به دلیل امید و اعتمادی که به خداوند و امدادهای الهی دارند، در شرایطی که متغیرها به روشنی قابل پیش‌بینی عینی نیستند، براساس این تجربه‌ها (اعتماد در عرصه‌های مختلف زندگی به قدرت الهی)، فرد به پیش‌بینی خوشبینانه در آینده می‌پردازد (جان‌بزرگی و غروی، ۱۳۹۵، ص ۲۳۴).

با وجود اینکه در پژوهش‌ها، به ارتباط تاب‌آوری با امید، دینداری با امید، و تاب‌آوری با دینداری پرداخته شده است، ولی این سه متغیر و سازه مهم حوزه روان‌شناسی مثبت‌گرا، با هم مورد بررسی جامع و دقیقی قرار نگرفته‌اند. آیا می‌تواند متغیر امیدواری در تأثیرگذاری، میزان تاب‌آوری افراد دیندار تأثیرگذار باشد؟ این پژوهش تلاش دارد تا اثر دینداری افراد را بر میزان تاب‌آوری آنان، با توجه به نقش واسطه‌ای امیدواری، مورد بررسی قرار دهد.

روش پژوهش

این پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. نمونه‌گیری آن، تصادفی در دسترس است. جامعه این پژوهش، کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم (حدود ۱۰ هزار نفر) مشغول به تحصیل در سال ۱۳۹۷ بود. با توجه به نوع این پژوهش و حجم جامعه موردنظر، براساس جدول کرجسی - مورگان، تعداد نمونه ۳۷۳ نفر است. اما از آنجاکه نمونه بزرگ‌تر، بیشتر معرف جامعه است، در بین ۴۵۰ فراز دانشجویان پرسش‌نامه‌ها توزیع شد، که حاصل آن در نهایت، ۳۷۵ عدد پرسش‌نامه‌های بازگشتی بود.

ابزار پژوهش

برای جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز این پژوهش، از سه پرسش‌نامه استفاده گردید.

پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (CD-RISC)

این پرسش‌نامه را کونور و دیویدسون (۲۰۰۳)، با مرور منابع پژوهشی ۱۹۷۹-۱۹۹۱، حوزه تاب‌آوری تهیه کردند. بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این مقیاس در ۶ گروه، جمعیت عمومی، مراجعه‌کنندگان به بخش مراقبت‌های اولیه، بیماران سرپایی روان‌پزشکی، بیماران با مشکل اختلال اضطراب فراگیر و دو گروه از بیماران استرس، پس از صحت‌انجام شده است. تهیه‌کنندگان این مقیاس، بر این باورند که این پرسش‌نامه، به‌خوبی قادر به تفکیک افراد تاب‌آور از غیرتاب‌آور، در گروه‌های بالینی و غیربالینی بوده، و می‌تواند در موقعیت‌های پژوهشی و بالینی مورد استفاده قرار گیرد. پرسش‌نامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون، در یک مقیاس لیکرتی نمره‌گذاری می‌شود. کونور و دیویدسون، ضریب کرونباخ مقیاس تاب‌آوری را ۰/۸۹ گزارش کرده‌اند. همچنین، ضریب پایایی حاصل از روش بازآزمایی، در یک فاصله ۴ هفته‌ای ۰/۸۷ بوده است.

پرسش‌نامه سنجش نگرش‌های مذهبی

پرسش‌نامه سنجش نگرش‌های مذهبی مسلمانان، توسط سراج‌زاده و براساس مدل گلاک و ستارک، با اسلام به‌ویژه اسلام شیعی تطبیق داده و متناسب شده است. این پرسش‌نامه دارای ۲۶ عبارت است که چهار بُعد (زیرمقیاس)، دینداری را می‌سنجد.

۱. بُعد اعتقادی: باورهایی که انتظار می‌رود پیروان آن دین، به آنها معتقد باشند (مانند: روز قیامت).
۲. بُعد تجربه‌ای یا عواطف دینی: ناظر بر عواطف، تصورات و احساسات مربوط به داشتن رابطه با خداست.
۳. بُعد پیامدی: تأثیر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان آن دین است (مانند: حجاب).

۴. بُعد مناسکی: اعمال دینی مشخصی مانند عبادات و نماز، شرکت در آئین‌های دینی خاص، روزه گرفتن و... است که انتظار می‌رود پیروان هر دین، آنها را بجا آورند (مانند: نماز).

کلیه عبارات پرسش‌نامه در طول یک طیف پنج درجه لیکرت، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف ارزش‌گذاری شده‌اند.

سراج‌زاده، روایی صوری این پرسش‌نامه و نمره ارزیابی آن را از طریق ضریب همبستگی پیرسون $0/61$ گزارش داد. این میزان به‌عنوان روایی بیرونی در نظر گرفته شد. پایایی کل این آزمون، به روش تنصیف و آلفای کرونباخ به ترتیب، $0/75$ و $0/78$ و اعتبار آن، $0/45$ (از طریق سنجش همبستگی، ارتباط بین نمرات این پرسش‌نامه و خودگزارش دهی افراد از میزان دینداری خود) برآورد شد ($p < 0/001$). لازم به یادآوری است که پایایی و اعتبار همه ابعاد نیز معنادار ($p < 0/001$) و در سطح رضایت‌بخش بود.

پرسش‌نامه امیدواری اسنایدر

مقیاس امید اسنایدر، مقیاسی است که امید فرد را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی نسبتاً ثابت ارزیابی می‌کند و با تعدیل نمونه اولیه، در نهایت ۱۴ ماده‌ای که همبستگی بالایی داشتند، باقی ماند. از بین این مواد، ۴ ماده که بیشترین رابطه را با تفکر عاملی و ۴ ماده دیگر، که بیشترین ارتباط را با راهبردها داشتند، جدا و محاسبه شد. موارد درونی هر عامل همبستگی، بین $0/38$ - $0/75$ را نشان داد. اسنایدر و همکاران، با استفاده از این ۸ عبارت و ۴ عبارت دیگر، که در حکم پرکننده هستند، مقیاس امید را ساختند. این آزمون، متشکل از ۱۲ گویه و ۲ زیرمقیاس تفکر عاملی و راهبردهاست. آزمودنی، باید در یک مقیاس لیکرت ۸ درجه‌ای - از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف - میزان موافقت یا مخالفت خود را با هریک از عبارات، مشخص سازد. دامنه نمرات این آزمون، بین ۸ تا ۶۴ است.

شیوه تحلیل داده‌ها

پس از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، پرسش‌نامه‌های غیرقابل استناد جدا گردید. در نهایت، اطلاعات ۳۷۵ پرسش‌نامه باقیمانده به نرم‌افزار spss22 وارد شد. پس از انجام مراحل مقدماتی، از جمله اصلاح خطاهای در هنگام ورود اطلاعات، مرتب‌سازی داده‌ها و ساخت متغیرها، داده‌ها برای انجام تحلیل‌های آماری آماده گردید. تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام گرفت. در سطح آمار توصیفی، از میانگین، انحراف معیار، جداول فراوانی و نمودارهای مناسب استفاده شد. در سطح آمار استنباطی، برای بررسی فرضیه‌های تحقیق، از آزمون همبستگی پیرسون (جهت بررسی رابطه بین متغیرها)، رگرسیون خطی (برای بررسی پیش‌بینی‌کنندگی متغیرها) و روش تحلیل مسیر (برای بررسی نقش متغیر میانجی) استفاده گردید. لازم به یادآوری است که کلیه تحلیل‌های آمار توصیفی و آزمون‌های همبستگی پیرسون و رگرسیون، با بهره‌گیری از نرم‌افزار spss22 و بررسی فرضیه اصلی، از طریق روش تحلیل مسیر، با استفاده از نرم‌افزار Amos22 انجام گردید. یافته‌های این پژوهش عبارت است از اینکه، امیدواری نقش واسطه‌ای در رابطه میان دینداری و تاب‌آوری است. همچنین، دینداری، پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری است و دینداری پیش‌بینی‌کننده امیدواری است، امیدواری هم پیش‌بینی‌کننده تاب‌آوری است.

یافته‌های پژوهش

برای پاسخ‌گویی به این سؤال که آیا امیدواری، نقش واسطه‌ای در ارتباط دینداری و تاب‌آوری دارد؟ از ۳۷۵ نفر دانشجو نمونه‌گیری انجام گرفت. ۶۵/۳ درصد مرد و ۳۴/۷ درصد زن بودند. ۶۸/۸ درصد دانشجوی کارشناسی بودند و ۳۱/۲ درصد دانشجوی کارشناسی ارشد. دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی، ۴۸/۸ درصد، دانشجویان رشته‌های علوم انسانی، ۴۴/۵ درصد و دانشجویان رشته‌های پزشکی، ۶/۷ درصد از گروه نمونه را تشکیل می‌دادند، ۴۲/۴ درصد از افراد گروه نمونه، متأهل و ۵۷/۶ درصد مجرد بودند. ۴۵/۱ درصد از افراد گروه نمونه، شاغل و ۵۴/۹ درصد غیرشاغل هستند.

جدول ۱: میانگین و انحراف استاندارد امیدواری و زیرمقیاس‌های آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	t
امیدواری	۵۲/۲۹	۷/۲۷	۱۸	۶۴	۶۴/۶۴**
عاملیت	۲۵/۶۰	۴/۴۸	۴	۳۳	۵۱/۳۶**
راهبردها	۲۶/۳۸	۳/۶۶	۱۳	۳۳	۶۵/۴۶**

معناداری در سطح ۰/۹۹

همان‌گونه که در جدول (۱) مشاهده می‌شود میانگین امیدواری در گروه نمونه، برابر ۵۲/۲۹ است. همچنین، میانگین زیرمقیاس عاملیت در گروه نمونه، برابر ۲۵/۶۰ و زیرمقیاس راهبردهای ۲۶/۳۸ می‌باشد. نتایج آزمون t

تک‌متغیره، با در نظر گرفتن حد وسط جامعه، در نمرات پرسش‌نامه امیدواری؛ یعنی مقدار ۳۰ برای نمره کل و ۱۴ برای زیرمقیاس‌ها، نشان داد که نمرات گروه نمونه، در امیدواری و زیرمقیاس‌های آن، به صورت معناداری بالاتر از میانگین جامعه است.

جدول ۲: میانگین و انحراف استاندارد دینداری و ابعاد آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	T
دینداری	۷۳/۷۱	۱۵/۶۱	۲۵	۱۳۶	۲۶/۰۸**
اعتقادی	۳۳/۶۹	۵/۱۰	۷	۴۹	۳۶/۵۵**
تجربه‌ای	۱۹/۳۴	۴/۵۰	۵	۶۴	۳۰/۲۳**
پیامدی	۱۳/۲۲	۴/۹۸	۰	۲۴	۴/۴۰**
مناسکی	۱۷/۲۶	۷/۳۳	۰	۶۸	۸/۶۶**

***معناداری در سطح ۰/۹۹

براساس جدول (۲)، نمره کلی دینداری، برابر ۷۳/۷۱ است. میانگین زیر بعد اعتقادی دینداری، برابر ۲۳/۶۹، بعد تجربه‌ای برابر ۱۹/۳۴، پیامدی، برابر ۱۳/۲۲ و بعد مناسکی، برابر ۱۷/۲۶ می‌باشد. نتایج آزمون t تک‌متغیره، با در نظر گرفتن حد وسط جامعه، در نمرات پرسش‌نامه دینداری؛ یعنی مقدار ۵۲ برای نمره کلی و ۱۴ و ۱۲ برای ابعاد آن، نشان داد که نمرات گروه نمونه در دینداری و ابعاد آن، به صورت معناداری بالاتر از میانگین جامعه است.

جدول ۳: میانگین و انحراف استاندارد تاب‌آوری و زیرمقیاس‌های آن

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین	t
تاب‌آوری	۶۰/۸۸	۱۷/۵۷	۸	۱۰۱	۱۱/۵۱**
تصور از شایستگی‌های فردی	۱۹/۶۱	۶/۳۷	۰	۰	۱۰/۸۴**
اعتماد به غرایز فردی	۱۶/۱۶	۵/۳۸	۱	۱	۲۲/۷**
پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن	۱۲/۲۹	۴/۰۶	۱	۱	۱۰/۸۴**
کنترل	۷/۳۳	۲/۸۲	۰	۰	۹/۰۸**
تأثیرات معنوی	۵/۴۷	۲/۱۱	۰	۰	۱۳/۳۲**

***معناداری در سطح ۰/۹۹

براساس جدول (۳)، تاب‌آوری، دارای میانگین ۶۰/۸۸ می‌باشد. همچنین، میانگین زیرمقیاس تصور از شایستگی‌های فردی، برابر ۱۹/۶۱، اعتماد به غرایز فردی، برابر ۱۶/۱۶، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، برابر ۱۲/۲۹، کنترل، برابر ۷/۳۳ و زیرمقیاس تأثیرات معنوی، دارای میانگین ۵/۴۷ می‌باشد.

نتایج آزمون t تک‌متغیره، با در نظر گرفتن حد وسط جامعه در نمرات تاب‌آوری؛ یعنی مقدار ۵۰ برای نمره کلی تاب‌آوری و ۱۶، ۱۴، ۱۰، ۶ و ۴ به ترتیب برای زیرمقیاس‌ها نشان داد که نمرات افراد گروه نمونه، در تاب‌آوری و زیرمقیاس‌های آن، به صورت معناداری بالاتر از میانگین جامعه می‌باشد.

جدول ۵: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان متغیر دینداری جهت پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
دینداری	۰/۳۱	۰/۰۹	۰/۳۷	۰/۰۶	۰/۳۱	۰/۹۳	۰/۰۰۰	۱/۵۸	۰/۴۲	۱/۵۵

یکی از پیش‌فرض‌های رگرسیون، ردّ هم‌خطی چندگانه است. براساس نتایج بالا، نمرات تحمل یا VIF از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی ردّ می‌شود.

یکی از مفروضات دیگری که در رگرسیون مدنظر قرار می‌گیرد، استقلال خطاها (تفاوت بین مقادیر واقعی و مقادیر پیش‌بینی‌شده توسط معادله رگرسیون)، از یکدیگر است. در صورتی که فرضیه استقلال خطاها ردّ شود و خطاها با یکدیگر همبستگی داشته باشد، امکان استفاده از رگرسیون وجود ندارد. برای بررسی استقلال خطاها، از آزمون دوربین واتسون استفاده می‌شود. با توجه به اینکه، مقدار آماره دوربین واتسون در این تحلیل، با توجه به جدول فوق، در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، استقلال خطاها را نتیجه می‌گیریم. با توجه به شاخص‌هایی که عنوان شد، مدل از کفایت لازم برخوردار است.

نتایج تحلیل رگرسیون، به روش ورود همزمان نشان می‌دهد که متغیر دینداری، با بتای ۰/۳۱، ۹ درصد از واریانس تاب‌آوری را پیش‌بینی می‌کند.

جدول ۶: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان زیر ابعاد متغیر دینداری جهت پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
بعد اعتقادی	۰/۳۵	۰/۱۲	۰/۷۸	۰/۲۵	۰/۲۱	۰/۰۵	۰/۰۰۲	۱/۶۴	۰/۵۷	۱/۷۵
بعد تجربه‌ای			۰/۳۷	۰/۳۳	۰/۰۷	۱/۱۴	۰/۲۵		۰/۵۹	۱/۶۸
بعد پیامدی			۰/۵۰	۰/۳۲	۰/۱۳	۲/۲۸	۰/۰۲		۰/۷۳	۱/۳۵
بعد مناسکی			۰/۰۰۸	۰/۱۳	۰/۰۰۳	۰/۰۵	۰/۹۵		۰/۸۷	۱/۱۴

همچنین، برای پیش‌بینی تاب‌آوری از روی ابعاد دینداری، تحلیل رگرسیون انجام شد. برای بررسی پیش‌فرض ردّ هم‌خطی چندگانه نتایج نشان داد که نمرات تحمل یا VIF، از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی ردّ می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون در این تحلیل، با توجه به جدول فوق در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. در نتیجه، استقلال خطاها را نتیجه می‌گیریم. بنابراین، مدل از کفایت لازم برخوردار است.

نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد اعتقادی، با بتای ۰/۲۱ و بعد پیامدی، با بتای ۰/۱۳ قابلیت پیش‌بینی تاب‌آوری را دارند. این دو بعد، در مجموع به مقدار ۱۲ درصد از واریانس تاب‌آوری را تبیین می‌کند.

جدول ۷: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان متغیر دینداری جهت پیش‌بینی امیدواری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
دینداری	۰/۳۴	۰/۰۶	۰/۱۱	۰/۰۲	۰/۳۴	۴/۸۱	۰/۰۰۰	۱/۷۱	0/35	1/96

نتایج تحلیل رگرسیون، به روش ورود همزمان نشان می‌دهد که متغیر دینداری، با بتای ۰/۳۴، می‌تواند ۶ درصد از واریانس امیدواری را پیش‌بینی کند. براساس نتایج بالا، نمرات تحمل یا VIF از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی رد می‌شود. مقدار آماره دوربین واتسون، در این تحلیل نیز با توجه به جدول فوق، در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. در نتیجه، استقلال خطاها را نتیجه می‌گیریم. بنابراین، مدل از کفایت لازم برخوردار است.

جدول ۸: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان ابعاد متغیر دینداری جهت پیش‌بینی امیدواری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
بعد اعتقادی	۰/۳۹	۰/۰۸	-۰/۱۷	۰/۰۸	۰/۱۱	۱/۹۴	۰/۰۵	۱/۷۵	0/72	1/39
بعد تجربه‌ای			۰/۳۳	۰/۱۰	۰/۲۰	۳/۲۵	۰/۰۰۱		0/69	1/44
بعد پیامدی			-۰/۱۲	۰/۰۸	-۰/۰۸	۱/۳۸	۰/۱۶		0/73	1/36
بعد مناسکی				۰/۱۱	۰/۱۱	۲	۰/۰۴		0/86	1/15

همچنین، برای پیش‌بینی تاب‌آوری از روی ابعاد دینداری، تحلیل رگرسیون دیگری انجام شد. براساس نتایج بالا، نمرات تحمل یا VIF از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی رد می‌شود. همچنین، میزان آماره دوربین واتسون در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که بعد تجربه‌ای، با بتای ۰/۳۰ و بعد مناسکی، با بتای ۰/۱۱ قابلیت پیش‌بینی تاب‌آوری را دارند. این دو بعد، در مجموع به مقدار ۸ درصد از واریانس امیدواری را تبیین می‌کند.

جدول ۹: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان متغیر امیدواری جهت پیش‌بینی تاب‌آوری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
امیدواری	۰/۴۵	۰/۲۰	۱/۰۸	۰/۱۱	۰/۴۵	۹/۴۶	۰/۰۰۰	۱/۵۹	0/65	1/59

نتایج تحلیل رگرسیون، به روش ورود همزمان نشان می‌دهد که متغیر امیدواری، با بتای ۰/۴۵ می‌تواند ۲۰ درصد از واریانس امیدواری را پیش‌بینی کند. مقدار آماره دوربین واتسون، در این تحلیل نیز با توجه به جدول فوق، در

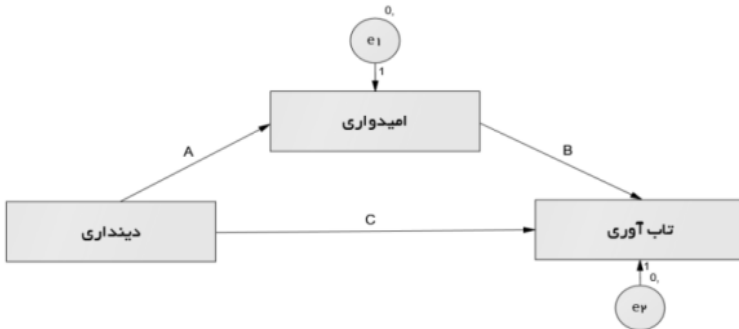
فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد. در نتیجه، استقلال خطاها را نتیجه می‌گیریم. بنابراین، مدل از کفایت لازم برخوردار است. همچنین، نمرات تحمل یا VIF از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی رد می‌شود.

جدول ۱۰: نتایج تحلیل رگرسیون همزمان ابعاد متغیر دینداری جهت پیش‌بینی امیدواری دانشجویان

متغیر پیش‌بین	R	R2	B	خطای استاندارد	Beta	T	سطح معناداری	دوربین واتسون	تولرانس	VIF
عاملیت	۰/۴۶	۰/۲۱	۱/۳۵	۰/۲۳	۰/۳۵	۵/۸۹	۰/۰۰۰	۱/۵۸	۰/۶۵	۱/۵۳
راهبردها			۰/۷۴	۰/۲۸	۰/۱۵	۲/۶۲	۰/۰۰۹		۰/۶۵	۱/۵۳

همچنین، برای پیش‌بینی تاب‌آوری از روی زیرمقیاس‌های امیدواری از تحلیل رگرسیون، به روش همزمان استفاده شده است. با توجه به اینکه مقدار آماره دوربین واتسون در این تحلیل، با توجه به جدول فوق، در فاصله استاندارد ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد، در مدل از کفایت لازم برخوردار است. براساس نتایج بالا، نمرات تحمل یا VIF از مقادیر مناسبی برخوردار است. لذا فرض هم‌خطی رد می‌شود. نتایج تحلیل رگرسیون، نشان داد که زیرمقیاس عاملیت امیدواری، با بتای ۰/۳۵ زیرمقیاس راهبردها، با بتای ۰/۱۵ قابلیت پیش‌بینی تاب‌آوری را دارند. این دو بعد، در مجموع به مقدار ۲۱ درصد از واریانس تاب‌آوری را تبیین می‌کند.

نمودار ۱: مدل مفهومی واسطه‌گری امیدواری



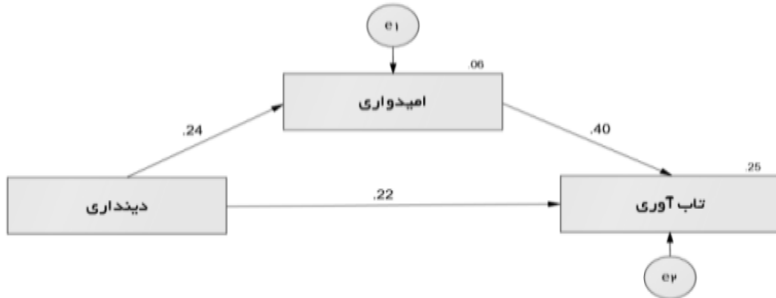
برای بررسی میانجی‌گری، براساس مدل بارون و کئی (۱۹۸۶)، سه مرحله لازم است و باید در هر سه مرحله، وزن‌های رگرسیونی معنادار باشند.

۱. پیش‌بینی متغیر وابسته اصلی (تاب‌آوری)، براساس متغیر مستقل اصلی (دینداری) (مسیر مستقیم)؛
۲. پیش‌بینی متغیر میانجی (امیدواری)، براساس متغیر مستقل اصلی (دینداری) (مسیر غیرمستقیم)؛
۳. پیش‌بینی متغیر وابسته اصلی (تاب‌آوری)، براساس متغیرهای مستقل اصلی (دینداری) و میانجی (امیدواری)، به‌طور همزمان (مدل میانجی).

دینداری و تاب‌آوری؛ نقش واسطه‌ای امیدواری \diamond ۱۴۳

در مرحله سوم، اگر مسیر مستقیم متغیرمستقل اصلی (دینداری)، به متغیر وابسته اصلی (تاب‌آوری)، همچنان معنادار باشد؛ یعنی متغیر مستقل به‌طور همزمان، از هر دو مسیر مستقیم و غیرمستقیم، بر متغیر وابسته تأثیر می‌گذارد و میانجی‌گری جزئی است. اما اگر با حضور متغیر میانجی در مدل، مسیر مستقیم معنادار نبود؛ به این معناست که مسیر غیرمستقیم، تمام تأثیر مسیر مستقیم را به خود جذب کرده و متغیر میانجی، به‌طور کامل میانجی‌گری می‌کند. اجرای مراحل سه‌گانه، معمولاً از طریق انجام سه رگرسیون در SPSS یا تحلیل مسیر در Amos یا Lisrel انجام می‌شود. شاخص‌های برازش، عبارتند از: بالاتر بودن شاخص پردازش مقایسه‌ای (CFI) از ۰/۹۵، و همچنین، مساوی یا کوچک‌تر بودن از ۰/۰۸ بودن ریشه دوم میانگین مجذورات خطای تقریب (RMSEA).

نمودار ۲: مدل میانجی‌گری امیدواری



جدول ۱۱: ضرایب استاندارد و معناداری مسیرها در مدل میانجی‌گری امیدواری در رابطه دینداری و تاب‌آوری

مرحله اول)			مرحله دوم)			مرحله سوم)		
مدل اثر مستقیم			مدل اثر غیرمستقیم ۱			مدل میانجی‌گری		
مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری	مسیر	ضریب استاندارد	معناداری
A	۰/۰۰۰	----	A	۰/۲۴۶	***	A	۰/۲۴۴	***
B	۰/۰۰۰	----	B	۰/۴۵۲	***	B	۰/۴۰۱	***
C	۰/۳۱۸	***	C	۰/۰۰۰	----	C	۰/۲۲۰	***

مسیر A: مسیر دینداری به امیدواری $p < .001$ ***

مسیر B: مسیر امیدواری به تاب‌آوری

مسیر C: مسیر دینداری به تاب‌آوری

همان‌گونه که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود، امیدواری رابطه دینداری و تاب‌آوری را به‌صورت جزئی همان‌گونه که در جدول (۱۱) مشاهده می‌شود، امیدواری رابطه دینداری و تاب‌آوری را به‌صورت جزئی (۰/۲۴۰*۰/۴۰۱=۰/۰۹۶) میانجی‌گری می‌کند. در نمودار (۲) میانجی‌گری نشان داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، برای بررسی رابطه دینداری با تاب‌آوری، با توجه به نقش واسطه‌ای امیدواری انجام گرفت. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، فرضیه اصلی پژوهش؛ مبتنی بر تأثیر دینداری بر تاب‌آوری، با توجه به نقش واسطه‌ای امیدواری تأیید شد. همچنین، ارتباط مثبت دینداری با تاب‌آوری در این پژوهش، به اثبات رسید. همان‌گونه که فوتولاکسین و همکاران (۲۰۰۸) بیان می‌کنند، باور به اینکه خدایی هست که موقعیت‌ها را کنترل می‌کند و ناظر بر بندگان است، تا حد زیادی، اضطراب مرتب با موقعیت‌ها را کاهش می‌دهد؛ زیرا این افراد معتقدند: می‌توان با اتکاء به خداوند، موقعیت‌های غیرقابل کنترل را تحت کنترل درآورد. نتیجه این پژوهش، با پژوهش‌های هاشمی و جوکار (۱۳۹۰)، حسینی قمی و سلیمی بجستانی (۱۳۹۰)، سلیمانی خشاب و همکاران (۱۳۹۱)، اکبری (۱۳۹۱)، تقی‌زاده و میرعلائی (۱۳۹۲)، جمشیدی سولکو و همکاران (۱۳۹۲)، بهزادپور و همکاران (۱۳۹۴) و واهیا و همکاران (۲۰۱۱)، همسو بود. همه این پژوهش‌ها، نشان دادند که افراد با دینداری بیشتر، میزان تاب‌آوری بالاتری دارند و باورهای دینی، میزان صبر را در افراد تقویت می‌کند. اثربخشی دینداری در بالا بردن توان بیماران خاص، در پژوهش‌های گوناگون به اثبات رسیده است برای مثال، در پژوهشی اثربخشی معنویت درمانی گروهی، بر تاب‌آوری زنان مبتلا به مالتیپل اسکروزیس (ام اس) نشان داد که معنویت درمانی به شیوه گروهی میزان تاب‌آوری مبتلایان به ام اس را در مقایسه با گروه گواه افزایش می‌دهد و معنویت درمانی گروهی، به‌طور چشمگیری در افزایش تاب‌آوری مؤثر است (تقی‌زاده و میرعلائی، ۱۳۹۲).

یافته دیگر پژوهش، نشان داد که دینداری افراد با امیدواری آنان همراه است. در همه ادیان الهی، بخصوص اسلام بر اهمیت امیدواری تأکید شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَا يَأْسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» (یوسف: ۸۷)؛ از رحمت خدا به غیر از مردمی که کافرند، مأیوس نمی‌گردند. کسانی که خود را مذهبی می‌دانند، در مقایسه با افرادی که خود را مذهبی نمی‌دانند، امتیازات امید بالاتری دارند (افشانی و جعفری، ۱۳۹۵). معنویت، بعدی از انسان است که ارتباط و یکپارچگی او را در عالم هستی نشان می‌دهد و ارتباط و یکپارچگی به انسان، امید و معنا می‌دهد و او را از محدوده زمان و مکان و علایق مادی فراتر می‌برد (تقی‌زاده و میرعلائی، ۱۳۹۲). این نتایج، همسو با یافته‌های پژوهش‌های کندی (۲۰۱۰)، بناب (۲۰۱۰)، بالجانی و همکاران (۱۳۹۰)، مرحمتی و خرمایی (۱۳۹۵)، افشانی و جعفری (۱۳۹۵)، و خواجه نوری و همکاران (۱۳۹۴) بود.

یافته دیگر این پژوهش، نشان داد که داشتن امید بر میزان تاب‌آوری افراد، اثر مستقیم دارد. فتنچر (۲۰۱۹) به بررسی دیدگاه مثبت در ایجاد تاب‌آوری، در مواجهه با مشکلات پرداخت. او تلاش می‌کرد به این سؤال پاسخ دهد که آیا دیدگاه مثبت، می‌تواند یک عیب در شرایط بحران باشد، یا خیر؟ نتایج حاصله نشان داد جوانان امیدوار، که

میزان امیدواری بیشتری داشتند، قدرت تاب‌آوری بیشتری از خود نشان دادند. نتیجه حاصله از این پژوهش، همسو با پژوهش صالحی (۱۳۹۵)، صالحی و همکاران (۱۳۹۵)، بهادری خسروشاهی و همکاران (۱۳۹۰)، و محبی نورالدین‌وند و همکارانش (۱۳۹۳) بود. امید، به ما انعطاف‌پذیری، نشاط و توانایی خلاصی از ضرباتی می‌دهد که زندگی به ما تحمیل می‌کند و موجب افزایش رضایت از زندگی می‌شود (بهادری خسروشاهی و همکاران، ۱۳۹۰). تأثیرات امیددرمانی، در درمان بیماری‌های مختلف و سختی همچون سرطان، اسکیزوفرنی، ام اس، فشار خون اساسی و اچ ای وی مثبت، نشان از تأثیر متقابل امید افراد بر میزان تاب‌آوری، در برابر مشکلات ناشی از بیماری و در نتیجه، بر سلامتی آنان بوده است (صالحی، ۱۳۹۵).

از نتایج دیگر این پژوهش، نقش واسطه‌ای امیدواری، در ارتباط دینداری با تاب‌آوری در افراد بود که پژوهش‌ها و تحقیقات قابل‌توجهی در بررسی ارتباط این سه متغیر، با هم در سطح داخلی و خارجی انجام نشده است. اما مرحمتی و خرمایی (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان «بررسی اثر دینداری، صبر و امید بر بهزیستی فضیلت‌گرا» انجام دادند و در نتایج حاصل از این پژوهش، نشان دادند که اثر مستقیم دینداری بر بهزیستی فضیلت‌گرا، دینداری بر امید و صبر، و امید و صبر، بر بهزیستی فضیلت‌گرا تأیید شد. همچنین، اثر غیرمستقیم دینداری با واسطه امید و صبر، بیشتر از اثر مستقیم آن، موجب ارتقای سطح بهزیستی فضیلت‌گرا می‌شود؛ به این معنا که اگر اعتقادات و مناسک دین، با امید و صبر همراه شود، موجب ایجاد زندگی بهتر جوانان می‌شود. در پژوهشی دیگر، نقش واسطه‌ای تاب‌آوری و امیدواری، در رابطه بین هوش معنوی و کیفیت زندگی دانشجویان، مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی‌ها بیان کرد که امیدواری و تاب‌آوری، بر کیفیت زندگی تأثیر می‌گذارد و امیدواری و تاب‌آوری، با میزان هوش معنوی رابطه معناداری دارد و متغیرهای امیدواری، تاب‌آوری و هوش معنوی، کیفیت زندگی را پیش‌بینی می‌کنند (ر.ک: عرب اسماعیلی، ۱۳۹۶).

در دین مبین اسلام، به مؤمنان تأکید فراوان شده که در برابر سختی‌ها صبر کنند و امیدوار باشند. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۴۵)؛ ای کسانی که ایمان آوردید، مدد جوئید به صبر کردن در مصائب و خواندن نماز در اوقات آن. البته خدا با صبرکنندگان است. نتیجه بررسی‌ها در این پژوهش، نشان داد که با افزایش دینداری، امید به آینده و امید به یاری قدرتی روحانی و الهی در برابر مشکلات و ناملازمات زندگی، تاب‌آوری در افراد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و با افزایش دینداری، امید هم افزایش می‌یابد. افزایش امید نیز میزان تاب‌آوری را بالا می‌برد و به واسطه امید که از طریق تقویت ایمان حاصل می‌شود، تحمل ناملازمات هم افزایش می‌یابد.

هر پژوهشی در مسیر اجرا، ناگزیر از روبرویی با مسائلی است که تفسیر، تبیین و تعمیم یافته‌های آن را با محدودیت مواجه می‌کند. در این پژوهش، از طرح مقطعی و نمونه‌گیری یک نوبتی استفاده شده است. برای

یافتن و کشف روابط علی و انواع مداخله‌گر، با محدودیت مواجه بود. سنجش مسائل مذهبی، به‌وسیله پرسش‌نامه، به‌تنهایی به سختی امکان‌پذیر است؛ چون ممکن است افراد تحت تأثیر عوامل فرهنگی و... در ابراز عقاید واقعی و درونی خود (هرچند اطلاعات پرسش‌نامه محرمانه است) صداقت داشته باشند و تحریف‌شده عمل نکنند، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، به‌صورت طولی نمونه‌گیری انجام شود که اثرات این متغیرها، در طی زمان مورد بررسی قرار گیرد. با توجه به اهمیت میزان تاب‌آوری در افراد، پژوهش‌های قلمرو تاب‌آوری را با توجه فرهنگ و اجتماع و... عوامل متعدد تأثیرگذار دیگر هم مورد بررسی قرار گیرد. و افزون بر استفاده از پرسش‌نامه، بهتر است از شیوه‌هایی مصاحبه نیز استفاده شود تا اطلاعات دقیق‌تری به‌دست آید و با توجه به اهمیت سه متغیر مورد مطالعه در این پژوهش (تاب‌آوری، دینداری و امیدواری) در همه عرصه‌های زندگی (برای اқشار مختلف جامعه)، لازم است توجه بیشتری به تقویت و افزایش میزان این متغیرها، در عرصه‌های مدیریتی و آموزشی کشور شود.

- آذربایجان، مسعود، ۱۳۹۴، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، چ سوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- اعظمی، یوسف و دیگران، ۱۳۹۱، «نقش تاب‌آوری معنویت و دینداری در پیش‌بینی رضایتمندی از زندگی در سالمندان»، *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ش ۱۲، ص ۱-۲۰.
- افشانی، سیدعلیرضا و زینب جعفری، ۱۳۹۵، «رابطه دینداری و امید به آینده در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی* ش ۱۹ (۲)، ص ۱۹۱-۲۱۰.
- اکبری، محبوبه، ۱۳۹۱، *رابطه معنای زندگی و دینداری با تاب‌آوری در جانبازان شهید قزوین*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- بالجانی، اسفندیار و دیگران، ۱۳۹۰، «بررسی ارتباط بین سلامت معنوی مذهب و امید در بیماران مبتلا به سرطان»، *حیات (دانشگاه پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی تهران)*، ش ۳، ص ۲۷-۳۷.
- بهداری خسروشاهی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۰، «رابطه امیدواری و تاب‌آوری با بهزیستی روان‌شناختی در دانشجویان»، *اندیشه و رفتار*، ش ۲۲، ص ۴۱-۵۰.
- بهرادپور، سمانه و همکاران، ۱۳۹۴، «نقش دینداری و تاب‌آوری در پیش‌بینی استرس زناشویی مادران دارای فرزند پسر با اختلال نارسایی توجه بیش‌فعالی»، *افراد استثنایی*، ش ۱۸، ص ۷۱-۸۷.
- تقی‌زاده، محمداحسان و مرضیه‌السادات میرعلائی، ۱۳۹۲، «مطالعه اثربخشی معنویت درمانی گروهی بر تاب‌آوری زنان مبتلا به مالتیپل اسکلروزیس شهر اصفهان»، *روان‌شناسی سلامت*، ش ۲، ص ۳۶-۵۸.
- جان‌بزرگی، مسعود و سیدمحمد غروی، ۱۳۹۵، *اصول روان‌درمانگری و مشاوره با رویکرد اسلامی*، تهران و قم، سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جمشیدی سلوکو، بهنام و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه دینداری و تاب‌آوری در دانش‌آموزان راهنمائی و دبیرستان شهر شیراز»، *اندیشه‌های نوین تربیتی* (دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه الزهراء)، ش ۱، ص ۱۴۱-۱۶۱.
- حسینی قمی، طاهره و حسین سلیمی بجستانی، ۱۳۹۰، «رابطه بین جهت‌گیری مذهبی و تاب‌آوری در بین مادران دارای فرزندان مبتلا به بیماری»، *روان‌شناسی دین*، ش ۴، ص ۶۹-۸۲.
- خواجه نوری، بیژن و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه دینداری و امیدواری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر مقطع متوسط شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۵۹، ص ۱۹۵-۲۰۸.
- سلیمانی خشاب، عباسعلی، و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی اثر میانجی‌گری معنویت و دینداری در رابطه با پیش‌بینی تاب‌آوری توسط پنج عامل شخصیت»، *شخصیت و تفاوت‌های فردی*، ش ۲، ص ۹۴-۱۱۵.
- سیفی‌گندمانی، محمدیاسین و همکاران، ۱۳۹۵، «الگوی اسلامی روان‌درمانگری / آموزش مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی»، *روان‌شناسی دین*، ش ۳۳، ص ۵۱-۶۸.
- صالحی، مبین و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر امید درمانگری اسلامی بر بهزیستی فاعلی افراد مبتلا به مالتیپل اسکروسیس و مقایسه آن با امید درمانگری مبتنی بر نظریه اسنادی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۳، ص ۲۹-۵۰.
- صالحی، مبین، ۱۳۹۵، «الگوی امید براساس منابع اسلامی و طراحی برنامه درمانی آن»، *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ش ۲، ص ۲۹-۵۰.
- صالحی‌دوست، زهرا و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه تاب‌آوری در برابر استرس با شوخ طبعی و امید به آینده در دانشجویان دختر»، *زن و مطالعات خانواده*، ش ۲۲، ص ۹۹-۱۱۵.

عرب اسماعیلی، محمود، ۱۳۹۶، *بررسی نقش واسطه تاب‌آوری و امیدواری در رابطه بین هوش معنوی و کیفیت زندگی دانشجویان*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی.

عسگری، پرویز و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه باورهای دینی و امید به زندگی با سلامت معنوی»، *مطالعات میان فرهنگی*، ش ۷ (۱۸)، ص ۱۳۵-۱۵۷.

کار، آلان، ۱۳۸۵، *روانشناسی مثبت علم شادمانی و نیرومندی‌های انسان*، ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند، تهران، سخن. محبی نورالدین‌وند، محمدحسین و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه سرمایه روان‌شناختی (امید، خوش‌بینی، تاب‌آوری و خودکارآمدی) با هدف‌های پیشرفت و عملکرد تحصیلی دانشجویان سال اول»، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ش ۴۰، ص ۶۱-۷۹.

مرحمتی، زهرا و فرهاد خرمایی، ۱۳۹۵، «بررسی اثر دینداری صبر و امید بر بهزیستی فضیلت‌گرا»، *پژوهش‌نامه روان‌شناسی اسلامی*، ش ۵، ص ۳۴-۶۶.

مکیار - موئی ج ل، ۱۳۹۱، *فنون روان‌شناسی مثبت‌گرا راهنمای درمانگران*، ترجمه فرید براتی سده، تهران، رشد.

نوذری، محمود، ۱۳۹۶، *روانشناسی تحول دینداری*، قم و تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

وولف، دیوید ام، ۱۳۹۳، *روانشناسی دین*، ترجمه محمد دهقانی، تهران، رشد.

هاشمی، لادن و بهرام جوکار، ۱۳۹۰، «بررسی رابطه بین تعالی معنوی و تاب‌آوری در دانشجویان دانشگاه»، *مطالعات روانشناسی تربیتی*، ش ۸ (۱۳)، ص ۱۲۳-۱۴۲.

هفرن، کیف و ایلونا بونیول، ۱۳۹۵، *روانشناسی مثبت‌نگر نظریه‌ها پژوهش‌ها و کاربردها*، ترجمه محمدتقی تیبیک و محسن زندی، قم، پژوهشگاه قرآن و حدیث.

Bonab, B. G, 2010, "Relation between mental health and spirituality in Tehran university student", *Procedia Social and Behavioural Sciences*, N. 5, p. 887-891.

Carter, E. C; Mc Cullough, M. E; Kim-Spoon, J; Corlles, C; Blake, A., 2012, "Religious people discount the future Less", in *Evolution and Human Behavior*, N. 33(3), p. 224-231.

Fletcher, J., 2019, "Crushing hope, short term response to tragedy vary by hopefulness". *Social science & medicine*, N. 201, p. 59-62.

Fountoulakis, K. N. et al., 2008, "life depression, religiosity cerebrovascular disease, cognitive impairment and attitudes towards death in the elderly: Interpreting the data", *Medical Hypotheses*, N. 70, p. 493- 496.

Kennedy, P., 2010, *The Rise and Fall of the Great Powers*, New York City, Vintage.

Park, C. L, 2012, "Religious and Spiritual Aspects of Meaning in the Context of Work Life", in *Psychology of Religion and Workplace Spirituality*, CA, IAP publisher.

Ronnenberg, C. R., Miller, E. A., Dugan, E, Porell, F., 2016, "The protective effect of religiosity on depression: a 2-year prospective study", *The gerontologist*, N. 50 (3), p. 421-431.

Seligman, M, 2011, *Learned optimism*, Australia, Random House.

Vahia, I. V. Depp, C. A. Palmer, B. W: Fellows, I. Golshan, S. Thompson, W. Allison, M. & Jeste, D. V, 2011, "Correlates of spirituality in older women", *Aging & mental health*, N. 15 (1), p. 97-102.

رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده؛ نقش تعدیل کننده هوش هیجانی

j.houshyari.yahoo.com

کج جعفر هوشیاری / دکتری قرآن و روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه

Taghian@gmail.com

حسن تقیان / استادیار گروه روان‌شناسی، مجتمع علوم انسانی جامعه المصطفی العالمیه

mz.mohseni049@gmail.com

مهناز محسنی / کارشناسی روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی، بنت‌الهدی جامعه المصطفی العالمیه

m.entezar2014@gmail.com

معصومه حلبی / کارشناسی روان‌شناسی مجتمع آموزش عالی، بنت‌الهدی جامعه المصطفی العالمیه

دریافت: ۱۳۹۸/۰۳/۱۷ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۹

چکیده

با توجه به اهمیت شناخت متغیرهای تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر کارآمدی خانواده، این پژوهش با هدف تعیین نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی، در رابطه هوش معنوی و کارآمدی خانواده و به روش توصیفی از نوع همبستگی سامان گرفت. جامعه آماری، تمام دانش‌پژوهان دختر و پسر جامعه المصطفی العالمیه بوده است که ۱۲۰ نفر از آنان، به صورت تصادفی انتخاب شدند و به سه پرسش‌نامه هوش معنوی (SISRI)، هوش هیجانی (CSE) و کارآمدی خانواده (S.FEQI) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضرایب همبستگی پیرسون و تفکیکی تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد که بین هوش هیجانی و کارآمدی خانواده، رابطه مثبت، و بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده تنها در زیرمؤلفه تولید معنای شخصی، رابطه مثبت وجود دارد. ضریب همبستگی تفکیکی نشان داد که هوش هیجانی رابطه بین زیرمؤلفه تولید معنای شخصی، از هوش معنوی و کارآمدی خانواده را تعدیل می‌کند. براساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده، یک رابطه خطی ساده نیست و هوش هیجانی، به‌عنوان یک متغیر تعدیل‌کننده، این رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: هوش معنوی، هوش هیجانی، کارآمدی خانواده.

خانواده، بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است که مبدأ بروز عواطف انسانی و کانون صمیمانه‌ترین روابط و تعاملات بین فردی است. خانواده، به‌عنوان بخشی پرمعنا از محیط اجتماعی، اولین بستر شکل‌گیری بنیادهای رفتاری است که از همان ابتدا مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار داشته است. بی‌شک خانواده با کارکرد سالم، سهم سازنده‌ای در سلامت جامعه و یکایک اعضای آن دارد؛ به‌گونه‌ای که سلامت و بالندگی هر جامعه، وابسته به سلامت و رشد خانواده در آن است.

صاحب‌نظران تعریف‌های بسیاری برای خانواده مطرح کرده‌اند و هر تعریف، به بعدی از ابعاد آن نظر داشته است. می‌توان خانواده را براساس مبانی اسلامی، چنین تعریف کرد: «خانواده بنائی است که با پیمان زندگی مشترک یک زن و مرد مسلمان بنا نهاده می‌شود و براساس آن، غالباً زن و مرد با فرزندان و گاهی فرزند، همسر، پدر و مادر بزرگ در مسکنی واحد و در فضایی، همراه با آرامش و محبت، تحت مدیریت و تأمین معیشت مرد زندگی می‌کنند؛ زوجین نسبت به نیازهای هم، به‌ویژه نیاز جنسی مسئول و برای سایرین نقش محافظتی و پرورشی دارند» (سراغی و صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸). از دیدگاه اسلام، خانواده کارآمد، خانواده‌ای است که با پابندی اعضای آن، به اعتقادات دینی و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی، زمینه کشف و پرورش قابلیت‌ها و توانایی‌های آنان را در ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری فراهم کند. شاخص‌های خانواده کارآمد، در منابع معتبر دینی در سه مقوله بینشی، اخلاقی و حقوقی خلاصه می‌شوند. در شاخص بینشی، به مهم‌ترین باورهای دینی؛ یعنی ایمان به خدا، اعتقاد به رسالت و امامت و اعتقاد به معاد اشاره می‌شود که بر روابط و رفتارهای اعضای خانواده تأثیر می‌گذارد و آن را به خانواده‌های کارآمد تبدیل می‌کند. شاخص اخلاقی، آموزه‌های اخلاقی و ارزش‌های انسانی است. شاخص حقوقی، شناخت ما از حقوق و وظایفی است که بازخورد ما، نسبت به اعضای خانواده و حوادث درون آن را شکل می‌دهد. هریک از شاخص‌های سه‌گانه، دارای مؤلفه‌هایی هستند که در مجموع ده مؤلفه را تشکیل می‌دهند. این مؤلفه‌ها، عبارتند از: (۱) ازدواج و رضایت جنسی؛ (۲) خوش‌بینی و رضایت‌مندی؛ (۳) نقش‌ها و مرزها؛ (۴) مدیریت مالی؛ (۵) فرزند و فرزندپروری؛ (۶) واقع‌بینی و اعتماد متقابل؛ (۷) تعهد و مسئولیت‌پذیری؛ (۸) کنترل رفتار؛ (۹) جهت‌گیری مذهبی؛ (۱۰) صمیمیت، همدلی و همفکری (صفورایی پاریزی، ۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر کارآمدی خانواده، در گستره‌ای از عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جسمانی و معنوی قرار دارند. با توجه به مؤلفه‌های بینشی، اخلاقی و حقوقی کارآمدی خانواده، یکی از عوامل مؤثر بر آن، «هوش معنوی» است.

اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته، به صورتی روزافزون توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان‌شناسی از یک‌سو، و ماهیت پویا و پیچیده جوامع نوین از سوی دیگر، موجب شده که نیازهای معنوی بشر، در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی، اهمیت بیشتری بیابند. برخی از محققان

عقیده دارند که در کنار هوش بهر (IQ) و هوش هیجانی (EQ)، هوش سومی هم تحت عنوان «هوش معنوی» (SQ) وجود دارد. «هوش معنوی»، مفاهیم «معنویت» و «هوش» را در مفهوم جدیدی ترکیب کرده و موجب کلیت و یکپارچگی می‌شود (باقری و همکاران، ۲۰۱۰). سازه هوش معنوی، یکی از مفاهیمی است که در پرتو توجه و علاقه روان‌شناسان، به حوزه دین و معنویت شکل گرفته است و برای اولین بار، توسط گاردنر (۱۹۸۳) با عنوان هوش وجودی و توسط استیونز (۱۹۹۶) و بعد توسط ایمونز (۱۹۹۹) مطرح شد. هوش معنوی، بیانگر مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌های معنوی است که کاربست آنها در زندگی روزانه، می‌تواند موجب افزایش انطباق‌پذیری فرد شود (ایمونز، ۲۰۰۰). هوش معنوی موجب یافتن معنا و هدف زندگی (کینگ، ۲۰۰۸)، تعامل سازنده با مشکلات، پویایی و تحمل آسان‌تر سختی‌های زندگی (رحیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۲)، خلاقیت و اصلاح موقعیت‌های زندگی (زهر و مارشال، ۲۰۰۰)، تمایز واقعیت از خطای حسی می‌شود و در پرتو تمرین افزایش می‌یابد (واگان، ۲۰۰۰). مفهوم «هوش معنوی»، دربردارنده نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطوح رشد را شامل قلمروهای مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین‌فردی و مانند آن می‌شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند (غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

طبق تعریف کینگ، هوش معنوی چهار مؤلفه دارد:

۱. تفکر انتقادی وجودی که عبارت است از: استعداد تفکر انتقادی درباره گوهر وجود، واقعیت، گیتی، مکان، زمان و موضوع‌های وجودی و متافیزیکی و توانایی تفکر درباره موضوع‌های غیروجودی مرتبط با وجود فرد؛
۲. تولید معنای شخصی که به توانایی استنتاج مفهوم و معنای شخصی از همه تجارب جسمی و ذهنی، از جمله توانایی ایجاد هدف زندگی تعریف شده است؛
۳. آگاهی متعالی که استعداد تشخیص ابعاد و چارچوب‌های متعالی خود، دیگران و دنیای مادی در خلال حالت‌های طبیعی هشیاری، همراه با استعداد تشخیص ارتباط آنها با خود فرد و با دنیای مادی است؛
۴. بسط حالت هشیاری که عبارت است از: توانایی داخل و خارج شدن از حالت‌های بالای هشیاری، مانند مدیتیشن، دعا و امثال آن (کینگ و دسیکو، ۲۰۰۹، ص ۱۲).

تاکنون رابطه و میزان پیش‌بینی‌پذیری کارآمدی خانواده، براساس هوش معنوی گزارش نشده است، اما تحقیقات بسیاری، در مورد پیش‌بینی سایر ویژگی‌های خانواده از جمله، رضایت زناشویی براساس هوش معنوی انجام شده که نتایج برخی تحقیقات، حاکی از ضعف یا ناتوانی هوش معنوی، در پیش‌بینی رضایت زناشویی است (بخشایش، ۱۳۹۳؛ کمال‌جو و همکاران، ۱۳۹۵) و تعدادی نیز گزارش کرده‌اند که هوش معنوی، با رضایت زناشویی رابطه دارد و قادر به پیش‌بینی درصدی از رضایت زناشویی است. تعدادی از تحقیقات، رابطه مثبت بین هوش معنوی و رضایت از زندگی را گزارش کرده‌اند (کلن، زبراکو و وگل، ۲۰۱۰؛ اکلز کازرین، ۲۰۰۹؛ بریل هرت، ۲۰۰۵؛

ساندرا و هوگای، ۲۰۰۳؛ فابریکاتور، هندل و فنزل، ۲۰۰۰؛ طالبی جویباری، ۱۳۹۰). برخی دیگر از تحقیقات، نشان دادند که بین هوش معنوی و رضایت از زندگی، رابطه مستقیم وجود ندارد و سبک‌های مقابله‌ای، دارای نقش واسطه‌ای هستند؛ بدین معنا که فرد دارای هوش معنوی بالا، از سبک‌های مقابله‌ای مسئله‌مدار استفاده می‌کند و از این طریق، رضایت او از زندگی بهبود می‌یابد (دارنجانی و همکاران، ۱۳۹۰).

از سوی دیگر، با توجه به مبانی نظری، تعریف‌ها و مؤلفه‌های هوش معنوی به نظر می‌رسد، خانواده‌های با هوش معنوی بالا، به صورت طبیعی، باید از کارآمدی بالاتری نیز برخوردار باشند؛ چراکه هوش معنوی موجب ارتقا سلامت روانی، بهزیستی جسمانی، روانی و معنایی زندگی (شائلون، ۲۰۰۷) و در نهایت، می‌تواند منجر به بهبود کارآمدی خانواده گردد. همچنین، هوش معنوی شامل مجموعه‌ای از توانایی‌ها و ظرفیت‌هاست که موجب انطباق‌پذیری بیشتر، در زمینه‌های فردی و خانوادگی می‌شود. پژوهش‌های میدانی نیز نشان داده که عقاید و اعمال معنوی، با بهبود ساحت‌های مختلف زندگی رابطه دارد؛ چون افرادی که دارای گرایش‌های معنوی هستند، هنگام رویارویی با مشکلات و آسیب‌ها، به احتمال بیشتر، تصمیمات بهتری اتخاذ می‌کنند (حسین‌دخت و همکاران، ۱۳۹۲) و باید از کارآمدی بالاتری، در قلمرو مسائل خانوادگی برخوردار باشند.

از آنجا که تعداد مراجعه خانواده‌های مذهبی و متدین، به مراکز مشاوره خانواده قابل توجه است. به نظر می‌رسد، یا میان هوش معنوی و کارآمدی خانواده رابطه وجود ندارد و یا در رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده، متغیر دیگری وجود دارد که این رابطه را تعدیل می‌کند. بنابراین، حل این دوگانگی، مستلزم کشف متغیر یا متغیرهای روان‌شناختی است که در رابطه بین هوش معنوی و متغیرهای حوزه خانواده نقش دارند.

ازدواج و زندگی مشترک، سرشار از هیجان و مستلزم سطح پایداری از سازگاری اعضای خانواده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که احساس رضایت از ازدواج و ابراز هیجان‌ات مثبت، بر میزان کارکردهای بهنجار خانواده، نقش مهمی ایفا می‌کند (اسکات و مألوف، ۲۰۰۱؛ نورمحمدبخشانی و دیگران، ۱۳۹۱). از سوی دیگر، بسیاری از تعارضات و اختلافات خانوادگی، به دلیل برانگیختگی‌های هیجانی به وجود می‌آید (جعفریزدی و گلزاری، ۱۳۸۴)، که اگر زوجین هیجان‌های خود و همسرانشان را بشناسند و از علت‌ها، جوانب و پیامدهای هیجان خود بر زندگی آگاهی یابند، می‌توانند آنها را به صورتی کارآمد مدیریت کنند (فیتنس، ۲۰۰۱). بنابراین، مدیریت هیجان‌ات در خانواده، که در قالب «هوش هیجانی» شناخته می‌شود، از عوامل کارآمدی خانواده به حساب می‌آید (جعفری و دیگران، ۱۳۹۶).

هوش هیجانی یا EQ، یکی از مفاهیمی است که از دیرباز مورد توجه محققان علوم روان‌شناختی بوده و تعاریف گسترده‌ای از آن ارائه شده است. هوش هیجانی، نوعی هوش است که شامل شناخت احساسات خویشتن و استفاده از آن، برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زندگی است و توانایی اداره مطلوب خلق و خوی، وضع روانی و

کنترل تکانش‌هاست (گلمن، ۱۳۸۳، ص ۴۵). هوش هیجانی، مهارتی است که دارنده آن می‌تواند از طریق خودآگاهی، روحیات خود را کنترل کند و از طریق خودمدیریتی، آن را بهبود بخشد؛ از طریق همدلی، تأثیر آنها را درک کند و از مدیریت رابطه، به شیوه‌ای رفتار کند که روحیه خود و دیگران را بالا ببرد. *دانیل گلمن (۱۹۹۸)*، هوش هیجانی را در قالب چهار عنصر طبقه‌بندی می‌کند: خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه. در واقع، هوش هیجانی محصول دو مهارت اصلی است: قابلیت فردی و قابلیت اجتماعی. قابلیت فردی روی افراد به‌عنوان یک فرد تمرکز دارد و به دو قسمت، خودآگاهی و خودمدیریتی تقسیم می‌شود. قابلیت اجتماعی، بیشتر بر نحوه رفتار با دیگران تمرکز دارد و به آگاهی اجتماعی و مدیریت رابطه تقسیم می‌شود (گنجی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵).

هوش هیجانی، یعنی توانایی استفاده از هیجان‌ها، که شامل شناخت، کنترل عواطف و هیجان‌های خود است. شخصی که هوش هیجانی بالایی دارد، سه مؤلفه هیجان (شناختی، فیزیولوژیک و رفتاری) را به طور موفقیت‌آمیزی تلفیق می‌کند. همچنین، هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط بین فردی، سازگاری و انطباق با محیط، در جهت ارضای نیاز خود و انتظارات اجتماعی وابسته است و می‌تواند زمینه مناسبی برای ساختن محیطی مطلوب، برای یادگیری و برقراری ارتباط مؤثر باشد. گلمن، هوش هیجانی را شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف‌پذیری، توانایی حل مشکلات، توانایی مقابله با استرس و تکانه‌ها می‌داند. بنابراین، هوش هیجانی به ما این امکان را می‌دهد که روابط خود با دیگران را براساس تفاهم و همکاری تنظیم کرده، ما را برای هر گفت‌وگو و ارتباط انسانی با دیگران آماده می‌کند (فاطمی، ۱۳۸۵، ص ۹۲). هوش هیجانی، تعیین می‌کند که چگونه رفتار خود را اداره کنیم، چگونه با مشکلات کنار آمده، و چگونه تصمیماتی بگیریم که به نتایج مثبت ختم شوند (بری، ۲۰۰۵).

تعاریف هوش هیجانی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: مجموعه‌ای از توانایی‌های شناخت، درک، توصیف هیجان‌های خود و دیگران و پردازش صحیح آنها برای ارائه واکنش مناسب. براین اساس، هوش هیجانی، یعنی «شناخت و پردازش صحیح عواطف خود و دیگران، به نحوی که بتوان بر پایه آن، رفتاری مبتنی بر اخلاق، وجدان جمعی و معنویت داشته باشیم» (میردربکوندی، ۱۳۸۸، ص ۷۸).

هوش هیجانی، ازجمله مسائلی است که در اسلام نیز به آن پرداخته شده است. از دیدگاه اسلام، عامل کنترل هیجان‌ات و احساسات آدمی، قوه عقل است؛ زیرا عقل پایه و اساس دین و دینداری، عامل رشد و کمال شخصیت همراه و ملازم دانش و حکمت، عامل عدل و انصاف، اطاعت از حق و دوری از باطل، خودشناسی و خودسازی، همدردی و همکاری با دیگران، همچنین عامل شناخت درست دنیا و استفاده بهینه و پسندیده از آن و عامل کسب بهشت و آخرت و مانند آن است. از این‌رو، هوش هیجانی بخش جدایی‌ناپذیر عقل است. هر جا که عقل باشد، هوش هیجانی هم هست و بعکس. با نگاهی به منابع دینی، می‌بینیم که مؤلفه‌هایی چون مسئولیت‌پذیری

اجتماعی، همدلی، تشخیص هیجان‌ات دیگران، ارتباط میان فردی تحت عناوینی همچون صله رحم و آداب معاشرت با دیگران آمده است. برخی مؤلفه‌های هوش هیجانی در اسلام، عبارتند از: خودآگاهی، همدلی، مدیریت هیجان‌های خود و دیگران (همان).

تحقیقات نشان داده که هوش هیجانی، یکی از عوامل مهم رضامندی، هدفمندی، بهداشت روانی، خودشکوفایی، هیجان‌ات مثبت، رضایت شغلی، پیشرفت تحصیلی و سلامت روانی است. همچنین، با مجموعه‌ای از متغیرها مانند رضایت زناشویی، عملکرد شغلی، روابط بین فردی، خلق و مجموعه‌ای از اختلالات و صفات شخصیت در ارتباط است.

بر اساس همبستگی بالای هوش معنوی و هوش هیجانی (نوری ثمرین و نوری، ۱۳۹۵؛ حسین‌پور و همکاران، ۱۳۹۴؛ بخشایش، ۱۳۹۳؛ ساتکین و همکاران، ۱۳۹۳؛ حسینیان و همکاران، ۱۳۹۰؛ فرامرزی و همکاران، ۱۳۸۸) و همبستگی هوش هیجانی با کارآمدی خانواده (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶) و رضایت زناشویی (اسمیت و همکاران، ۲۰۰۸؛ جعفری بلالمی و همکاران، ۱۳۹۴)، به نظر می‌رسد که هوش هیجانی، دارای نقش تعدیل‌کنندگی در رابطه هوش معنوی و کارآمدی خانواده است. بنابراین، این پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال‌هاست: بین هوش معنوی، هوش هیجانی و کارآمدی خانواده چه رابطه‌ای وجود دارد؟ آیا هوش هیجانی، رابطه هوش معنوی و کارآمدی خانواده را تعدیل می‌کند؟

روش پژوهش

از آنجاکه این تحقیق، به دنبال مطالعه همبستگی بین دو یا چند متغیر و بررسی تعدیل‌گری یک متغیر، در رابطه بین دو متغیر دیگر است، روش این تحقیق، توصیفی از نوع همبستگی است.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری، شامل همه طلاب متأهل مرد و زن جامعه المصطفی العالمیه شهر قم (سال ۱۳۹۷) می‌باشد. با استفاده از قاعده‌ای که تاباچنیک و فیسل (۲۰۰۷) مطرح کرده‌اند، تعداد ۱۱۸ طلبه از مقاطع مختلف، به‌عنوان گروه نمونه انتخاب شدند. نمونه‌گیری در این پژوهش، به صورت در دسترس انجام گرفت.

ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، برای گردآوری داده‌ها از مقیاس کارآمدی خانواده صفورایی پاریزی، هوش معنوی کینگ و هوش هیجانی برادبری - گریوز استفاده شد.

مقیاس سنجش کارآمدی خانواده: پرسش‌نامه ۷۹ سؤالی سنجش کارآمدی خانواده توسط صفورایی پاریزی (۱۳۸۸)، تهیه و هنجاریابی شد. این پرسش‌نامه، دارای سه شاخص بینشی، اخلاقی و حقوقی است که هریک از

شاخص‌های سه‌گانه دارای مؤلفه‌هایی هستند که مجموعاً ده مؤلفه را تشکیل می‌دهند. ضریب همسانی درونی این پرسش‌نامه، براساس آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه (۰/۸۹)، شاخص بینشی (۰/۸۵)، شاخص اخلاقی (۰/۸۹)، و شاخص حقوقی (۰/۷۶) می‌باشد. همچنین، پایایی پرسش‌نامه از طریق دو نیمه‌سازی، براساس ضریب اسپیرمن براون (۰/۸۳) و براساس ضریب دو نیمه‌سازی گاتمن (۰/۸۳)، به دست آمده است. همچنین، نتایج آزمون t و تحلیل عوامل نشان داد پرسش‌نامه از روایی تفکیکی و سازه برخوردار است (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸). صفورایی پاریزی و همکاران (۱۳۹۴)، ضمن تجدیدنظر در پرسش‌نامه مذکور، تعداد گویه‌ها را به ۶۰ گویه کاهش و نشان دادند این نسخه از پرسش‌نامه کارآمدی خانواده، با ۸ عامل دارای روایی و پایایی لازم است. همچنین، هوشیاری و همکاران (۱۳۹۵)، با استفاده از نظریه سؤال - پاسخ پرسش‌نامه ۷۹ سؤالی کارآمدی خانواده را مجدد هنجاریایی کردند. نتایج نشان داد که قدرت تمییز و میزان آگاهی ۱۹ پرسش، به اندازه کافی نیست و گزینه‌هایی که بیانگر کارایی «بسیار کم» و «کم» هستند، نمی‌توانند پاسخ‌گویان را از هم تفکیک کنند. بنابراین، سؤالات مذکور حذف و آن دو گزینه با هم ترکیب و پرسش‌نامه اصلاح شد. در نهایت، پرسش‌نامه کارآمدی خانواده با ۶۰ سؤال و سه مؤلفه بینشی، حقوقی و اخلاقی ارائه شد (هوشیاری و همکاران، ۱۳۹۵). در این پژوهش، از نسخه ۶۰ گویه‌ای هوشیاری و همکاران (۱۳۹۵) استفاده شده است. پایایی نسخه مورد استفاده در این تحقیق، با استفاده از آلفای کرونباخ برای کل پرسش‌نامه ۰/۹۶، شاخص بینشی ۰/۸۷، شاخص اخلاقی ۰/۹۰ و شاخص حقوقی ۰/۸۲ بود.

پرسش‌نامه هوش معنوی کیگ: این پرسش‌نامه در سال ۲۰۰۸، توسط کیگ طراحی و ساخته شد که دارای ۲۴ گویه است. هر گویه در یک طیف لیکرت از ۰ تا ۴ (کاملاً نادرست: ۰ تا کاملاً درست: ۴) نمره‌گذاری می‌شود. در نهایت، فرد نمره‌ای بین ۰ تا ۹۶ به دست می‌آورد که نمره بالاتر بیانگر هوش معنوی بیشتر است. این پرسش‌نامه، چهار زیرمقیاس دارد که عبارتند از: تفکر وجودی انتقادی با ۷ سؤال، تولید معنای شخصی با ۵ سؤال؛ آگاهی متعالی با ۷ سؤال و بسط حالت هشیاری با ۵ سؤال. در نسخه انگلیسی این پرسش‌نامه، آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۲ و برای زیرمقیاس‌های آن، به ترتیب تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۸، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، آگاهی متعالی ۰/۸۷، بسط حالت هوشیاری ۰/۹۱ به دست آمده است (کینگ و دیسیکو، ۲۰۰۹). در یک مطالعه در ایران، روایی صوری و محتوایی پرسش‌نامه، براساس نظر متخصصان تأیید شد. پایایی زیرمقیاس‌ها به ترتیب، تفکر وجودی انتقادی ۰/۷۶، تولید معنای شخصی ۰/۷۸، بسط حالت هوشیاری ۰/۷۲، آگاهی متعالی ۰/۸۰ و پایایی کل پرسش‌نامه نیز با آلفای کرونباخ ۰/۹۱ گزارش شده است (حریری و زرین‌آبادی، ۱۳۹۰). پایایی آزمون - بازآزمون پرسش‌نامه نیز در یک مطالعه، ۰/۶۷ گزارش شد (خدابخشی کولایی و همکاران، ۱۳۹۲). در این تحقیق، پایایی زیرمقیاس‌ها با استفاده از آلفای کرونباخ به ترتیب، برای تفکر وجودی انتقادی ۰/۸۵، تولید معنای شخصی ۰/۷۶، بسط حالت هوشیاری ۰/۷۵، آگاهی متعالی ۰/۷۲ و کل پرسش‌نامه ۰/۸۷ بود.

پرسش‌نامه هوش هیجانی برادبری - گریوز: این آزمون، دارای ۲۸ ماده و ۴ زیرمقیاس «خودآگاهی، خودمدیریتی، آگاهی اجتماعی و مدیریت روابط» است. ضرایب پایایی به‌دست‌آمده بین نمرات ۲ نوبت اجرا و برای ۴ مهارت تشکیل‌دهنده هوش هیجانی در گروه اول، برای خودآگاهی ۰/۷۳، خودمدیریتی ۰/۸۷، آگاهی اجتماعی ۰/۷۸، مدیریت روابط ۰/۷۶ و نمره کل هوش هیجانی ۰/۹۰ است. بررسی داده‌های به‌دست‌آمده از گروه دوم، با استفاده از روش کروناخ نشان می‌دهد که همه سؤالات با کل آزمون همبستگی مثبت معنادار دارند و حذف هیچ‌یک از سؤالات موجب افزایش چشمگیر پایایی کل آزمون نمی‌شود (برادبری و گریوز، ۲۰۰۵). آلفای کروناخ این پرسش‌نامه، در این تحقیق برای خودآگاهی ۰/۷۸، خودمدیریتی ۰/۶۲، آگاهی اجتماعی ۰/۷۵، مدیریت روابط ۰/۸۲ و نمره کل هوش هیجانی ۰/۹۱ بود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، بیانگر این است که میانگین سن پاسخ‌گویان، ۳۰ سال با انحراف معیار ۵/۸۸ سال بود؛ ۳/۴ درصد پاسخ‌گویان دارای تحصیلات زیردیپلم، ۱۸/۶ درصد در مقطع دیپلم، ۱۷/۸ درصد در مقطع فوق‌دیپلم، ۲۶/۳ درصد در مقطع لیسانس، ۲۵/۴ درصد در مقطع فوق‌لیسانس و ۸/۵ درصد در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. به لحاظ جنسیت، ۵۸/۵ درصد پاسخ‌گویان را زنان و ۴۱/۵ درصد را مردان تشکیل دادند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مورد مطالعه در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق (N=۱۱۸)

متغیر	زیرمقیاس	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
کارآمدی خانواده	بینشی	۳۴	۶۰	۴۷/۳	۶/۲۸	-۰/۰۸	-۰/۶۹
	حقوقی	۱۹	۴۲	۳۱/۴	۴/۷۱	-۰/۳۱	-۰/۲۷
	اخلاقی	۴۳	۷۸	۵۹/۵	۸/۰۷	-۰/۳۶	-۰/۵۴
هوش معنوی	نمره کل کارآمدی خانواده	۱۰۰	۱۷۸	۱۳۸/۲	۱۷/۴۴	-۰/۴۰	-۰/۲۹
	تفکر وجودی انتقادی	۷	۳۵	۲۳/۲	۶/۳۸	-۰/۷۳	-۰/۷۰
	تولید معنای شخص	۵	۲۵	۱۷/۰	۴/۳۳	-۰/۵۳	-۰/۷۱
	آگاهی متعالی	۷	۳۵	۲۲/۳	۵/۲۶	-۰/۳۲	۱/۳۳
	بسط حالت هشیاری	۵	۲۵	۱۵/۰	۴/۱۰	-۰/۱۲	-۰/۴۶
هوش هیجانی	نمره کل هوش معنوی	۳۴	۱۲۰	۷۷/۵	۱۷/۳۵	-۰/۴۸	۱/۷۷
	خودآگاهی	۸	۳۶	۲۵/۱	۵/۲۴	-۰/۳۳	-۰/۶۷
	خودمدیریتی	۱۷	۴۹	۳۳/۰	۵/۹۹	-۰/۳۰	-۰/۵۵
	آگاهی اجتماعی	۶	۳۰	۱۹/۵	۴/۴۷	-۰/۰۱	-۰/۲۷
	مدیریت رابطه	۱۶	۴۸	۳۳/۸	۶/۳۳	-۰/۲۵	-۰/۲۲
	نمره کل هوش هیجانی	۱۱	۱۵۸	۱۰۹/۳	۲۱/۳۳	-۰/۸۶	۴/۰۱

رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده؛ نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی ♦ ۱۵۷

برای بررسی همبستگی بین متغیرهای تحقیق، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن، در جدول‌های ۳ و ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: همبستگی مؤلفه‌های هوش معنوی و کارآمدی خانواده

نمره کل کارآمدی خانواده	اخلاقی	حقوقی	بیشی	
۰/۰۷۶	۰/۰۶۴	۰/۰۴۲	۰/۰۹۸	تفکر وجودی انتقادی
۰/۲۳۵**	۰/۲۱۴**	۰/۱۷۷	۰/۲۴۳**	تولید معنای شخص
۰/۰۶۹	۰/۰۲۸	۰/۰۶۰	۰/۱۰۹	آگاهی متعالی
۰/۱۲۱	۰/۰۸۳	۰/۱۲۶	۰/۱۳۶	بسط حالت هشیاری
۰/۱۳۵	۰/۱۰۴	۰/۱۰۷	۰/۱۶۱	نمره کل هوش معنوی
۰/۲۴۴**	۰/۲۳۷**	۰/۳۰۱**	۰/۲۹۸**	خودآگاهی
۰/۱۹۳**	۰/۱۹۲**	۰/۲۱۸**	۰/۱۲۵	خودمدیریتی
۰/۲۳۷**	۰/۲۹۲**	۰/۲۱۲**	۰/۲۵۲**	آگاهی اجتماعی
۰/۳۳۰**	۰/۳۰۶**	۰/۲۳۸**	۰/۲۷۷**	مدیریت رابطه
۰/۳۲۵**	۰/۲۹۳**	۰/۳۲۱**	۰/۲۸۶**	نمره کل هوش هیجانی

نمره کل کارآمدی خانواده، با نمره کل هوش معنوی رابطه معناداری ندارد. اما همبستگی کارآمدی خانواده، با زیرمقیاس «تولید معنای شخصی» مثبت معنادار است ($r = ۰/۲۵۳$). این رابطه، مستقیم است. به عبارت دیگر، افرادی که دارای نمره بالایی در زیرمقیاس تولید معنای شخصی هستند، در کارآمدی خانواده نیز نمره بالایی داشته‌اند. بنابراین، در پاسخ به اولین سؤال تحقیق، می‌توان گفت: بین نمره کل هوش معنوی و نمره کل کارآمدی خانواده، رابطه معناداری وجود ندارد، اما نمره کل کارآمدی خانواده، با زیرمقیاس «تولید معنای شخصی» رابطه مستقیم دارد.

نمره کل کارآمدی خانواده، با نمره کل هوش هیجانی همبستگی مثبت و معناداری دارد ($r = ۰/۳۲۵$). همبستگی بین کارآمدی خانواده، با همه زیرمقیاس‌های هوش هیجانی نیز مثبت و معنادار است. بنابراین، در پاسخ به دومین سؤال تحقیق، می‌توان گفت: کارآمدی خانواده و هوش هیجانی رابطه مستقیم و معناداری دارد.

از آنجاکه نمره کل هوش معنوی، با کارآمدی خانواده، رابطه معناداری نداشت و تنها زیرمقیاس «تولید معنای شخصی»، با کارآمدی خانواده رابطه مثبت و معنادار دارد، برای بررسی سومین فرضیه تحقیق، نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی، در رابطه بین زیرمقیاس تولید معنای شخصی و کارآمدی خانواده، با استفاده از ضریب همبستگی تفکیکی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول ۳: همبستگی مرتبه صفر و همبستگی تفکیکی بین کارآمدی خانواده و تولید معنای شخصی (هوش هیجانی = متغیر کنترل)

متغیر کنترل	متغیرهای تحقیق	نمره کل کارآمدی خانواده	تولید معنای شخص
همبستگی مرتبه صفر	نمره کل کارآمدی خانواده	۱	$r = 0.11, p = 0.235$
	تولید معنای شخص	$r = 0.11, p = 0.235$	۱
کنترل متغیر هوش هیجانی	نمره کل کارآمدی خانواده	۱	$r = 0.332, p = 0.111$
	تولید معنای شخص	$r = 0.332, p = 0.111$	۱

همبستگی مرتبه صفر (بدون کنترل متغیر هوش هیجانی)، بین دو متغیر کارآمدی خانواده و تولید معنای شخصی، مثبت و معنادار است ($r = 0.11, p = 0.235$). همبستگی تفکیکی، بین دو متغیر کارآمدی خانواده و تولید معنای شخصی (بعد از کنترل متغیر هوش هیجانی) معنادار نیست. به عبارت دیگر، با کنترل کردن متغیر هوش هیجانی، همبستگی بین دو متغیر تحقیق از بین رفت. بنابراین، رابطه بین دو متغیر کارآمدی خانواده و تولید معنای شخصی، به متغیر هوش هیجانی وابسته است و در صورت حذف هوش هیجانی، کارآمدی خانواده، با تولید معنای شخصی ارتباطی نخواهند داشت.

بحث و نتیجه گیری

نتایج این پژوهش، حاکی از این است که بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده، همبستگی معنادار وجود ندارد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد شد. از آنجاکه تاکنون چنین تحقیقی انجام نشده، امکان مقایسه یافته‌ها وجود ندارد. اما این یافته‌ها، با نتایج برخی تحقیقات، که رابطه هوش معنوی و سایر متغیرهای مرتبط با خانواده را سنجیده‌اند، همسو (احمدزاده و حیاتی، ۱۳۹۵؛ کمال‌جو و همکاران، ۱۳۹۵؛ بخشایش، ۱۳۹۳) و با برخی دیگر، (علی‌دادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ ساتکین و همکاران، ۱۳۹۳)، ناهمسو است.

در تبیین عدم وجود رابطه بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده، توجه به چند نکته ضروری است:

۱. گرچه پیشینه تحقیق نشان می‌دهد قدرت پیش‌بینی هوش هیجانی، نسبت به کارکردهای خانواده از هوش معنوی بیشتر است (بخشایش، ۱۳۹۳)، اما براساس مبانی نظری هوش معنوی، انتظار می‌رود بین این دو متغیر، رابطه مثبت معنادار وجود داشته باشد؛ چراکه هوش معنوی همه ساحت‌های زندگی فردی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب شکوفایی فردی و کارآمدی خانوادگی می‌شود. ایمونز (۲۰۰۰) در پژوهشی بیان می‌کند، داشتن هوش معنوی می‌تواند موجب رشد و شکوفایی در زندگی شود و افرادی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته، تمایل بالایی نسبت به هشیاری دارند. آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت‌های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص دهند و

فضایی مانند بخشش، سپاس‌گزاری، فروتنی، دلسوزی و خرد از خود نشان دهند. افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل بیشتری در مقابل فشارهای زندگی داشته، توانایی بالایی برای سازگاری با محیط نشان می‌دهند (بیرامی و همکاران، ۱۳۹۲).

۲. در تعریف هوش معنوی، اختلاف نظر وجود دارد. برخی، هوش معنوی را ترکیب «معنویت» و «هوش» دانسته (باقری و همکاران، ۲۰۱۰) و تعریف آنان، کاملاً ناظر به معنویت می‌باشد (ایمونز، ۲۰۰۰؛ کینگ، ۲۰۰۸). عده‌ای، به معنویت اشاره کرده (رحیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۲) و دسته سوم از تعاریف، هیچ ارتباطی با معنویت ندارند (زهر و مارشال، ۲۰۰۰؛ واگان، ۲۰۰۰؛ غباری‌بناب و همکاران، ۱۳۸۶).

مؤلفه‌های چهارگانه هوش معنوی (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، آگاهی متعالی و بسط حالت هشیاری) و تعاریف آنها، از نگاه کینگ (کینگ و دسیکو، ۲۰۰۹) نیز ارتباط چندانی با معنویت نداشته و یا دست‌کم با مفهوم اسلامی، معنویت، قرابت ندارد؛ چراکه پژوهشگران، مؤلفه‌ها و عوامل هوش معنوی را براساس مبانی اسلامی، تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق، نفس و آیات الهی، تقوا و پرهیزکاری، نماز و روزه‌داری، قرآن خواندن و سایر عبادات فردی و اجتماعی، از جمله انفاق و صدقات واجب و مستحب اعلام کرده‌اند. قرآن، افراد دارای هوش معنوی بالا را «اولوالالباب» نامیده، کسانی که به جوهره حقیقت پی برده، جایگاه و رسالت خود در عالم را شناخته و از پرده‌های اوهام، امیال و آرزوها عبور کرده‌اند (سهرابی، ۱۳۸۷).

۳. پرسش‌نامه کارآمدی خانواده (صفورایی پاریزی، ۱۳۸۸)، کاملاً براساس مبانی اسلامی ساخته شده است. از این رو، این احتمال وجود دارد که یکی از دلایل عدم وجود رابطه بین کارآمدی خانواده و هوش معنوی، همین موضوع باشد. رابطه مثبت معنادار مؤلفه «تولید معنای شخصی»، از هوش معنوی، با کارآمدی خانواده، مؤید این مدعاست؛ چراکه در تعریف این مؤلفه، «هدفمندی زندگی»، که یکی از ویژگی‌های برجسته زندگی مؤمنانه است، وجود دارد.

۴. بررسی تحقیقات همسو و ناهمسو نشان داد که پژوهش‌های همسو با این پژوهش از پرسش‌نامه کینگ استفاده کرده و تحقیقات ناهمسو، از ابزارهای دیگری بهره برده‌اند.

با جمع‌بندی نکات فوق به نظر می‌رسد، عدم وجود رابطه میان هوش معنوی و کارآمدی خانواده، بیش از هر عامل دیگر، تحت تأثیر پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ باشد؛ تحقیقاتی که از این پرسش‌نامه استفاده کرده و رابطه مثبت و معنادار بین هوش معنوی و متغیرهای مرتبط با خانواده را گزارش کرده‌اند، افزون بر تفاوت‌های روش‌شناختی، دارای جامعه و نمونه آماری متفاوتی بوده‌اند. پرسش‌نامه مذکور، گرچه

در تحقیقات بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است، اما نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که احتمالاً این پرسش‌نامه، دارای اشکالاتی است.

نتایج این پژوهش نشان داد که بین هوش هیجانی و کارآمدی خانواده، همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش تأیید شد. در این زمینه، تنها یک تحقیق انجام شده (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶) و نتایج آن، با این تحقیق همسو است. نتایج تحقیق مذکور نشان داد: هوش هیجانی، با نمره کل کارآمدی خانواده همبستگی مثبت و معناداری دارد. همچنین، نتایج این تحقیق همسو با تحقیقاتی است که رابطه هوش هیجانی را با سایر متغیرهای مرتبط با خانواده و یا کارآمدی خانواده را با سایر مقیاس‌هایی (مثل مدل مک‌مستر، مدل چندمختصاتی) بررسی کرده‌اند. بررسی‌ها نشان داد که نتایج این پژوهش همسو با تحقیقات فیزر (۲۰۰۱)، *طراوت* (۱۳۹۲)، حسنی و دیگران (۱۳۹۲)، حسینی سده و فتحی آشتیانی (۱۳۸۹)، *مهانیان خاصه* و همکاران (۱۳۸۵) است. پژوهش‌های *اسکات* و *مألوف* (۱۹۹۸) و *ثقیعی و محمدی* (۱۳۹۶)، نشان داد بین هوش هیجانی و رضایت از زندگی، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. *علی‌اکبری دهکردی* (۱۳۹۱)، *نورمحمدبخشانی* (۱۳۹۱) و *صلاحیان* و همکاران (۱۳۸۹)، هوش هیجانی و رضایت زناشویی، *اسکات* و *مألوف* (۲۰۰۱)، هوش هیجانی و سازگاری زناشویی را دارای رابطه مثبت معنادار گزارش کرده‌اند.

همسو با یافته‌های این پژوهش، *طراوت* (۱۳۹۲) بیان می‌کند که بین تنظیم هیجانی و عملکرد خانواده، رابطه مثبت معنادار وجود دارد؛ بدین معنا که هرچه توانایی والدین در تنظیم هیجان‌اتشان بالاتر باشد، عملکرد خانواده مطلوب‌تر خواهد بود. *علی‌اکبری دهکردی* (۱۳۹۱)، دریافت آموزش روابط بین‌فردی و مهارت‌های کنترل استرس و همدلی، موجب افزایش عملکرد خانواده می‌گردد.

فیزر (۲۰۰۱)، دریافت افرادی که رضایتمندی زناشویی داشتند، در ۱۴ مؤلفه از عوامل پانزده‌گانه هوش هیجانی بار - آن امتیاز بالاتری کسب کرده‌اند. نتایج تحقیق *اسکات* و *مألوف* (۱۹۹۸)، نشان داد افرادی که نمرات بالاتری در هوش هیجانی به دست آوردند، به صورت معناداری از رضایت زناشویی بالاتری برخوردار بودند. حسنی و دیگران (۱۳۹۲) گزارش کردند زنانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند، زندگی زناشویی رضایت‌بخش‌تری دارند.

آنچه در تبیین این یافته می‌توان گفت این است که هوش هیجانی با فراهم کردن زمینه برقراری و حفظ روابط صمیمی، درک احساسات و همدلی با دیگران، و با ایجاد خودآگاهی و خویش‌شناسی، موجب افزایش کارآمدی خانواده می‌شود؛ چراکه کفایت‌های عاطفی، توان تحمل تنیدگی و حل مشکلات روزانه را افزایش می‌دهد. این مهارت‌های شخصی، می‌توانند فرد را در مقابله با فشارهای ناگهانی محیطی موفق سازند.

همچنین، هوش هیجانی از طریق مؤلفه‌های خود موجب بهبود سطح کارآمدی خانواده می‌شود. برای نمونه، مدیریت هیجانات موجب ایجاد روحیه نشاط و سرزندگی شده و فرد را نسبت به آینده امیدوار می‌کند و با تأثیر بر روی تعاملات اعضای خانواده، موجب افزایش کارآمدی خانواده خواهد شد. هوش هیجانی، با ایجاد حس همدلی موجب شکل‌گیری تعامل دوجانبه مطلوب میان اعضای خانواده شده، و کارآمدی خانواده را افزایش می‌دهد (جعفری و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۹۵).

نتایج این پژوهش همچنین نشان داد که هوش هیجانی رابطه بین مؤلفه تولید معنای شخصی، از متغیر هوش معنوی و کارآمدی خانواده را تعدیل می‌کند و در صورت ورود هوش هیجانی به معادله، بین هوش معنوی و کارآمدی خانواده، در زیرمؤلفه «تولید معنای شخصی»، رابطه مثبت معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، عاملی که موجب شده کارآمدی خانواده و «تولید معنای شخصی»، با هم رابطه داشته باشند، هوش هیجانی است. افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند، دارای کارآمدی خانواده بالایی بوده و در تولید معنای شخصی نیز نمره بالاتری کسب کرده‌اند. کسانی که هوش هیجانی پایینی داشته‌اند، دارای کارآمدی خانواده پایینی بوده و در تولید معنای شخصی نیز نمره پایین‌تری کسب کرده‌اند. بنابراین، افزون بر اینکه نمره کل هوش معنوی و سه زیرمقیاس آن، با کارآمدی خانواده همبستگی معناداری ندارد، همبستگی ظاهری بین تولید معنای شخصی و کارآمدی خانواده نیز به دلیل نقش تعدیل‌کننده هوش هیجانی است. لذا این دو متغیر به‌خودی‌خود با هم همبستگی ندارند.

این یافته، نشان می‌دهد که رابطه هوش معنوی و کارآمدی خانواده، صرفاً یک رابطه خطی نبوده؛ بلکه هوش هیجانی قادر است رابطه تولید معنای شخصی و کارآمدی خانواده را تعدیل کند. از آنجاکه تاکنون چنین تحقیقی انجام نشده، امکان مقایسه یافته‌ها وجود ندارد.

به‌طور کلی، نتایج تحقیق نشان داد که نمره کل هوش معنوی قادر به پیش‌بینی کارآمدی خانواده نیست. از بین مؤلفه‌های هوش معنوی، تنها مؤلفه تولید معنای شخصی، با کارآمدی خانواده رابطه دارد. این ارتباط نیز توسط هوش هیجانی تعدیل می‌شود؛ بدین معنا که برای دستیابی به کارآمدی خانواده، باید در کنار تولید معنای شخصی، هوش هیجانی نیز مورد توجه قرار گرفته، و تقویت شود. تولید معنای شخصی، که از مؤلفه‌های هوش معنوی است، به‌تنهایی کارآمدی خانواده را افزایش نمی‌دهد. این نتیجه، زمانی حاصل می‌شود که هوش هیجانی تقویت گردد؛ یعنی در خانواده مدیریت هیجانات و تعاملات عمومی افزایش یابد. در خانواده‌هایی که هوش معنوی بالاست، بدین معنا که توانمندی کاربردی و عملیاتی‌سازی معنویت، در قالب معناداری زندگی وجود دارد، اما مهارت‌های مدیریت هیجانات و تعاملات عمومی وجود ندارد. مؤلفه تولید معنای شخصی نیز به‌تنهایی

نمی‌تواند موجب کارآمدی خانواده گردد؛ چراکه توانمندی عملیاتی‌سازی معنویت در حوزه تولید معنای شخصی زمانی، مؤثر خواهد بود که اعضای خانواده بتوانند علاوه بر این توانمندی شناختی، هیجانات و ارتباطات خود را نیز مدیریت کرده، ارتقا دهند. بنابراین، خانواده‌های با هوش معنوی بالا، که دارای اختلالات خانوادگی هستند، باید از نظر هوش هیجانی مورد بررسی قرار گرفته و این متغیر در آنان تقویت شود.

براساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود: مشاوران و خانواده درمان‌گران، برای دستیابی به کارآمدی خانواده، در کنار بهبود هوش معنوی، به‌ویژه «تولید معنای شخصی» و «هدفمندی زندگی»، آموزش هوش هیجانی، شناخت و مدیریت هیجانات خود و دیگران را مورد توجه قرار دهند.

همچنین، پیشنهاد می‌شود در یک تحقیق مستقل، روایی پرسش‌نامه هوش معنوی کینگ، به‌ویژه در جامعه و نمونه مذهبی طلاب و دانشجویان بررسی شود و رابطه آن، با کارآمدی خانواده، به کمک ابزارهای مختلف هوش معنوی مورد سنجش و مقایسه قرار گیرد.

منابع

- احمدزاده، ابوبکر و مؤگان حیاتی، ۱۳۹۵، «بررسی رابطه بهزیستی معنوی با سازگاری زناشویی»، *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، دوره دوم، ش ۴/۲، ص ۹-۱۴.
- بخشایش، علیرضا، ۱۳۹۳، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس هوش هیجانی و هوش معنوی زوجین»، *زن و جامعه*، سال پنجم، ش ۲، ص ۶۹-۸۴.
- برادبری، ت. و ج. گریوز، ۲۰۰۵، *هوش هیجانی، مهارت‌ها و آزمون‌ها*، ترجمه مهدی گنجی، تهران، ساوالان.
- بیرامی، منصور و همکاران، ۱۳۹۲، «نقش هوش معنوی در پیش‌بینی استرس ادراک‌شده، اضطراب و افسردگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان»، *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ش ۱۶ (۱)، ص ۵۶-۶۲.
- جعفری بلالعی، نادر و همکاران، ۱۳۹۴، «تأثیر آموزش مؤلفه‌های هوش هیجانی بر افزایش مهارت‌های اجتماعی (با تأکید بر رضایت زناشویی) دانشجویان دانشگاه مازندران»، *طب و تزکیه*، ش ۴، ص ۸۱-۹۰.
- جعفری، زهرا و دیگران، ۱۳۹۶، *رابطه هوش هیجانی و کارآمدی بینشی، اخلاقی و حقوقی خانواده در طلاب زن متأهل المصطفی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، قم، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی.
- جعفریزدی، حمیده و محمود گلزاری، ۱۳۸۴، «هوش هیجانی و سازگاری زناشویی در زنان متأهل شاغل آموزش و پرورش»، *خانواده‌پژوهی*، ش ۴، ص ۳۷۹-۳۹۲.
- حریری، نجلا و زرین زرین‌آبادی، ۱۳۹۰، «تحلیل جمعیت‌شناختی هوش معنوی کتابداران دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان»، *پژوهش‌نامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ش ۱ (۲)، ص ۲۹-۴۴.
- حسینی، جعفر و همکاران، ۱۳۹۲، «نقش هوش هیجانی و طرحواره‌های هیجانی در رضایتمندی زناشویی زنان»، *خانواده‌پژوهشی*، دوره نهم، ش ۳۶، ص ۴۸۹-۵۰۶.
- حسین‌پور، محمدحسین و همکاران، ۱۳۹۴، «بررسی چگونگی ارتباط هوش معنوی و هوش هیجانی با سلامت روان در دانشجویان»، *دانش و تندرستی*، ش ۳۴، ص ۱۱-۱۷.
- حسین‌دخت، آرزو و همکاران، ۱۳۹۲، «رابطه هوش معنوی و بهزیستی معنوی با کیفیت زندگی و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۲۲، ص ۵۹-۷۷.
- حسینی سده، سیدمجتبی و علی فتحی آشتیانی، ۱۳۸۹، «بررسی رابطه بین رضایتمندی زناشویی و مدت زمان ازدواج در میان دانش‌پژوهان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)»، *روان‌شناسی و دین*، ش ۱۲، ص ۱۲۷-۱۴۴.
- حسینیان، سیمین و همکاران، ۱۳۹۰، «پیش‌بینی کیفیت زندگی معلمان زن براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی»، *مشاوره شغلی و سازمانی*، ش ۹، ص ۴۲-۶۰.
- خدابخشی کولایی، آناهیتا و همکاران، ۱۳۹۲، «ارتباط هوش معنوی با تاب‌آوری در برابر استرس و ترجیح روش زایمان در بین زنان باردار»، *زنان، مامائی و نازایی ایران*، ش ۱۶ (۱۵۸)، ص ۸-۱۵.
- دارنجانی، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۰، «نقش واسطه‌ای سبک‌های مقابله‌ای در رابطه هوش معنوی و رضایت از زندگی در زنان دارای مشکلات خانوادگی»، در: *دومین همایش ملی روان‌شناسی خانواده*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
- رحیم‌پور، فرزانه و همکاران، ۱۳۹۲، «تبیین رضایت زناشویی زوجین براساس هوش معنوی و طرحواره ناسازگار اولیه»، *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ش ۱۵، ص ۷۷-۹۰.
- ساتکین، مجتبی و همکاران، ۱۳۹۳، «پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس هوش معنوی و هوش هیجانی»، *علوم رفتاری*، ش ۱، ص ۲۹-۳۵.
- سراغی، همایون و محمدمهدی صفورایی پاریزی، ۱۳۹۸، «بازتعریف خانواده براساس قرآن و منابع روایی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی*، ش ۲، ص ۶۷-۹۵.

- سهرابی، فرامرز، ۱۳۸۷، «مبانی هوش معنوی»، *سلامت روان*، ش ۱ (۱)، ص ۲۳-۳۰.
- شفیعی، زهرا و رحمت‌الله محمدی، ۱۳۹۶، «پیش‌بینی کیفیت روابط زناشویی براساس ابعاد هوش هیجانی در زنان و مردان متأهل و همسرانشان»، *فرهنگی تربیتی زنان و خانواده*، دوره دوازدهم، ش ۴۱، ص ۹۱-۱۰۶.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی، ۱۳۸۸، *شاخص‌های خانواده کارآمد از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی*، رساله دکتری، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۲، «شاخص‌های خانواده کارآمد»، *پژوهش‌نامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۱۳، ص ۲۹-۵۸.
- صفورایی پاریزی، محمدمهدی و همکاران، ۱۳۹۴، «بازشناسی ساختار عاملی مقیاس اسلامی کارآمدی خانواده - فرم تجدید نظر شده»، *اسلام و پژوهش‌های روانشناختی*، ش ۳، ص ۱۰۱-۱۰۷.
- صلاحیان، افشین و همکاران، ۱۳۸۹، «برخی عوامل سازمانی مؤثر بر تعارض کار - خانواده، دانش‌پژوه رفتار»، *روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ش ۱۷ (۴۳)، ص ۲۱-۳۰.
- طالبی جویباری، مسعود، ۱۳۹۰، «رابطه هوش معنوی با رضایت از زندگی دانشجویان متأهل»، در: *دومین همایش ملی روان‌شناسی خانواده*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ص ۱۷-۱۹.
- طراوت، مریم، ۱۳۹۲، *رابطه تنظیم هیجانی و شادکامی والدین با عملکرد خانواده در کارمندان بهزیستی شهر شیراز*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی.
- علی‌اکبری دهکردی، مهناز، ۱۳۹۱، «رابطه بین هوش هیجانی و رضایت زناشویی در زوجین»، *علوم رفتاری*، دوره ششم، ش ۲، ص ۱۶۱-۱۶۹.
- علی‌دادی طایمه، فرشته و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه هوش معنوی با راهبردهای برخورد با تعارضات زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل شهر تهران»، *مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ش ۱۴، ص ۵۰۷-۵۲۸.
- غباری‌بناب، باقر و همکاران، ۱۳۸۶، «هوش معنوی»، *اندیشه نوین دینی*، ش ۳ (۱۰)، ص ۱۲۵-۱۴۷.
- فاطمی، سیدمحسن، ۱۳۸۵، *هوش هیجانی*، تهران، سارگل.
- فرامرزی، سالار و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال سوم، ش ۵، ص ۷-۲۴.
- کمال‌جو، علی و همکاران، ۱۳۹۵، «مدل علی تأثیرات هوش معنوی و اخلاقی بر روابط زناشویی با واسطه‌های شبکه‌های مجازی و رضایت زناشویی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره ششم، ش ۲۴، ص ۳۳-۶۱.
- گلمن، دانیل، ۱۳۸۳، *هوش هیجانی*، ترجمه نسرین پارسا، تهران، رشد.
- گنجی، حمزه، ۱۳۸۶، *روان‌شناسی عمومی*، تهران، ساوالان.
- محرابیان، طاهره و همکاران، ۱۳۹۵، «مقایسه هوش معنوی و ویژگی‌های شخصیتی (۵ عامل بزرگ) مردان معنادار و غیر معنادار استان ایلام»، *سلامت جامعه*، ش ۲۹، ص ۵۳-۶۱.
- مهبانیا خامنه، مهری و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی رابطه هوش هیجانی و رضایت زناشویی»، *روان‌شناسی*، ش ۳۹، ص ۳۰۸-۳۲۰.
- میردریگوندی، رحیم، ۱۳۸۸، *مقایسه هوش، هوش هیجانی و عقل از دیدگاه روان‌شناسی و منابع اسلامی و ساخت مقیاس سنجش عقل*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نورمحمدبخشانی، زهرا و دیگران، ۱۳۹۱، «بررسی قدرت پیش‌بین هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن بر میزان رضایتمندی زناشویی زوجین جوان»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی زابل*، دوره چهارم، ش ۴، ص ۱۹-۲۸.
- نوری ثمرین، شهرام و علیرضا نوری، ۱۳۹۵، «رابطه بین ابعاد کیفیت زندگی با هوش معنوی مؤلفه‌های آن در پرستاران زن شاغل در بیمارستان‌های اهواز»، *زن در فرهنگ و هنر*، ش ۴، ص ۵۲۹-۵۴۰.
- هوشیاری، جعفر و همکاران، ۱۳۹۵، «هنجاربایی مجدد پرسش‌نامه کارآمدی خانواده با استفاده از نظریه پرسش - پاسخ»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ش ۱۹، ص ۹۹-۱۱۷.

- Bagheri F, Akbarizadeh F, Hatami H., 2010, "The relationship between nurses' spiritual intelligence and happiness in Iran", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, N. 5, p. 1556-1561.
- Brillhart, B., 2005, "A study of spirituality and life satisfaction among persons with spinal cord injury", *RehabilNurs*, N. 30(1), p:31-34.
- Chlan, K. M., Zebracki, K., and Vogel, L.C., 2010, *Spirituality and life satisfaction in adults with pediatric-onset spinal cord injury*, Retrieved from: www.pubmed.com
- Emmons, R. A., 1999, *The psychology of ultimate concern: Motivation and spirituality in personality*, New York, The Guilford Press.
- Emmons, R. A., 2000, "Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition, and the psychology of ultimate concern", *The International Journal for the Psychology of Religion*, N. 10(1), p. 3- 26.
- Fabricatore, A; Handle, P & Fenzel, M., 2000, "Personal spirituality as a moderator between", *Journal of Psycholog and Theology*, N. 28(3), p. 221-228.
- Fitness J., 2001, "Emotional intelligence and intimate relationships", in J. Ciarrochi, JP. Forgas & JD. Mayer (eds.), *Emotional intelligence in everyday life*, (p. 98-112), PA, Psychology Press.
- Fizer, M. (2001). EQ and marital satisfaction. Personal mastery in imi emotional intelligence site. <http://www.imi.org>.
- Gardner, H., 1983, *frames of mind: the theory of multiple Intelligence*, New York, Basic book.
- Goleman D. (1998). Emotional intelligence; why it can matter more than IQ. New York: Bantam books; pp.55-68.
- King, D., 2008, *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model and measure Applications of modeling in the Natural and social sciences program*, Trent University, Canada.
- King, D.B. & T. L. DeCicco, 2009, "A viable model and self-report measure of spiritual intelligence", *The International Journal of Transpersonal Studies*, N. 28, p. 70-71.
- McMullen, B. (2003), Spiritual Intelligence, www.Studentbnj.com
- Okulicz-Kozaryn, A. (2009). Religiosity and Life Satisfaction. Institute for Quantitative Social Science, Harvard University.
- Saundra HS, Hughey AW, 2003, "African American Women at Mid life: The Relationship between Spirituality and life Satisfaction", *Journal of African American Women*, N. 18(2), p. 133-147.
- Schutte, N. S., Malouff, T. M, Bobik, C., Coston, T. D., Greeson, C., Jedlicka, C., Jedlicka, C., Rhodes, E., Wendorf, G., 2001, "Emotional intelligence and interpersonal relation", *The Journal of Social Psychology*, N. 141(4), p. 523-536.
- Shalon J., 2007, *The mediating role of God attachment between religiosity and spirituality and psychological adjustment in young adults*, American, Columbus: School of Ohio, the State University.
- Smith, L. Ciarrochi, J. & Heaven, C. L., 2008, "The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one year longitudinal study", *Personality and Individual Differences*, N. 45, p. 738-743.
- Stevens, B., 1996, "What about spiritual intelligence?", *St. Mark's Review*, N. 167, p. 19-22.
- Tabachnick, B. G., & Fidell, L. S., 2007, *Using multivariate statistics* (5th ed.), Boston, Allyn & Bocon.
- Vaughan F., 2000, "What is spiritual intelligence?", *Journal of Humanistic Psychology*, N. 42, p. 16-33.
- Zohar D, Marshall I., 2000, *SQ: Spiritual intelligence the ultimate intelligence*, 1st ed, London: Bloomsbury.

The Relationship between Spiritual Intelligence and Family Efficiency; the Moderating Role of Emotional Intelligence

✉ **Ja'far Hushyari** / PhD in the Qur'an and Psychology, Al-Mustafa International University

j.houshyari.yahoo.com

Hassan Taqiyani / Assistant Professor, Department of Psychology, the Humanities Center, Al-Mustafa International University

Taghian@gmail.com

Mahnaz Muhseni / BA in Psychology, Bint Al-Huda Center for Higher Education, Al-Mustafa International University

mz.muhseni049@gmail.com

Ma'soumeh Halimi / BA in Psychology, Bint Al-Huda Center for Higher Education, Al-Mustafa International University

m.entezar2014@gmail.com

Received: 2019/06/07 - **Accepted:** 2019/08/31

Abstract

Considering the importance of recognizing the variables that determine and influence family efficiency, this descriptive and correlational study was conducted with the aim of investigating the moderating role of emotional intelligence in the relationship between spiritual intelligence and family efficiency. The statistical population consisted of all the male and female students of Al-Mustafa International University, 120 of whom were randomly selected and answered three questionnaires: Spiritual Intelligence (SISRI), Emotional Intelligence (CSE) and Family Efficiency (S. FEQI). Data was analyzed using Pearson and discriminant correlation coefficients. The results showed that there is a positive relationship between emotional intelligence and family efficiency, as well as a positive relationship between spiritual intelligence and family efficiency only in the subset of personal meaning production. The discriminant correlation coefficient showed that emotional intelligence modulates the relationship between the personal meaning production subcomponent of spiritual intelligence and family efficiency. Based on the findings of this study, it can be argued that the relationship between spiritual intelligence and family efficiency is not a simple linear relationship, and emotional intelligence affects this relationship as a moderating variable.

Keywords: spiritual intelligence, emotional intelligence, family efficiency.

Religiosity and Tolerance; The Mediating Role of Hope

Roqayeh Zeinabi / MA in Psychology, Islamic Azad University, Qom Branch, Iran

rzeynabi59@gmail.com

 **Mobin Salehi** / Assistant Professor at Tolu'e Mehr Higher Education Institute, Qom

mobinsalehi@yahoo.com

Received: 2019/05/09 - **Accepted:** 2019/08/25

Abstract

The aim of this study was to investigate the mediating role of hope in the relationship between religiosity and resilience. To achieve this goal, 375 students at the Islamic Azad University of Qom were selected for a descriptive correlational study using available sampling. Data was collected using the Connor and Davidson Resilience Scale (CD-RIS-25), the Snyder Hope Scale, and the Gluck-Stark Religious Attitudes Scale. The research data was analyzed using SPSS 22 and AMOS 22 software through Pearson correlation coefficient, multivariate regression and path analysis. The findings confirmed the mediating role of hope in the relationship between religiosity and resilience. They also showed that there is a positive and significant relationship between hope and resilience. On the other hand, religiosity and hope and all its dimensions have a positive and significant relationship with each other and, according to the results of this study, there is a positive and significant relationship between tolerance and religiosity and all its dimensions; i.e., resilience increases with the rise of religiosity in individuals. Therefore, in order to increase people's resilience through religiosity, it is better to use the component of hope existing in religious content.

Keywords: religiosity, resilience, hope, mediating role.

A Psychological Review of the Personality of Martyr in the Ode to “Our Martyrs” by Farooq Joydeh Based on Maslow's Theory

Sakineh Muhebbkhan / PhD in Arabic Language and Literature, Kashan University

smoebby@yahoo.com

✉ **Muhsen Seifi** / Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Kashan University

motaseifi2002@yahoo.com

Mustafa Javanroudi / Assistant Professor of Arabic Language and Literature, Payam-e-Noor University

mjavanrudy@yahoo.com

Received: 2019/07/16 - **Accepted:** 2019/12/14

Abstract

As one of the new branches of psychological review, personality psychology has a great impact on understanding text and discovering their symbols and codes. The three characters playing a role in Farooq Joydeh's ode "Our Martyrs" are: the martyrs, the oppressed people and the Arab leaders. With their idealistic and transcendent personality, the martyrs consciously sacrificed themselves in order to achieve their lofty goals. Their most basic needs, i.e. physiological needs, safety, love, belonging, and respect, have to some extent been met and they have now reached the last level of needs: need for self-fulfillment, B-needs or meta-motivation, unlike the other two characters who have stopped in the lower levels and have appeared in society as unfulfilled, passive and dysfunctional individuals, motivated by D-needs, deficiency and deprivation (D-). Through psychoanalytic critique and by comparing the characters in the ode based on Abraham Maslow's psychological theory and hierarchy of needs, the authors of this article intend to study the characteristics of the figures influential in the ode.

Keywords: contemporary Arabic poetry, Farooq Joydeh, Our Martyrs, psychoanalytic review, Abraham Maslow.

The Role of Islamic Optimism, Self-Esteem and Life Satisfaction in Predicting Happiness

✉ **Hussein Reza'yian Belandi** / PhD Student of Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research h.rezaeiyan60@gmail.com

Ma'soomeh Isma'ili Mo'akher / Level 3 of Islamic Education, Jameat al-Zahra Seminary School

m.golenarges10@gmail.com

Ali Bayat / PhD Student of Psychology, Hawza and University Research Institute abayat@rihu.ac.ir

Received: 2020/01/04 - **Accepted:** 2020/05/06

Abstract

The aim of this study was to investigate the relationship of optimism, self-esteem and life satisfaction with happiness. The research design was descriptive and correlational. In the academic year 2017-2018, 356 students in Qom, selected through convenience sampling method, responded to Noori's Optimism Scale, Rosenberg's Self-esteem Scale (RSES), Diner's Life Satisfaction Scale (SWLS) and Oxford's Happiness Inventory (OHI). For data analysis, correlation test and stepwise multiple regression analysis were used. Findings showed that there is a positive and significant relationship between all the predicting variables and their components with happiness. The results of regression analysis showed that the subcomponents of attention to positive aspects of life and positive expectations of Islamic optimism and variables of life satisfaction and self-esteem account for a total of 55% of the variance in happiness. These findings well illustrate the important role of optimism, self-esteem and life satisfaction in predicting happiness.

Keywords: Islamic optimism, positive thinking, self-esteem, life satisfaction, happiness.

Investigating the Mediating Role of Alexithymia in the Relationship between Perception of God and Marital Satisfaction in Married People

✉ **Maliheh Rahimi** / BA in Clinical Psychology, Family Therapy, Shahid Beheshti University

malihehrahimi_psy@yahoo.com

Ali Zadehmuhammadi / Associate Professor, Department of Basic Studies, Family Research Institute,
Shahid Beheshti University

dr.zadeh@gmail.com

Baqir Ghobari Bonab / Professor at the Department of Psychology and Education of Exceptional
Children, University of Tehran

bghobari@ut.ac.ir

Received: 2019/04/24 - **Accepted:** 2019/09/05

Abstract


The aim of this study was to determine the mediating role of alexithymia in the relationship between the perception of God and marital satisfaction in married people. For this purpose, 395 married people living in Tehran (198 females, 197 males) in 1397-98 were selected as the statistical sample through availability sampling method and responded to Mazaheri et al.'s Perception of God Scale (2005), Bagbi et al.'s Alexithymia Scale (1994), and Olson et al.'s Marital Satisfaction Scale (1989). The final results of structural equation modeling showed that alexithymia plays a mediating role in the relationship between perception of God and marital satisfaction in married people. In addition, there was a positive and significant relationship between perception of God and marital satisfaction, a negative and significant relationship between perception of God and alexithymia, and a negative and significant relationship between alexithymia and marital satisfaction. In general, the findings of the study indicate that a positive perception of God increases the marital satisfaction of married people by reducing the symptoms of alexithymia. In other words, reduction in the symptoms of alexithymia can better explain the relationship between perception God and marital satisfaction.

Keywords: perception of God, marital satisfaction, alexithymia.

Predicting Ethical Foundations Based on Religious Commitment and Reflection and the Dark Triad of Personality

Mino Yekita / MA Student of General Psychology, Islamic Azad University, Varamin Pishva Branch

yekitamino@gmail.com

 **Naser Aqababaei** / Assistant Professor of the Behavioral Psychology Department, Research Institute for Humanities Development

naseragha@gmail.com

Maryam Behnam Moradi / PhD in Health Psychology, Islamic Azad University, Varamin Pishva Branch

Received: 2019/06/02 - **Accepted:** 2019/08/27

Abstract

While introducing a new model of religious orientation called "rotational religious orientation", this article investigates the role of religious commitment and reflection and the dark triad of personality (i.e., narcissism, Machiavellianism, and anti-socialism) in predicting the ethical foundations of a group of students. 190 students, selected through non-random availability sampling, answered the "Ethical Foundations Questionnaire", "the Dirty Dozen Scale of Personality", and the "Rotational Religious Orientation Scale". Findings showed that the ethical foundation of fairness / retaliation can be predicted by the social religious orientation; the ethical foundation of power / respect can be predicted by the religious orientations of centrality and benefit; and the ethical foundation of purity can be predicted by the religious orientations of centrality, benefit, and doubt and anti-social personality. The religious orientation of centrality was negatively correlated with anti-social and Machiavellian personality traits. There was a negative relationship between personal religious orientation and anti-social personality trait. The religious orientation of coercion was positively correlated with the anti-social personality trait. These findings suggest a complex relationship between religious ethics and personality.

Keywords: ethical foundations, religious commitment and reflection, the dark triad of personality.

Developing a Treatment Protocol using "Spiritual-Religious" Design for the Couples Asking for Divorce and its Effectiveness on Improving Coping Strategies and Marital Intimacy

✉ **Fatemeh Bayanfar** / Assistant Professor at the Faculty of Psychology and Educational Sciences, Payam-e Noor University, Tehran, Iran
f. bayanfar@pnu. ac. ir

Ali Parimi / Assistant Professor at the Faculty of Theology, Payam-e Noor University of Tehran, Iran
parimi@se. pnu. ac. Ir

Received: 2019/09/13 - **Accepted:** 2020/01/19

Abstract

Divorce is the most reliable indicator of marital turmoil. Teaching intimate relationship patterns and effective coping strategies, especially through a spiritual-religious approach, can reduce the level of marital conflict and prevent divorce. The purpose of this study was to develop a "spiritual-religious" treatment protocol and evaluate its effectiveness in improving coping strategies and marital intimacy and reducing the likelihood of divorce. The sample included 16 divorce-seeking couples who had referred to counseling centers in Tehran to resolve their marital disputes. The research instruments were Lazarus and Folkman's Coping Strategies Scale, Oliya et al.'s Marital Intimacy Scale and the Spiritual-Religious Treatment Protocol. The experimental group underwent "spiritual-religious" treatment for 16 sessions of 120 minutes twice a week. The results showed a significant difference between the scores of the two groups at the level of $P < 0.05$. The effect size was large and significant for group differences. Therefore, the "spiritual-religious" treatment is an effective strategy in improving coping styles and marital intimacy in couples and can be used as an effective treatment method to reduce the likelihood of divorce.

Keywords: treatment plan, spiritual-religious, coping strategies, marital intimacy, divorce.

Development and Validation of a Questionnaire on the Perception of God Based on Divine Names in the Qur'anic Verses and Hadiths

✉ **Ahad Omid** / PhD Student of Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research

omidi.ahad@gmail.com

Hamid Rafi'i Honar / Assistant Professor, Department of Psychology, Institute of Islamic Sciences and Culture

hamidrafii2@gmail.com

Muhammad Naser Saqqay-e Biriya / Assistant Professor, Department of Educational Sciences, the Imam Khomeini Institute for Education and Research

biria1390@gmail.com

Received: 2020/05/08 - **Accepted:** 2020/08/22

Abstract

This research has been conducted with the aim of preparing and constructing a questionnaire on perception of God based on Divine Names in verses and hadiths and determining its psychometric properties (reliability and validity). The research methods included content analysis and survey. The statistical population included seminary students, students of the University of Applied Sciences, teachers employed by the ministry of education, and members of the Shiraz-Kovar Basij Resistance Base in 2019. 367 people were selected using stratified random sampling. To evaluate the validity of the content of the findings, each item with a minimum CVR of 0.62 and above and a CVI index of 0.79 and above was confirmed. The result of the obtained convergent criterion validity between the scale developed in this study and the equivalent scale was 0.820, which was significant at the level of 0.01. The construct validity was obtained through factor analysis (five factors: "being a helper", "being compassionate-forgiving", "being a benefactor-nourisher", "being a creator-being powerful" and "being knowledgeable", respectively. The reliability of the scale was 0.95 in the retest test method and 0.85 in the split half method; the value of Cronbach alpha coefficient of the whole scale was 0.94 and the alpha factor was 0.81 for being a helper, 0.80 for being compassionate-forgiving, 0.77 for being a benefactor-nourisher, 0.75 for being a creator-being powerful, and 0.80 for being knowledgeable. Therefore, the obtained results indicate the fact that the perception of God scale can be used in research.

Keywords: perception of God, the Divine Names, the verses and narrations, questionnaire, Islamic psychology.

Abstracts

Development and Validation of an Initial Questionnaire on the Value of Children Based on Islamic Sources

Seyyed Isma'il Alavi / PhD Student of Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research
alavi@iki.ac.ir

✉ **Ali Abu Turabi** / Assistant Professor, Department of Psychology, the Imam Khomeini Institute for Education and Research
aliabootorabi@yahoo.com

Received: 2020/09/13 - **Accepted:** 2020/12/15

Abstract

The purpose of this study is to present an initial questionnaire on children's value based on Islamic sources and to determine its psychometric properties (reliability and validity). Content analysis was used to extract children's value components and survey method was used to examine the characteristics of the questionnaire. In content analysis, the teachings of religion were collected, classified and analyzed, and finally four components were extracted from Islamic sources. In the survey method, the validity and reliability of the questionnaire was investigated by selecting from a sample of 112 married men and women referring to family counseling booths in Tehran. Findings showed that the initial questionnaire of children's value has the required validity in terms of content, criterion and construct. In investigating content validity, components with a CVI index of 0.86 and above were approved (intrinsic value, security, growth and excellence, and enjoyment). Also, items with a CVI index of 0.86 and above were approved. The reliability of this questionnaire, calculated by Cronbach's alpha, was 0.964.

Keywords: children value, questionnaire, Islamic sources, reliability, validity.

Table of Contents

Development and Validation of an Initial Questionnaire on the Value of Children Based on Islamic Sources / Seyyed Isma'il Alavi / Ali Abu Turabi	7
Development and Validation of a Questionnaire on the Perception of God Based on Divine Names in the Qur'anic Verses and Hadiths / Ahad Omid / Hamid Rafi'i Honar / Muhammad Naser Saqqay-e Biriya.....	21
Developing a Treatment Protocol using "Spiritual-Religious" Design for the Couples Asking for Divorce and its Effectiveness on Improving Coping Strategies and Marital Intimacy / Fatemeh Bayanfar / Ali Parimi.....	41
Predicting Ethical Foundations Based on Religious Commitment and Reflection and the Dark Triad of Personality / Minoo Yekita / Naser Aqababaei / Maryam Behnam Moradi	63
Investigating the Mediating Role of Alexithymia in the Relationship between Perception of God and Marital Satisfaction in Married People / Maliheh Rahimi / Ali Zadehmuhammadi / Baqir Ghobari Bonab	79
The Role of Islamic Optimism, Self-Esteem and Life Satisfaction in Predicting Happiness / Hussein Reza'yian Belandi / Ma'soomeh Isma'ili Mo'akher / Ali Bayat.....	97
A Psychological Review of the Personality of Martyr in the Ode to "Our Martyrs" by Farooq Joydeh Based on Maslow's Theory / Sakineh Muhebkah / Muhsen Seifi / Mustafa Javanroudi.....	113
Religiosity and Tolerance; The Mediating Role of Hope / Roqayeh Zeinabi / Mobin Salehi.....	131
The Relationship between Spiritual Intelligence and Family Efficiency; the Moderating Role of Emotional Intelligence / Ja'far Hushyari / Hassan Taqiyani / Mahnaz Muhseni / Ma'soomeh Halimi.....	149

In the Name of Allah

Ravanshenasi va Din

A Quarterly Journal of Psychological inquiry

Vol. 15, No. 1

Spring 2022

Concessionary: *Imam Khomeini Educational and Research Institute (IKI)*

Manager: *Mohammad Naser Saqaie Bi-Ria*

Editor in chief: *Mohammad Reza Ahmadi*

Executive manager: *Amir Hosein Nikpour*

Editorial Board:

- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Mohammad Reza Ahmadi.** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Ali Reza Arafii.** *Associate Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Qulam Ali Afruz.** *Professor, Tehran University*
- ▣ **Dr. Muhammad Karim Khoda panahi.** *Professor, Beheshti University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. M. J. Zarean.** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. N.Saghaye Biria.** *Assistant Professor, IKI*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Dr. Abas Ali Shameli.** *Assistant Professor, Mustafa International University*
- ▣ **Hujjat-ul Islam Seyyid Muhammad Qaravi.** *Assistant Professor, Research Institute of Hawza Wa Danishgah*
- ▣ **Dr. Ali Fathi Ashtiani.** *Professor, Baqiat Allah Medical University*

Address:

IKI

Jomhori Eslami Blvd
Amin Blvd., Qum, Iran

PO Box: 37185-186

Tel: +982532113480

Fax: +982532934483

<http://nashriyat.ir/SendArticle>

www.iki.ac.ir & www.nashriyat.ir